رسالهٔ استفتاءات

جلد اوّل

مطابق با فتوای

آیة‌الله العظمی حاج سیّد صادق شیرازی (دام ظلّه)

با اصلاحات و اضافات جدید

بسم الله الرحمن الرحيم

رسالۀ استفتاءات/

رساله استفتاءات

ناشر: .....

چاپ: ..... دوم

شمارگان: .....

نوبت و سال انتشار: .....

ناظر چاپ: .....

قیمت: .....

شابک: .....

حروفچینی و صفحه آرایی: .....

فهرست مطالب

فهرست مطالب ۵
مسائل اعتقادی ۹
اجتهاد و تقلید ۳۰
طهارت ۳۴
نجاسات ۳۸
وضو ۴۰
غسل ۴۴
استحاضه، حیض و نفاس ۴۹
تیمم ۵۱
مسائل و احکام اموات ۵۴
نماز ۵۹
نماز و روزهٔ مسافر ۶۷
نماز قضا ۷۴
نماز و روزهٔ استیجاری ۷۶
نماز جماعت ۷۸
نماز جمعه ۸۲
مسائل متفرقهٔ نماز ۸۴
مسجد ۹۷
رؤیت هلال ۹۹

روزه ۱۰۵
قضا و کفّارهٔ روزه ۱۱۱
اعتکاف ۱۱۸
خمس ۱۲۶
مصرف وجوهات ۱۵۸
زکات ۱۶۳
حج ۱۶۹
امر به معروف و نهی از منکر ۱۸۰
تولی و تبرّی ۱۸۴
خرید و فروش ۱۸۶
خیارات ۱۹۷
مسائل متفرقهٔ خرید و فروش ۲۰۱
شراکت ۲۱۷
شرکتها ۲۲۱
شُفعه ۲۲۴
مضاربه ۲۲۷
صلح ۲۲۹
اجاره ۲۳۱
جُعاله ۲۳۳
وکالت ۲۳۵
هبـه ۲۳۷
صدقه ۲۴۴
قرض و رهن ۲۴۶
بلوغ ۲۵۰

ضمان ۲۵۲
امانت ۲۵۹
عاریه ۲۶۱
ازدواج ۲۶۳
نفقه ۲۸۰
روابط زن و مرد ۲۸۴
حجاب ۲۸۶
رقص ۲۹۲
مسائل متفرقه ازدواج ۲۹۵
ازدواج موقت ۳۲۰
طلاق ۳۳۳
قمار ۳۴۶
غصب ۳۵۰
زمینهای موات ۳۵۲
لقطه: مالی که پیدا میشود ۳۵۷
ذبح شرعی حیوانات ۳۶۰
خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ۳۶۲
عهد، نذر و قسم ۳۶۸
وقف ۳۷۰
وصیت ۳۷۹
ارث ۳۸۸
قضاء ۴۱۶
دیه ۴۲۵
مسائل متفرقه ۴۳۲

مسائل قرآنی، دعاها، روایات و زیارات ۴۶۰
مسائل اجتماعی ۴۷۹
مسائل اخلاقی(آداب وسنن) ۴۸۳
مسائل مربوط به طلاب و حوزه ۴۹۴
مدایح و مراثی ۵۰۴
مسائل تاریخی ۵۱۹
نوروز ۵۲۳
صوتی و تصویری ۵۲۵
رایانه ۵۳۰
بانک‌ها (قرض و وام) ۵۳۴
مسائل متفرقه محرمات ۵۴۱

مسائل اعتقادی

۱: خلاصه اعتقاد صحیح چیست؟

جواب: در حدیث شریف است که حضرت عبدالعظیم حسنی عقائد خود را بر امام هادی علیه‌السلام عرضه داشت، و بعد از شهادت به وحدانیت خدا و عدل او، به رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و عصمت حضرت زهرا علیهاالسلام، امامت دوازده امام معصوم علیهم‌السلام از اهل بیت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، قیام قیامت، حساب، کتاب، شفاعت چهارده معصوم علیهم‌السلام، بهشت و دوزخ اعتراف نمود، آن گاه امام هادی علیه‌السلام فرمودند: به خدا سوگند که این عقاید یاد شده، دین من و دین پدرانم می‌باشد.

۲: چگونه می‌توان عظمت و قدرت خدا را بیشتر درک کرد؟

جواب: با تأمل و تفکر در جهان آفرینش و آنچه را که در زمین و آسمان و در وجود انسان آفریده است.

۳: برای رسیدن به محبت واقعی خدا چه باید کرد؟

جواب: ملتزم به انجام واجبات، ترک محرمات و خوش اخلاقی باشید و سعی کنید از دست و زبانتان کسی آزرده نشود. زیاد قرآن را تلاوت کرده و مواظبت بر

ادعیه ماثوره نمایید، راز و نیاز خصوصاً در سحرها پس از نافله شب با خدا داشته باشید.

۴: آیا شخصی که قائل به وحدت وجود باشد شامل این حدیث می‌شود که می‌فرماید: هر کس دانش دین خود را از غیر ما «اهل البیت» کسب کند مساوی است با انکار ما؟

جواب: در کتاب «**العروة الوثقی**» مرحوم سید محمد کاظم یزدی طباطبائی در بیان قسم هشتم از نجاسات، مسئله دوم فرموده است: «... **والقائلین بوحدة الوجود من الصوفیة اذا التزموا باحکام الاسلام فالاقوی عدم نجاستهم الا مع العلم بالتزامهم بلوازم مذهبهم من المفاسد**»، یعنی: قائلین به وحدت وجود از صوفیه، چنانچه ملتزم به احکام اسلام باشند، بنابر اقوی طهارت آنان است، مگر علم پیدا شود به التزام آنان به لوازم فاسده مذهب خود.

۵: در مورد شخص کریم، وعده او به ثواب قطعی است، حال با توجه به این که آخرت هنوز برپا نشده، آیا می‌توانیم بگوئیم این وعده‌ها به منظور ایجاد خوف و رجا برای تربیت و تکامل انسان بوده و در آخرت شاید به طور کامل «مخصوصاً در مورد عذاب‌ها» عملی نشوند؟

جواب: آنچه خدا وعده ثواب داده حق است و ابداً تخلف پذیر نیست ولی آنچه را تهدید به عقاب فرموده، ممکن است برای جهاتی یا اسبابی از برخی بندگانش ـ که آن جهات یا اسباب را دارا باشند ـ عفو و گذشت فرماید.

۶: آیا تمامی رخدادها و مشکلات، شادی‌ها و غم‌ها، و خلاصه تمامی کارها برنامه ریزی و تنظیم شده از طرف خدا است؟ و آیا خدا برنامه‌ای برای هر بنده از آغاز آفرینشش برای کمال او دارد یا خیر؟

جواب: خدای متعال بهترین برنامه‌ها را برای کمال انسانها مقرر نموده و در

قرآن مجید و بر زبان پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام بیان فرموده است. خدای متعال به آنچه بر انسان از خیر و شر وارد می‌شود عالم است، منتهی خود انسان است که این تقدیرات را به سوی خیر و یا شر جهت می‌دهد، و آن هم به واسطه فرمان بری یا نافرمانی‌اش از برنامه‌های آسمانی است.

۷: آیا می‌توان امیدوار بود که حق خویش را از کسی که به ما ظلم کرده و حقمان را نمی‌دهد در آخرت از او بخواهیم؟

جواب: البته می‌توان امیدوار بود و حتماً خدای متعال حق مظلوم را از ظالم گرفته و ستم دیده را راضی خواهد نمود.

۸: چرا خدای متعال یک نفر را سالم و دیگری را بیمار می‌آفریند که حتی نمی‌تواند بسیاری از کارهای خود را انجام دهد؟

جواب: بسیاری از این موارد به جهت مراعات نکردن اصول بهداشتی و آداب ازدواج است که اسلام سفارشات بسیاری در این رابطه دارد، و گاهی نیز بخاطر جهات و مصالح دیگری است که بملاحظه آن جهات عین عدالت است.

۹: در بسیاری از آیات قرآن (مثل آیات آخر سوره زلزال یا آیه ۳۰ سوره آل عمران) به این اشاره شده که انسان اعمال خود را می‌بیند. در این صورت، حکم گناهانی را که از آنها توبه کرده‌ایم و همهٔ اعمالی که (از خوب و بد) حبط و پاک شده‌اند چیست؟ آیا لطف خدا بیش از آن نیست که دیگر گناهان بخشوده شده را به انسان گوشزد نکند؟

جواب: در روایات شریفه آمده است: انسانی که از گناه خود پشیمان شود و توبه نماید، خدا توبهٔ او را می‌پذیرد و گناهان او را بخشیده و از ذهن ملائکه محو می‌نماید. حتی آثار آن را نیز از صفحه زمین و زمان و اعضاء و جوارح‌مان و

هرآنچه که مامور ثبت و ضبط هستند پاک می‌کند، تا دیگر احدی و یا گواهی نباشد تا علیه او شهادت به گناه و معصیت دهد.

۱۰: چرا باید خدا ذاتاً نامحدود باشد، و نمی‌توان خدایی داشت که ذاتاً ـ نعوذ بالله ـ محدود باشد؟

جواب: خدای محدود مانند بشر محدود، ناقص است، و خدای ناقص نمی‌تواند خالق کمالات لا متناهی باشد. اضافه بر آن از لحاظ علمی خدای محدود مستلزم تسلسل یا دور است و هر دوی آنها باطل و مخالف عقل است.

۱۱: از آیات و روایات برداشت می‌شود که جای کار و تکامل یافتن انسان دنیاست، و آخرت فقط جای دیدن نتیجه اعمال است؛ مثل آیه ۲۵۴ سوره بقره که می‌فرماید: ﴿یوم لا بیع فیه﴾ اما عده‌ای گفته‌اند که در آخرت هم بازار و تجارتی خواهد بود؛ که البته سرمایه مادی در کار نیست؛ کدام گفته درست است و معنی بسته شدن پرونده اعمال انسان هنگام مرگ چیست؟

جواب: در حدیث شریف است که: «دنیا جای کشت است و آخرت جای برداشت» و «امروز عمل است و فردا جزای آن». بنابراین هر کاری انسان بتواند انجام دهد در همین دنیا است، و در آخرت دیگر جای کار نیست؛ البته ثبت ثواب در عالم برزخ که با مرگ شروع می‌شود و به قیامت خاتمه می‌یابد، برای افرادی که صدقات جاریه یا فرزندان صالحی که برای آنان خیرات بکنند، از خود بجای گذاشته باشند بسته نیست.

۱۲: در روایات، گاهی اشاره به «اسم اعظم» خدا شده است، و در برخی

موارد، از صفات مختلف او به اسم اعظم یاد شده فضیلت اسم اعظم چیست و کدام یک از اسماء خدا، اسم اعظم است؟

جواب: اسم اعظم خدا بین دیگر اسماء او مخفی است، و احدی جز انبیاء و ائمه علیهم السلام و بعضی از اولیاء آن را نمی‌دانند، لذا نباید به دنبال آن باشیم، بلکه در صدد اطاعت خدا باشیم، که اطاعت خدا فضیلت اسم اعظم را دارد، و فضیلت اسم اعظم آن است که اگر خدا را با آن بخوانند مورد اجابت قرار می‌گیرد.

۱۳: گفته می‌شود قرب خدا تا حد زیادی معلول نظر و عطوفت آن کریم است، و کوشش شخص، بخش کوچکی از آن را شامل می‌شود. آیا این درست است؟ کمال ما و قرب به او تا چه حد در دست اوست و کوشش ما تا چه حد مؤثر است؟

جواب: قرآن مجید می‌فرماید: ﴿**وان لیس للإنسان الا ما سعی، وان سعیه سوف یری**﴾، (النجم/۳۹ و ۴۰) «نیست برای انسان مگر آنچه را که با سعی خود به دست آورده باشد، و به تحقیق که سعی خود را خواهد دید.»، بلی، انسانی که برای رسیدن به مطلبی سعی و تلاش می‌نماید باید از راه صحیح آن برود و از خدا هم بخواهد و دعا کند تا سعی و کوشش او را به ثمر برساند. و نیز قرآن مجید در آیه دیگر می‌فرماید: «هر که طالب دنیا است، دنیا را در کام هر که بخواهیم می‌گذاریم، سپس جهنم را برای او مقرر نموده که نکوهیده و رانده شده از رحمت خدا در آن می‌سوزد، و هر که آخرت را طالب باشد و برای آن تلاش نموده در حالی که مؤمن باشد سعی او پاداش داده خواهد شد» (اسراء/۱۸و ۱۹).

۱۴: در آیه ۵۶ سوره آل عمران، آمده که کافران هم در این دنیا و هم در

آخرت عذاب خواهند شد اما امروز می‌بینم که بسیاری از کافران، در دنیا در رفاه و سلامتند و ظاهراً عذابی نشده‌اند؟

جواب: عذاب دنیا فقط در این نیست که بلای ظاهری بر سر انسان فرود آید، بلکه عذاب دنیا ممکن است: عذاب وجدان وناراحتی درونی باشد، مخصوصاً با تعبیری که قرآن مجید فرموده است:

﴿**ولا اقسم بالنفس اللوامة**﴾ (القیام□/۲). و نفس لوامه «ملامت‌گر» دربارهٔ هر خلافی که انسان مرتکب می‌شود ملامت گری خود را شروع می‌کند چه رسد به خلافی بزرگ مانند کافر بودن.

۱۵: در معارف اسلامی می‌خوانیم، شفاعت به اذن خدا صورت می‌گیرد همچنانکه در آیه الکرسی آمده است، اما بعد از تشهد نماز می‌گوییم: «و تقبّل شفاعته في امته و ارفع درجته». اگر شفاعت به اذن خدا صورت می‌گیرد، دیگر چرا درخواست قبول شدن بکنیم؟ اگر خدا اذن به شفاعت می‌دهد، لابد مشیّتش بر قبول آن قرار گرفته است، آیا چنین نیست؟

جواب: این درخواست قبول در کلام عرب و بلاغت عربی به معنای: درخواست خود شفاعت است با مضمون ادبی و بلاغی، و به تعبیر روشن‌تر: دعا کردن برای خود ما است که رفتار و گفتارمان به صورتی باشد تا اینکه اهلیّت و لیاقت برای شفاعت پیامبرﷺ را داشته باشیم. و نیز این تعبیر مقابل تعبیر قرآن مجید است، آنجا که درباره مجرمین می‌فرماید: «**فما تنفعهم شفاعة الشافعين**»، (المدثر/۴۸). یعنی: شفاعت کنندگان آنان را سودی نمی‌بخشند، کنایه از این که آنان از بس بد هستند، لیاقت برای شفاعت احدی از شفعا را ندارند، و احدی هم آنان را شفاعت نمی‌کند.

۱۶: در آیه ۱۷۴ سوره بقره و نیز آیه۷۷ سوره آل عمران آمده است: آنان که حق را کتمان کرده و به بهای اندک می‌فروشند، از بسیاری مواهب اخروی محروم خواهند بود، و یکی از این مواهب تزکیه ذکر شده: «ولا یزکیهم» منظور از تزکیه در آخرت چیست؟ آیا ممکن است این باشد که خدا از روی لطف خاص خود، برخی ناپاکی‌های مؤمنین را پاک می‌گرداند؟

جواب: بلی، همین طور است، ولی فردی که نسبت به حق، وحی و آئین خدا قلب ناپاک و زبان دروغ‌گویی داشته باشد، لیاقت این را ندارد که مشمول لطف خاص خدا شود.

۱۷: در خداشناسی آمده که زمان بر خدا جاری نیست و از آن نتیجه می‌گیرند که حالات و افعال خدا زمان ندارند. آیا این درست است در حالی که به نظر می‌آید افعال خدا در زمان‌های مختلف، متفاوتند؟ و بالاخره افعال خدا با زمان تغییر می‌کنند یا نه، و اگر چنین است آیا این نشانگر جریان زمان بر او نیست؟

جواب: خدای متعال خالق زمان است و فوق زمان، لذا زمان نیز مانند دیگر مخلوقات تحت تسلط ذات اقدس حق تعالی است و نه مسلط به او.

اما نتیجه گیری که در سؤال آمده صحیح نیست، زیرا اولاً: تغییر حالات نسبت به خدا درست نیست، چرا که حالات نشانهٔ تغیّر است، و تغیر در خدا محال است.

وثانیاً: افعال خدا زمان ندارد نیز صحیح نیست، چرا که افعال خدا مخلوق خداست، و خدای متعال مرید و حکیم است، و هر وقت حکمت او اقتضا کند اراده می‌فرماید و فعل او که مخلوق باشد متحقق می‌گردد، بنابراین افعال خدا که

عبارت از مخلوقات خدا است زمان دارد. و به همین جهت است که علمای کلام صفات پروردگار را بر دو قسم می‌دانند:

۱. صفات ذات که فوق زمان و مکان و تغییر پذیر نیست.

۲. صفات افعال که مانند خود زمان و مکان است و در زمان و مکان واقع می‌گردد.

۱۸: چگونه می‌شود انسان خدا را همیشه ناظر اعمال خود ببیند، و از این که خدا او را می‌بیند، حیا کند و در نتیجه تقوا پیشه کند؟

جواب: مولای متقیان علی علیه‌السلام می‌فرماید: «**اتقوا معاصي الله في الخلوات فان الشاهد هو الحاكم**»؛ از معصیت نمودن خدا بترسید (تقوا پیشه کنید) در خلوتگاه‌ها، زیرا همو که شاهد است، انسان را محاکمه می‌کند» پس انسان باید بداند که خدا در خلوت و جلوت ناظر بر تمام اعمال او است و خود او انسان را محاکمه می‌کند و امکان تزویر و دروغ نیست، و نیز با تأمل در آیات قرآنی که می‌فرماید: ﴿**وما يخفى على الله من شيء في الارض ولا في السماء**﴾، (ابراهیم/۳۸)، ﴿**قل إن تخفوا ما في صدوركم أو تبدوه يعلمه الله**﴾، (آل عمران/۲۹)، و ﴿**يعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور**﴾، (غافر/۱۹)، و ﴿**يومئذ تعرضون لا تخفى منكم خافية**﴾، (الحاقة/۱۸)، و ﴿**ويعلم ما تخفون وما تعلنون**﴾، (النمل/۲۵).

۱۹: آیا پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله شهید شدند؟

جواب: بلی، طبق روایات اهل بیت علیهم‌السلام شهید شده‌اند.

۲۰: در مورد امتحانات الهی در فراز و نشیب‌های دنیا، علل مختلفی از جمله: خالص شدن افراد و به فعلیّت رساندن بالقوّه‌ها ذکر شده که در آیات ۱۴۰ تا ۱۴۲ سوره آل عمران اشاره شده است. اما در همین آیات نیز آمده: ﴿ولیلعم الله الذین آمنوا﴾ و همچنین ﴿ولمایعلم الله الذین جاهدوا﴾، یعنی: تا خدا آنان را که ایمان آورده و جهاد کرده‌اند را بشناسد! این چگونه با این اعتقاد که خداوند همه چیز را می‌داند جمع می‌شود؟

جواب: مقصود از ﴿**لیعلم**﴾ و نیز ﴿**ولما یعلم**﴾ در این دو آیه این است که معلومِ خدای متعال در خارج واقع می‌شود، یعنی ایمان شخص و جهادش در خارج حاصل می‌شود نه این که خدا ـ العیاذ بالله ـ جاهل بوده بعد عالم می‌شود. (تقریب القرآن، ج ۱، ص ۳۹۷)

۲۱: از آیه ﴿اطیعوا الله واطیعوا الرّسول واولي الامر منکم﴾، استفاده می‌شود که اطاعت أولی الأمر در رتبه و اهمیت، مثل اطاعت خدا و رسول ﷺ است. اما اگر این طور است، چرا در آیات دیگر (مثل آیه ۳۲ آل عمران و آیات دیگر) اولی الأمر ذکر نشده‌اند؟ یعنی اگر در تمام موارد اطاعت از اولی الأمر مثل اطاعت رسول است، چرا فقط در یک آیه آمده آیا این نشانگر یک نوع تخصیص در این مورد نیست، یعنی فقط در بعضی موارد اطاعت اولی الامر مثل اطاعت خدا و رسول ﷺ است؟

جواب: آیات قرآن مجید به صورت متفرق و در مناسبت‌های مختلف بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است، و بدیهی است که هر مناسبتی حکم خاص آن مناسبت را اقتضا می‌کند، مثلاً آیه ۳۲ آل عمران هنگامی نازل شد که گروهی نزد پیامبر آمده و عرضه داشتند: یا رسول الله ما شما را دوست می‌داریم. آیه مبارکه

در جواب آنان فرمود: «ادعای دوستی به تنهایی کافی نیست، بلکه علامتی دارد و آن پیروی از پیامبر (محبوب) است و پیروی به اطاعت محقق می‌شود. مفسران در اینجا بیان داشتند منظور: اطاعت از پیامبر است و ذکر اطاعت خدا برای اهمیت مطلب بیان شده است زیرا اطاعت پیامبر، اطاعت خدا است.

بنابراین قرآن تداوم اطاعت خدا و رسول را در اطاعت از اولی الامر معصوم می‌داند، و خواهان این تداوم است. بنابراین چگونه می‌توان ادعا کرد که در اطاعت از او تخصیص قائل شده است؟

۲۲: آیا پیغمبر اکرمﷺ معراج جسمانی داشتند یا روحانی؟ عبارت معراج روحانی در دعای مبارک ندبه چگونه قابل توجیه است؟

جواب: آیه اول سورهٔ مبارکهٔ اسراء بیان گر این است که: معراج پیامبر اکرمﷺ هم جسمانی بوده و هم روحانی، و برخی از علما عبارت دعای ندبه را با این جمله: «**وعرجت به الی سمائك**» تصحیح کرده و بعضی دیگر عبارت: «**و عرجت بروحه**» را تفسیر نموده و گفته‌اند یعنی: توسط روح رسالت و پیامبری که مخصوص پیامبر اکرمﷺ است، آن حضرت با جسم و جان به آسمان عروج فرمودند. و به اصطلاح علمی این لقب است و مفهوم سلبی نسبت به «جسم» ندارد.

۲۳: چرا ما انسانها به امام معصومعليه‌السلام نیازداریم؟

جواب: شبیه این سؤال را شاگرد امام صادقعليه‌السلام هشام بن الحکم پاسخ گفته و امام صادقعليه‌السلام تحسین فرمودند. هشام به شخصی که ضرورتی برای وجود امام معصومعليه‌السلام نمی‌دید گفت: آیا شما چشم داری؟

گفت: آری.

هشام: با آن چه می‌کنی؟

گفت: با آن اشیاء را می‌بینم.

هشام: گوش داری.

گفت: آری.

هشام: با آن چه می‌کنی؟

گفت: صداها را گوش می‌دهم.

و همچنین از بقیه اعضاء و جوارح او سؤال کرد و او جواب داد.

تا بالاخره به او گفت: قلب (یعنی عقل و ادراک) داری؟

گفت: آری.

هشام: با آن چه می‌کنی؟

اگر برای اعضاء و جوارحم چیزی مبهم بماند برای تشخیص آن به قلبم مراجعه می‌کنم.

هشام: اگر خدای تعالی برای مجموعه بدن تو یک امام قرار داده که هنگام مشتبه شدن امور به آن برگردی و استعلام نمائی، پس چگونه خدای تعالی برای مجموعه بشر امامی معصوم قرار ندهد که هنگام اختلاف و مشتبه شدن امور به او مراجعه نمایند؟

۲۴: هنگام بحث در مورد اختلاف رفتاری ائمه علیهم السلام که مثلاً یکی جنگ کرد و دیگری صلح نمود، می‌گویند که همه اینها به خاطر شرایط حاکم بر آن زمان بوده و هر امامی که در آن شرایط بود، آن کار را می‌کرد. اما گاهی احساس می‌شود که گویی امامان ما هیچ فرقی با هم نداشتند در حالی که دو اثر انگشت انسانها یکی نیست چه برسد به خودشان، در نتیجه کدام موارد را می‌توان با تفاوت‌های شرایط زمانه توضیح داد و در چه مواردی باید اعتراف کرد که بالاخره مثل دو انسان جدا، تفاوت‌هایی با هم داشته باشد؟

جواب: طبق روایات شریفه، چهارده معصوم علیهم السلام نور واحدی هستند، و آنچه رسول الله صلی الله علیه و آله دارا هستند بقیه نیز دارند جز نبوت؛ بلی در فضیلت، رسول الله صلی الله علیه و آله افضل هستند و بعد امیرالمؤمنین علیه السلام وبعد فاطمه زهرا علیها السلام و سپس اولاد آنان، بنابراین در اخلاق، رفتار، تدبیر و حکمت در منتهای عقل و اندیشه عمل می‌کنند، اضافه به اینکه در روایات شریفه هست که خدای متعال توسط جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده پروندهٔ مهر و موم شده آورد که تعلّق به یکایک ائمه اطهار علیهم السلام داشت و آنچه به صلاح دین و دنیای مردم است به آنان سفارش شده بود.

۲۵: علم جفری که مربوط به حضرت علی علیه السلام است، چیست؟

جواب: «الجفر الجامع» نام کتابی است که نزد ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد ـ اصول کافی ج ۱ ص ۱۸۶ ـ و آن غیر از جفری است که به عنوان یکی از علوم غریبه نزد بعضی‌ها می‌باشد، زیرا آن ارتباط به امامت دارد و صحیح است ولی این قابل اعتماد نمی‌باشد و شرعاً هم اعتماد بر آن جایز نیست.

۲۶: در دعای ندبه آمده که: «بنفسي انت من تلاد نعم لا تضاهی» معنی «تلاد نعم لا تضاهی» چیست؟

جواب: یعنی جانم فدایت باد که تو از نعمت‌های قدیم و خاص خدا هستی که مانند نداری.

۲۷: کلمه «عین» در دعای «اللّهم کن لولیك... ودلیلاً وعینا ...» یعنی چه؟ در زیارت روز جمعه که می‌گوییم: «السلام علیك یا عین الله في خلقه» چطور؟

جواب: «عین» به معانی مختلفی آمده و در این دو مورد به دو معنی ذکر شده

است؛ عین اولی در دعای فرج به معنی: دیده‌بان و مرادف با راهنما است و عین دوم در زیارت روز جمعه به معنی: چشم بیدار و رقابت گر خدا بین خلق و بندگان خدا است.

۲۸: زمانی که امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه ظهور می‌کنند، چه اشیائی از اجداد خود به همراه دارند و علت هر کدام چیست؟

جواب: روایات شریفه دلالت دارد بر این که وقتی حضرت ظهور می‌کنند نشانه‌هایی از پیامبران و اجداد خود و وسائلی از آنان به همراه دارند، که خلاصه آن چنین است:

از سلیمان علیه‌السلام انگشتر به همراه دارد تا ثابت کند کل جهان را مالک خواهد شد.

و از موسی علیه‌السلام عصا و ید بیضا به همراه دارد تا ثابت کند که دارای معجزه نیز می‌باشد.

و از عیسی علیه‌السلام زنده کردن مردگان را به ارث دارد تا ثابت کند او نیز دارای ولایت تکوینی است.

و از جدّ خود پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله عمامه «سحاب» و ناقه «عضباء» را به همراه دارد تا ثابت کند او فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است. و همچنین از ایشان خلق نکو وسیرهٔ طیبه به ارث دارد تا ثابت کند همو است تنها وارث عدل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که زمین را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

و از جد خود امیر المومنین علیه‌السلام ذوالفقار را همراه دارد تا ثابت کند که او فرزند حضرت و وارث همان شجاعت و دلیری است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام داشت، و غلبه و پیروزی همیشه از آن او خواهد بود.

و از مادر خود فاطمه زهرا علیهاالسلام «مُصحف فاطمه» را به همراه دارد تا ثابت

کند او از فرزندان آن حضرت و منتسب به پیامبر خدا از راه او است. و اینکه علوم و دانش‌های اولین و آخرین را به همراه دارد، و برای گسترش علم و دانش، قسط و عدل، اخلاق و انسانیت، خوشی و خوشبختی بر روی کره زمین آمده است. به امید آن روز، آمین یا رب العالمین.

۲۹: کمک و وظایف ما نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

جواب: همگی دعا کنند و فرج آقا را از درگاه احدیت مسئلت نمایند، و انتظار فرج یعنی: انسان خود را با فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام آراسته کند و سعی نماید این فرهنگ را در بین جهانیان گسترش دهد، تا ان‌شاءالله آمادگی لازم در مردم ایجاد شده و زمینه ظهور حضرت هر چه زودتر فراهم گردد.

۳۰: اگر شخصی معتقد باشد خلافت غاصبین حق امیرالمؤمنین علیه السلام درست است و آنچه در ابتدای رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رخ داده امری دلسوزانه بوده و نیز معتقد است نباید به جهت حفظ وحدت در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام مراسم عزاداری را برپا کرد و نباید از شهادت حضرت زهرا علیها السلام و ظلم‌هایی که بر ایشان رفته سخن گفت، آیا سخنش صحیح است؟

جواب: این نوع سخنان نشانه غفلت از تاریخ و غفلت از احکام دین است، لذا باید در هدایت این اشخاص سعی و کوشش کرد و حقایق را برای آنها بازگو نمود و باید سعی کرد در اقامه عزاداری از برای حضرت زهرا علیها السلام که هر چه با شکوهتر انجام شود.

۳۱: گفته می‌شود به حضرت زهرا علیها السلام خبر دادند که ستاره بخت ایشان حرکت کرده ودر هر خانه‌ای نزول کند همان شوهر ایشان است. حضرت

فرمودند: الله اکبر، وقتی ستاره به راه افتاد حضرت فرمودند: سبحان الله، و وقتی نازل شد روی خانه حضرت علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: الحمد لله، آیا این حدیث صحت دارد؟ ادامهٔ این جریان چیست؟

جواب: این حدیث سندیت نداشته و صحیح نیست. صحیح آن، چنین است که: ابن عباس می‌گوید: نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم ناگهان ستاره‌ای از آسمان فرود آمد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: این ستاره در خانه هر که فرود آید او وصی و جانشین من خواهد بود، ابن عباس می‌گوید: همراه با جمعیت دنبال آن شدیم، دیدیم در خانه امیرمؤمنان علی علیه السلام فرود آمده، آن گاه منافقین گفتند: پیامبر درباره پسر عم خود گمراه شده است. جبرئیل نازل شد و سوره مبارکه والنجم را در ردّ آنان آورد: ﴿**بسم الله الرحمن الرحیم، والنجم اذا هوی، ما ضل صاحبکم وما غوی**﴾ «به نام پروردگار رئوف و مهربان. قسم به ستاره هنگام غروب و فرود آن که پیامبر از ضلالت و گمراهی معصوم و به دور است».

البته مخفی نماند این خود مانند شق القمر که سوره مبارکه قمر در شأن آن نازل شده، یک معجزه می‌باشد و یکی از بسیار ادله‌ای است که امامت و ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام را ثابت می‌کند.

۳۲: در امر دین به چه کسانی باید اعتماد کرد؟ گروه درویشان و عارفان چگونه‌اند و بهترین راه مقابله با شیطان چیست؟

جواب: در امر دین باید به قرآن کریم و عترت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اعتماد نمود، زیرا فقط آنها هستند که صراط مستقیم‌اند و خود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سفارش فرمودند که به این دو مراجعه کنید، و عمل به فرمایشات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام شیطان را از انسان دور می‌کند.

۳۳: لطفاً در مورد رجعت امامان معصوم علیهم السلام بعد از امام زمان عجل الله تعالی فرجه و

مساله شهادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه توضیح کاملی بدهید؟

جواب: قرآن کریم درباره رجعت می‌فرماید: ﴿**ویوم نحشر من کل امة فوجاً**﴾ (نمل/۸۳) (به خاطر آور روزی را که ما از هر امتی، گروهی را محشور می‌کنیم). روایات در این زمینه بسیار است. برای تفصیل بیشتر به باب رجعت در کتاب بحار مراجعه شود.

و اما مسالهٔ شهادت حضرت؛ به اضافه روایات خاصه، روایت معروف: «**ما منا الا مسموم او مقتول**» و همچنین: «**کرامتنا من الله الشهادة**» حاکی از به شهادت رسیدن آن حضرت بعد از بر پا داشتن دولت حقه می‌باشد.

۳۴: اگر انسان کسی را در این جهان دوست داشته باشد و در عین حال خدا را دوست داشته باشد اشکالی دارد؟

جواب: دوستی خدا با دوستی بعضی انسانها برای خدا، مثل پدر و مادر و زن و فرزند منافات ندارد.

۳۵: آیا بقیه ادیان مانند ما نماز و روزه دارند و چگونه نماز و روزه بر ما واجب شد؟

جواب: بلی ادیان الهی دیگر هم نماز و روزه دارند ولی دین آنان تحریف شده است. البته نماز و روزه با نزول قرآن مجید و تعلیم پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام او بر ما واجب شده است.

۳۶: بعد از حسابرسی به اعمال ما در قیامت شیطان چه می‌شود؟

جواب: شیطان به جهنم افکنده می‌شود.

۳۷: چرا کافران و آنان که خودکشی می‌کنند جهنم می‌روند؟

جواب: در قرآن کریم و روایت شریفه است که بهشت جای خدا پرستان، پرهیزکاران و نیکوکاران بوده و جهنم جای کافران، معصیت کاران و ستمگران می‌باشد، بنابراین کافران و ستمگران گرچه کفر و یا ستم آنان به مانند خود کشی باشد به اختیار خود جهنم را انتخاب نموده‌اند.

۳۸: چرا امامان از نسل امام حسین علیه‌السلام هستند و از نسل امام حسن علیه‌السلام نیستند؟

جواب: در روایت است که آن پاداش شهادت مظلومانه امام حسین علیه‌السلام بوده گرچه بسیاری از امامان علیهم‌السلام از طرف مادر از فرزندان امام حسن علیه‌السلام می‌باشند، زیرا مادر امام باقر علیه‌السلام دختر امام حسن مجتبی علیه‌السلام بود.

۳۹: آیا درست است که زنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به شهادت رسانده؟

جواب: در روایت است که دو زن در مسموم کردن پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شرکت داشتند و حضرت مسموماً شهیداً رحلت فرمودند.

۴۰: آیا مردن وزنده شدن بعضی اشخاص درست است؟ مگر خدا نفرموده که انسان پس از مرگ هرگز به دنیا باز نمی‌گردد؟

جواب: در قرآن کریم آمده است که انسان هنگام مردن تقاضای رجوع برای جبران مافات می‌کند و جواب رد داده می‌شود، ولی قرآن می‌فرماید: بعضی از مردگان بار دیگر به دنیا خواهند آمد: ﴿**ویوم نحشر من کل أمة فوجاً**﴾ (نمل/۸۳) و در روایات است که آن در زمان رجعت می‌باشد.

۴۱: آیا هم نشینی با غیر شیعه اشکال دارد؟

جواب: همنشینی با غیر شیعه اشکال ندارد مگر این که سبب انحراف عقیدتی شیعه شود و گاه واجب کفائی است اگر احتمال هدایت آنها در این همنشینی باشد و بر شیعیان است که آنها را به مذهب حق یعنی مذهب اهل بیت علیهم‌السلام هدایت کنند تا با دلیل و انجام بحث‌های علمی و منطقی به راه راست هدایت شوند.

۴۲: معراج پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله جسمانی بود یا روحانی؟ و آیا حضرت علی علیه‌السلام نیز در آنجا حضور داشتند؟

جواب: معراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله طبق قرآن مجید و روایات شریفه، جسمانی و روحانی بوده و در روایت است که مِثال حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در آسمان بوده و مزار ملائکه و آسمان نشینان است.

۴۳: آیا مقایسه رفتار و اعمال اشخاص حقوقی و حقیقی با رفتار و اعمال معصومین علیهم‌السلام به قصد مدح آن اشخاص و یا نقص آنان صحیح است؟

جواب: اگر صحت و واقعیت داشته باشد و توهین به مقام والای عصمت نباشد، مانعی ندارد.

۴۴: عالم قدیم است یا حادث ؟

جواب: عالَم حادث است چون متغیّر است، و هر متغیّری حادث می‌باشد، بنابراین «قدیم» جز خدا نیست.

۴۵: آیا خالق هستی، از ابتداء خلقت در بین بشر فرق نهاده (البته غیر از

معصومین علیهم‌السلام و انبیاء گرام)؟

جواب: خیر، زیرا همه را از خاک و از یک پدر و مادر: آدم و حوّا علیهما‌السلام آفریده است.

۴۶: آیا حضرت ابوالفضل علیه‌السلام معصوم است؟

جواب: حضرت ابوالفضل علیه‌السلام دارای عصمت صغری می‌باشند.

۴۷: آیا حضرت زینب علیهاالسلام معصوم بودند؟

جواب: حضرت زینب علیهاالسلام معصوم به عصمت صغری بوده‌اند، زیرا عصمت کبری مختصّ به چهارده معصوم علیهم‌السلام است.

۴۸: امیرالمومنین علیه‌السلام منتخب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند یا منتخب خدا؟

جواب: امیرالمؤمنین علیه‌السلام به نص قرآن مجید منتخب خدا هستند: ﴿**انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة ویؤتون الزکاة وهم راکعون**﴾ (المائدة/۵۵) و مراد از ﴿**الذین آمنوا** ...﴾ بنابر تفسیر عامه و خاصه، امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام می‌باشند. و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اعلان کنندهٔ این منصب بودند.

۴۹: جایگاه حضرت زهرا علیهاالسلام در میان معصومین چگونه است؟

جواب: حضرت زهرا علیهاالسلام در مقام و منزلت هم کفو امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌باشند. و مقام ایشان بالاتر از تمامی فرزندان خود می‌باشد.

۵۰: لطفاً مقداری در مورد حدیث شریف کساء توضیح بفرمایید؟

جواب: حدیث کساء ـ که جابر بن عبد الله انصاری از حضرت زهرا علیهاالسلام

روایت کرده و در مثل کتاب «عوالم» و غیره نقل شده است ـ از لحاظ سند معتبر، و از لحاظ معنی در قُلّه فصاحت و بلاغت است، و قرآن مجید آن را با آیه تطهیر تقویت و ثابت فرموده است، و شأن نزول آیه مبارکه: ﴿**انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیراً**﴾ (احزاب /۳۳) همین حدیث شریف کساء است.

۵۱: نظر حضرت عالی در مورد عاشورا و زیارت عاشورا چیست؟

جواب: عاشورا روز مصیبت و عزا است، و به عنوان احیای شعائر حسینی و بیان مظلومیت امام حسین علیه السلام و اهداف عالیه آن حضرت، باید به آن اهمیت داده شود، و زیارت عاشوراء نیز تاکید فراوان بر خواندن آن شده است، و ختم آن برای رفع گرفتاری‌ها و برآوردن حاجات بسیار مفید است.

۵۲: در بعضی روایات آمده است که حساب آخرت ۱۰۰۰ سال و نیز ۵۰۰۰۰ سال طول می‌کشد. چگونه می‌شود این روایات را با سریع الحساب بودن خدا و روایاتی که می‌گویند حساب به اندازه یک چشم بر هم زدن طول می‌کشد جمع کرد؟

جواب: روزهای آخرت هر یک روز آن معادل یک هزار سال دنیا است، و روز قیامت (استثناءاً) پنجاه هزار سال است، و سرعت حساب نسبت به افراد و نیز نسبت به حساب‌های متعدد مختلف است.

۵۳: اگر انسان بعد از مدتی از عمر خود یکباره دگرگون شود و به دین گرایش یابد، آیا جایگاه وی با انسانی که از دوران تکلیف به انجام اعمال خود همت نهاده، در بهشت یکی خواهد بود یا خیر؟

جواب: البته بهشت این دو انسان ـ در فرض سؤال ـ یکی نخواهد بود، ولی

ممکن است انسان توبه کننده واقعاً موفق به جبران گذشته شود و پیشتاز در کارهای خیر گردد، مافات را تلافی کرده و درجات بلندی در بهشت کسب نماید.

اجتهاد و تقلید

۱: قید "جامع الشرایط" در مورد مجتهد به چه معنایی است؟

جواب: مجتهدی که می‌توان از او تقلید کرد باید دارای شرایطی باشد که شارع مقدّس آنها را شرط دانسته، و این شرایط در رساله‌های عملیه «توضیح المسائل» آمده است.

۲: یک مجتهد و مرجع تقلید و صاحب رساله باید دارای چه شرایطی باشد که وقتی حکم کرد برای مقلدان واجب الاتباع باشد؟

جواب: باید مجتهد جامع الشرائط باشد، و علم به خطا بودن حکم او یا خطا بودن مستند او نباشد.

۳: فرق بین حکم و فتوی چیست؟

جواب: فتوی در احکام است، و حکم در موضوعات می‌باشد.

۴: شخصی که از تقلید نمودن مجتهد جامع الشرائط هیچگونه آگاه نیست نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

جواب: اگر اعمالش مطابق با فتاوی مجتهدی که الآن باید از او تقلید کند ـ

علی‌الاحوط ـ باشد، صحیح است.

۵: آیا در قرآن در رابطه با تقلید در مسائل احکام دین آیه‌ای وجود دارد؟

جواب: بلی، آیات متعددی هست، و از جمله آن آیات: ﴿**فاسألوا أهل الذکر**﴾، (النحل/۴۳).

۶: مقلد بعد از فوت مرجع تقلیدش برای باقی ماندن بر تقلید از او، لازم است که از مجتهدی زنده اجازه بگیرد یا نه؟

جواب: باید در مسأله جائز بودن بقاء بر تقلید میت، از مرجع زنده تقلید نماید.

۷: نظر حضرتعالی راجع به بقاء بر میت در تقلید چیست؟

جواب: بقاء بر تقلید میت جائز است.

۸: نظر حضرتعالی درباره ولایت فقیه چه می‌باشد؟

جواب: توقیع شریف صادره از ناحیه مقدسه زادها الله شرفاً: «**واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا، فانهم حجتي علیکم وانا حجة الله**»، (وسائل، ج۲۷، ص۱۴۰) برای فقهاء جامع الشرائط حق إفتاء و ولایت قضاء و مانند آن را امضاء فرموده‌اند.

۹: آیا فتوای مجتهد تنها برای مقلدین او وظیفه می‌باشد؟

جواب: بلی فتوای هر مجتهدی تنها برای مقلدین خود او حجت است.

۱۰: نظر شما درباره اطاعت از مراجع تقلید چه می‌باشد؟

جواب: باید در کلیه مسائل و احکام شرعیه آن، به فتوای مرجع تقلید عمل نمود.

۱۱: اگر مجتهدی از مقلدین خود بخواهد دیگری را مجتهد خود قرار دهند، و خود او هم از دنیا رحلت کرده، آیا بقای بر وی جائز است یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، جائز است به مجتهد زنده عدول نمایند، ولی لازم نیست.

۱۲: آیا مجتهدی که فتوای اشتباه داده باشد لازم است اعلام کند که فتوایم تغییر کرده است؟

جواب: بلی، در فرض سؤال و در صورت امکان باید اعلام کند.

۱۳: آیا می‌توان مرجع تقلید را عوض کرد؟

جواب: عوض کردن مرجع تقلید بی‌جهت درست نیست، مگر در صورتی که مجتهد دوم أعلم از اوّلی باشد یا اوّلی از عدالت خارج شود.

۱۴: شخصی از مجتهدی تقلید کرده پس از فوت ایشان با اجازهٔ مجتهد دیگری بر تقلید آن مرحوم باقی مانده است، آیا بعد از رحلت مجتهد دوم می‌تواند با اجازهٔ مجتهد دیگر بر تقلید مرجع تقلید اولش باقی بماند و یا باید عدول کند؟

جواب: بلی باز می‌تواند با اجازهٔ مجتهد زنده بر تقلید سابق خود بماند، گرچه احوط استحبابی عدول است به مجتهد حی اعلم.

۱۵: چگونه می‌توان مرجع تقلید خود را تغییر داد؟

جواب: اگر مرجع تقلید فوت کند، می‌توان به مرجع حی عدول کرد و نیز

اگر برای مقلد ثابت شود که مرجع دیگری اعلم است.

۱۶: آیا زن در انتخاب مرجع تقلید مستقل است و یا پیرو شوهر می‌باشد؟

جواب: مستقل است.

۱۷: امروزه احدی را به عنوان برده خرید و فروش نمی‌کنند، پس چرا مراجع تقلید هنوز در مسائلی مانند کفاره روزه‌خواری از اصطلاح آزاد کردن برده نام می‌برند؟ آیا این در تعارض با شرائط زمان نیست؟

جواب: احکام شرعیّه در مقام تطبیق تابع موضوعات آنها است، و به نحو قضایای حقیقیه است که هرگاه موضوع در خارج محقق شد حکم بر آن مترتب می‌شود.

۱۸: شخصی که از مجتهدی تقلید می‌کند، آیا می‌تواند در بعضی از مسائل از مجتهد دیگر تقلید کند؟

جواب: اگر در علم مساوی باشند می‌تواند تبعیض کند.

۱۹: مورد جواز تبعیض در احتیاط وجوبی است یا در مورد فتوا؟

جواب: در جائی که مجتهد فتوا داشته باشد نمی‌شود به مجتهد دیگر رجوع کرد، مگر اینکه هردو در علم مساوی باشند، ولی در احتیاط وجوبی که مجتهد فتوایی در آن مسأله ندارد می‌شود به دیگری که در خصوص آن مسأله فتوا دارد رجوع کرد.

طهارت

۱: مستحب است انسان همیشه با طهارت باشد و ثواب دارد، شاید به همین جهت روایت فرموده: «وضو بر وضو نور است»، آیا وضو بر غسل نیز همین حکم را دارد؟

جواب: خیر، وضو بعد از غسل جنابت جایز نیست، ولی وضو بعد از غسل-های دیگر برای نماز واجب است، پس وضوی مستحب بعد از غسل جنابت نداریم.

۲: اگر شیء طاهر با عین نجس همراه با رطوبت مسریه ملاقات کند متنجس می‌شود، حال سوال این است این متنجس تا چند واسطه را با ملاقات نجس می‌کند؟

جواب: تا دو واسطه، یعنی متنجس اول، دومی را و متنجس دومی، سومی را نجس می‌کند، ولی متنجس سوم، چهارمی را نجس نمی کند.

۳: شخصی هر دو پایش از کار افتاده است به طوری که نمی‌تواند روی پاهایش بنشیند و موضع بول و غائط را بشوید، وظیفهٔ وی در وضو گرفتن و بقیهٔ طهارت از حدث و خبث چیست؟

جواب: تا حدّ امکان، بدون عسر و حرج تحصیل طهارت از حدث و خبث

بنماید و الاّ واجب نیست، والله العالم.

۴: برای آب کشیدن بول ریخته شده بر پارچه با آب کر، آیا فقط یک مرتبه شستن پارچه یا فرش کافی است؟

جواب: بلی، کافی است.

۵: کدام آبی است که از خانم‌ها خارج می‌شود که نه نجس است و نه غسل دارد؟

جواب: رطوبت‌هائی که خانم‌ها می‌بینند پاک است و غسل هم ندارد، مگر اینکه بول یا منی باشد.

۶: موزائیک که از سیمان و ریگ ساخته می‌شود و زمین را با آن فرش می‌کنند، آیا ته کفش و کف پا را پاک می‌کند؟

جواب: بلی، در فرض مذکور پاک کننده است البته با شرائط دیگر آن.

۷: آیا اگر لباس و مانند آن را بعد از زوال عین نجاست در زیر آب جاری فشار دهند کفایت می‌کند یا باید فشار خارج از آب نیز باشد؟

جواب: فشار مطلقاً لازم نیست، گرچه بعد از خارج کردن آن بهتر است.

۸: دوسال است که از اقامتم در انگلیس می‌گذرد، خانه‌ای دارم که قبلاً در آن مسیحی زندگی کرده است، ابتدا حمام و دستشویی را خوب با آب شستم، آیا این طرز آب کشیدن درست است یا خیر؟ در این خانه قالی و فرش نیز وجود دارد، به چه صورت می‌توانم از آنها استفاده کنم، خصوصاً زمانی که با پای خیس بر روی آنها حرکت می‌کنم؟

جواب: کاری که انجام دادید کافی است، و اما قالی و فرش پس اگر نجاستی بر آن مشاهده نکردید برای شما طاهر می‌باشد.

۹: مایعی که پس از شستن گوشت و مانند آن جدا شده و به آن خونابه می‌گویند چه حکمی دارد؟

جواب: خونابه‌ای که از گوشت و یا دل و جگر گوسفند مثلاً، بعد از شستن آن جدا می‌شود، طاهر و پاک است.

۱۰: اگر آب جاری، مثلاً از شیلنگ بعد از ریختن روی چیز نجس به ما بپاشد، آیا نجس می‌شویم؟ آب قلیل چگونه است؟

جواب: پاشیدن آب کر از مثل شیلنگ موجب نجاست نیست، و پاشیدن آب قلیل هم در شستن دوم موجب نجاست نیست.

۱۱: گفته می‌شود ملاقات آب قلیل با نجاست اگر جریان نداشته باشد و کمتر از کر باشد نجس می‌شود. آیا این دو شرط را باید داشته باشد یا یکی از اینها کافی است؟ و منظور از جاری بودن چیست؟

جواب: هر دو شرط باید باشد، و مراد از آب جاری اینست که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مانند آب چشمه و قنات.

۱۲: حکم عبور سگ، یا ذبح گوسفند را در جاهای خیس و برفی سؤال کرده بودم که وسایل نقلیّه و انسانها نیز عبور می‌کنند، آسفالت هم که حکم خاک را ندارد تا پاک کننده باشد، بنابراین تمام شهر، خانه‌ها و مانند آن نیز نجس می‌شود. فرموده بودید: «آنجا که دیده شده سگ عبور کرده و خیس بوده نجس می‌باشد»، این درست، حکم برای ما و بقیهٔ انسانها چیست؟

جواب: در فرض سؤال، بر شما وظیفه‌ای نیست، ضمناً آسفالت هم حکم خاک را در تطهیر دارد.

۱۳: آیا کلر و امثال آن که به آب می‌ریزند آب را مضاف می‌کند؟

جواب: خیر.

نجاسات

۱: نگهداری سگ در آپارتمان از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در روایت است: «منزلی که در آن سگ باشد ملائکه نازل نمی‌شوند»، (کافی، ج۳، ص۳۹۳) و این حیوان نجس العین است و هرگز پاک نمی‌شود.

۲: موی سگ در منزل و لباس چه حکمی دارد؟

جواب: اگر بر لباس باشد نماز را باطل می‌کند، و اگر بر لباس یا اثاث منزل باشد و رطوبت به آن برسد آن لباس و اثاث نجس می‌شود.

۳: لیس زدن دست و پای انسان توسط سگ چه حکمی دارد؟

جواب: هر جا را که سگ زبان بزند نجس می‌شود.

۴: من در آمریکا زندگی می‌کنم، آیا پوشیدن کفش و کاپشن چرمی که در آنجا وجود دارد و از حیوانی که ذبح شرعی نشده تهیه شده است، جائز است؟

جواب: در فرض سؤال، این کفش و کاپشن نجس است، و اگر تحرز از نجاست آن شود، اصل پوشیدن آن اشکالی ندارد، ولی نماز خواندن با آن باطل

است.

۵: بعضی اوقات بعد از ادرار مایعی از من خارج می‌شود که شباهت به منی دارد، حکمش چیست؟

جواب: در صورت عدم علم به منی بودن آن، حکم منی را ندارد.

۶: اگر شخصی در خواب محتلم و لباسش به منی آغشته شود، حال اگر بعد از شستن لباس در آن لکه‌هایی می‌بیند که نداند و معلوم نباشد این لکه‌ها عین منی است یا رنگ منی، آیا لباس او پاک است؟

جواب: اگر جِرم نداشته باشد، پاک است.

۷: خونی که از قروح و جروح است پاک است یا نجس؟

جواب: نجس است، ولی در نماز معفو است در صورتی که تطهیر آن مشقت داشته باشد.

۸: آیا عرق جنب از حرام نجس است؟

جواب: نجس نیست، گرچه احتیاط، بهتر است، ولی نمی‌تواند با آن نماز بخواند.

وضو

۱: چقدر باید در مورد وضو دقت کرد؟ مثلاً گاهی انسان، صبح وضو می‌گیرد، اما ظهر نمی‌داند که باطل شده است، آیا باید دوباره وضو گرفت؟

جواب: تا یقین به بطلان وضو نباشد وضو باقی است.

۲: آیا می‌توان قبل از وقت به نیت نماز واجب وضو گرفت؟

جواب: اگر برای آماده شدن برای نماز واجب باشد مانعی ندارد.

۳: اگر بخواهیم قبل از اذان برای نماز واجب وضو بگیریم باید با چه نیتی باشد؟

جواب: به نیت قربت مطلقه، یا به نیت قرآن خواندن و مانند آن.

۴: آیا می‌توان در وقت نماز واجب به نیت طهارت وضو گرفت و با آن نمازِ واجب خواند، و یا آنکه حتماً باید به نیت وجوب وضو گرفت؟

جواب: بلی، می‌شود به نیت طهارت وضو گرفت.

۵: وضو گرفتن در جایی که زن نامحرم به انسان نگاه می‌کند چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۶: هنگام کشیدن مسح سر، برخورد دست با خیسی موهای جلوی سر که معمولاً در اثر شستن صورت خیس می‌شود اشکال دارد؟

جواب: خیر، اما برای مسح پا، با رطوبت قسمت دیگر دست که با خیسی صورت برخورد نکرده است مسح کند.

۷: آیا این که گفته می‌شود آب وضو باید بر خیسی دست و صورت غلبه کند، درست است؟ پس استحباب خیس کردن صورت و دست قبل از وضو باید چگونه باشد؟

جواب: در وضو صورت و دست باید شسته شود، و خیس کردن آنها قبل از وضو مستحب نیست ولی جایز است.

۸: اگر یک ناخن انگشت پا در وضو لاک زده نباشد و از آن به طرف قبهٔ پا و تا مفصل مسح شود وضو صحیح بوده، آیا غسل نیز صحیح است؟

جواب: وضو ـ در فرض سوال ـ صحیح است، ولی غسل باطل است.

۹: آیا سرمه طبیعی یا سرمه غیرطبیعی مانع وضو است؟

جواب: اگر جِرم داشته باشد مانع وضو می‌شود.

۱۰: حکم وضو با آب لوله، زیر باران چیست؟

جواب: در صورتی که جاهای مسح خیس نباشد و اثر رطوبت مسح بر آنها ظاهر شود اشکالی ندارد.

۱۱: آیا خال کوبی در زیر پوست صورت و ابرو که با جوهر رنگ می‌کنند، به وضو ضرر می‌رساند یا خیر؟

جواب: خیر، ضرری نمی رساند، ولی مکروه است.

۱۲: کسی که بی‌اختیار از او ادرار خارج می‌شود و بیش از دوسه قطره پس از هر وضو نباشد، اگر برای او مشقت داشته باشد که پس از هر بار وضو بگیرد، آیا می‌تواند با یک وضو یک نماز بخواند؟

جواب: در فرض سؤال، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

۱۳: مشقت در تجدید وضو برای مبتلا به سلس بول اگر از نظر شک در خارج شدن یا نشدن و همچنین متوجه شدن دیگران به مشکل او باشد، آیا حکم مسأله در این صورت فرق می‌کند؟

جواب: خیر، فرق نمی کند، ولی در صورت شک در خارج شدن یا خارج نشدن بول، به شک اعتنا نمی‌شود.

۱۴: آیا بلندکردن ناخن اشکال شرعی دارد و حکم در وضو چیست؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی اگر بیش از معمول بلند باشد و زیر آن چرک مانع باشد، باید چرک زیر مقداری که از حدّ معمول بلندتر است برای وضو و غسل برطرف نماید.

۱۵: وقتی دست را می‌شوییم، اگر کمی اثر جوهر خودکار بماند، وضو صحیح است؟

جواب: در فرض سؤال، وضو صحیح است.

۱۶: آیا کِرِم‌های نرم کنندهٔ پوست، مانع وضو است؟

جواب: آن مقداری که مانع رسیدن آب به بدن نباشد، اشکالی ندارد.

۱۷: اگر انسان بعد از وضو گرفتن دستش خون بیاید، با توجّه به این که وضویش صحیح است، آیا می‌تواند با همان دست (نجس) نماز بخواند؟

جواب: اگر خون کمتر از درهم ـ بند انگشت سبابه ـ باشد اشکالی ندارد.

۱۸: اگر قبل از وضو، برای روان‌تر شدن جریان آب، دست و صورت را خیس کنیم مبطل وضو است؟

جواب: خیر، اشکالی ندارد.

۱۹: اگر احتیاطاً چندبار مسح سر و پا را تکرار کنیم، آیا به وضو ضرر نمی‌رساند؟

جواب: جای مسح را خشک کند، و با رطوبت وضو که به دستش هست مسح نماید، البته اگر وسوسه باشد حرام است، علی الاظهر.

غسل

۱: جوانی که پس از بلوغ جنب شده و از روی جهل به حکم، دو سال غسل نکرده است، تکلیف او چیست؟

جواب: باید غسل کند و آن مقدار از نمازهایی را که بدون غسل خوانده است قضا نماید، اما اگر غسل دیگری در این بین کرده تا جنابت بعدی حاصل نشده است، آن مقدار نمازهایی را که در این فاصله خوانده صحیح بوده و قضا ندارد.

۲: اگر انسان وقتی صبح از خواب بیدار شد مطمئن نبود که شب جنب شده یا خیر، در صورتی که اثر آن را نبیند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر یقین نداشته باشد، و اثری هم از جنابت نبیند، غسل بر او واجب نیست.

۳: اگر آبی از انسان در حال خواب خارج شود (با توجه به اینکه انسان در حال خواب و یا بعد از بیداری، نمی‌تواند حالات سه‌گانهٔ مربوط به محتلم شدن را تشخیص دهد) تکلیف چیست؟

جواب: چنانچه علم به منی بودن رطوبت نداشته باشد، گرچه از روی عدم تشخیص علائم باشد، غسل بر او واجب نیست.

۴: هرگاه شخصی غسل جنابت کرد و بر ذمّهٔ او غسل دیگری باشد ولی نیت نکند، یا فراموش کرده باشد، یا نداند غسل دیگری بر ذمّهٔ او هست، آیا غسل جنابت کفایت از آن غسل‌های دیگر می‌کند یا خیر؟

جواب: بنابر اظهر، هر غسلی که انسان انجام دهد ولو مستحب باشد، مانند: غسل توبه یا غسل جمعه، از دیگر غسل‌ها او را کفایت می‌کند، گرچه بنا بر احتیاط مستحب نیت اغسال دیگر را هم بنماید.

۵: بعد از عمل پُرستات موقع انزال، منی به داخل مثانه ریخته می‌شود، و بعداً با ادرار خارج می‌شود، آیا چنین افرادی بعد از انزال می‌توانند غسل بکنند یا باید صبر کنند تا منی خارج شود؟ اگر بعد از غسل متوجه شوند با ادرار منی خارج شده، آیا دوباره غسل لازم است؟

جواب: در فرض سؤال، صبر می‌کند و چنانچه منی با بول خارج شد غسل می‌کند، و اگر قبل از آن غسل کرده باشد و بعد یقین کند که با بول بیرون آمده است، باید دوباره غسل نماید و هرگاه غسل موجب حرج یا ضرر باشد تیمم کند.

۶: کسی که در بدنش موهای زائد دارد، آیا در غسل باید آب را به پوست بدن برساند یا خیر؟

جواب: بلی، باید آب را به پوست برساند.

۷: آبی که از خانم‌ها در برانگیختگی جنسی خارج می‌شود، آیا موجب ابطال وضوی آنهاست و نجس است و موجب غسل می‌شود؟

جواب: خیر، مبطل وضو نیست و نجس هم نمی‌باشد، گرچه شستن آن، هنگام نماز بهتر است، و موجب غسل هم نمی‌شود، مگر آنکه معلوم شود منی بوده ولو از شهوت خاص جنسی که از خروج آن ناشی شده باشد که در این صورت مبطل وضو، نجس و موجب غسل نیز می‌باشد.

۸: اگر شخصی با آب غصبی قبل از اذان صبح در ماه مبارک رمضان غسل کند، حکمش چیست؟ و آیا بین جاهل و عالم در این مسأله فرقی هست؟

جواب: وضو یا غسل با آب غصبی باطل است، بلی، اگر جاهل به آن باشد در صورتی که جاهل مقصّر نباشد صحیح است و همچنین است اگر به غصبی بودن آب، جهل داشته باشد.

۹: آیا غسل مستحب از غسل مستحب دیگر کفایت می‌کند؟

جواب: چنانچه قصد همه آنها را بنماید، یک غسل به جای همهٔ آنها کفایت می‌کند.

۱۰: آیا رنگی که خانم‌ها برای موی سر استفاده می‌کنند و مانع از رسیدن آب می‌شود، در غسل اشکالی ایجاد می‌کند یا خیر؟

جواب: در غسل باید آب به پوست سر برسد، و اگر بر موی سر مانعی باشد اشکالی ایجاد نمی‌کند.

۱۱: آیا با غسل جنابتی که صبح انجام داده می‌توان نماز مغرب و عشاء را خواند؟

جواب: بلی، به شرط اینکه حدثی که مبطل وضو است (مانند بول یا خواب و نحو آن) از او صادر نشده باشد.

۱۲: اول تکلیفم مدت یک سال احکام دین و مسائل تقلید را نمی‌دانستم، و از احکام غسل نیز بی‌اطلاع بودم. وقتی در ماه مبارک رمضان بر من غسل واجب شد با نیّت غسل حمام کردم ولی ترتیب غسل را بلد نبودم. آیا روزه‌هایی که در ماه مبارک رمضان گرفته‌ام و نیز قرآن استیجاری که در این ماه تلاوت کرده‌ام، درست است یا خیر؟

جواب: اگر غسلی که کردید زیر دوش و مانند آن بوده که آب، تمام بدن را فرا می‌گیرد غسل شما صحیح، روزه و نمازتان هم اشکالی ندارد، بقیّهٔ اعمالتان هم که مشروط به طهارت بوده صحیح است، ان شاء الله تعالی.

۱۳: آیا می‌شود غسل جنابت و غسل جمعه را با یک غسل انجام داد؟ یا یکی از آن دو غسل با غسل اول ماه یا وسط و آخر ماه انجام شود؟ و یا اینکه یک غسل را با سه نیت ذکر شده انجام بدهد؟

جواب: در تمام فروض سؤال، با نیت کردن همه آنها اشکالی ندارد.

۱۴: دختری هستم عقد بسته، اگر رابطهٔ جنسی در حد ملاعبه باشد و دخول صورت نگیرد، امّا رطوبت ببینم آیا غسل واجب است؟

جواب: هر رطوبتی منی نیست، ولی اگر یقین حاصل شود ـ ولو از شهوت خاصی که از خروج آن رطوبت ناشی می‌شود ـ که منی بوده غسل واجب است، و الا واجب نیست.

۱۵: اگر کسی از روی غفلت یا جهالت غسل جنابت نکرده، ولی غسل واجب دیگری یا مستحبی را انجام داده، حکم نماز ـ روزهٔ ماه رمضان ـ و روزهٔ قضای ماه رمضانش چیست؟

جواب: هر غسلی که انسان انجام دهد از جنابت و غیره کفایت می‌کند، گرچه نیت غسل جنابت و غیره را نکرده باشد.

استحاضه، حیض و نفاس

۱: اگر زنی صاحب عادت عددیه باشد و در هر ماه سر پنج روز یا شش روز، خون در ظاهر قطع می‌شود و نمی‌داند که در باطن هم خون هست یا نه، و اصلاً به هر دلیلی نمی‌تواند اختبار کند، وظیفهٔ چنین زنی در روز پنجم و یا ششم چیست؟

جواب: در فرض سؤال، احتیاط نماید یعنی غسل کند و عبادات را انجام دهد و چیزهائی را که بر حائض حرام است انجام ندهد، تا وقتی که علم پیدا کند که در داخل هم خون نباشد، که دوباره غسل کند.

۲: اگر زنی جنب شود و قبل از غسل حائض شود، آیا غسل جنابت در حال حیض صحیح است و یا باید پس از پاک شدن باشد؟

جواب: در حال حیض، غسل جنابت صحیح است به شرط طهارت بدن، و می‌تواند غسل جنابت نکند و بعد از طهارت از حیض یک غسل به نیت هر دو: حیض و جنابت انجام بدهد،

۳: زنی که در ماه مبارک رمضان بعد از أیام عادت هفت روزه‌اش

دستمالی که به کار می‌برد گاهی ترشح بی‌رنگ می‌بیند و گاهی یک لکهٔ زردرنگ یا نارنجی است، ولی شبیه به خون یا حداقل زردرنگ نیست و نمی‌داند آیا سر ده روز بند می‌آید یا بیشتر می‌شود؛ وظیفه این زن در رابطه با روزه و غسل و همبستری چیست؟

جواب: لکه زردرنگ بلکه لکه خون بعد از ایام عادت، استحاضه است و به غسل او ضرری نمی‌رساند و باید برای نماز، احکام مستحاضه قلیله را انجام دهد، و روزهٔ او نیز صحیح بوده و همبستر شدن شوهر با او اشکالی ندارد. بلی، اگر بعد از ایام عادت مجددا خون ببیند، احکام حیض را جاری کند. پس اگر قبل از ده روز یا سر ده روز پاک شد، تمامش حیض بوده و اگر از ده روز تجاوز کرد معلوم می‌شود که فقط ایام عادت او حیض بوده و بقیه آن استحاضه است.

۴: آیا زنی که در عادت ماهیانه است نماز بر او واجب است؟

جواب: خیر واجب نیست، ولی مستحب است که خود را پاکیزه کند و در سجادهٔ خود به اندازهٔ نماز بنشیند و ذکر خدا را بگوید.

تیمم

۱: تیمم شخصی که دو دست در بدن ندارد را بیان بفرمایید؟

جواب: پیشانی خود را برخاک می‌کشاند، و بنابر احتیاط مستحب در صورت امکان، جمع بین کشیدن پیشانی برخاک و بین زدن ساق دست بر خاک کند، سپس پیشانی و بعد دو ساق را مسح نماید.

۲: اگر انسان در اعضای غسل و وضو جبیره داشته باشد، در چه موردی تیمم هم لازم می‌شود؟

جواب: در موردی که جبیره روی زخم یا باندپیچی جای آسیب دیده، بیش از مقدار متعارف اطراف زخم را پوشانده و برطرف کردن آن ممکن نباشد. البته مواردی دیگر نیز هست که برای تفصیل به رساله توضیح المسائل مراجعه گردد.

۳: شخصی دستان خود را تا شانه از دست داده است، چنین فردی چگونه تیمم کند؟

جواب: در فرض سؤال، اکتفا می‌کند به کشیدن پیشانی برخاک.

۴: اگر شخصی نماز خود را در حال اضطرار و عدم وجود آب با تیمم بجا آورد، آیا مجزی می‌باشد یا اینکه باید بعداً قضا نماید؟

جواب: در فرض سؤال، قضا ندارد.

مسائل و احکام اموات

۱: دو نفر فوت کردند که یکی از آنان مسلمان و دیگری کافر است ولی تشخیص داده نمی‌شوند، نسبت به غسل و کفن و دفن آنان وظیفه چیست؟

جواب: احتیاطاً هر دو را غسل داده و دفن کنند.

۲: میتی را اخیراً در قبری که متعلق به غیر بوده با اطلاع دفن کرده‌اند، مقبره مذکور را جمعی از مؤمنین در بیش از نیم قرن بر مزار سید عالمی بنا نهاده‌اند و الآن فوت کرده‌اند، تکلیف چیست؟

جواب: اگر مقبره ملک شخصی است و مالک راضی نیست، تا میت تغییر نکرده ـ که اخراجش اهانت باشد ـ باید او را خارج و در جای مباح دفن کنند، و الا نبش قبر جایز نیست.

۳: مقداری زمین در شهر کابل خریده ام، حال شنیده‌ام در زمین من دو میت را دفن کرده‌اند، دستور شرع چیست؟

جواب: مادامی که بدن میت متغیر نشده باشد، صاحب زمین می‌تواند نبش قبر کند و آن را به جای دیگر منتقل کند.

۴: اگر از بدن میت خون پی در پی می‌آید در این صورت تکلیف ما چیست؟

جواب: برای غسل او چنانچه ممکن باشد ـ به صورتی که آب غسل نجس نشود ـ جبیره کنند، و بنابر احتیاط مستحب او را تیمم نیز بدهند، و برای کفن کردن او باید بر آن پنبه و غیره بگذارند تا خون به کفن نرسد، یا ابتدا با پلاستیک (نایلون) او را بپوشانند، و سپس کفن نمایند، تا کفن نجس نشود.

۵: اگر در نماز میت از دعائی که در بین تکبیرها است سهواً کم یا زیاد گفته شود، آیا نماز میت باطل می‌شود؟

جواب: اگر مقدار واجب نماز میت انجام شده باشد کافی است، و چنانچه انجام نشده نماز را اعاده کنند.

۶: اگر در نماز میت سهواً یک تکبیر کم و یا زیاد شود تکلیف چیست؟

جواب: تکبیر اضافه مانعی ندارد، ولی ناقص را باید جبران نمود ـ چنانچه موالات به هم نخورده باشد ـ و در صورت فاصله زیاد، نماز اعاده شود و اگر دفن شده، بر قبر او اعاده نمایند.

۷: برای ساختن قبر خراب شده، می‌شود از جای دیگر خاک آورد؟

جواب: بلی، می‌شود.

۸: اگر انسان در حق مُرده‌ای کار خیری انجام دهد مانند: نماز خواندن و روزه گرفتن یا قرآن خواندن، آیا ثواب و اجر این اعمال را در عالم برزخ و یا در قیامت به مرده می‌دهند؟

جواب: در روایات است: وقتی صدقه و کار خیری برای میت انجام می‌شود،

همان وقت ملائکه مأمور می‌شوند با تشریفات خاصی ثواب آن را به آن میت برسانند، و در کار او گشایش به وجود آورند.

۹: اگر در حق مُرده‌ای طلب آمرزش و مغفرت بکنیم، آیا در بخشیده شدن گناهان او تأثیری دارد؟

جواب: بلی، حتماً تأثیر دارد.

۱۰: اگر انسان از کارهای زشت خود طلب توبه کند، آیا در قیامت برای آنها مورد سؤال و عقاب الهی قرار خواهد گرفت؟

جواب: اگر گناهکار واقعاً توبه کند و چنانچه حق‌الناس باشد اداء نماید دیگر بازخواست نمی‌شود، در حدیث شریف آمده است: «توبه کننده از گناه مانند شخصی است که مرتکب گناه نشده است.»، (کافی، ج۲، ص۴۳۵).

۱۱: اگر انسان، بدهکار فردی باشد که از دنیا رفته، چگونه بدهی خود را ادا کند؟

جواب: باید ورثهٔ او را پیدا نموده و بدهی خود را به آنان برساند و یا از آنان رضایت بطلبد، و اگر از پیدا کردن آنان مأیوس شد، می‌تواند مقدار بدهی خود را به عنوان ردّ مظالم از طرف صاحب آن به مرجع تقلید یا وکیل او بدهد.

۱۲: مرحومی پنج پسر دارد و برای هر یک یکسال نماز و روزه وصیت کرده ولی فرزندان از وصیت پدر خبر ندارند و از ناحیهٔ اقتصادی هم وضعشان خوب نیست، آیا در صورت عدم حضور فرزندان، وصیت‌نامه‌اش درست است یا خیر؟

جواب: وصیت به نماز و روزه استیجاری یا اینکه ورثه بدانند از میت نماز و

روزه عمداً فوت شده از ثلث (یک سوم) اموال میت داده می‌شود، و چنانچه این وصیت به انضمام وصایای مالیه دیگر ـ اگر وصایای دیگری باشد ـ جمعا بیش از ثلث نباشد نافذ است. و اگر وصیت باشد که خود اولاد انجام دهند مجانا، یا از مال خود بپردازند، اصلا واجب نیست، مگر بر ولد اکبر به مقداری که خود ولد اکبر بداند از پدرش نماز و روزه قضا شده است.

نماز

۱: آیا اعمال صالح، مُعین نماز خواندن است یا نماز خواندن مُعین اعمال صالح؟ منظور اینکه، اصل نماز است که اعمال انسان را نیکو می‌کند و یا اعمال صالح است که نماز انسان را نیکو می‌کند؟

جواب: نمازگزار چنانچه نماز را ـ طبق سفارش خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ـ اهمیت داده و با توجه کامل و شرایط لازم بخواند، لاجرم تأثیر بر اعمال و اخلاق او خواهد گذاشت. پس اصل نماز است که مُعین اعمال صالح و اخلاق نیکو خواهد بود، اگر چه گاهی عمل صالح و خلق نیکو سبب می‌شود انسان نمازش را هم اصلاح نماید؛ و در آخرت هم چنان که در روایت است اگر نماز مورد قبول واقع شد بقیهٔ اعمال نیز قبول می‌شود و اگر رد شد تمام اعمال هم مردود خواهد شد.

۲: اگر در نماز در تکبیرة الاحرام به جای: اَللّٰه اکبر، آللّٰه اکبر، بگویم چه حکمی دارد؟ و حکم نمازهای قبلی چیست؟

جواب: اگر تفخیم فتحه الف «اللّٰه» به حدّی نبوده که دو تا الف بشود، اشکال

ندارد، امّا اگر به حدی بوده که دوتا الف بشود، اگر عمدا باشد، نماز را باطل می‌کند و احتیاج به قضا دارد و اگر جهلا یا نسیانا یا از روی غفلت باشد موجب بطلان نماز نیست.

۳: اگر در نماز، آخرین کلمه آیات سوره حمد، یعنی: «الرحیم»، «العالمین»، «الرّحیم»، «الّذین»، «نستعین»، «المستقیم»، «ولاالضّالّین» را بکشند و با مد تلفظ کنند، آیا چنین نمازی اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۴: در نمازهای نشسته آیا بین دو رکعت باید «بحول الله وقوّته اقوم واقعد» گفته شود؟

جواب: بله مستحب است.

۵: با توجه به جهت قبله، حکم خوابیدن انسان به آن جهت چیست؟

جواب: در احادیث شریفه است که مستحب است انسان به طرف راست، رو به قبله، نظیر میت در قبر، بخوابد و در روایت است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین می‌خوابیدند واین دعا را می‌خواندند: «**باسمك اللهم وضعت جنبي وبك أرفعه، اللهم إن أمسكت نفسي فارحمها وإن أخرتها فاحفظها بما تحفظ به الصالحين**».

۶: مدت چهار ماه است که به خانه جدید آمده‌ایم و قبله خود را از طریق غروب خورشید تعیین کرده‌ایم تا اینکه هفته قبل متوجه شدیم جهت قبله اشتباه بوده است، حالا تکلیف ما چیست؟

جواب: اگر انحراف از قبله کمتر از ۹۰ درجه بوده است قضای نمازهای

گذشته لازم نیست و اما اگر بیشتر بوده، در فرضی که تحقیق از قبله کرده باشد اعاده در وقت لازم است ولی خارج از وقت قضا لازم ندارد، ولی اگر پشت به قبله بود بنابر احتیاط واجب این است که نمازها را قضا کند.

۷: در هنگام نماز خواندن فاصله زن و مرد حداقل چقدر باید باشد (بدون حائل)؟

جواب: حدّاقل فاصله برای رفع کراهت ـ ده ذراع ـ است یعنی تقریباً پنج متر.

۸: اختلاف از قبله تا چه حدی جایز می‌باشد؟

جواب: تا کمتر از (۹۰) درجه، اگر سهواً باشد نماز صحیح است.

۹: آیا با سجّادهٔ پاک می‌توان در مکان نجس نماز خواند؟ البته مکان نماز و سجّادهٔ هر دو خشک و بدون رطوبت هستند؟

جواب: اشکالی ندارد.

۱۰: حکم زخم و خون آمدن بدن در مورد نماز و وضو چیست؟ اگر احتمال بند آمدن خون را بدهد باید نماز را تأخیر بیندازد؟

جواب: اگر علم دارد که خون بند می‌آید در وقت، باید تأخیر اندازد، ولی اگر فقط احتمال می‌دهد، می‌تواند اوّل وقت نماز بخواند.

۱۱: اگر خون روان باشد و بند نیاید، چه باید کرد؟

جواب: وضوء جبیره‌ای می‌گیرد، اگر ممکن باشد و الا تیمم نموده و از سرایت خون جلوگیری کرده و نماز را به جا آورد.

۱۲: شخصی عمل جراحی شده و مدتی است از جراحت او خونابه می‌آید که قبل از نماز شسته و تمیز می‌کند، ولی در اثنای نماز دوباره می‌آید، آیا این خونابه پاک است و نماز با آن صحیح می‌باشد یا خیر؟

جواب: خونابه‌ای که از قروح و جروح می‌آید، نجس است ولی در نماز معفُو بوده و نماز را باطل نمی‌کند؛ البته باید آن را بسته و از سرایت آن به جاهای دیگر بدن جلوگیری نمایند.

۱۳: اگر تسبیحات اربعه در رکعت سوم یا چهارم دوبار گفته شود چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۱۴: آیا خواندن تسبیحات اربعه در نماز با دو نفس یا بیشتر (مثلاً با وقف بین «الحمد لله» و «ولا إله إلاّ الله») اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۱۵: اگر انسان اشتباهاً تسبیحات اربعه نماز را بلند بگوید، و وسط کار یادش بیاید، آیا باید از اول شروع کند و نماز او باطل است؟

جواب: هر وقت متوجه شد، از همان جا آهسته بخواند و نماز او صحیح است.

۱۶: آیا یک نمازگزار می‌تواند در حین نماز خویش، دهها بار تسبیحات اربعه را تکرار کند؛ بی‌آنکه خدشه‌ای به نمازش وارد شود؟

جواب: در فرض سؤال، اگر تسبیحات اضافه را به قصد ذکر واجب نگوید بلکه بقصد مطلق ذکر بگوید اشکالی ندارد.

۱۷: اگر انسان در ذهن خود به یاد آیه سجده بیفتد، اما به زبان نگوید (مثلاً گاهی می‌شود که عبارتی و آیه‌ای ناخودآگاه به ذهن انسان می‌آید و به اصطلاح «در دل» آن را می‌گذراند) آیا باید سجده کند؟

جواب: در فرض سؤال، سجده واجب نیست.

۱۸: حکم نماز مستحبّی در حین حرکت (مثلاً راه رفتن یا در اتومبیل) چیست و چگونه انجام می‌گیرد؟

جواب: جایز است، و قبله در صورت حرکت در نماز مستحبی شرط نیست، و برای رکوع و سجود ایماء (اشاره) به سر خود یا با چشم نموده و ذکر آن را بگوید.

۱۹: آیا در کتاب‌های اهل سنت حدیثی در مورد سجده نمودن بر مُهر و این که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به چیزی که از زمین است وخوردنی نیست سجده کنید» موجود است؟ لطفاً سند آن را در کتاب‌های آنان و خودمان ذکر فرمائید؟

جواب: بلی موجود است، در صحیح بخاری، جزء یک، اول کتاب تیمم روایتی موجود است به این مضمون: «**قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اعطیت خمساً لم یعطها احد قبلي: جعلت الارض لي مسجداً وطهوراً**» زمین برای من سجده‌گاه و طاهر کننده قرار داده شده است. و در صحیح مسلم، ج۲، ص۶۳ والسنن الکبری، ج۱، ص۲۱۳ **باب الدلیل علی ان الصعید الطیب هو التراب** آمده است: «**قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ... وجعلت لنا الارض کلها مسجداً، وجعلت تربتها لنا طهوراً اذا لم نجد الماء**»، تمامی زمین برای ما سجده‌گاه قرار داده شده، و خاک آن برای ما طاهر کننده است اگر آب نباشد. و در کتاب‌های شیعه نیز روایات متعددی در این باره آمده است: وسائل الشیعه، ج۳، ص۳۴۹، باب.۷

۲۰: اگر از نوار ضبط صوت آیه سجده‌دار شنیده شود، آیا بر شنونده سجده واجب است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، شنونده سجده نماید.

۲۱: اگر در نماز مغرب در رکعت دوم سهوا سلام دهیم و هنوز سلام را تمام نکرده بلند شویم و رکعت سوم را بخوانیم حکمش چیست؟

جواب: بعد از تمام شدن نماز و سلام دادن، دو سجده سهو برای این سلام زیادی بجای آورید، و نمازتان صحیح است.

۲۲: بعد از سلام نماز بعضی‌ها بیش از پنج مرتبه تکبیر می‌گویند، آیا نمازشان باطل است؟ لطفاً شرایط و عدد تکبیر بعد از سلام را هم بفرمائید؟

جواب: مستحب است بعد از سلام ـ در حالی که دست‌ها مقابل گوش قرار گرفته ـ سه مرتبه تکبیر بگویند و بیشتر از سه مرتبه هم جایز است و نماز صحیح می‌باشد.

۲۳: حکم شکستن نماز واجب چیست؟ نماز مستحب چطور؟

جواب: نباید نماز واجب را از روی اختیار بشکند، ولی برای حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی و نحوهما مانعی ندارد، ولی شکستن نماز مستحب اشکالی ندارد.

۲۴: در چه مواردی می‌توان بعد از شروع نماز تغییر نیت داد؟

جواب: در موارد متعددی مثلا: اگر شخصی مشغول نماز عصر بود و یادش آمد که نماز ظهر را نخوانده است، نیت خود را به نماز ظهر تغییر می‌دهد، و همچنین است اگر عشا بود و یادش آمد مغرب را نخوانده، یا این که مشغول نماز

شد و جماعت برپا گردید، در این صورت نیز می‌تواند نماز را به نیت نماز مستحب تغییر داده و سر دو رکعت سلام بدهد، و مواردی دیگر که در توضیح المسائل بیان شده است.

۲۵: در غسل و نماز زیاد شک می‌کنم، وظیفه‌ام چیست؟

جواب: به شک خود اعتنا نکنید، و بنا را بر صحت گذاشته و آن را به پایان برسانید.

۲۶: آیا انجام سجده سهو با تأخیر زمانی موجب معصیت است؟

جواب: دو سجده سهو را نباید بعد از نماز عمدا به تأخیر انداخت، والا معصیت است، و لیکن اعادهٔ نماز ندارد.

س۲۷: آیا اذانی که از صدا و سیما یا از حرم‌ها و مساجد پخش می‌شود درست است و مورد تأیید حضرتعالی می‌باشد؟

جواب: اذان العارف یعنی: اذان وقت شناس و مورد اطمینان را می‌توان اعتماد نمود و نماز خواند.

۲۸: برای آنکه مطمئن شوم نماز را در وقت خوانده‌ام چه باید کرد؟

جواب: باید خود انسان وقت شناس باشد یا بر اذان شخص وقت شناس اعتماد کند.

۲۹: آیا زن می‌تواند در مجالس عمومی با شرکت زن و مرد با صوت بلند اذان و اقامه بگوید؟

جواب: بهتر است که با صدای بلند نگوید.

نماز و روزهٔ مسافر

۱: اگر مسافر پیش از ظهر به وطن برسد و نیت روزه کند، ولی در بین راه سهواً چیزی خورده، آیا می‌تواند آن روز را روزه بگیرد؟

جواب: بلی، می‌تواند.

۲: کسی که از سفر برمی‌گردد و قبل از ظهر به حد ترخص وطن می‌رسد، آیا روزه آن روز برایش واجب است؟

جواب: بلی، واجب است.

۳: شخصی در ماه مبارک رمضان قبل از ظهر از وطنش یا از محل اقامت خود حرکت می‌کند و خروج او از حد ترخص بعد از ظهر انجام می‌شود، آیا روزهٔ آن روز بر او واجب است یا خیر؟

جواب: بلی، واجب است.

۴: آیا حکم نماز و روزهٔ مسافر در باب حد ترخص فرق می‌کند؟

جواب: خیر، فرقی نمی‌کند.

۵: من اهل شهرستان کاشان می‌باشم و شوهرم اهل ورامین و فعلاً هم در ورامین زندگی می‌کنیم، وقتی که به دیدن پدر و مادرم در کاشان می‌رویم، آیا نمازم را باید تمام بخوانم ؟

جواب: اگر از شهر سابق خود اعراض کرده‌اید، نماز در آنجا قصر است والا تمام.

۶: منزل پدرم در نطنز است و خودم در نائین ازدواج نمودم، و منزلی هم در نائین خریده‌ام و از وطن اصلی پدرم نیز اعراض نکرده‌ام، آیا وقتی که به دیدن پدر و مادرم می‌روم نماز و روزه‌ام تمام است؟

جواب: در صورت عدم إعراض نمازتان تمام است و روزه را بگیرید.

۷: پدرم در کرج منزل و زمین دارد و در تهران نیز منزل دارد، و من در تهران به دنیا آمدم و اکثر اوقات در تهران می‌باشم و در هردو جا رفت و آمد دارم؛ حکم نماز من در این دو جا چیست؟

جواب: در تهران تمام است، و اگر در مکان دیگری هم در سال قدری سکونت دارید، ایضاً تمام است و همچنین اگر کثیر السفر باشید به این معنی که فاصله بین این سفر و سفر بعد غالباً ده روز نباشد.

۸: در شهری که قصد اقامت ۵ـ۶ ساله را داریم ـ که بنابر فتوای حضرتعالی آن شهر حکم وطن را دارد ـ ولی در هر هفته یک روز را به شهری که ۶۰ کیلومتر فاصله دارد رفته و یک روز را در آنجا می‌مانیم و سپس به شهر محل اقامت باز می‌گردیم، آیا شهر محل اقامت باز حکم وطن را دارد؟

جواب: بلی، حکم وطن دارد.

۹: اگر کسی برای اقامت به کشوری رفته و نظر اهل خبره این است که با اقامت او موافقت می‌شود ولی هنوز موافقت نشده است، آیا او می‌تواند محل اقامت کنونی خودش را وطن خود بداند و این در صورتی است که بیش از ۶ ماه تا به حال در آن شهر بوده، ولی بعضی اوقات قبل از ۱۰ روز به شهرهای اطراف مسافرت می‌کند؟

جواب: در فرض سؤال، اگر قصد توطن داشته باشد شرعاً حکم وطن را دارد.

۱۰: شخصی باغی دارد که فاصله آن با شهرش به اندازه مسافت شرعی است و هر هفته به آن سر می‌زند نه به عنوان کار کردن، زیرا کارگر دارد و فقط قصد سر زدن به باغ را دارد، آیا نمازش قصر است یا تمام و آنجا وطن او می‌شود بدون اینکه در آنجا مدتی بماند یا خیر؟

جواب: نمازش تمام است، و اما بدون ماندن در آنجا حکم وطن را ندارد.

۱۱: اگر کسی در ماه مبارک رمضان قبل از ظهر از حد ترخص تجاوز نموده تا هشت فرسخ برود ولی پیش از رسیدن به هشت فرسخ دوباره به وطن برگردد و قبل از ظهر همان روز بدون انجام مفطرات روزه به وطن برسد، آیا می‌تواند نیت روزه کند و روزه بگیرد؟

جواب: بلی، تجدید نیت کرده و روزه می‌گیرد.

۱۲: برای آنکه مکان تازه‌ای وطن انسان گردد، آیا سکنی در آن مکان و نیت توطّن کفایت می‌کند و یا آن که چیز دیگری هم لازم می‌باشد؟ به طور مثال بنده می‌خواهم برای تحصیل به قم بروم و در آن جا ساکن شوم، آیا همین مقدار کفایت می‌کند؟ در صورتی که نمی‌دانم چند سال در آن جا

می‌مانم، یک سال یا ده سال؟

جواب: همین قدر که ساکن بودن و مسافر نبودن بر او صدق کند، کافی است و احکام وطن مترتب می‌شود.

۱۳: در تهران ساکنم و دانشگاهم در کرج است و باید در هفته سه روز به دانشگاه بروم، حکم نماز و روزه‌ام چگونه است؟

جواب: در فرض سؤال، باید نماز را تمام خواند و روزه را گرفت.

۱۴: من به واسطه شغلم (زرگری) باید هفته‌ای دو مرتبه به تهران بروم و هم اکنون ساکن اصفهان هستم اما متولد تهران می‌باشم، حکم نماز من در تهران و بین راه چیست؟

جواب: نماز شما ـ در فرض سؤال ـ در تهران و اصفهان و بین راه تمام است، مگر این که سفر شما به ماندن ده روز در یکی از این دو شهر قطع شود، که در این صورت در اولین سفر، نماز شکسته می‌شود و برای سفر دوم به بعد مجدداً نماز تمام خواهد بود.

۱۵: کسی که ساکن قم است و قم وطن او نیست و برای سرکشی به خانواده‌اش هفته‌ای یک روز به تهران می‌رود، نماز و روزه او در این دو شهر چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه ساکن قم است و مسافر بودن بر او صدق نکند نماز و روزه‌اش در قم و تهران ـ در فرض سؤال ـ تمام است.

۱۶: در تهران هستم و در هفته چهار روز به رودهن می‌روم، بفرمائید نماز من در آنجا چگونه است؟ و آیا می‌توانم روزه‌ام را بگیرم یا خیر؟

جواب: نمازتان تمام و روزه‌تان صحیح است، مگر اینکه ده روز در تهران یا رودهن بمانید، که در سفر اول بعد از آن نمازتان شکسته و روزه‌تان را باید افطار کنید.

۱۷: شخصی برای تبلیغ هر هفته از دمشق به حمص که در حدود صد و شصت کیلومتر است می‌رود و در یک روستای معین به تبلیغ می‌پردازد و گاهی نیز از مسیر خود خارج شده و در روستای دیگری در همان منطقهٔ حِمص برای دید و بازدید و کارهای دیگر می‌رود و گاهی هم شب در آنجا می‌ماند و روز بعد به روستای خود که معیّن است برمی‌گردد. نماز و روزهٔ شخص مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: این شخص ـ در فرض سوال ـ کثیرالسفر است و نمازش تمام و باید روزه بگیرد، ولی سفرهایی را که گاهاً ـ و نه هر هفته ـ برای دید و بازدید می‌رود نمازش قصر و روزه هم نمی‌تواند بگیرد.

۱۸: برای امر تدریس (به عنوان یک شغل دائم) دو روز در هفته از تهران به مقصد یکی از شهرستان‌های اطراف از شهر خارج می‌شوم، با دائمی بودن این تردد، حکم مسافر را دارم؟

جواب: خیر، حکم مسافر را ـ در فرض سؤال ـ ندارید.

۱۹: شخصی برای درس خواندن از خانواده جدا می‌شود و به شهر دیگری می‌رود و قصد بازگشت به آن شهر را هم به هیچ وجه ندارد (یعنی از شهر خانواده اعراض کرده است) آیا وقتی به خانواده‌اش باز می‌گردد نماز را در صورت کمتر از ده روز ماندن در آنجا باید شکسته بخواند یا تمام؟

جواب: در فرض سؤال، نماز را باید شکسته بخواند.

۲۰: پدر و مادرم در یزد سکونت دارند و خودم دانشجوی تهران هستم، هنگام سفر به یزد، نماز و روزهٔ من چگونه خواهد بود؟

جواب: اگر شهر یزد برای شما وطن بوده و از آن اعراض نکرده‌اید نماز شما در آنجا تمام است و باید روزه را بگیرید و الا نماز شما قصر است و نباید در آن جا روزه بگیرید.

نماز قضا

۱: تکلیف نمازهای قضا در ماه رمضان چیست؟

جواب: نمازهای قضا را چه در ماه رمضان باشد و چه در غیر آن باید قضا نمود، و می‌توان آن را با جماعت خواند.

۲: آیا در نمازهای قضا می‌شود فقط یک بار «سبحان الله» گفت یا خیر؟

جواب: اگر منظور ذکر رکوع و سجود است، خیر نمی‌شود و اگر منظور تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم است، بلی، گفتن یک بار تسبیحات اربعه کافی است.

۳: آیا می‌شود در نماز واجب اگر کاری پیش آمد آن نماز را تبدیل به نماز قضا نمود یا خیر؟

جواب: اگر از باب مثال شروع به نماز ظهر کرد و یادش آمد که نماز صبح او قضا شده بود در این صورت می‌تواند تبدیل به نماز قضاء نماید، اما اگر با التفات سابق تبدیل کند صحیح نیست.

۴: در نمازهای قضا و یا اوقاتی که وقت تنگ است، آیا می‌توان تسبیحات اربعه را بجای سه تا یکی وسلام نماز را نیز یکی گفت؟

جواب: در تسبیحات اربعه یکی، و در سلام نماز فقط «**السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته**» کافی است.

۵: اگر کسی چهار سال تارک الصلاه بوده و حال به اشتباه خود پی برده است، آیا باید قضای آن‌ها را بخواند؟

جواب: بلی، واجب است که قضای آن نمازها را بخواند و توبه کند و استغفار نماید، و دیگر ترک نماز ننماید، در روایات شریفه آمده است: «فرق بین مسلمان و کافر نماز می‌باشد».

۶: مدتی در نماز «ضاد» در «غیرالمغضوب علیهم» را «زاء» تلفظ می‌کردم و «طاء» در «اهدنا الصراط المستقیم» را «تاء» و «ظاء» در «سبحان ربي العظیم و بحمده» را «زاء» می‌خواندم، در تشهد هم بجای «السلام علیك أیها النبي» «السلام علیكِ یا ایها النبي» می‌گفتم، آیا نمازهایم در طول هشت ماه صحیح است یا خیر؟

جواب: در تمام فروع مذکوره در سؤال، نمازهای گذشته قضاء ندارد وسعی نمائید (به قدر ممکن) تلفظ صحیح داشته باشید.

۷: اگر نداند چقدر از نماز خود و پدرش قضا شده چکار کند؟

جواب: در فرض سؤال، کمترین مقداری که احتمال می‌دهد از او یا از پدر خود فوت شده قضا کند، گرچه بهتر است به اندازه‌ای قضاء کند که ذمهٔ خود را با انجام دادن آن مقدار بریء بداند.

نماز و روزهٔ استیجاری

۱: شخصی نماز و روزهٔ استیجاری گرفته و پولش را مصرف نموده و خودش در اثر پیری و یا مریضی و یا زیاد بودن آن، قادر به انجام همه آنها نیست. وجه آنها را از دفاتر مراجع تقلید گرفته، ورثه میت را هم نمی‌شناسد تا پول آن را به آنها برگرداند وفعلاً هم به دلایلی نمی‌تواند نماز بخواند و یا روزه بگیرد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: باید شخصی را اجیر کند تا مقدار باقیمانده از نماز و روزه را بجا آورد.

۲: شخصی بابت یک سال نماز به مبلغ صد دلار و یک ماه روزه به مبلغ پنجاه دلار اجیر شده تا آن را به نیابت از میّتی انجام دهد و برای قرائت یک ختم قرآن به مبلغ سی دلار اجیر شده تا آن را به نیابت میّتی انجام دهد. اگر به افراد دیگر از این مبلغ برای یک سال نماز هفتاد دلار و یک ماه روزه سی دلار و یک ختم قرآن بیست دلار بدهد، آیا از گردن شخص اول ساقط می‌شود و پولی که برایش می‌ماند حلال است؟

جواب: اگر خودش مقداری از نماز و روزه و قرآن را بخواند، می‌تواند مابقی را به کمتر از مقداری که اجیر شده به دیگری بدهد تا مابقی را انجام دهد و الا

مابقی پول برایش حلال نمی‌شود.

۳: شخصی در یک حسینیه در صورت غیبت امام جماعت که به ندرت پیش می‌آید امام جماعت می‌شود. آیا می‌توان به این فرد نماز استیجاری اموات را داد یا خیر؟

جواب: به شخصی که ثقه است می‌توانند نماز استیجاری بدهند.

۴: فردی برای میتی اجیر می‌شود تا نماز بخواند، آیا گفتن اذان و اقامه لازم است؟

جواب: اذان و اقامه هر دو مستحب است نه واجب و می‌تواند با یک اذان چند نماز قضا بجا آورد و برای بقیه اکتفا به اقامه کند، مگر اینکه شرط شده باشد که اذان و اقامه برای هر نمازی انجام دهد.

نماز جماعت

۱: در کتاب امالی شیخ صدوق (ص۴۸۵، حدیث۱۳)، از امام باقر علیه السلام روایت است: «من ترك الجماعة رغبة عنها وعن جماعة المسلمين من غير علة فلا صلاة له» که ترجمه شده «کسی که از روی بی‌میلی، بدون عذر و علت، نماز جماعت را که اجتماع مسلمانان است ترک کند، نمازی برای او نیست». آیا یعنی انسان اختیار ندارد که نمازش را جماعت یا فرادا بخواند در حالی که می‌توانسته جماعت بخواند، درست نیست؟

جواب: این روایت و روایات شریفه دیگری که به این مضمون است، در صدد بیان اهمیت نماز جماعت است و این که انسان بی‌جهت آن را رها نکند، لذا «نمازی برای او نیست» یعنی: نماز کامل و با ثواب کامل برای او نیست، نه این که نماز او باطل است.

۲: آیا در نماز جماعت واجب است مأمومین بدانند که امام جماعت عادل است و اگر ندانند عادل است، آیا می‌توانند به او اقتداء کنند؟

جواب: مأموم باید عدالت امام را احراز نماید تا بتواند به او اقتداء کند، بله حُسن ظاهر امام که کاشف از ملکه عدالت در او باشد کافی است.

۳: راههای کسب اطمینان به عدالت امام جماعت برای فردی که در شهری غریب است و کسی را نمی‌شناسد، چیست؟

جواب: حسن ظاهر امام جماعت، یا حسن ظاهر مأمومین و مانند آن در صورتی که برای انسان، نسبت به عدالت امام اطمینان آور باشد کافی است.

۴: آیا نماز جماعت با دو نفر انجام می‌شود یعنی یک نفر امام جماعت باشد و دیگری به او اقتدا نماید؟

جواب: بلی می‌شود، و جماعت به حساب می‌آید.

۵: در نماز جماعت خانم‌ها پشت پرده، اگر صف اول خانم‌ها از امام جماعت عقب‌تر باشد، اما از صف اول آقایان جلوتر باشد، آیا نماز صف اول آقایان باطل است یا خیر؟

جواب: خیر، نماز آقایان باطل نیست گرچه فاصله پرده هم نباشد، و نماز صف اول خانم‌ها اگرچه فاصله آنان با صف اول آقایان زیاد باشد، یعنی بیش از یک گام بزرگ باشد ولی چنانچه به امام جماعت متصل باشند باطل نیست.

۶: اقتدا به امام جماعت از اهل تسنن در مناطقی از دنیا که اکثریت با آنان است و عدم استفاده از مهر و همچنین دست بسته نماز خواندن چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت تقیه اشکال ندارد، والا جایز نیست.

۷: در عربستان سعودی نمازهای ما باید چگونه باشد، آیا حتماً باید با

آنها اقامه نماز کنیم؟ و اگر مجبور شدیم که با آنها نماز بخوانیم آیا باید دوباره اعاده کنیم یا خیر؟ و اگر نشد از مُهر استفاده کنیم و روی فرش نماز خواندیم، آیا نماز ما باطل است؟

جواب: اگر تقیه و ترس در کار نباشد، باید نماز را با شرائطش انجام داد.

۸: اگر امام جماعت بعد از رکوع در قیام مکث ننماید و در حین تکبیر به سجود رود، وظیفهٔ مأموم چیست و آیا آن نماز صحیح است؟

جواب: نماز ماموم مطلقا صحیح است، و امام چنانچه تکبیر را به نیت مطلق ذکر بگوید، عمداً هم باشد اشکال ندارد.

۹: در مساجد مابین دو نماز، امام جماعت به موعظه و روضه خوانی می‌پردازد. حال اگر شخصی به نیت هر دو نماز وارد مسجد شود ولی به دلایلی برای نماز دوم نتواند صبر کند، مانند:

الف ـ بدون هیچ عذر خاصی نمی‌خواهد مابین صلاتین بنشیند.

ب ـ میهمان در خانه و نهار آماده و در انتظار صاحبخانه هستند.

ج ـ به دلیل بیماری قادر نیست زیاد وضوی خود را نگه دارد.

د ـ کار مهمی برایش پیش آمده و باید سر موعد حاضر شود؛ حال وظیفهٔ چنین افرادی چیست و نسبت به نماز دوم چکار کنند؟

جواب: افراد فوق می‌توانند نماز دوم را فرادی بخوانند، و می‌توانند تشهد وسلام آخر نماز ظهر را سریع بخوانند و سلام بدهند، سپس برای نماز دوم بلند شوند و نیت کنند و تکبیر بگویند و به جماعت ملحق شوند و به حالت تجافی بنشینند و سبحان الله بگویند، تا امام سلام نماز ظهر را بدهد، آن گاه بلند شده و نماز دوم را ادامه دهند. در این صورت ثواب نماز جماعت به آنان که معذور

هستند داده می‌شود. و نیز می‌توانند از امام مسجد خواهش کنند که سخنرانی و موعظه را بلافاصله بعد از نماز عصر قرار دهد، و آنان که عذری ندارند بنشینند و گوش دهند.

۱۰: آیا در بین نماز جماعت می‌توان نیت فرادا نمود؟ و در صورت جواز، در کجای نماز می‌توان این عمل را انجام داد؟

جواب: بلی، در هر جای نماز جماعت که باشد، می‌تواند نیت فرادی نماید، گرچه احوط ترک آن است مگر ضرورتی باشد.

نماز جمعه

۱: حکم نماز جمعه در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

جواب: نماز جمعه در این زمان واجب تخییری است، و بنابر احتیاط مستحب اگر نماز جمعه خواند نماز ظهر را نیز بخواند.

۲: حکم خواندن نماز جمعه با سنّی‌ها (با توجه به اینکه نمازشان به طور کلّی با ما تفاوت دارد مثل بستن دست و آمین گفتن و اینکه چند نماز جمعه در یک شهر برگزار می‌شود و غیره) چیست؟ به طور کلّی اگر انسان بتواند به طور فرادی نماز بخواند (چه نماز جمعه و چه غیر آن) و یا جماعت با سنّی‌ها، کدام یک افضل است؟

جواب: در صحت نماز جماعت احراز ایمان و عدالت امام جماعت لازم است ولی اگر تقیه و خوف باشد نماز خواندن با آنها جائز است.

۳: آیا شرائط امام جماعت در نماز جمعه، با امام جماعت در نماز یومیه یکی است؟

جواب: بلی یکی است اگر چه خوب است امام در نماز جمعه چنانچه

فضیلت مطلق نباشد، از طرف مجتهد جامع الشرایط بنابر احتیاط مستحب تعیین و نصب شده باشد.

۴: آیا شرائط جماعت در نماز جمعه با شرایط جماعت در نماز یومیه فرقی دارد؟

جواب: جماعت در نماز جمعه باید اقلاً از هفت نفر مرد بالغ عاقل که مسافری که نماز او شکسته است بین آن‌ها نباشد تشکیل شود، و اگر پنج نفر بودند نماز آنان صحیح است ولی واجب نیست. دیگر این که بین دو محل اقامهٔ نماز جمعه باید حداقل یک فرسخ فاصله باشد، و قبل از نماز هم باید امام جمعه دو خطبه بخواند، که این دو شرط در جماعت نماز یومیه نیست.

۵: آیا نماز جمعه از لحاظ شرائط با نماز یومیه تفاوتی دارد؟

جواب: نماز جمعه تخییری است اما نماز یومیه واجب تعیینی است، و دیگر این که نماز جمعه فقط به جماعت صحیح است، ولی نماز یومیه هم به جماعت و هم فرادی صحیح می‌باشد.

۶: آیا نماز جمعه از لحاظ کیفیت با نماز یومیه متفاوت است؟

جواب: بلی کیفیت نماز جمعه با نماز یومیه متفاوت است و تفصیل آن در رسالهٔ «توضیح المسائل» با عنوان «نماز جمعه» آمده است.

مسائل متفرقهٔ نماز

۱: آیا خواندن لعن یا سلام زیارت عاشورا در قنوت نماز جایز است؟

جواب: در نماز قرآن و دعا و ذکر، مانند: «**اللهم صل علی اهل بیت نبیك وصل علی الائمة الطاهرین**» و مانند: «**اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد**»، جایز است.

۲: سوره‌های جمعه و منافقون چگونه در نماز ظهر یا عصر خوانده می‌شود؟ فضیلت آنها چیست؟

جواب: مستحب است در روز جمعه در نماز ظهر بعد از حمد سوره جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد سوره منافقون را بخوانند. در روایت است که گویا عمل رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله را بجا آورده، و ثواب او بر خدای عزّوجل بهشت است. (حاشیه مفاتیح الجنان)

۳: کتاب بسیار جامعی معرفی کنید که معرفت انسان را به حقیقت نماز زیاد کند؟

جواب: «معراج السعادة» مرحوم نراقی قدس سره کتاب اخلاقی است که در نماز هم بحث خوبی دارد.

۴: در نمازی که می‌خواهیم فقط یک آیه بخوانیم، مثل نماز غُفیله آیا برای همان آیه باید بسم الله بگوئیم؟

جواب: واجب نیست، ولی می‌توانید آن را بگوئید.

۵: «بسم الله» آیهٔ اول هر سوره است، یعنی مثلاً سورهٔ توحید پنج آیه است؟

جواب: بلی، «بسم الله الرحمن الرحیم» آیه اول هر سوره می‌باشد.

۶: اگر فردی زمین دیگری را تصرف و خانه درست کرده باشد، آیا نماز و روزه متصرف چنانچه مالک راضی نباشد درست است؟

جواب: اگر مالک راضی نباشد، نمازش باطل است.

۷: از شیشه عقیق درست می‌کنند و در انگشتر قرار می‌دهند، آیا در مواقع ضروری می‌توان بر آن سجده کرد؟

جواب: سجده بر شیشه و بلور جایز نیست.

۸: بعضی از مؤمنین می‌پرسند: آیا پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در نماز، سلام اول «السلام علیك ایها النبي» را می‌گفتند یا خیر؟

جواب: در آثار مرویه خلاف این را نیافتیم.

۹: آیا شخص یا اشخاصی می‌توانند از پخش صدای اذان مسجد جلوگیری کنند؟

جواب: خیر جایز نیست، چنانچه در حدّ متعارف باشد.

۱۰: اگر کسی قدرت ندارد ایستاده نماز بخواند و علاقه دارد در برابر عظمت خدا بایستد، برای رکوع و سجود و قیام از دیگری کمک می‌گیرد ولی رکوع و سجود را شخصاً انجام می‌دهد. کمک به این شخص نمازگزار جایز است یا خیر؟ و آیا نماز با این کیفیت درست است؟

جواب: تا زمانی که بتواند بایستد واجب است نماز را ایستاده بخواند ـ اگرچه به وسیله‌ای تکیه کند و یا به کمک دیگران باشد ـ بلی، اگر از این هم عاجز است نوبت به نشستن می‌رسد.

۱۱: اگر نمازگزار در موقع نماز صدای رادیو به گوشش برسد، مثلاً هم نماز می‌خواند هم به خبر گوش می‌دهد، آیا نماز او اشکال دارد؟

جواب: در فرض سؤال، نماز باطل نیست، اما در روایت است که: آن مقدار که انسان متوجه به نماز خود هست مورد قبول واقع می‌شود.

۱۲: اگر شخصی بتواند که نمازهای مستحبی از قبیل غُفیله و غیره را ایستاده قرائت نماید، چنانچه نشسته بجا آورد چه حکمی دارد؟

جواب: در نمازهای مستحبی نشسته خواندن اشکالی ندارد.

۱۳: دست دادن بعد از سلام نماز چه حکمی دارد؟

جواب: در روایات معراج آمده است: «آنگاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیت المقدس امامت انبیاء نمودند، بعد از پایان نماز حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام آمد و با فرزندشان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله مصافحه کردند».

۱۴: شنیده‌ایم کسی که سیر بخورد مکروه است به مسجد برود، آیا این

مطلب صحت دارد؟ در این صورت نماز خود را در منزل بخواند، و یا این که به مسجد برود؟

جواب: شخصی که پیاز یا سیر و مانند آن ـ که بویش مردم را می‌آزارد ـ خورده باشد مکروه است به مسجد برود، ولی اگر کاری کند که بوی دهان او برطرف گردد، کراهت نیز برطرف می‌شود.

۱۵: آیا دعا کردن به غیر عربی در نماز واجب جایز است؟ شعر خواندن در قنوت چطور است؟

جواب: بنابر احتیاط مستحب به عربی باشد، و اگر شعر مشتمل بر دعا باشد اشکال ندارد، مانند:

«**الهي عبدك العاصي أتاكا مقرّاً بالذنوب وقد دعاكا**»

۱۶: در نمازهای واجب و مستحب به اشخاص بیمار، زندانی و گرفتار دعا می‌کنم؛ آیا اشکالی در نماز ایجاد نمی‌کند، مثلاً در قنوت عرض می‌کنم: اللهم فك ولدي من السجن، یا: اللهم اشف بنتي المريضة ؟

جواب: اشکال ندارد.

۱۷: آیا جواب سلام، در صورتی که به غیر زبان عربی باشد، مثلاً به (انگلیسی) واجب است؟

جواب: چنانچه سلام باشد و نه تحیت‌های دگر، جواب آن واجب است.

۱۸: اگر در تشهد نماز، صلوات را این گونه بخوانند: اللهم صل على محمّد وآل محمّد وعجّل فرج آل محمد، آیا نماز باطل می‌شود؟

جواب: اشکالی ندارد.

۱۹: منظور از سجده کردن بر کاغذ، آیا کاغذهای سفید است، یا می‌توان بر کاغذهای رنگی و کاغذی که نوشته دارد نیز سجده کرد؟

جواب: فرقی بین کاغذ سفید، رنگی، نوشته و غیره نیست، ولی نوشته آن نباید جرم حائل و مستوعب داشته باشد.

۲۰: اگر نمازگزار در نماز عمداً حواس خود را به جای دیگری متوجه سازد، نمازش چه حکمی دارد؟

جواب: نمازش صحیح است اما در روایت است: آن مقدار که انسان متوجه به نماز خود هست مورد قبول واقع می‌شود.

۲۱: اگر کسی فرضاً ساعت ۹ صبح به مسافرت رفته و قرار است ساعت ۳/۵ بعد از ظهر به منزل برگردد، آیا این شخص نماز واجبش یعنی ظهر و عصر را به صورت شکسته در محل سفر بخواند، یا اینکه در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر در منزل خودش کامل بخواند؟ کدام مقدم است؟

جواب: نماز را اول وقت خواندن گرچه شکسته باشد مقدّم است.

۲۲: شخصی که ادرار غیر اختیاری دارد (مانند بیمارانی که سرطان پروستات دارند) برای ادای نماز چه باید بکنند؟

جواب: اگر بداند که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در آن وقت بخواند. و اگر مهلت او به مقدار واجبات نماز است، باید فقط واجب را بجا آورده و مستحب را مانند

اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید، و باید برای هر نماز یک وضو بگیرد چنانچه وضو گرفتن بعد از هر دفعه بول خارج شدن برایش سخت باشد. البته باید بوسیله کیسه پلاستیکی و نحو آن از رسیدن بول به جاهای دیگر بدن جلوگیری کند و احتیاط واجب تطهیر مخرج و کیسه آن است پیش از هر نماز چنانچه حرجی نباشد.

۲۳: خواندن نماز در اول وقت یا در آخر وقت چه فرقی دارد؟

جواب: در روایت آمده است: نماز اول وقت در ثواب مانند: (جزور) شتر است و آخر وقت مانند: (عصفور) گنجشک است.

۲۴: نماز خواندن در منزل و یا در مسجد، چه فلسفه‌ای دارد؟

جواب: نماز همانطور که در روایت آمده است: معراج مؤمن است و خواندن آن در منزل سبب برکت خانه شده، و خواندن آن در مسجد سبب تقویت و افزایش معنویت جامعه اسلامی می‌شود و روایات بسیاری در فضیلت نماز جماعت وارد شده است.

۲۵: فرق نماز فرادا و جماعت در چیست؟

جواب: نماز جماعت مضافاً بر این که ثوابش بیشتر است، دارای آثار و برکات معنوی و مادی بسیاری نیز برای جامعه می‌باشد.

۲۶: در تکبیرة الاحرام دست را تا برابر گوش بالا آوردن چه فلسفه‌ای دارد؟

جواب: در روایت است که این کار یعنی: هر چه متعلق به دنیا است پشت

سر انداخته و روی به خدا آورده است.

۲۷: فرق رکوع و سجود چیست؟

جواب: در سجود تواضع بیشتری برای خدا نسبت به رکوع وجود دارد.

۲۸: شخصی که غذا و لباس او حرام است، نمازش درست است؟

جواب: یکی از شروط صحت نماز، پاک و حلال بودن لباس نمازگزار می‌باشد، هرچند که اگر غذای نمازگزار حرام باشد، نمازش صحیح است ولی از برکات آن محروم می‌ماند.

۲۹: اگر دختر و یا پسری در سال‌های اول و دوم تکلیفشان کاملاً به احکام شرعی عمل نکرده باشند، مثلاً نمازهایشان را به صورت صحیح نخوانده باشند، آیا باید در سال‌های بعد قضا کنند؟

جواب: چنانچه احتمال بدهند که صحیح انجام داده باشند قضا ندارد، ولی اگر یقین کنند باطل بوده باید قضا نمایند.

۳۰: مهر نماز را روی بخاری می‌گذارند و بعد تبدیل می‌شود به خشت گلی که در تنور پخته شده، آیا بر این مهر می‌شود سجده کرد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۳۱: اگر شخصی در هنگام سجود دو مرتبه سرش بر مهر بخورد حکمش چیست؟

جواب: اگر بی‌اختیار باشد، چنانچه ممکن باشد باید سر را نگه دارد و این یک سجده حساب می‌شود و اگر نتواند روی هم یک سجده حساب می‌شود.

۳۲: آیا می‌توان ذکر رکوع و سجود را عمداً جابه‌جا بخوانیم؟

جواب: خیر.

۳۳: آیا در سجده نماز واجب یا سجده واجب قرآن هر ذکر و دعایی را می‌توان خواند، یا اینکه باید دعاهایی راکه وارد شده است قرائت کرد؟

جواب: در سجده نماز واجب نمی توان هر ذکری را خواند، بلکه باید: «**سبحان ربي الاعلى وبحمده**» یا سه بار: «**سبحان الله**» خوانده شود، بله هر دعائی را بعد از ذکر می‌توان خواند. و در سجدهٔ واجب قرآن نیز ذکر لازم نیست، بله مستحب است ذکر بگوید مانند سبحان الله، و بهتر است آنچه در توضیح المسائل ذکر شده خوانده شود.

۳۴: در اذان «أشهد أنّ علياً ولي الله» چه حکمی دارد؟

جواب: اظهر این است که جزو اذان و اقامه است.

۳۵: قیام متصل به رکوع در روی رکوع شمرده می‌شود یا در روی قیام موقع گفتن تکبیرة الاحرام؟

جواب: قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و قیامی که از آن به رکوع می‌رود و به آن قیام متصل به رکوع گفته می‌شود، رکن است.

۳۶: کسی که می‌داند اگر شب دیر بخوابد احتمال دارد نماز صبحش قضا شود، آیا بیدار ماندنش حرام است؟

جواب: در صورت علم جایز نیست، اما در صورت احتمال خیر.

۳۷: اگر کسی احیاناً آدامس یا چیز دیگری در دهانش باشد و به نماز

بایستد و در حین نماز آن را خارج کند، آیا نماز او صحیح است؟

جواب: نماز ـ در فرض سؤال ـ صحیح است.

۳۸: نمازهایی که به واسطه عهد و نذر و قسم بر انسان واجب می‌شود، آیا می‌توان به نماز یومیه اقتداء کرد و با جماعت خواند؟

جواب: خیر، نمی‌شود اقتداء کرد.

۳۹: بعضی‌ها داخل حرم امام رضا علیه‌السلام یا حرم دیگر معصومین علیهم‌السلام بدون حائل دیوار، از ضریح مبارک جلوتر، یا با فاصله کم نماز مستحبی و واجب می‌خوانند، آیا نمازشان درست است یا باطل؟

جواب: جلوتر از قبر معصوم علیه‌السلام و همچنین ـ بنابر احتیاط واجب ـ مساوی با آن نباید نماز خواند و نماز باطل است.

۴۰: آیا واجب است اهل علم و یا خادمین حرم‌های معصومین علیهم‌السلام مسأله جلوتر ایستادن از قبر مبارک را به کسانی که از ضریح جلوتر می‌ایستند و یا مساوی با آن نماز می‌خوانند تذکر دهند؟

جواب: به آنان تذکر دهند.

۴۱: مستحب است خانم‌ها در رکوع دستها را بالای زانو بگذارند، آیا بدین خاطر است که کمتر از مردها خم شوند و جلب نامحرم نشوند؟

جواب: زن‌ها مانند مردها باید به حدّ رکوع شرعی خم شوند، اگرچه مستحب است زنها دست‌ها را بالای زانو بگذارند.

۴۲: من تا یک سال پیش نماز می‌خواندم، اما به خاطر اشتباهاتی که

داشتم دوستان و همکارانم آنقدر مرا مورد استهزاء قرار دادند که نماز را رها کردم. هر وقت هم دست به سوی خدا برمی‌دارم وضعیت من بدتر می‌شود که بهتر نمی‌شود، به هر حال پشیمانم اما نمی‌دانم چکار کنم؟ از شما خواهش می‌کنم مرا راهنمایی فرمائید؟

جواب: قرآن کریم می‌فرماید: هر که از یاد خدا روگردان شود پس به تحقیق که زندگی سخت و دشواری برای او هست. لذا باید به یاد خدا باشید و نماز را بخوانید تا خدا هم به شما توجه فرماید. قرآن و دعا، خوش اخلاقی و نیکی به دیگران خصوصاً والدین و زن و فرزند در رفع گرفتاری‌ها مؤثر است.

۴۳: خانمی بدون حجاب به نماز می‌ایستد و می‌گوید: ما همگی از یک پدر و مادر بوده و همه باهم خواهر و برادر هستیم و من دلیلی ندارم که حجاب داشته باشم. و خواهشمندم داستان ازدواج پسران حضرت آدم علیه‌السلام را شرح بفرمائید تا جواب ایشان نیز باشد.

جواب: این موضوع مسلم است که همگی ما از نسل حضرت آدم و حوا علیهما‌السلام هستیم، ولی این طور نیست که همه با هم برادر و خواهر نَسَبی و با یکدیگر محرم باشیم، زیرا خدای متعال برای اینکه نسل بنی‌آدم زیاد شود، دو همسر از بهشت برای دو فرزند آدم مهیا فرمود و فرزندان آدم علیه‌السلام بعد از این ازدواج، پسرعمو و دختر عموی یکدیگر و نامحرم شدند، و اگر چنین نبود نسل حضرت آدم علیه‌السلام متوقف می‌شد زیرا معنا نداشت که برادر و خواهر باهم ازدواج کنند و چون خواهر و برادر نیستند پس نامحرم هستند و طبق دستور خدا که نماز را واجب فرموده حجاب را نیز باید رعایت کرد، و نماز بدون حجاب پذیرفته نیست و باطل است.

۴۴: هنگامی که من به خانه فرزندانم می‌روم به نوه‌های خود تذکر می‌دهم که هر کس نمازش را نخوانده است نماز بخواند، امّا به من معترض می‌شوند که چرا تذکر می‌دهید، نمازخوان خودش نمازش را می‌خواند! آیا بر من واجب است که به آنها تذکر بدهم یا خیر؟

جواب: قرآن مجید می‌فرماید: «ای مؤمنان: خود و خانواده‌های خود را از جهنمی که هیزم آن مردم ـ گنهکار ـ و سنگ است، حفظ کنید.» راوی می‌گوید: از رسول خداﷺ پرسیدیم چگونه آنان را از جهنم حفظ کنم؟ حضرت فرمودند: آنان را امر به معروف و نهی از منکر کن، همچنان که خودت را از بدی‌ها بازمی‌داری و به خوبی‌ها وا می‌داری...». تذکر دادن وظیفهٔ هر مسلمان است، خصوصاً پدران و مادران نسبت به فرزندان خود؛ البته باید با زبان خوش و ملایمت باشد.

۴۵: بنده به علت درد پا نمازهای خود را نشسته می‌خوانم، اگر برای اموات خود نماز قضا در حالت نشسته بخوانم ایرادی دارد؟

جواب: ایرادی ندارد، ولی مُسقِط نماز قضای آنان نیست.

۴۶: شخصی در نماز چهار رکعتی در رکعت سوّم در حال قیام قبل از رکوع یقین می‌کند که یکی از سجده‌ها و یا تشهد را نخوانده است، باید برای خواندن سجده و تشهد برگردد، ابتدا سجده کند و بعد تشهد بخواند، در این جا حکم زیادی جزء که مبطل نماز است چیست؟

جواب: در فرض سؤال، زیادی مبطل نیست، و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

۴۷: آیا نماز احتیاط متمم صلاة است یا واجب مستقل است؟

جواب: چنانچه نماز واقعاً نقص داشته باشد، متمم **صلاة** است.

۴۸: چاره خواب زیاد و عدم توفیق شب زنده‌داری چیست؟

جواب: مواظبت بر انجام واجبات خصوصاً نماز اول وقت، ترک گناهان، خوش اخلاقی، نیکی به دیگران، تلاوت قرآن مجید، خواندن ادعیه مأثوره از أئمه علیهم السلام و کم‌خوری خصوصاً در شب، موجب رفع آنچه در سؤال شده می‌شود، ان شاء الله تعالی.

۴۹: وقتی انسان را در حال نماز صدا می‌کنند، وظیفه‌اش چیست؟ آیا می‌توان به قصد ذکر بگوید: «الله اکبر» و در عین حال به صداکننده بفهماند که سر نماز هستم؟ آیا ذکر «الله اکبر» را هر جای نماز می‌شود گفت یا این که مثلاً هنگام قرائت باید صبر کرد تا تمام شود؟

جواب: در هر جای نماز می‌توان ذکر گفت.

۵۰: آیا مرد و زن می‌توانند در نماز فرادی کنار هم بایستند؟

جواب: بلی می‌توانند ولی کراهت دارد، و کراهت آن با گذاشتن پرده در بین و یا بودن فاصله به اندازه ده ذراع برطرف می‌شود.

۵۱: آیا می‌توان نماز مستحبی را شکست و نماز واجب را تغییر داد و نیت نماز مستحبی کرد؟ دیگر اینکه در نمازهای مستحبی وقتی سوره توحید یا جحد را شروع کردیم و مقداری از آن را خواندیم، آیا می‌توانیم سوره را تغییر داده و سورهٔ دیگری بخوانیم؟

جواب: نماز مستحبی را می‌توان شکست، ولی نماز واجب را نمی‌توان به نماز مستحبی تغییر داد، مگر در بعضی موارد مثل آنکه مشغول نماز واجب است و جماعت برپا می‌شود که اگر بخواهد نماز را تمام کند به جماعت نمی‌رسد، اینجا

به مستحب تغییر می‌دهد و سلام می‌دهد و به جماعت می‌رسد. و تغییر سوره توحید، یا جحد (کافرون)، در نمازهای مستحبی اشکالی ندارد.

مسجد

۱: اگر مسجد را تجدید بنا نموده و دو طبقه درست کنند، آیا طبقه بالا و پایین هر دو حکم مسجد را دارد؟

جواب: بلی، هر دو حکم مسجد را دارند.

۲: اگر مسجد را تجدید بنا نموده و چهار طبقه درست کنند و ضمناً طبقهٔ سوم و چهارم را نشیمنگاه خادم مسجد و میهمان خانه قرار دهند، اولاً آیا این تغییرات در مسجد جایز است؟ و ثانیاً آیا این طبقهٔ سوم و چهارم در احکام مثل مسجد است؟

جواب: بلی، در احکام مثل مسجد می‌باشند و هر تغییری در موقوفات باید با موافقت و اذن متولی شرعی آن موقوفه باشد.

۳: مسجدی را تجدید بنا نموده و تغییراتی در آن بوجود آوردند، از آن جمله هشت متر در ده متر از مسجد را جدا نمودند و دری در وسط مسجد قدیم نصب کرده‌اند و در همین جا کفش کن هم درست کرده‌اند، حال تکلیف

کسانی‌که علم و اطلاع از تغییرات مسجد دارند چیست؟

جواب: اگر مقدار جدا شده که در فرض سؤال آمده جزو مسجد بوده نه اینکه تابع موقوفات مسجد باشد، حکمش حکم مسجد است و در اسرع وقت باید به مسجد ملحق شود و از تنجیس آن ـ که حرام است ـ جداً خودداری کنند، و بر فرض تنجیس باید فوراً آن را تطهیر نمود، و کسانی که علم دارند تکلیفشان روشن است.

۴: اگر شخصی بخواهد زمین یا ساختمان خود را وقف عموم نماید، مانند مسجد یا حسینیه، چگونه این کار را انجام بدهد؟

جواب: کافی است برای یک شخصی عاقل و بالغ در صورتی که مالک آن زمین یا ساختمان باشد و در حالی که با اختیار و قصد بوده صیغه وقف را ـ ولو بغیر عربی ـ بر زبان جاری کند و بگوید: این زمین یا این ساختمان مسجد، یا حسینیه را وقف نمودم، بلکه حتی اگر بدون صیغه آن را تسلیم عموم کند مثل نماز گزاران در مسجد و عزاداران در حسینیه (مثلا)، در صحت وقف کافی است. آن گاه آن مکان وقف گردیده و از ملک او خارج شده و دیگر حق تصرف شخصی در آن، مانند بیع، هبه و مانند آن را، او و دیگران ندارند و احدی هم از آن ارث نخواهد برد.

رؤیت هلال

۱: آیا رؤیت هلال و اثبات اول ماه الزاماً باید با چشم غیرمسلّح صورت گیرد یا اینکه رؤیت با چشم مسلّح (استفاده از دوربین دو چشمی و تلسکوپ) کافی است؟

جواب: رؤیت هلال با چشم مسلح و حتی علم شخصی از این طریق نیز شرعاً معتبر نیست، مگر اینکه امکان رؤیت به عین مجرده نیز باشد.

۲: در صورتی که رؤیت با دوربین را هم قابل پذیرش می‌دانید، آیا ملاک رؤیت با دوربین متعارفی (مانند دوربین ۵۰×۷) است که می‌تواند در اختیار همهٔ مردم قرار بگیرد؟ یا اگر با دوربین‌های دو چشمی غیر متعارف فوق العاده قوی (مانند دوربین ۱۵۰×۴۰) هم رؤیت شد، هلال ثابت می‌شود؟

جواب: رؤیت با دوربین مطلقا معتبر نیست.

۳: وضعیّت رؤیت هلال در برخی از ماهها به تعبیر متخصّصین «حالت

بحران» است، در این حالت اگر هلال با دوربین‌های دو چشمی قوی یا تلسکوپ رؤیت نشد، آیا می‌توان سخن مدّعیان رؤیت (شهادت شهود) را پذیرفت یا خیر؟

جواب: اگر بیّنه شرعیّه با دارا بودن تمام شرایط اقامه شد، و علم به خطای آن نباشد ثابت می‌شود.

۴: در برخی از ماه‌ها، متخصّصین رؤیت هلال بالاتفاق بر این عقیده هستند که هلال ماه اصلاً قابل رؤیت نیست و در عین حال عده‌ای به رؤیت هلال شهادت می‌دهند، نظر حضرتعالی در هنگام تعارض شهود با نظر متخصّصین چیست؟

جواب: شهادت شهود عدول معتبر است، مگر علم قطعی به خطای آنان باشد.

۵: درصورت عدم اقامه شهود بر رؤیت هلال به دلیل ابری بودن آسمان یا عوامل دیگر، اگر متخصّصین رؤیت هلال نظر قطعی به قابل رؤیت بودن آن دادند، حکم مسئله چگونه می‌شود؟

جواب: قول اهل خبره و متخصص ثقات معتبر است، مگر در هلال.

۶: اگر در چند رصدخانه در مناطق مختلف یک کشوری هلال ماه را با تلسکوب ببینند و در این رصد خانه‌ها دوربین‌های فیلم برداری تلویزیونی پشت تلسکوپ‌ها قرار بگیرند و به طور مستقیم (پخش زنده) تصویر هلال را از طریق تلویزیون به مردم نشان بدهند به گونه‌ای که مردم اطمینان پیدا کنند تصاویر پخش شده واقعی است و ساختگی نیست، حکم اثبات اول ماه

را در این صورت بیان بفرمائید؟

جواب: ثبوت هلال، فقط برای کسانی که برای آنها علم حاصل می‌شود که رؤیت به عین مجرده است، حجت می‌باشد.

۷: رؤیت پذیری هلال در آفاق با تغییر در طول و عرض جغرافیایی تغییر پیدا می‌کند و این خود دو حالت دارد:

الف ـ گاهی هلال در شهری همچون مدینه منوّره که نسبت به تهران در عرض جنوبی‌تری واقع شده، دیده می‌شود امّا در تهران دیده نمی‌شود. در این گونه موارد آیا ماه جدید برای ساکنان تهران آغاز می‌شود یا خیر؟ همچنین صورت عکس آن چگونه خواهد بود؟

ب ـ برخی اوقات هلال در شهری مانند مشهد مقدس که نسبت به شهر دمشق در طول جغرافیایی شرقی‌تری واقع شده دیده می‌شود ولی در دمشق رؤیت نمی‌شود. در چنین صورتی آیا اول ماه برای اهل دمشق ثابت می‌گردد یا خیر؟ حکم مسئله در فرض عکس آن چگونه است؟

جواب: الف ـ در مثال مذکور، رؤیت برای شهر دیگر حجت نیست، و در عکس آن حجت است.

ب ـ اگر در مشهد ثابت شود، برای اهل دمشق و تمام شهرهای غربی آن حجت بوده ولی در عکس آن حجت نمی‌باشد.

۸: گاهی اوقات به دلیل وسعت جغرافیایی بعضی از کشورهای جهان، احتمال دیده شدن هلال در برخی از مناطق این گونه کشورها وجود دارد، امّا در سایر نقاط آن، هلال قابل رؤیت نیست. حکم آغاز ماه در کشورهای اینچنینی چگونه است؟

جواب: ملاک ثبوت هلال در شهرها و کشورها یکی می‌باشد، بنابراین شهر یا کشوری که در آن رؤیت شده اگر در شرق باشد برای شهرها و کشورهای غربی آن حجت خواهد بود و اول ماه ثابت می‌شود و در عکس آن چنین نیست.

۹: چگونه است که اگر دو مرد عادل ماه شوال را در شهری از ایران ببینند، فردای آن روز در ایران عید فطر اعلام می‌شود حتی اگر این شهر، شهری مرزی باشد، ولی اگر ماه آن طرف مرز دیده شود در ایران عید فطر اعلام نمی‌شود. در چند دهه پیش که بحرین جزو ایران بود کسی در آنجا ماه را می‌دید در تهران عید فطر اعلام می‌شد، ولی الآن با دیدن ماه در بحرین در تهران عید فطر اعلام نمی‌شود، آیا لازم نیست در این مسئله تجدید نظر شود؟ در ضمن: «این مرزها تقسیم‌بندی‌های پلیدی است که دست استعمار برای جداکردن برادران دینی از یکدیگر کشیده است.»

جواب: داخل کشور با خارج آن در حجت بودن ثبوت هلال فرقی نمی‌کند، ملاک این است که اگر در شهری هلال ثابت شد، حجت است بر شهرهای قریب الافق چه داخل و چه خارج کشور، و بر شهرهای بعید الافق چه خارج و چه داخل کشورحجت نیست.

۱۰: با توجه به تشکیک در رؤیت هلال ماه رمضان، نظر مبارکتان را نسبت به زمان برگزاری اعمال شب‌های احیاء مرقوم فرمائید.

جواب: احتیاط در شبهای قدر خوب است.

۱۱: هر ساله در آخر ماه مبارک رمضان، مردم شیعه افغانستان دچار سردرگمی می‌شوند، برای آنکه در بعضی قریه‌جات، شیعه و سنی زندگی

می‌کنند سنی‌ها عید می‌گیرند اما شیعیان نه، این مسئله باعث اختلاف در بین شیعه و سنی شده است، در این مورد تکلیف چیست؟

جواب: هر کدام به وظیفهٔ خود عمل نمایند.

۱۲: در رابطه با اختلاف افق، بین شیعیان نیز اختلاف وجود دارد، گر چه این مطلب در رساله‌های عملیه آمده است، اما برای همه قابل فهم و واضح نیست، لطفاً بطور روشن بیان فرمائید؟

جواب: اگر در منطقهٔ شما یا شهرهایی که از جهت افق نزدیک شما هستند، ماه رؤیت شده باشد، آن روز روز عید حساب می‌شود.

۱۳: با گفتن رادیو و تلویزیون آیا اول و آخر هر ماه ثابت می‌شود؟ (مثلاً رادیو و تلویزیون اردبیل که اول ماه را خبر می‌دهد با قریهٔ ما حدود ۱۳۰ـ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد).

جواب: اگر قریب الافق و مورد اطمینان باشد، ثابت می‌شود.

۱۴: اگر در یکی از دو شهری که افق آنها با یکدیگر فرق دارد ماه دیده شود، آیا می‌توان عید گرفت؟

جواب: افق شرقی همیشه برای افق غربی حجت است، اما افق مغرب زمین برای مشرق زمین در صورتی حجت است که قریب الافق باشد و احیانا فصول سال در این جهت فرق دارد.

۱۵: آیا رؤیت هلال در کشورهای شرقی مانند ایران، عربستان سعودی،

پاکستان، عراق و غیره برای کشورهای غربی مثل فرانسه، آلمان و غیره کافی است یا نه؟ و اگر در کشورهای غربی به علت ابر و غیره نتوانیم ماه را ببینیم وظیفه شرعی چیست؟

جواب: در فرض سؤال، کافی است.

۱۶: آیا رؤیت هلال در بلاد بعیده کفایت از سایر بلاد می‌کند؟

جواب: اگر در افق مختلف باشند، غرب برای شرق کفایت نمی‌کند.

۱۷: شخص معتبری تلفن می‌کند که فردا عید فطر است، آیا قول او قبول می‌شود؟

جواب: اگر از خبر او برای انسان علم حاصل شود، یا ثقه باشد و نقل از حجت معتبره کند، بلی، و الا خیر.

۱۸: در صورتی که عید فطر مشکوک باشد و معلوم نیست ماه مبارک رمضان ۲۹ روز باشد یا ۳۰ روز و حکم حاکم نیز دیر می‌رسد، وظیفه چیست؟

جواب: باید روزه گرفت، تا علم حاصل شود که عید شده است.

روزه

۱: اگر شخصی روز ماه رمضان در خواب محتلم شود و فوراً بعد از احتلام از خواب بیدار شود روزه او باطل می‌شود یا صحیح است؟

جواب: خیر، باطل نمی‌شود و برای نماز غسل نماید.

۲: آیا ماتیک روزه را باطل می‌کند؟

جواب: خیر، مگر این که ذرات آن عمداً وارد حلق شود.

۳: آیا مسواک کردن روزه را باطل می‌کند؟

جواب: اگر آب دهان را بیرون بریزد و به حلق نرسد، اشکالی ندارد.

۴: ذراتی در آب دهان بعد از جارو زدن و گردگیری که غبار غلیظ ندارد دیده می‌شود، آیا برای روزه ایجاد مشکل می‌کند؟

جواب: در فرض سؤال، روزه باطل نیست و بهتر است مواظبت کند تا به حلق نرسد.

۵: آیا عطر زدن روزه را باطل می‌کند؟

جواب: خیر، بلکه تحفه و هدیه روزه دار عطر است.

۶: اصطلاح اماله کردن با چیز روان که در قسمت مبطلات روزهٔ رسالهٔ عملیه آمده است، به چه معنا است؟

جواب: مراد رسیدن مایعات به داخل روده یا معده اگر چه از راه تنقیه باشد، که وصول آن به داخل روده یا معده مبطل روزه است.

۷: آیا روزه دار می‌تواند مسواک کند؟ کف خمیر دندان تا چه حدّی می‌تواند به حلق نزدیک شود؟ لطفاً حد آن را با ذکر مخرج حروف بیان فرمایید.

جواب: روزه‌دار می‌تواند مسواک کند، ولی باید کف خمیردندان و غیر آن به حلق نرسد، یعنی از مخرج خاء تجاوز نکند.

۸: منظور از فضای دهان چیست و حد آن کدام است؟

جواب: فضای دهان یعنی داخل دهان و حدّ آن مخرج خاء است، که اگر خلط به آن برسد، فرو بردن آن جایز نیست.

۹: اگر روزه دار فقط خلط غلیظ را بیرون می‌انداخته و خلط رقیق را فرو می‌برده، آیا بین این دو فرق هست و باید روزه‌هایش را قضا کند؟

جواب: فرقی بین این دو نیست. بلی، چنانچه به رقیق آن خلط گفته نشود، یا در آب دهان مستهلک شود روزه را باطل نمی‌کند.

۱۰: اگر بر اثر آروغ زدن اسید معده یا چیز دیگری به فضای دهان بیاید و بیرون انداختن آن با مشقت همراه باشد، و به همین جهت آن را فوراً فرو ببرد، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ و در صورت باطل شدن آیا بر او کفاره واجب است یا خیر؟

جواب: آروغ زدن غیر اختیاری اگر چه طعامی بالا بیاید و بی‌اختیار برگردد مبطل روزه نیست، ولی اگر به اختیار خود آروغ بزند و بداند چیزی از گلوی او بیرون می‌آید بنابر احتیاط واجب روزهٔ او باطل است و قضا دارد، بلی چنانچه یقین نداشته باشد و اتفاقاً چیزی در گلو یا دهانش بیاید باید آن را بیرون بریزد، و اگر بی‌اختیار فرو رود روزهٔ او صحیح است، ولی اگر به اختیار فرو برد، بنابر احتیاط واجب روزه او باطل می‌شود و باید آن روز را تمام کند و یک روز هم قضا نماید.

۱۱: آیا هر نوع استمناء روزه را باطل می‌کند؟ اگر فردی بدون قصد خروج منی استمناء نماید، آیا روزهٔ او باطل می‌شود، حتی اگر منی خارج نشود؟

جواب: هر نوع استمناء، حرام و روزه را باطل می‌کند، بلی، اگر بدون قصد خروج منی کاری کرد و مطمئن بود منی از او خارج نمی‌شود روزهٔ او صحیح است، اگر چه اتفاقاً از او منی خارج شود، ولی اگر اطمینان نداشته و منی از او بیرون بیاید، روزه‌اش باطل است.

۱۲: اگر در ماه مبارک رمضان بر اثر ملاعبه، آب حرکت کند لکن خارج نشود، آیا اگر در روز بول کند روزهٔ او اشکال پیدا می‌کند؟

جواب: در صورتی که منی از او خارج نشود روزهٔ او باطل نیست، بلی اگر قطع حاصل کند که همراه بول منی خارج شده لازم است احتیاطاً روزه را قضا کند.

۱۳: شخصی مدتی غسل جنابت خود را باطل انجام داده است، روزه‌های او چه حکمی دارد؟

جواب: روزه‌های او صحیح است و اعاده لازم ندارد.

۱۴: شخصی با آب نجس یا مضاف غسل کرده و بعد از چند روز متوجه شده، آیا نماز و روزه‌های او صحیح است؟

جواب: فقط نمازهای خود را قضا کند، و روزه‌های او قضا ندارد.

۱۵: در روزهٔ ماه مبارک رمضان و یا قضای آن اگر سهواً چیزی بخورد و یا بیاشامد آیا روزهٔ او باطل می‌شود؟ اگر روزهٔ استیجاری و یا مستحبّی باشد و سهواً چیزی بخورد و یا بیاشامد حکم او چیست؟

جواب: خوردن و آشامیدن سهوی در همهٔ اقسام صوم مبطل روزه نیست.

۱۶: شخصی سحر بیدار نمی‌شود، اگر بخواهد روزهٔ قضا یا استیجاری و یا مستحبّی بگیرد، تا چه ساعتی اگر نیّت کند روزه‌اش صحیح است؟

جواب: چنانچه مفطری انجام نداده، نیت روزه تا قبل از اذان ظهر در روزهٔ قضا و استیجاری صحیح است، و در روزهٔ مستحبی تا قبل از مغرب.

۱۷: دختری از ۹ سالگی گذشته و از نظر جُثّه کوچک بوده است، بدین

جهت پدر و مادر او نگذاشته‌اند تا روزه بگیرد و شاید هم نمی‌توانسته روزه بگیرد حال که چند سال می‌گذرد وظیفه او چیست؟

جواب: فقط قضای آن را انجام دهد به همراه فدیهٔ تاخیر (۷۵۰)گرم گندم یا نان یا آرد آن را به فقیر بدهد.

۱۸: اگر فردی در ماه مبارک رمضان نماز نخواند، آیا روزه‌اش صحیح است؟

جواب: در فرض سؤال، روزه‌اش صحیح است و باید نماز را هم بخواند.

۱۹: روزهٔ روز جمعه چه حکمی دارد؟

جواب: مستحب است.

۲۰: در صورت داشتن بیماری قند، روزه برای فرد چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه متخصص مورد اطمینان بگوید ضرر دارد، یا خود شخص احتمال ضرر بدهد، روزه نگیرد.

۲۱: اگر فردی روزهٔ مستحبی گرفته باشد و دیگران به او غذایی تعارف کنند، آیا ثواب روزه را می‌برد و جزو روزه داران آن روز محسوب می‌شود؟

جواب: بلی، و طبق روایت ثواب بیشتری می‌برد، زیرا هم ثواب روزهٔ مستحب را برده و هم ثواب اجابت دعوت مؤمن را که رد نکرده است.

۲۲: فردی که خودش نماز و روزهٔ قضا دارد آیا می‌تواند برای دیگری اجیر شود؟

جواب: نماز را می‌تواند، ولی روزه را بنابر احتیاط خیر.

۲۳: آیا دو نفر یا بیشتر می‌توانند در یک روز برای یک میت روزه بگیرند؟

جواب: اشکالی ندارد.

۲۴: در لندن زندگی می‌کنم و در اینجا ـ بحمدالله تعالی ـ مراکز و مساجد پیروان اهل بیت علیهم‌السلام متعددند، تعدد جداول زمانی منتشر شده توسط هر یک از این مراکز برای اوقات شرعی ماه مبارک رمضان گاهی اوقات (خصوصاً در مورد فجر) اختلاف تا حد ۴۰ دقیقه است! آیا تکلیف در رعایت احتیاط است یا اختیار در انتخاب هر یک از این جداول؟

جواب: چنانچه بعد از فحص اطمینان به هیچ کدام از آنها پیدا نکرد، به احتیاط عمل کند.

قضا و کفّارهٔ روزه

۱: اگر شخصی که تازه بالغ شده در ماه مبارک رمضان روزهٔ خود را به حرام باطل کرده باشد و از حکم آن با خبر نباشد، بعد از چند سال که بزرگتر می‌شود روزه‌های استیجاری می‌گیرد و آن را ادا می‌کند ولی بعد از مدتی یاد این موضوع می‌افتد که روزه‌اش را به طور حرام باطل کرده است و الان هم یک سال روزهٔ استیجاری گرفته، حکم این مساله چیست؟

جواب: در فرض سؤال، بنابراحتیاط مستحب اول روزه‌ای که باطل کرده قضا کند و بعد شروع به گرفتن روزه‌های استیجاری نماید و اگر جاهل قاصر باشد، یعنی نمی‌توانسته مسأله را یاد بگیرد، یا ملتفت آن نبوده است کفاره بر او نیست و الاّ چنانچه می‌توانسته مسأله را یاد بگیرد، و یا التفات داشته و ترتیب اثر نداده است بنابر احتیاط واجب باید (۶۰) روز روزه بگیرد و (۶۰) فقیر را اطعام کند و کافی است که به هر کدام (۷۵۰) گرم نان بدهد.

۲: در اوایل بلوغ جهلاً یک روز روزه‌ام را خورده‌ام، حکم آن چیست؟

جواب: در فرض سؤال، فقط یک روز قضای آن را گرفته و یک مد طعام کفاره

تأخیر داده و استغفار نمائید.

۳: کودکی شیر خواره به سن یک سال و چهار ماه دارم، این کودک در شبانه روز چهار مرتبه از شیر مادر تغذیه می‌کند، در صورتی که تغذیه این کودک فقط شیر مادر باشد، یا تغذیه‌اش بیشتر از شیر مادر باشد، آیا من که مادر کودک هستم می‌توانم امسال ماه مبارک رمضان را روزه بگیرم یا خیر؟

جواب: چنانچه خوف ضرر بر خود یا بر کودک شیرخوار خود داشته باشید، روزه نگیرید، و برای هر روز چنانچه مقدورتان باشد (۷۵۰ گرم) گندم یا آرد و یا نان آن را به عنوان «فدیه» به فقیر بدهید، سپس چنانچه قبل از ماه مبارک رمضان سال بعد عذرتان برطرف شد قضای آن را بگیرید و اگر عذرتان باقی بود و ماه مبارک رمضان بعدی رسید، یک «فدیه» دیگر یعنی (۷۵۰ گرم) گندم یا آرد و یا نان آن را به فقیر بدهید، و دیگر قضای آن از شما ساقط می‌شود.

۴: در ایام جوانی و دوران دبیرستان مدّت دو ماه روزه‌ام را خوردم، با توجه به اینکه شنیده بودم هر که عمداً روزه خود را بخورد شصت روز کفاره دارد، فعلاً ضمن توبه (۶۰) روز قضای روزه را گرفته‌ام. حال قدرت اینکه برای هر روز دو ماه متوالی روزه بگیرم را ندارم و إطعام شصت مسکین هم در توان من با عائله‌ای که دارم نیست، لطفاً بفرمائید وظیفه‌ام چیست؟

جواب: در فرض سؤال، مخیّر هستید بین اینکه برای هر روز هیجده روز روزۀ پی در پی بگیرید، یا هر مقدار که می‌توانید به فقیر طعام بدهید، و اگر باز هم نتوانید باید استغفار نمائید و بنابر احتیاط واجب هر وقت توانستید کفّاره را

بدهید.

۵: اگر جهت آب کشیدن خون دهان و دندان مصنوعی خود ـ که حسب فتوای حضرتعالی بنابر احتیاط مستحب حتی در صورت از بین رفتن خون در آب دهان باید آن را آب کشید ـ در هنگام روزه آب در دهان می‌کند و بی-اختیار آب فرو می‌رود، آیا روزۀ او باطل است؟

جواب: باطل نیست، بنابرأظهر.

۶: شخصی روزۀ قضای ماه مبارک رمضان در ذمّه دارد، در صورت تأخیر عمدی در قضای آنها، آیا واجب است کفّاره بدهد؟ در صورت مثبت بودن جواب مقدار آن چقدر است؟

جواب: کفّاره ندارد ولی جهت تعمد تأخیر باید استغفار کند و فدیه بدهد، یعنی برای هر روز یک مد (۷۵۰) گرم گندم یا آرد و یا نان آن را به فقیر بدهد.

۷: اگر کسی در شب ماه مبارک رمضان، ۱۵ دقیقه قبل از صبح از خواب بیدار شود، و بخاطر تنگی وقت سحری نخورد، و همان روز روزۀ خود را بخورد، آیا قضا و کفّاره بر چنین شخصی واجب است؟

جواب: اگر حرج شدید یا خوف از ضرر نداشته و روزه را افطارکرده، قضا و کفاره دارد و در غیر این صورت فقط قضا دارد.

۸: در رساله‌های عملیه آمده است: «اگر برای آنکه کسی را از غرق شدن نجات دهد، سر را در آب فرو برد اگر چه نجات دادن او واجب باشد، روزه-اش باطل می‌شود»، آیا نجات غریق وظیفۀ کارمند تعیین شده است و یا عموم

مردم هم وظیفه دارند؟

جواب: بر هر شخصی که می‌تواند غرق شده را نجات دهد واجب است که او را نجات دهد و روزه‌اش باطل می‌شود ـ علی الاحوط وجوباً ـ و باید یک روز قضا کند، اما کفاره ندارد.

۹: گرفتن قضای روزهٔ ماه رمضان با نذر در سفر چگونه است؟

جواب: چنانچه نذر کند که روزه قضای خود را در سفر بگیرد، جایز است.

۱۰: آیا قضای روزه‌های دوران بارداری و شیر دهی از خانمی که تا ماه رمضان بعدی بارداری و یا شیردهی او باقی بوده و برای هر سال دو فدیه داده ساقط است؟

جواب: در فرض سؤال، ساقط است.

۱۱: انسانی که روزه نیست و با همسر روزه‌دار خود در ماه مبارک رمضان نزدیکی نموده که نه قدرت بر روزه گرفتن دارد و نه استطاعت مالی بر دادن کفاره، وظیفهٔ او چیست؟

جواب: استغفار نماید، و چنانچه زن هم راضی بوده بر زن نیز کفاره واجب می‌شود.

۱۲: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان روزهٔ خود را عمداً ترک کند حکم آن چیست؟ و منظور از کفاره را بیان فرمائید؟

جواب: اگر بدون عذر شرعی عمداً روزهٔ خود را افطار کند، باید برای هر روز یک روز قضا کند، و دو ماه روزهٔ کفاره بگیرد، یا به شصت مسکین طعام بدهد، و توبه و استغفار هم بنماید.

۱۳: از سال‌های قبل روزهٔ قضا دارم ولی نمی‌دانم چقدر است؟ هیچ سالی هم کفارهٔ روزهٔ قضای خود را نداده‌ام، تکلیف من چیست؟

جواب: اگر در این نسیان مقصّر بوده‌اید، بنابر احتیاط واجب باید مقدار بیشتر را قضا نمائید، و اگر مقصّر نبوده‌اید می‌توانید مقدار کم را قضا نمائید، و برای هر روز که بدون عذر افطار کرده‌اید باید شصت روز روزه بگیرید و یا شصت مسکین را اطعام نمائید، ولی برای افطار روزه با عذر یک مدّ طعام فدیه و یک روز قضا کافی است.

۱۴: روزه‌دار می‌داند که نسبت دروغ دادن به خدا و انبیاء و معصومین علیهم‌السلام گذشته از اینکه گناه کبیره است، موجب قضاء و کفّاره نیز می‌باشد، ولی هنگامی که نسبت دروغ می‌دهد حکم آن را فراموش کرده، آیا با این وصف کفاره واجب می‌شود؟

جواب: کفاره ـ بنابر احتیاط وجوبی ـ واجب می‌شود اگر فراموشی از روی تقصیر بوده، و الا فقط قضا دارد.

۱۵: شش روز قضای روزه با کفّارهٔ جمع بر گردن من می‌باشد، آیا باید قبل از ماه رمضان آنها را انجام بدهم، و کفاره جمع چیست؟

جواب: قضای آن شش روز را باید قبل از ماه مبارک رمضان بگیرید، ولی کفّاره را بعد هم می‌توانید انجام دهید، و کفاره جمع برای هر روز که عمدا و با حرام افطار شده عبارت است از:

۱ـ بنده آزاد کردن، و این به جهت نبود آن ساقط است.

۲ـ شصت روز روزه گرفتن.

۳ـ شصت مسکین را اطعام نماید و یا به هر مسکینی به اندازهٔ سه ربع کیلو

(۷۵۰) گرم گندم یا آرد و یا نان بدهد.

۱۶: در ماه مبارک رمضان شخصی که از سفر آمده و روزه نیست و زنش هم در حال قاعدگی است، در این حال با او جماع می‌کند، آیا کفّاره دارد یا خیر؟

جواب: جماع در این حال حرام است، اگرچه روزه هم نباشد و لذا باید توبه و استغفار کند و بنابر احتیاط مستحب، کفّارهٔ جماع با حائض را به تفصیلی که در رساله توضیح المسائل مذکور است بدهد.

اعتکاف

۱: آیا در اعتکاف نیازی به قصد نمودن عبادت دیگری هم هست؟

جواب: خیر، لازم نیست.

۲: آیا تجدید نیّت در روز سوم اعتکاف مستحب لازم است؟

جواب: خیر، لازم نیست.

۳: زمان نیّت اعتکاف چه وقت است؟ آیا می‌توان اول شب نیت کرد؟

جواب: شروع اعتکاف از طلوع فجر روز اوّل است، و وقت نیّت آن از اوّل شب تا طلوع فجرمی‌باشد.

۴: آیا بیمار و کسی که روزه برایش ضرر دارد می‌تواند معتکف شود؟ و اگر در اعتکاف باشد و روزه بگیرد ثوابی می‌برد؟

جواب: در فرض سؤال، نه روزه گرفتن صحیح است و نه اعتکاف.

۵: چه نوع روزه‌هایی را نمی‌توان در اعتکاف گرفت؟

جواب: تمامی اقسام روزه‌ها را در اعتکاف می‌توان گرفت ـ مگر نذر خاص یا اجارهٔ خاص، و امثال آن ـ.

۶: اگر انسان نذر کند دو روز معتکف شود نه بیشتر از آن، آیا چنین نذری منعقد می‌شود؟

جواب: خیر، نذر منعقد نمی‌شود.

۷: آیا انسان می‌تواند درشهر دیگری معتکف شود؟

جواب: بلی می‌تواند، به شرط اینکه روزه گرفتن او در آن شهر صحیح باشد، مانند اینکه قصد اقامت ده روز کرده باشد و یا نذر کند در سفر روزه بگیرد، یا مطلقا چه در سفر باشد و چه نباشد، و مانند آن.

۸: آیا می‌توان نذرکرد که در شهرخاصی معتکف شد؟

جواب: بلی، می‌تواند با شرط سابق.

۹: اگر در یک شهر دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، آیا می‌تواند در هر کدام که خواست معتکف شود؟

جواب: بلی، می‌تواند.

۱۰: مسجد جامع به چه مسجدی گفته می‌شود و راه تشخیص آن چیست؟

جواب: مسجد جامع، مسجدی است که در آن مردم از اطراف شهر جمع می‌شوند، و راه تشخیص آن یا با علم وجدانی و یا شیاع و یا بیّنه شرعیّه و یا

خبر عدل واحد یا ثقه است.

۱۱: اعتکاف درحیاط مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر حیاط جزو مسجد نباشد، اعتکاف در آن صحیح نیست.

۱۲: منظور از شب و روز در اعتکاف چیست؟

جواب: روز، از طلوع فجر تا غروب آفتاب است، و شب از غروب آفتاب تا طلوع فجر است.

۱۳: اعتکاف در مساجد دانشگاههای کشور چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مسجد جامع باشد صحیح است و الاّ خیر.

۱۴: آیا گذاشتن وسایل یا نوشتن نام موجب سبقت در محلی از مسجد می‌شود؟

جواب: بلی.

۱۵: اگر کسی جای شخصی را که معتکف بوده غصب کند، در صورتی که جاهل باشد و یا عامدی که پشیمان شده، آیا ضرری به اعتکافش می‌زند؟ و اگر ضرر می‌زند آیا شامل کفاره و... می‌شود؟

جواب: اگر جاهل بوده، خیر، ولی اگر عامد بوده ـ بنابر احتیاط واجب ـ اعتکاف او باطل است، و چنانچه اعتکاف او مستحب باشد، کفاره و قضا ندارد، ولی اگر واجب باشد قضا دارد.

۱۶: اذن زن از شوهر اگر اعتکاف او با حق شوهر منافات داشته باشد،

چه حکمی دارد؟

جواب: اذن شوهر در این صورت واجب است، و بدون اذن شوهر اعتکاف باطل است.

۱۷: اعتکاف در مکان‌هایی که شک است آیا جزو مسجد است یا نه، چه حکمی دارد؟

جواب: درصورت شک، حکم مسجد بر آن مکان جاری نمی‌شود.

۱۸: آیا اعتکاف کسی که سهواً به غیر از جهاتی که تجویز شده از مسجد خارج شود باطل است؟

جواب: بیرون رفتن از مسجد سهواً، اعتکاف را باطل نمی‌کند.

۱۹: الف ـ اگر در مسجدی که معتکف شده مانعی از ادامه دادن اعتکاف در آن مسجد برایش پیش آید، آیا اعتکافش باطل می‌شود؟

ب ـ چنانچه آن اعتکاف واجب باشد، آیا باید در مسجد دیگری معتکف شود و یا بعداً قضا کند؟

ج ـ اگر مانع برطرف شد آیا باید به مسجد قبلی باز گردد؟

جواب: الف ـ اعتکاف او باطل می‌شود.

ب ـ اگر اعتکاف او واجب باشد، واجب است قضا نماید، یا آن را در مسجد دیگری از سر بگیرد.

ج ـ خیر، می‌تواند به مسجد دیگری برود.

۲۰: انجام غسل برای معتکف در مسجد چه حکمی دارد؟ و آیا فرقی بین غسل واجب و مستحب می‌باشد؟

جواب: برای غسل از حدث اکبر باید از مسجد خارج شود، و اما غسل جمعه و مانند آن چنانچه منافات با وقفیت مسجد نداشته باشد اشکالی ندارد.

۲۱: آیا شخص معتکف برای شرکت در نماز جمعه می‌تواند از مسجد محل اعتکاف خارج شود؟

جواب: بلی، می‌تواند.

۲۲: آیا اشخاصی که مشغول کارند اعم از کارمندان، کارگران و معلمان و ... می‌توانند در ایّام کار معتکف شوند و در عین اعتکاف به محل کار رفته و بعد از اتمام کار به محل اعتکاف برگردند؟

جواب: خیر.

۲۳: آیا طلاب و دانشجویان در ایّام درس می‌توانند درس را رها کرده و معتکف شوند، و اگر می‌توانند افضل کدام است؟

جواب: باید أهم را ملاحظه کرد، و افراد در این امر مختلفند.

۲۴: الف ـ آیا می‌توان برای غسل امّ داوود از محل اعتکاف خارج شد؟

ب ـ بر فرض خروج سهواً یا عمداً آیا باعث ابطال اعتکاف می‌شود، اگر باطل می‌شود چه احکامی از قبیل قضا و کفاره برمعتکف واجب می‌شود؟

جواب: الف ـ اشکال ندارد.

ب ـ خروج ـ سهواً ـ موجب ابطال اعتکاف نیست، و امّا خروج ـ عمداً ـ اگر اعتکاف واجب باشد، واجب است قضاء آن، و همچنین اگر مستحب باشد و ابطال اعتکاف بعد از دو روز اوّل بوده باشد.

۲۵: آیا استعمال عطر و گلاب و یا بو کردن عطر و گلاب اعتکاف را باطل می‌کند؟ اگر سهوا باشد چطور؟

جواب: اگر با التذاذ باشد بنابر احتیاط واجب اعتکاف باطل می‌شود، این درصورت عمد است و اما سهواً باطل نمی‌شود.

۲۶: اگر برای زنی در ایّام اعتکاف حالت قاعدگی پیدا شود، حکمش چیست؟

جواب: اعتکاف او باطل می‌شود.

۲۷: آیا زن‌ها می‌توانند معتکف شوند؟

جواب: بلی، می‌توانند معتکف شوند.

۲۸: اگر زنان در روزهای عادت قرص بخورند تا از حالت عادت خارج شوند، آیا می‌توانند اعتکاف کنند و روزه بگیرند؟

جواب: بلی، می‌توانند اعتکاف کنند و روزه بگیرند.

۲۹: با توجه به مشکلاتی که صرف غذا در مسجد دارد، آیا صرف غذا در سالن غذاخوری که در محوطه مسجد قرار دارد برای معتکفین جایز است؟

جواب: در حد حاجت مانعی ندارد.

۳۰: آیا در صورت ضرورت یا عدم ضرورت می‌توان شخصاً در ایام اعتکاف خرید و فروش نمود و یا باید توکیل یا نقل بغیره بیع نمود؟

جواب: اگر ضرورت باشد اشکال ندارد، و الاّ خیر.

۳۱: ارتکاب سهوی تمام محرمات اعتکاف چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد، مگر در جماع که احتیاط آن است که قضا نماید و یا استیناف کند.

۳۲: گفتگو با تلفن همراه در صورت ضرورت و یا عدم ضرورت در ایّام اعتکاف چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد مطلقا.

خمس

۱: بهترین روز برای تعیین سال خمسی کدام روز است؟ و اگر بخواهیم تا آن موقع به دلیل افضل بودن آن صبر کنیم، آیا تأخیر جایز است یا خیر؟

جواب: پرداخت خمس یک تکلیف شرعی است و نباید در انجام آن تأخیر کرد، چرا که تصرف در چیزی که خمس به آن تعلق گرفته اشکال دارد و جایز نیست، مگر این که با اجازه مرجع تقلید خود باشد، بنابراین باید هر چه زودتر روزی را به عنوان سر سال خمسی تعیین نمود و چنانچه روزی را به عنوان سر سال خویش معین نکرد می‌بایست خمس هرچیز را سر سال آن حساب نماید.

۲: اگر شخصی تا به حال سال خمسی نداشته، باید چه کار کند تا زندگی او حلال و ذمه او فارغ گردد؟

جواب: باید پس از آنکه یک روز را در سال برای محاسبهٔ خمس معین نمود، چند کار انجام دهد:

الف ـ هر چه پول دارد و آنچه که در حکم پول باشد مانند: سرمایه، وسائل کار، جنس، مغازه، مزرعه، باغ، زمین، منزل و وسیلهٔ نقلیه اضافی، و همچنین

لوازم و وسایلی را که هنوز استفاده نکرده است مانند: اثاث، لباس و مواد غذائی و غیره، همه را به قیمت و ارزش روز حساب کرده و چنانچه در مقابل چیزی از آن بدهی داشته باشد کم نماید و سپس یک پنجم مجموع آن را بدهد.

مثلاً: اگر مجموع آنها پنج میلیون تومان بود، یک میلیون آن خمس است که باید بپردازد، و چهار میلیون مخمس آن را در یک دفتر مخصوص یادداشت می-کند. سر سال معیّن بعدی که فرا می‌رسد باز آنچه از پول و دارایی‌هایی که به آن اشاره شد حساب می‌کند، پس اگر مجموع آن مثلاً نُه میلیون تومان شد، چهار میلیون مخمس سال قبل را از نُه میلیون کم می‌کند، پنج میلیون باقی می‌ماند که خمس آن، یک میلیون تومان می‌شود و باید بپردازد، و چهار میلیون مخمس فعلی به اضافه چهار میلیون مخمس سال قبل که هشت میلیون می‌شود در آن دفتر مخصوص یادداشت می‌کند، و سر سال سوّم باز حساب می‌کند و هر چه بیشتر از هشت میلیون مخمس سال قبل داشت، خمس آن بیشتر را می‌دهد. ولی چنانچه موجودی سال بعد مساوی یا کمتر از موجودی سال قبل بود، در آن سال خمس ندارد، و موجودی مساوی یا کمتر را یادداشت نموده تا سال بعد هر چه اضافه بر آن داشت، خمس آن اضافه را می‌دهد، وهکذا.

ب ـ آنچه را که به مصرف رسانده، مانند: منزل مسکونی، باغ شخصی، اثاث، وسیلهٔ نقلیه شخصی، لباس و غیره را که مورد استفاده قرار گرفته است نیز حساب می‌کند، و مجموع آن را با مرجع تقلید یا وکیل او مصالحه می‌نماید، آنگاه اموال او حلال شده و ذمّهٔ او فارغ می‌گردد، إن شاء الله تعالی.

ج ـ برای تأخیر در انجام این حکم شرعی از گذشته خود توبه و استغفار نماید.

۳: شخصی مبلغی از سهم گنج به او رسیده است، خمس آن را چگونه حساب کند؟

جواب: خمس یعنی یک پنجم مال، و چنانچه سهمی که به او رسیده به قیمت (۱۰۵) مثقال نقره خالص یا (۱۵) مثقال طلای تیزاب و بیشتر باشد، باید خمس آن را بدهد.

۴: با توجه به روایتی که می‌فرماید: «الخمس بعد المئونة» آنچه اضافه بر مؤونه است خمس آن را باید پرداخت، چرا مراجع بزرگوار پرداخت خمس را فوری نمی‌دانند و مهلت می‌دهند؟

جواب: «**الخمس بعد المئونة**» یعنی مؤونۀ یک سال انسان، خود و عیال خود و این یک نوع ارفاق است، و الاّ خمس زائد بر مؤونه روز به روز متعلق به مال می‌باشد.

۵: آیا می‌توان خمس را به صورت اقساط پرداخت نمود؟

جواب: چنانچه یکجا دادن خمس میسّر نباشد، می‌تواند به صورت اقساط بپردازد.

۶: اگر کسی نتواند فعلا خمس را بپردازد، آیا می‌تواند به تأخیر بیندازد و یا قرض کند و خمس را پرداخت نماید؟

جواب: با اجازۀ مرجع تقلید می‌تواند به تأخیر بیندازد.

۷: بعضی از مؤمنین می‌پرسند جاهایی دعوت می‌شویم که یقین داریم حساب سال ندارند، آیا غذا خوردن و یا تصرفات دیگر در منزل آنان جایز است؟

جواب: مادامی که یقین نداشته باشد که در عین این غذا و یا منزل موجود، خمس هست مانعی ندارد.

۸: وظیفهٔ اشخاصی که تاکنون حساب سال نداشته‌اند و فعلا منزل مورد نیاز و یک سرمایه جزئی دارند چه می‌باشد؟

جواب: منزل، اثاث و مانند آن که اگر سال داشت جزو مؤونه بود و خمس نداشت ـ باید با مرجع تقلید خود یا وکیل او مصالحه نماید، و اما سرمایه، جنس و مانند آن که در حکم پول است را باید حساب کند و خمس آن را بدهد.

۹: آیا می‌توان برای فرار از خمس، قبل از رسید سال با پول‌های موجود وسیلهٔ نقلیه خرید؟ اگر برای مایحتاج زندگی مجبور باشد پولی پس‌انداز کند، آیا می‌تواند برای اینکه متعلق به خمس نشود موقتا طلا بخرد و استفاده کند و بعد با فروش آن مایحتاج زندگی بخرد؟

جواب: درصورتی که به آن وسیله، یا طلا و غیره احتیاج داشته باشد، و بیشتر از شأن او نباشد، اشکالی ندارد.

۱۰: در چه موردی می‌توان خمس را توسط مجتهد و یا نمایندهٔ او دستگردان کرد، آیا ذمّه‌اش بریٔ می‌شود؟

جواب: در صورتی که احتیاج ضروری به آن پول داشته باشد، می‌تواند اجازه تأخیر و یا دست گردان کند، ولی با اجازه گرفتن و دست گردان کردن ذمه او بریٔ نمی‌شود، بلکه بر ذمّه او باقی است و هر وقت توان پرداختن را داشته باشد واجب است بپردازد.

۱۱: کارمندی هستم و مقداری پول قرض الحسنه گرفته‌ام، با این پول خانه‌ای رهن کرده و ماهیانه قسط وام را از حقوق می‌دهم. دوسال دیگر این وام تمام می‌شود و می‌خواهم به همین نحو یک دوره دیگر عمل کنم تا قادر به خرید خانه شوم، حال با توجه به این که چهار سال طول می‌کشد، آیا

مشمول خمس می‌شوم؟ و اگر جواب مثبت است چگونه باید خمس آن راحساب کنم؟

جواب: آنچه را که از اقساط وام پرداختید و مال خودتان شده است، باید سر سال، خمس آن را بدهید؛ و البته پرداخت خمس مایه برکت است.

۱۲: خانمی که شوهرش حساب سال دارد، پدرش مبلغی پولی به او برای خرید طلا هدیه می‌دهد و خانم سر سال ندارد، با توجه به اینکه پدر این خانم سر سال دارد آیا این پول خمس دارد و یا خیر؟

جواب: بلی، خمس دارد، ولی اگر این خانم سر سال داشت و قبل از سر سال تبدیل به طلا کرده و استفاده می‌نمود، خمس نداشت.

۱۳: اگر خانمی با پول غیر مخمس طلا یا لباس بخرد و استفاده کند، آیا نماز این خانم با آن طلا و لباس صحیح است؟

جواب: خیر، صحیح نیست، مگر این که دیگری خمسش را بدهد.

۱۴: شخصی زمینی را جهت مسکن خریداری نموده، ولی دولت مانع ساخت و ساز آن شده است، و حال سر سال خمسی آن شخص رسیده است، آیا به این زمین خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

جواب: در مؤونه، فعلیّت شرط است و در فرض سؤال که زمین هنوز مؤونه نشده، به آن خمس تعلق می‌گیرد.

۱۵: شخصی فوت کرده و خمس و حق‌الناس بدهکار است و ما ترک متوفی برای ادای دیون کافی نیست، آیا ادای خمس مقدم است یا دیون دیگر؟

جواب: اگر خمس به همین ماترک تعلق گرفته باشد باید اول خمس آن داده

شود، سپس از آنچه باقی مانده دیون را پرداخت کنند، و اگر خمس در ذمّه‌اش از قبل بوده، ما ترک به دو قسمت تقسیم می‌شود، نیمی به خمس و نیم دیگر برای دیون.

۱۶: مهریه‌ای که زنان می‌گیرند، خمس دارد یا نه؟

جواب: خمس ندارد.

۱۷: اگر به سبب قناعت، چیزی از مخارج سال زن زیاد بیاید، خمس دارد یا نه؟

جواب: بلی، خمس دارد.

۱۸: بانوانی که کلیه مخارج سالیانه آنان بر عهدهٔ شوهرشان است، آیا باید خمس تمام مالی را که به دست می‌آورند بدهند یا نه؟

جواب: اگر سر سال خمسی اضافه بیاید، باید خمس زائد را بدهند.

۱۹: اگر شوهر مالی را به همسرش ببخشد، چنانچه از مخارج سالش زیاد بیاید خمس دارد یا نه؟

جواب: بلی، خمس دارد.

۲۰: آیا کسی که زنش سیّده است می‌تواند به او خمس بدهد؟

جواب: در مثل نفقهٔ واجب خیر، ولی در غیر واجب مثل مخارج سفر غیر واجب مانعی ندارد.

۲۱: آیا جهیزیه‌ای را که پدر، برای دخترش و به شکل تدریجی، در چند سال تهیه می‌کند، خمس دارد یا خیر؟

جواب: اگر در بین سال تهیه شود و متعارف آن زمان بوده و مطابق شأن باشد، و نتواند هنگام زفاف، جهیزیه را یکجا تهیه کند خمس ندارد.

۲۲: اگر از وجوه خمس، زکات، فطره، وام داده باشد چنانچه گیرندهٔ وام از باز پرداخت آن امتناع کرد و یا نتوانست پس بدهد، آیا می‌شود آن را از خمس، زکات، و فطره حساب کرد یا نه؟ اگر جواب مثبت باشد آیا نمازخوان بودن قرض‌دار شرط است یا نه؟

جواب: اگر با اجازهٔ مجتهد باشد و آن شخص مستحق باشد می‌شود حساب کرد ولی باید شیعه بوده و متجاهر به گناه نباشد.

۲۳: کسی که نمازگزار نیست ولی قول می‌دهد که نماز بخواند، آیا در این حال می‌شود به او خمس، زکات و فطریه داد یا نه؟ اگر بعداً معلوم شود که دروغ گفته است، تکلیف چیست؟

جواب: اگر اطمینان به توبهٔ او باشد کافی است.

۲۴: از پولی که خمس به آن تعلق نگرفته بود، کتاب دینی خریده و آن را خواندم، حال سالها است که از آن کتاب استفاده نمی‌کنم، مگر گاهی اوقات، آیا به آنها خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟

جواب: اگر گاهی مورد لزوم باشد که عرفاً مؤونه شخص حساب شود، خمس به آن تعلّق نمی‌گیرد.

۲۵: سوغاتی که به اسم افراد گرفته می‌شود و هنوز هم تحویل نداده‌اند و سر سال آن فرا رسیده است، آیا خمس دارد یا خیر؟

جواب: مادامی که تحویل نداده است، خمس به آن تعلّق می‌گیرد.

۲۶: آیا هدایا و سوغاتی که می‌گیریم خمس دارد یا نه؟

جواب: چنانچه مورد مصرف قرار نگرفته و تا سال خمسی هنوز باقیمانده است، خمس به آن هدایا و سوغاتی‌ها تعلق می‌گیرد.

۲۷: با پول خمسی که با اجازه مرجع تقلید می‌توانیم به نیازمند بدهیم می‌شود برای او چیزی بخریم و به او بدهیم؟

جواب: با اجازهٔ حاکم شرع می‌شود.

۲۸: شخصی سر سالش رسیده ولی مقداری وجه به صندوق قرض الحسنه بدهکار است و ماهی هزار تومان می‌دهد، آیا این قرض را باید از منفعت کم کند و یا اینکه به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: در فرض سؤال، نمی‌تواند قرض را از منفعت کم نماید، بلکه باید خمس همهٔ منفعت را بدهد مگر اینکه قبل از سر سال چیزی از قرض را ادا نماید که آن مقدار خمس ندارد.

۲۹: شخصی مقروض است، آیا به مواد غذائی و غیره که در عرض سال خریده و اضافه آمده است خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر از عین قرض آن مواد غذایی را خریده، خمس ندارد، ولی اگر از مال دیگری غیر از قرض خریده باشد خمس دارد.

۳۰: پسری هنوز ازدواج نکرده است، پدر وجه نقدی یا زمین ملکی را برای ازدواج به پسر می‌بخشد، آیا چنین بخششی خمس دارد یا خیر؟

جواب: بلی، چنانچه خمس آن داده نشده یا سر سال نداشته باشد، و هم چنین است اگر پسر سال داشته ولی تا سر سال استفاده نشده و به مصرف نرسد باید خمس آن را بپردازد.

۳۱: قبول کردن هدایای جنسی از شخصی که علم به عدم اعطاء خمس او داریم چگونه است؟

جواب: اگر علم داشته باشید که به این هدیه خمس تعلق گرفته است، باید فوراً خمس آن داده شود.

۳۲: وجه نقدی که پدر به نام فرزندش در بانک‌ها پس‌انداز می‌کند، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: بلی، به آن خمس تعلق می گیرد.

۳۳: پولی که از سهمین مبارکین جمع آوری شده و سال بر آن گذشته، آیا خمس دارد یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، اگر بیش از شأن نباشد، اظهر آن است که خمس ندارد.

۳۴: آیا وقف خمس دارد؟

جواب: خیر، خود وقف خمس ندارد، ولی حاصل آن به هر که داده شود مثل بقیه اموال خمس دارد.

۳۵: مدتی است که در حوزه علمیّه به تحصیل علوم دینی اشتغال دارم و

شهریه کافی ندارم، لذا برای مایحتاج زندگی خود مدت سه ماه تابستان را کار می‌کنم، آیا به دویست هزار تومانی که اصل کارم هست خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

جواب: آنچه زائد بر مؤونه باشد، باید سر سال، خمس آن داده شود.

۳۶: مبلغ یکصد هزار تومان پول رهن دارم، آیا در صورت تعلق خمس به آن پس از بدست آوردن آن مبلغ مذکور باید خمس را پرداخت کرد یا در حالی که رهن است هم می‌شود خمس آن را پرداخت نمود؟

جواب: چنانچه نتوانید سر سال خمس آن را بپردازید، زمانی که از رهن خارج شد تخمیس نمائید.

۳۷: مبلغی را به عنوان قرض الحسنه داده‌ام، در صورتی که خمس به آن تعلق می‌گیرد، آیا قبل از دریافت آن می‌شود خمس داد؟

جواب: بلی، می‌شود.

۳۸: بانک‌ها برای سپردن مبلغ صد هزار تومان در مدت یکسال ماهیانه دو هزار و دویست تومان سود می‌دهند، حکم آن چیست؟

جواب: اگر بانک دولتی باشد اشکالی ندارد، ولی خمس سود آنرا فوراً پرداخت نمایند و این غیر از خمس سر سال است.

۳۹: پدرم مقروض بوده و از دنیا رفته است و خودم کار کرده‌ام و می‌خواهم قرض پدرم را ادا کنم، آیا به این پول‌ها خمس تعلق می‌گیرد و یا می‌توانم بدون دادن خمس به طلبکاران بدهم؟

جواب: چنانچه قبل از سر سال خمسی قرض را ادا نمایید، به مبلغ مذکور

خمس تعلق نمی‌گیرد.

۴۰: کسانی که در آخر سال همیشه مقداری زائد بر مصرف سالانه دارند و از تعیین سالروز خمسی امتناع می‌ورزند، آیا می‌توانند با این وضعیت انفاق و تبرع داشته باشند؟

جواب: تصرف در مقداری که به آن خمس تعلق گرفته پیش از دادن خمس جائز نیست.

۴۱: اگر شخصی خمس بدهکار است و کار ضروری برای او پیش بیاید که اگر خمس را بدهد نمی‌تواند به کارهای ضروری خود برسد، وظیفهٔ این شخص چیست؟ و اگر از خمس باقی بوده ولی نداده و الآن فقیر شده و توانائی پرداخت آن را ندارد، وظیفه چیست؟

جواب: با موافقت حاکم شرع تدریجاً بپردازد، و چنانچه توانائی ندارد با حاکم شرع مصالحه کند.

۴۲: افرادی که قادر نیستند نیازهای اساسی خود را مانند اتومبیل، مسکن، هزینه ازدواج و... به صورت یکباره تهیه کنند، در صورتی که به تدریج برای این امور پول پس‌انداز کنند و بر آن پول بیش از یک سال بگذرد، آیا بر آن پول خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: بر پول مذکور خمس تعلق می‌گیرد، مگر در مورد جهیزیهٔ خریداری شده در بین سال چنانچه دارای دو شرط باشد:

۱ـ تهیه جهیزیه بتدریج و کم کم متعارف باشد.

۲ـ نتوانند وقت ازدواج جهیزیه را یکجا تهیه کنند.

۴۳: اگر فردی از درآمد سال و یا سرمایهٔ خالص در وسط سال خود به حج واجب و یا کربلای معلا برود و در همین رابطه خیرات و نذورات می‌کند، آیا به پول‌هایی که مصرف می‌کند خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه سر سال دارد و خمس می‌دهد، در اثناء سال هر چه مصرف می‌کند که مطابق شأن او باشد خمس ندارد.

۴۴: پولی که از قاتل به عنوان مصالحه در قتل عمدی و یا دیه در قتل خطایی گرفته می‌شود، آیا خمس دارد؟

جواب: بلی، خمس دارد.

۴۵: حکم قرار دادن سال خمسی مطابق با سال شمسی و میلادی چیست؟

جواب: درصورت عسر و حرج اشکالی ندارد.

۴۶: وظیفهٔ ما نسبت به کسانی که خمس نمی‌دهند و ما به خمس ندادن آنها یقین داریم، چیست؟ و چنانچه منزل ایشان مهمان شویم از غذای نذری و یا غیر نذری آنان بخوریم، وظیفه چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر با توفر شرائط آن واجب است، و غذا خوردن در منزل آنها چنانچه به تعلق خمس در منزل و در غذا یقین نداشته و یا داشته باشید و بتوانید مقدار آن را در نظر گرفته و خمس آن را بدهید، اشکالی ندارد.

۴۷: اگر شخصی گاو و یا گوسفندی بخرد در حالی که صاحبش اهل خمس نیست و مشتری از پول مخمس قیمت آنها را بدهد، در اینجا چه

کسی مدیون است و وظیفه چیست؟

جواب: فروشنده مدیون است و خریدار نمی‌تواند در مقدار خمس تصرف کند مگر با اذن یا مصالحه حاکم شرع.

۴۸: اگر فردی پول غیر مخمس به دیگری هبه کند و این شخص بداند این پول غیر مخمس و واهب خمس نمی دهد، وظیفه چیست؟

جواب: مقدار خمس را مالک نمی‌شود.

۴۹: زمینی که از پدر و یا مادر به ارث مانده است، اگر ورثه بفروشند آیا باید فوراً خمس آن را بپردازند و یا اینکه اگر سال گذشت خمس دارد، و اگر پس از مدتی به قیمت بیشتر فروختند چطور؟

جواب: به ارث خمس تعلق نمی‌گیرد، مگر اینکه از قبل به آن خمس تعلق گرفته و پرداخت نشده باشد، بلی، در اضافه قیمت مطلقا خمس هست.

۵۰: زمین و یا منزلی را که به قیمت کمتر خریده و الآن به قیمت زیاد می‌فروشد، آیا اضافه قیمت فوراً خمس دارد و یا بعد از گذشت سال به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر سال خمسی داشته باشد، و بر ارتفاع قیمت سر سال نگذشته، سر سال خمسی باید خمس اضافه را بدهد، ولی چنانچه بر ارتفاع قیمت سرسال گذشته، یا سال خمسی نداشته باید خمس آن را فوراً بدهد.

۵۱: شخصی که از مؤسسه ایتام کمک می‌گیرد، باید خمس بدهد یا خیر؟

جواب: چنانچه سر سال خمسی، اضافه داشته باشد باید خمس آن را بدهد.

۵۲: حکم کسی که سال تعیین نکرده است چیست؟

جواب: باید فوراً سال تعیین کند و خمس بدهد و از گذشته توبه و استغفار کرده و با مرجع تقلید یا وکیل او مصالحه نماید.

۵۳: آیا عیدی، هبه و هدیه خمس دارد؟

جواب: بله اگر تا سر سال خمسی از آن استفاده نکند، باید خمس آن را پرداخت نماید.

۵۴: کسی که تا به حال خمس نداده است و اولین بار به عمرهٔ مفرده می‌رود، آیا می‌تواند از مصارف عمره خمس بدهد و بعداً حساب کامل را انجام بدهد یا نه؟

جواب: بلی، می‌تواند و لکن باید هر چه زودتر حساب کامل اموال خود را بنماید.

۵۵: بنده کشاورزم و سر سال من اول خرداد می‌باشد، مقدار یک خروار گندم دارم که سر سال، خمس آن راداده‌ام و این یک خروار گندم خمس داده شده تا رسیدن گندم نو، تقریباً تا اوایل برج شهریور مصرف می‌شود، آیا می‌توانم همین یک خروار گندم که مصرف شده از عوائد سال آینده، کشت کنم و (سال آینده اگر باز وقت سر سال یک خروار گندم داشتم) خمس آنرا ندهم؟

جواب: در فرض سؤال، آن مقدار را می‌توان کسر نمود و مازاد را باید خمس داد.

۵۶: کسی که خمس مال خود را داده و آن مال اتفاقاً تلف شده است، آیا می‌تواند مال تلف شده را از منافع کسر کند؟

جواب: بلی می‌تواند از منافع همان سال کسر کند.

۵۷: کسی که پول رهن خانه‌اش از دیگری می‌باشد و مقداری پول به دستش آمده که آن هم به مقدار پول رهن خانه‌اش نمی‌باشد، تکلیف این شخص چیست و آیا این پول خمس دارد یا خیر؟

جواب: بله، خمس دارد.

۵۸: اگر شخصی درآمد بسیار کم داشته باشد و الآن پولی دارد که کفایت روزگارش را نمی‌کند، آیا سال خمسی لازم است و این پول خمس دارد یا خیر؟

جواب: باید سر سال خمسی بگذارد و اگر از مؤونۀ او زیاد آمد این پول خمس دارد، ولی چنانچه نتواند یکجا بدهد به تدریج و کم کم بدهد.

۵۹: شخصی که سر سالش رسیده و مبلغ دویست هزارتومان مقروض است، آیا می‌تواند این قرض را از درآمد خود کم کند؟

جواب: بلی، اگر عین قرض موجود باشد و یا اینکه این قرض را قبل از سر سالش ادا نماید، و الا خیر.

۶۰: اگر کسی سرمایه‌اش یک میلیون تومان بود، وقتی سر سالش رسید دید سرمایه‌اش مبلغ پانصد هزارتومان شده است، آیا مواد غذائی خانۀ این شخص خمس دارد؟

جواب: در فرض سؤال، مواد غذائی خمس ندارد ولی قیمت آن را حساب کرده و به سرمایه اضافه نماید، مثلاً اگر صد هزار تومان قیمت داشت با سرمایه می‌شود ششصد هزار تومان، آن گاه هرچه سال بعد اضافه بر ششصد هزار تومان داشت، خمس آن اضافه را بدهد.

۶۱: آیا فرد مذکور در سؤال قبل، درسال دوّم و یا سوّم سال بعدش می‌تواند سرمایهٔ یک میلیونی خود را تکمیل کند یا خیر؟ و آیا در این مسئله کارگر معمولی و یا کاسب با هم فرقی دارند یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، نمی‌تواند تکمیل کند، و فرقی بین کارگر، کارمند و کاسب نیست.

۶۲: آیا به خمسی که به سادات فقیرداده می‌شود و یا سهم مبارک امام ﷺ اگر سال بگذرد خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

جواب: اگر معلوم باشد که این پول‌ها از خمس است، خمس ندارد.

۶۳: اموال فرزند پسر که زن و بچه‌دار هم هستند و لکن تحت سرپرستی پدر می‌باشد و در آمد هم مال پسر است و پدر درآمدی ندارد، آیا بر پدر واجب است که خمس بدهد یا بر پسر؟

جواب: بر پسر واجب است.

۶۴: باغ پدری از طریق هبه یا ارث به پسرش منتقل شده است، آن باغ هنگام هبه یا انتقال به او بابت ارث، قیمت زیادی نداشت، ولی در حال حاضر قیمت آن هنگام فروش با قیمت قبلی آن تفاوت زیادی کرده است، آیا به آن مقدار زیادی خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه به ارث منتقل شده باشد فقط برمقدار زیادی آن خمس تعلّق می‌گیرد، و همچنین اگر به هبه منتقل شده باشد به شرطی که مؤونه‌اش بوده و در غیر آن، کل باغ را باید تخمیس نماید.

۶۵: پولی که مجتهد به شخصی داده است، اگر آن پول از سال زیاد بیاید آیا به آن خمس تعلّق می‌گیرد یا خیر؟

جواب: اگر آن پول از خمس بوده بر زائد، خمس نیست، ولی اگر غیر از خمس باشد باید خمس زائد را بدهد.

۶۶: خمس گاو و گوساله چگونه محاسبه می‌شود؟

جواب: چنانچه برای خرید و فروش آن یا فروش شیر آن باشد، باید سر سال خمسی خود، خمس آن را به قیمت روز بدهد، و اگر برای استفاده شخصی منزل و در اثنای سال استفاده شده باشد خمس ندارد.

۶۷: کسی که کفن، سدر، کافور و تخته برای اموات خریده و احسان می‌کند، لکن مصرف شدن آنها سه تا پنج سال به طول می‌انجامد، آیا به اینها خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟

جواب: اگر سر سال او شد، خمس آن مقداری که هنوز در ملک او باقی است لازم است.

۶۸: شخصی پول مخمسی را در بانک می‌گذارد، آیا بخاطر مخلوط شدن با پول‌های دیگر دوباره به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: خیر.

۶۹: حکم سودهایی که بانک‌ها به افرادی می‌پردازند که کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت سپرده می‌گذارند، چیست؟

جواب: اگر بانک دولتی باشد و هنگام دریافت سود، خمس سود حاصله را بدهند، اشکال ندارد.

۷۰: خانه یا زمین ارثی که فروخته شده است، آیا خمس دارد؟

جواب: خمس ندارد، مگر اینکه بر ذمّهٔ میت خمس باشد، یا قیمت فروخته شده فزونی داشته، که به آن افزایش خمس تعلّق می‌گیرد.

۷۱: اگر شخصی دو منزل در دو شهر مختلف داشته باشد که یکی به صورت ویلایی است، آیا باید خمس آن را بدهد؟

جواب: اگر از مؤونه و شأن شخصی حساب شود، خمس ندارد.

۷۲: فردی خانهٔ مسکونی‌اش را می‌فروشد و پولش را نزد بانک مسکن می‌گذارد تا بعد از یک سال و نیم از بانک وام بگیرد، و خانهٔ بزرگتری بخرد، و خانهٔ قبلی هم کفایت او را نمی‌کرد، آیا سر سال خمسی او به این پول خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: بلی، به آن خمس تعلّق می‌گیرد.

۷۳: مالکان زمین در حدود زمین‌های خود زمین‌های موات را احیا می‌کنند و این زمین‌ها درسند ملکی مقیّد به مالکان است و از مخارج سالانه هم زیاد است، آیا به این زمین‌ها خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: بلی، به آنها خمس تعلق می‌گیرد.

۷۴: شخصی پایش شکسته است و دیه گرفته، حال سر سال خمسی او رسیده است، آیا به آن دیه خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: بلی، بر دیه خمس تعلق می‌گیرد.

۷۵: اشخاصی پیش ما (وکلای مراجع) می‌آیند و خمس خود را حساب می‌کنند بعد می‌گویند فعلاً پول نداریم پرداخت کنیم و حقوقی که می‌گیریم تمام آن را بابت بدهکاری می‌پردازیم و نمی‌توانیم از بدهی خمس بدهیم، لطفاً تکلیف شرعی ما را در این مورد بیان فرمائید؟

جواب: به آنان گفته شود در این مسأله که یک بدهی شرعی است، در اداء آن کوتاهی ننموده و در اقرب زمان ممکن، آن را بپردازند.

۷۶: جوانی هستم که هنوز ازدواج نکرده‌ام، مقداری از درآمد خود را به مصرف رسانده و بقیه را پس‌انداز می‌کنم تا بتوانم ازدواج کنم؛ حال می‌خواهم بدانم آیا می‌توانم خمسی را که به پول پس‌اندازم تعلّق می‌گیرد، استفاده کنم یا خیر؟

جواب: برای خودتان نمی‌توانید از حقوق شرعیّهٔ خود به مصرف برسانید.

۷۷: آیا به جایزه‌ای که در بانک برنده می‌شوند، خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: خیر، مگر اینکه از سر سال خمسی اضافه بیاید.

۷۸: خمس من با توجه به خانه ومغازه‌ای که اجاره داده‌ایم وبا برادرم در درآمد آن شریک هستم و باید برای دخترم جهاز تهیّه نمایم و کمبودها را جبران می‌کند، چگونه است؟

جواب: به خانه ـ در فرض سؤال ـ که جزو مؤونه نبوده و برای کسب منفعت اجاره داده می‌شود و نیز به مغازه، اموال نقد و غیر نقد، املاک و وسایلی که استفاده نشده است خمس تعلق می‌گیرد، و اما وسایل استفاده شده مصالحه می‌شود، و جهیزیه که وسط سال خمسی و به تدریج تهیه می‌شود خمس ندارد.

۷۹: به کدام یک از اقلام ذیل خمس تعلق می‌گیرد؟

۱ـ سرمایه‌ای که انسان با آن کار می‌کند؟

۲ـ ماشین جهت کارکردن؟

۳ـ پول ثبت نام مکّه؟

۴ـ پولی که جهت خرج و مخارج مکّه با خود می‌برد؟

۵ـ ساختمان، مغازه اگر مال خودش باشد؟

۶ـ یخچال و ویترین و قفسه‌ها و... مغازه که با آنها کار می‌کند؟

۷ـ پولی که انسان از شرکت محل کار سابقش به هنگام باز خرید می‌گیرد و با آن کار می‌کند؟

۸ـ منزلی که انسان اجاره یا رهن یا سرقفلی بدهد، آیا به خود خانه خمس تعلق می‌گیرد یا به پولی که می‌گیرد؟

۹ـ ودیعه‌ای که برای وام می‌گذارد؟

۱۰ـ سپرده‌هایی که پدر برای آیندهٔ فرزندان باز می‌کند؟

جواب: ۱و۲ـ به سرمایه و آنچه به کسب و کار مرتبط است، خمس تعلّق می‌گیرد.

۳و۴ـ شخصی که سر سال دارد و خمس می‌دهد، چنانچه از درآمد همان سال و در بین سال ثبت نام و به مکه برود و به خرج و مخارج آن خمس تعلّق نمی‌گیرد، و الا خمس دارد.

۵و۶و۷ـ بلی، به آن خمس تعلّق می‌گیرد.
۸ـ به خود خانه خمس تعلّق می‌گیرد، و همچنین به درآمد خانه ـ جز پول رهن ـ چنانچه سر سال خمسی اضافه بیاید.
۹ـ خمس دارد.
۱۰ـ باید پدر خمس آن را جدا کند و بدهد، و الا هنگامی که فرزند به تکلیف می‌رسد واجب است خمس همه آن را بدهد.

۸۰: شخصی که هنوز ازدواج نکرده و سال شرعی دارد، با مقدار پولی که از قبل داشته و خمس آن را داده در بین سال با ضمیمهٔ مقدار پولی که خمس آن را نداده زمینی خریده است، حال که سال خمسی رسیده آیا به آن مقدار پولی که خمسش را نداده خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: مالی که خمس آن داده شده است، دیگر به آن خمس تعلق نمی‌گیرد، بلی به آن مقدار پولی که زمین با آن خریداری شده و خمسش پرداخت نشده است، خمس تعلق می‌گیرد.

۸۱: شخصی در سال ۷۹ با مبلغ ۵ میلیون تومان مخمس، شغل پارچه فروشی را شروع می‌کند. و درسال ۸۱ شش میلیون از درآمدهای این مغازه را صرف تعمیر منزلی جهت رفع احتیاج می‌نماید و در سال ۸۲ هزینهٔ زیارت عتبات عالیات، ازدواج و مخارج معاش روزانه از درآمد همین مغازه بوده است. در سال ۸۳ برای اولین بار که حساب شده سرمایه موجود مغازه چهار میلیون می‌باشد، یعنی یک میلون کمتر از اصل سرمایه اولیه شروع به کار می‌باشد.

۱ـ با توجه به این که تمام منفعت و مقداری از اصل سرمایه هم در این چند سال صرف گردیده است، آیا پولی که صرف تعمیر منزل،

زیارت، ازدواج شده، به آن خمس تعلق گرفته است یا خیر؟

۲ـ بر فرض این که در حال حاضر خمس بدهکار نیستم، آیا سال آینده مازاد بر سرمایه فعلی که چهار میلیون است یا مازاد بر سرمایهٔ اولیه سال ۷۹ که ۵ میلیون تومان بوده خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: ۱ـ اگر پول‌هایی را که صرف تعمیر منزل، زیارت عتبات و غیره نموده است، سال خمسی بر آن نگشته و در بین سال بوده و در حدّ شأن او، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، و الا خمس تعلّق گرفته است.

۲ـ مازاد بر چهار میلیون را باید خمس بدهد.

۸۲: منزلی به قیمت یک میلیون و هفتصد هزار تومان خریدم که مبلغ یک میلیون و چهار صد هزار تومان آن را مادرم داده و سیصد هزار تومان دیگر را خودم پرداخت کردم و فعلا در همین منزل با شوهرم زندگی می‌کنم، آیا به آن خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: اگر سال خمسی داشته باشید و این منزل را در بین سال خریداری کردید، خمس ندارد و الاّ به آن خمس تعلق می‌گیرد.

۸۳: من کارمند اداره هستم و ماهیانه مقداری از حقوقم را جهت رفاه خانواده پس‌انداز می‌کنم و سال خمسی را در نیمهٔ اردیبهشت که عمره انجام دادم مشخص کردم، حال خمس سال را چگونه محاسبه کنم؟

جواب: مجموع پس‌انداز را سر سال خمسی تخمیس کنید.

۸۴: خمس حقوق اینجانب که مثلاً درماه یک پنجم بر پس‌انداز من افزوده می‌شود چطور محاسبه می‌شود؟ آیا بر پولی که یک سال از آن گذشته

خمس تعلق می‌گیرد یا ملاک روز سال خمسی است، ولو اینکه چند روز قبل از سال حقوق بگیرم و فرصت استفاده از آن را نداشتم؟

جواب: ملاک روز سال خمسی است.

۸۵: سه سال قبل حساب پولی خود را فراموش کردم و به طور حدسی با توجه به کم و زیاد شدن پول پس‌انداز، مبلغی را تعیین کردم و مقداری از خمس پول را دادم ولی بعداً متوجه شدم که قسمت اعظم آن پول وام بوده که اقساط آن را هنوز نداده بودم، وظیفه‌ام چیست؟

جواب: مقدار خمس اضافی را که پرداخت کرده‌اید از مبلغ خمس سال آینده کسر کنید.

۸۶: پولی را جهت حج تمتع در بانک گذاشته و رسید گرفتم با توجه به اینکه نوبت اینجانب را به سال‌های بعد موکول می‌کنند، خمس پول ودیعه گذاشته شده چطور محاسبه می‌شود؟

جواب: مبلغ به ودیعه گذاشته شده را تخمیس نمائید.

۸۷: اینجانب پولی را برای تکمیل ساختمان و خرید لوازم خانه پس‌انداز کرده و کنار گذاشتم، اگر در بین مصرف که اولویت بندی کردم سال خمسی فرا برسد خمس پول من چطور محاسبه می‌شود؟

جواب: مقدار باقی مانده را تخمیس کنید.

۸۸: جایی می‌رویم و چیزی می‌خوریم، چنانچه بدانیم که خمس نمی-دهند، آیا دادن ردّ مظالم کافی است و برای برطرف کردن اثر آن در روح می-

شود کاری کرد یا خیر؟

جواب: اگر انسان یقین نداشته باشد که در این غذا بالخصوص خمس است اشکال ندارد، و اگر یقین پیدا کرد، خمس همان مقدار غذا را خودش بدهد.

۸۹: آیا سهم امامﷺ را می‌توان به حوزه علمیه منطقه خود داد؟

جواب: بلی، با اجازه حاکم شرع.

۹۰: غرس کردن درخت بید و چنار، در روز اول کاشت، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا اینکه هر وقت به ثمر برسد؟

جواب: سرسال خمسی خود تخمیس نماید.

۹۱: کارگران و کارمندانی را باز خرید می‌کنند، یعنی طبق سنواتی که کار کرده‌اند وجهی را به آنها می‌پردازند و افرادی طبق خواسته خود باز خرید می‌شوند، آیا وجه مذکور خمس دارد یا خیر؟

جواب: اگر در مؤونه سال مصرف نشود خمس دارد.

۹۲: اگر بین سال درآمد خود را قرض الحسنه داده و سر سال خمسی بدستشان نرسید، آیا هر زمان که قرض مذکور بدستشان رسید باید خمس بدهند و یا اگر پول بدستش نیامد خمسش ساقط است؟

جواب: مخیّر است، می‌تواند قبل از دریافت یا بعد از آن پرداخت نماید و اگر مال قرض بدستش برنگشت، چنانچه مقصّر نباشد خمس آن به ذمّه‌اش تعلق نمی‌گیرد.

۹۳: به حبوباتی که از غلات اربعه زکوی است، مثل گندم که زکات آن داده شده، یا زکوی نیست، مثل نخود و دانه‌هایی که از آنها روغن گرفته می‌شود، آیا خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

جواب: اگر سر سال خمسی او برسد و در مؤونه آن سال مصرف نشده باشد، باید خمس آن را بدهد، گرچه گندم بوده و زکات آن را داده باشند.

۹۴: آیا سرمایه کسب خمس دارد، و آیا مقصود، سرمایه نقدی است یا جنسی یا اعمّ از آن؟

جواب: سرمایه مطلقا خمس دارد.

۹۵: آیا رفتن به منزل اشخاصی که خمس نمی‌دهند، جایز است؟

جواب: بله، ولی سعی شود که آنان را هدایت نمایند.

۹۶: اگر پدری خمس نمی‌دهد، آیا بعد از فوتش بر ورثه واجب است که خمس اموال او را بپردازند یا نه؟

جواب: بلی، باید همهٔ اموال را قبل از تقسیم تخمیس نمایند.

۹۷: اگر پولی را به برادرم قرض الحسنه بدهم و او آن را سرمایه قرار داده و سود آن را به مصرف برساند، در این صورت وظیفه هر کدام از دو نفر (قرض دهنده و قرض گیرنده) چیست؟

جواب: قرض دهنده بعد از گرفتن پول خود اگر سر سال او رسیده باشد باید خمس آن پول را بدهد. و قرض گیرنده باید سود آن پول را اگر در مؤونه مصرف نکرده است، تخمیس نماید.

۹۸: اگر باغی را خریداری کنیم و مالک باغ بعد از سر سال معامله را بهم

بزند و مقداری پول یا میوه عاید خریدار شده باشد، در این صورت اگر خمس پول داده نشده چه باید کرد؟

جواب: باید تخمیس کند.

۹۹: تعدادی جوان هستند که مدتی است کار کرده و دست مزدی گیرشان آمده، چند سال گذشته است ولی خمس نمی‌دهند چرا که یا بدهکار هستند و یا نیاز به همسر دارند، یا اینکه اختیار پول آنان بدست پدر آنها می‌باشد، آیا پول آنان متعلق خمس است؟

جواب: بلی، به تمامی پس‌انداز آنها خمس تعلق می‌گیرد.

۱۰۰: کارگران کارخانه و شرکت درآمدی در حدود یک میلیون تومان بیشتر یا کمتر کارمزدش بر ذمه صاحب کارخانه و شرکت مشخص گردیده است، اما پیش از این که بدستش برسد و قبض کنند سال خمسی‌شان سررسیده است، آیا به مجرد قبض باید خمس آن را بدهند و یا این که تا سال دیگر خمس آن لازم نیست؟

جواب: بلی، همین که قبض کرد خمس آن را پرداخت نماید.

۱۰۱: اگر شخصی قبر و کفن برای خود از چند سال قبل فراهم کند، آیا مشمول خمس می‌شود یا خیر؟

جواب: مشمول خمس می‌شود، ولی در کفن احتیاط واجب است.

۱۰۲: من سال پیش خمس دادم و امسال هم می‌خواهم خمس بدهم، ولی مسأله این است که جنسی خریده‌ام و آن را به کویت برده‌ام و امکان آوردن جنس برایم میسور نیست، به عبارتی آن جنس کلا از دسترس من خارج

شده است، آیا مشمول خمس هستم یا نه؟

جواب: تا زمانی که آن جنس به دست شما نرسیده است خمس ندارد، بلی اگر در جائی محفوظ باشد که بعداً بتوانید دسترسی به آن پیدا کنید باید خمس آن را بدهید و چنانچه فعلاً قادر نیستید، مجازید هنگامی که به دستتان رسید خمس آن را بدهید.

۱۰۳: موجودی‌ام ۴/۳۳۳/۰۰۰ تومان می‌باشد و قرض‌هایی که در موجودی سرمایه هست ۱/۵۷۲/۰۰۰ تومان است. مخمس سال قبل هم ۵۶۶/۰۰۰ تومان بوده، حال به این پول چقدر خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: به مبلغ فوق ۴۳۹ هزار تومان خمس تعلق می‌گیرد، و مخمس امسال بعد از پرداخت خمس ۲/۳۲۲/۰۰۰ تومان است.

۱۰۴: من قرض دارم و می‌خواهم با همسرم به حج بروم که این حج دوّم من و حج اول همسرم می‌باشد، آیا اموال حج من یا همسرم خمس دارد؟ و آیا قرض من تأثیری در خمس دارد یا نه؟

جواب: پول حج چه برای شما و چه برای همسرتان، چنانچه عین قرض است خمس ندارد، و هم چنین است اگر از درآمد بین سال بوده و قبل از سال خمسی حج رفتید، و الا خمس دارد.

۱۰۵: حدود پنجاه سال قبل نصف خانه‌ای را به ارث بردم و نصف دیگر آن را با فروش املاکی که آنها هم از میراث بود خریده‌ام، حال که این خانه را فروختم آیا باید خمس بدهم یا نه؟

جواب: این خانه ـ در فرض سؤال ـ چنانچه به قیمت اضافه‌تر فروخته باشید،

به آن اضافه، خمس تعلّق می‌گیرد.

۱۰۶: پولی داشتیم که وقت سال خمسی، خمس آن را داده‌ایم و بعد هم آن را مصرف کردیم، دو سه سال بعد دوباره پولی جمع شد که بیشتر از پول قبل بود، آیا درحالی که این پول جدید است و پول قبلی مصرف شده باید خمس تمام این پول پرداخت شود؟ و یا پول قبلی که خمس آن داده شده را از این پول کم نمائیم؟

جواب: در فرض سؤال، باید تمام این پول جدید خمس داده شود، زیرا در هر سال خمسی باید موجودی سال قبل را در نظر گرفت، پس اگر سال قبل موجودی صفر بوده مثلاً، باید از صفر خمس داد، حتی اگر سال قبل از آن صفر نباشد.

۱۰۷: پدرم مبلغی از چک‌های وصول نشده را به من بخشیده و شرط کرده تا خرج ازدواج و طلای همسرم نمایم و حال سال خمسی من فرا رسیده است، با مخارج سنگین ازدواج و ظیفه‌ام چیست؟

جواب: خمس بر آن واجب است، البته خمس سبب برکت و زیادی مال می‌شود، و این وعده خدا است و تخلف پذیر نیست.

۱۰۸: در صورتی که انسان پولی را پس‌انداز کرده باشد و تا موعد سال خمسی خود خرج نکند اما با توجه به وضع مالی خودش بداند که این پول را در آینده برای یکی از نیازهای اساسی خود لازم خواهد داشت، آیا باز هم خمس آن پس‌انداز بر او واجب است؟

جواب: بلی، باید خمس آن را بپردازد و خمس مایهٔ برکت است.

۱۰۹: ما چند سال پیش مقداری پول داشتیم که خمس آن را پرداخت کردیم و با آن پول ماشین خریدیم، پس از چند سال مبلغ دیگری جمع کردیم، آیا باید بقیهٔ پول را خمس بدهیم؟ یعنی آن مقداری که قبلاً خمس آن را داده‌ایم و بعد هم خرج شد از پولی که حالا داریم کم کنیم، یا باید خمس کل پول را پرداخت کنیم؟

جواب: باید سر هر سال حساب کنید، و خمس آنچه اضافه برسال قبل است بدهید، و حال که چند سال حساب نکردید، باید همهٔ موجودی خود را حساب کنید و خمس همه را بدهید.

۱۱۰: وجه دریافتی طلبه از حوزهٔ علمیه خمس دارد یا خیر؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، در زائد بر مؤونهٔ سال خمس می‌باشد.

۱۱۱: عیال اینجانب پولی داشته است، سپس مقداری پول مخمس به او داده‌ام و اصل پول را به کار زده‌ام. پس از یک سال پول اولیه و پول دوم دو برابر شده است، بعد هردو پول را دوباره به کار زده‌ام که پس از یک سال باز دو برابر شده است، حال همهٔ سرمایه را شوهر به همسر هبه کرده است، آیا پول اولیه که مال خودش بوده است و سرمایه‌ای که در سال‌های متوالی دو برابر شده است خمس دارد یا نه؟

جواب: در فرض سؤال، تمام این پول‌ها خمس دارد.

۱۱۲: لباسی خریداری کردم، سپس آن را به کسی دادم و مبلغ آن را کم کم به فروشنده پرداخت کردم و در عوض، نقداً پس از سال خمسی بدستم

رسید، آیا باید بابت آن خمس بدهم یا نه؟

جواب: اگر چنانچه قبل از سر سال خمسی کل مبلغ یا مقداری از آن را بابت لباس پرداخت نموده و بعد از سال لباس را هدیه کردید، به کل مبلغ و یا مقداری که دادید خمس تعلق می‌گیرد، ولی اگر هدیه لباس و نیز پرداخت مبلغ آن، هر دو قبل از سر سال خمسی بوده، به آن خمس تعلق نمی‌گیرد، مگر اینکه چنین هدیه دادنی بیش از شأن شما باشد.

۱۱۳: بابت کار در منزل ۴۵۰۰ تومان مزد به اینجانب تعلق گرفت و مبلغ آن بعد از سال بدستم رسید، آیا باید خمس بدهم یا نه؟

جواب: خیر.

۱۱۴: یک قواره پارچه و لباس خواب سال گذشته از خواهرم هدیه گرفتم و آن را در جهیزیه خود گذاشتم، اما حالا به علت نیاز می‌خواهم از آن پارچه استفاده کنم، آیا باید اول خمس آن را بدهم؟

جواب: بلی، چنانچه بعد از سر سال خمسی باشد.

۱۱۵: در سفر به کربلا از پول مادرم خلعت آخرت خریدم، آیا باید خمس آن را بدهم یا اگر بگوید پول آن حلال است خمس ندارد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب خمس کفن را بدهد.

۱۱۶: دختری در سن ازدواج هستم، اگر از بابت پولی که پدرم یا برادرم هر ماه به من می‌دهند یا از کار عائدم می‌شود بخواهم کمی اجناس برای جهیزیه خود خریداری کنم و از آن سال بگذرد، آیا باید خمس بدهم یا نه؟

جواب: چنانچه خود سر سال خمسی داشته باشید و وسط سال آن اجناس را

تهیه نمایید خیر.

۱۱۷: آیا کتاب‌هایی که طلاب به تدریج برای کتابخانهٔ خصوصی خریداری می‌کنند، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟

جواب: چنانچه در شأنش باشد، خمس ندارد.

۱۱۸: گاوی را از پول خمس داده شده خریده‌ام که در حال حاضر چهار رأس شده است، اگر آنها را بفروشم آیا به پول آن خمس تعلق می‌گیرد در حالی که سال خمسی دارم؟

جواب: بر زائد از مقداری که مخمس بوده است، خمس تعلق می‌گیرد.

۱۱۹: آیا مهریه‌ای که چند سال استفاده نشده است خمس دارد؟ و اگر از قبل خمس به آن تعلق گرفته باشد، حکمش چیست و آیا خبر دادن لازم است؟

جواب: خود مهریه خمس ندارد، ولی اگر از قبل به آن خمس تعلّق گرفته باشد باید شوهر خمس آن را بدهد، یا خبر دهد تا زوجه خمس آن را بدهد و سپس مقدار آن را از شوهر مطالبه کند، ولی اگر سود کرده باشد بر سود آن خمس هست.

۱۲۰: نزدیک سر سال خمسی، اگر کسی پول خود را به زنش ببخشد آیا به آن پول خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟

جواب: اگر آن بخشش در شأن او باشد و سر سال همسرش نباشد، خمس تعلّق نمی‌گیرد، و الا تعلق خواهد گرفت.

مصرف وجوهات

۱: مقلّد مرحوم آیت الله العظمی حاج سیّد محمد حسینی شیرازی قدس سره بودم و برای مصرف خمس و زکات از طرف ایشان تا ثلث اجازه داشتم. در زمان حیات و بعد از وفات ایشان به من خمس و زکات فطره داده‌اند، آیا در مصرف این پول‌ها بین حیات و بعد از وفات ایشان در حالی که باقی بر میّت بوده‌ام، تفاوتی وجود دارد یا خیر؟

جواب: مصرف آن باید با اجازهٔ مرجع حیّ باشد.

۲: کسی که به مجتهدی با دستگردان وجوهات مدیون است، بعد از وفات آن مجتهد آیا آن وجوهات را به دفتر آن مجتهد مرحوم باید بدهد و یا به مجتهد زنده؟

جواب: اگر به مجتهد زنده داده شود صحیح است، علی الاظهر.

۳: به مصرف رساندن سهم امام علیه السلام و یا تمام خمس برای مخارج مساجد جایز است یا نه؟ و اگر ممکن باشد آیا اجازهٔ مجتهد لازم است؟

جواب: مصرف خمس باید با اجازه مجتهد باشد.

۴: آیا می‌توان برای چاپ کتاب‌های دینی از پول خمس، زکات، فطره و نذر خرج کرد یا نه؟ و آیا اجازهٔ مجتهد لازم است؟

جواب: در سهم امامﷺ اجازهٔ مجتهد لازم است، و در سهم سادات خلاف احتیاط است، و در بقیه اجازه خوب است.

۵: نذوراتی که برای یکی از معصومین یا امام زادگان می‌شود، آیا برای مصرف آن اجازهٔ مجتهد لازم است یا نه؟

جواب: اگر در نذر جهت مصرف معین شده باشد اجازه لازم نیست، و الا احوط اجازه است.

۶: آیا می‌توان نذورات را به تارک الصلاة داد؟

جواب: بلی، اگر مستحق آن نذر باشد، خصوصاً اگر سبب هدایت او به نماز خواندن شود.

۷: جدم نذری کرده و حالا فوت شده، آیا آن نذر را به رأی مجتهدی که جدم از او تقلید می‌کرده باید مصرف نمایم، یا به رأی مجتهد خودم مصرف کنم؟

جواب: به رأی مجتهد خود مصرف کنید.

۸: کسی که بی‌نماز است و معصیت می‌کند اما بسیار فقیر است، آیا می‌شود به او ردّ مظالم داد یا نه؟

جواب: اگر اعانت بر إثم و گناه نباشد، با اجازه مجتهد جایز است.

۹: در مصرف خمس (سهمین)، زکات، فطره و نذورات آیا اجازهٔ مجتهد لازم است یا نه؟

جواب: اجازه در خمس (سهمین) لازم است.

۱۰: آیا حاکم شرع می‌تواند کسانی را که خمس نمی‌دهند، و یا خمس بدهکار هستند، مجبور به اعطاء خمس نماید یا خیر؟

جواب: بلی، در مواردی که مصلحت شرعی باشد می‌تواند.

۱۱: آیا از ردّ مظالم، خمس، زکات و فطریه می‌شود به دیگری وام داد یا نه؟

جواب: خیر، و در مصرف آن اجازهٔ مجتهد لازم است.

۱۲: در صورت عدم شناخت وکیل مجتهد یا عدم دسترسی به او، خمس و حقوق شرعیه را چگونه مصرف کنیم؟

جواب: در حفظ و نگهداری آن کوشش نمایید تا توسط شخص امین به مرجع تقلید برسانید و یا اجازهٔ مصرف آن را از خود مجتهد و یا وکیل او تحصیل نمایید.

۱۳: آیا می‌توان پول خمس، زکات، فطریه و نذر را عوض کرد؟ مثلاً در وقت نیاز خرج کند و بعد از چند روز پرداخت نماید؟

جواب: چنانچه وجوه یاد شده از دیگری باشد جائز نیست مطلقا، و اگر از خود باشد در زکات فطره جائز نیست، و در بقیه اگر موجب تأخیر رسیدن به ارباب وجوه نباشد اشکال ندارد.

۱۴: اگر خمس خود را به یک روحانی بدهیم، آیا لازم است در صرف کردن آن خمس رأی مجتهد آن شخص را ملاحظه نماید؟

جواب: کافی است طبق نظر مجتهد خود آن روحانی صرف شود.

۱۵: آیا می‌توان خمس را در بازسازی جاده، پل و یا ساختن گذرگاه برای

انسان و یا حیوان، در کشور افغانستان مصرف نمود یا خیر، با توجه به اینکه ۲۳ سال جنگ تحمیلی علیه ملت مظلوم افغانستان ادامه داشته و دارد؟

جواب: در موارد فوق از زکات، فطره و صدقات استفاده شود.

۱۶: بارها سؤال شده که طبق آیهٔ قرآن، احادیث و فتوای مراجع عظام و علمای اعلام زکات غیر سید بر سادات حرام است و خمس آل محمد علیهم السلام بر غیر سادات حرام است، البته در غیر ضرورت، و از طرف مراجع تقلید خمس اعم از سهم امام و سهم سادات را در حوزه‌های علمیه به غیر سادات می‌دهند دلیل و مدارک آن چیست؟

جواب: پول‌هائی که مراجع عظام در حوزه‌های علمیه به طلاب می‌دهند، قسمت زیادی که معتنا به هم هست از مطلق حقوق شرعیه می‌باشد، و الزاماً خمس نمی‌باشد، و شاید سهم سادات در بین این پول‌ها نسبت یکی باشد و بیشتر آن سهم امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و تبرعات و صدقات مطلقه و زکوات و غیره می‌باشد، و غالباً کسانی که حقوق شرعیه را می‌آورند سهم سادات را در منطقه خود به سادات فقیر منطقه خود پرداخت می‌کنند.

۱۷: سادات منطقه‌ای سؤال نموده‌اند که مراجع عظام در رساله‌های خود نوشته‌اند که سهم سادات را به مجتهد جامع الشرایط بدهند، یا با اجازهٔ وی به سید فقیر و یا یتیم یا ابن السبیل بدهند، آنها می‌گویند از حق مسلم خود محروم شده‌ایم، سهم سادات که در طول تاریخ اسلام به سادات می‌دادند امروزه به کلی قطع شده و به آنان نمی رسد؟

جواب: سهم سادات به ایتام فقیر و ابن السبیل و مسکین از سادات داده می‌شود و اذن فقیه احتیاط وجوبی است، البته هم چنان که در جواب قبل گفته شد،

صاحبان حقوق غالباً خودشان سهم سادات را به افراد مستحق از سادات آشنا و یا در منطقه خود می‌دهند، والله العالم.

زکات

۱: مشمول بودن زکات بر موارد نه گانه در دنیای امروزی که حجم این اقلام، درصد ناچیزی از تولید یک کشور را شامل می‌شوند، نمی‌تواند احتیاجات مستمندان و فقیران را برآورده سازد، چرا در چنین وضعیتی بر اسکناس‌های امروزی زکات بسته نمی‌شود؟

قدر مسلم آن است که اگر ماهیت پول‌های امروزی درک نشود و بر آنها زکات بسته نشود، نظر شارع که فرموده است: «اگر زکات پرداخت شود، هیچ فقیری در جامعه وجود نخواهد داشت»، برآورده نمی‌شود.

بعضی بر این مساله صحه گذارده‌اند، که پول اعتباری و پس‌اندازهای بانکی پس از یکسال مشمول زکات می‌شوند و این مساله به نظر آن بعض منطقی و قابل توجیه است.

تقاضامندم برای من روشن شود که چرا از نظر فقه شیعه، بر پول اعتباری زکات بسته نمی‌شود؟ هم چنین روشن شود که چرا بعضی برعکس فقه شیعه عمل نموده‌اند؟

در برخی از احادیث ما این مطلب ذکر شده است که اگر طلا و نقره به شکل پول رایج باشند، مشمول زکات هستند و این ممکن است مؤید باشد

که به پول‌های امروزی (اعتباری) نیز زکات بسته شود. در حالی که این مساله به اتفاق آراء فقهای اهل تشیع مردود است.

خلاصه با نبود زکات بر پول اعتباری، آیا می‌توان از عامل «خمس» بر پول اعتباری جهت اجرای عدالت اجتماعی استفاده کرد یا خیر؟

جواب: منابع فقه نزد شیعه مستند به قرآن مجید و سنت شریف پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومین علیهم السلام بوده و خواهد بود و غیر از آن مردود و بی اعتبار است. احکام و فرامینی که از این منابع گرفته شده بر دو گونه است:

۱ـ ثابت و تغییر ناپذیر.

۲ـ قواعد عامه که مصادیق آن بنابر مقتضیات زمان و مکان و عرف جوامع تغییر پذیر است.

زکات از قسم اول می‌باشد که ثابت و تغییر پذیر نیست، چنان که در بعضی روایات در باب زکات آمده است که راوی اصرار می‌ورزد که زکات را بر بعضی حبوبات (غیر از آن چه مورد زکات است) اثبات نماید، حضرت بار اول و دوم نفی فرمودند ولی چون راوی اصرار می‌کند، حضرت با جدیت می‌فرمایند: می‌گویم رسول الله صلی الله علیه و آله زکات را فقط براین نُه چیز واجب فرموده، و شما اصرار می‌کنید که به غیر از آن نُه چیز هم باشد؟! حضرت با این گونه برخورد و قاطعیت می‌خواستند بفرمایند که بعضی از احکام خدا (همان طور که اشاره شد) مثل زکات، ثابت بوده و قابل تغییر و کم و زیاد شدن نیست.

اضافه بر آن، خدای متعال که دانا و حکیم است می‌داند چه مقدار زکات و خمس است که نیازمندی‌های بشر را برآورده می‌سازد، لذا موارد آن را منحصراً بیان فرمود و الا لازمه‌اش این است که یا خدای متعال در فکر تأمین نیازمندی‌های بشر نباشد که این با ربوبیّت او منافات دارد و یا آن که ـ العیاذ بالله ـ مقدار نیازمندی‌های مخلوقات خود را نداند که این هم باطل است. بنابراین

مقدار زکات و خمس تعیین شده کافی است و اگر نقصی مشاهده می‌شود باید در جستجوی سبب آن برآییم؛ معمار هستی نقشه را درست ترسیم نموده و اگر نتوانیم قطعات آن را به هم پیوند بزنیم، عیب در جهل و سوء تدبیر ما است، چرا که همیشه نظام تکوین با نظام تشریع هم‌خوانی دارد، زیرا که خالق و پدید آورندهٔ نظام تکوین و آفرینش، همو نظام تشریع و دین را وضع فرموده است.

۲: الف ـ اگر یک مقدار از عینی که متعلق زکات است، خریده و بقیه آن به مقدار زکات یا بیشتر نزد فروشنده، باقی‌مانده است پرداخت زکات از عین باقیمانده و یا قیمت آن بر کدام یک از بایع یا مشتری است؟

ب ـ اگر عین متعلق زکات را بخرد ولی احتمال می‌دهد که بایع زکات این عین را از مال دیگر خود پرداخته است، آیا خریدن آن اشکال دارد؟

ج ـ جنسی که متعلق زکات است، خریده و می‌داند که فروشنده قبل از معامله چیزی بابت زکات نداده ولی بعد از انجام معامله حتماً داده است. آیا این معامله صحیح است و مبیع تماماً به مشتری منتقل می‌شود؟

د ـ فردی تمام عین متعلق زکات را خریده و می‌داند فروشنده زکات نپرداخته است ـ نه قبل از معامله و نه بعد ـ این معامله چه صورت دارد؟

جواب: الف ـ اگر آن مقدار را بعد از تعلق زکات فروخته، زکات بر خود مال است چه بایع بدهد و چه مشتری، و هر یک بدهد کافی است، و اگر هیچ کدام ندادند هر دو مسؤول هستند.

ب ـ با احتمال مذکور، خریدن آن جنس بلا اشکال است.

ج ـ معامله صحیح است، و مبیع تماماً به مشتری منتقل می‌شود.

د ـ در صورتی کل معامله صحیح است که نسبت زکات آن را مشتری بپردازد، و الا مقدار زکات آن فضولی است و به حاکم شرع تعلّق دارد.

۳: آیا طلا و نقرهٔ سکه داری که زن‌ها برای زینت به کار می‌برند زکات دارد یا خیر؟

جواب: خیر.

۴: آیا انسان می‌تواند به همسر واجب النفقه خود زکات بدهد؟

جواب: از سهم فقراء نمی‌تواند به عنوان نفقه به او بدهد.

۵: اگر شوهر مخارج همسر خود را که از سادات نیست نمی‌دهد، آیا آن زن می‌تواند از دیگران زکات بگیرد؟

جواب: بلی، چنانچه محتاج باشد.

۶: در صورتی که سه برادر تمام اجناس خانه شان مشترک است و یکی از آنان تمام تصرفات را انجام می‌دهد و خرمن آنان در مجموع به حد نصاب می‌رسد که اگر تقسیم نمایند به حد نصاب نمی‌رسد، آیا از مجموع زکات حساب می‌شود یا اینکه اصلاً زکات تعلق نمی‌گیرد؟

جواب: زکات در فرض سؤال تعلق نمی‌گیرد.

۷: امروزه کشت برنج نسبت به همهٔ غلات بیشتر بوده و باعث منفعت زیادی برای زارعین می‌باشد، چرا شامل موارد زکات نیست؟

جواب: مالیات اسلامی طبق قرآن کریم و روایات فقط در چهار مورد خلاصه می‌شود: ۱) خمس، ۲) زکات، ۳) جزیه، ۴) خراج. البته خمس، همهٔ فوائد سال را در برمی‌گیرد، و زکات فقط نُه چیز را، و در حدیث است که اگر مقدار خمس و زکات برای رفع نیاز جامعه کافی نبود هر آینه در شرع بیشتر مقرر می‌شد.

۸: خانواده‌ای در حال ساخت منزل هستند و نصف کار و سرمایهٔ آنها تمام شده و هیچ سرمایه‌ای برای تکمیل این خانه ندارند و وضع آنها مشکل شده است، آیا می‌توان به آنها زکات فطره داد؟

جواب: در فرض مذکور می‌توانید از زکات فطره به آنها بدهید.

۹: آیا می‌توان زکات فطره را به عنوان مزد خادم مسجد پرداخت نمود؟

جواب: در صورتی که فقیر باشد مانعی ندارد.

۱۰: آیا استفاده از فطریه جهت مصارف آموزشگاه‌های دولتی با توجه به مشکل و کمبودهای مالی موجود در مدارس، در صورت تمایل اولیای دانش‌آموزان به پرداخت آن به مدرسه جایز است؟

جواب: بنابر احتیاط مستحب، به فقرای مؤمنین داده شود، گرچه صرف آن در کلیه مصالح صحیحهٔ مؤمنین که معطل است، جائز می‌باشد.

۱۱: آیا برای مسؤولین مدارس جایز است که فطریهٔ کسانی را که مایل هستند جمع آوری و به خانواده‌های دانش‌آموزانی که شرعاً مستحق می‌باشند، برسانند؟

جواب: جایز است، ولی مراعات شود که زکات غیر سیّد به سیّد داده نشود.

۱۲: اگر زنی در عقد موقت مردی بوده، فطره او به عهده چه کسی می‌باشد؟

جواب: اگر نان خور او حساب می‌شود، یا قبل از غروب شب عید فطر در خانهٔ او باشد، فطره او بر شوهر است، و الا بر خود او است.

حج

۱: آیا به محض اینکه صورت قباله نوشته شد و مهر زن به مقدار استطاعت برای حج واجب بود و قبل از این که زن قبض کند ـ در صورتی که قید شده باشد عند الاستطاعه مهریه پرداخت شود ـ حج بر او واجب است یا خیر؟

جواب: خیر، تا قبض نکند حج بر او واجب نیست، بله چنانچه زوج دارا باشد، و نسبت به مطالبهٔ زوجه به مهر کدورتی پیش نیاید، واجب است زن مهر خود را مطالبه کند و به حج برود.

۲: اگر زن قبل از قبض، مهریه را به شوهر ببخشد آیا باز هم مستطیع است؟

جواب: اگر زن مهر خود را به شوهر ببخشد مستطیع نیست.

۳: شخصی مبلغ زیادی که چند برابر مصرف حج است برایش از طریق دیه رسید، ولی به زمان حج، قریب ده ماه مانده و این شخص پولش را به یکی از فامیل‌های خود هبه می‌کند. آیا بر این فرد چنین هبه‌ای جایز است یا باید نگه دارد و در مراسم حج به حج برود؟

جواب: هبه کردن جایز است ولی به شرط آن که:

اولاً: ـ در صورت تعلّق خمس ـ خمس آن را داده باشد.

ثانیاً: هبه واقعی باشد نه صوری.

ثالثاً: هبه به اندازهٔ شأن او باشد، و اگر این هبه درشأن او نباشد، خمس دارد، حتی برای شخصی که سر سال دارد و هبه را در ضمن سال انجام داده است. و اما حج، چنانچه وقت ثبت نام باشد، حج بر او واجب است.

۴: به دلیل اختلاف با همسرم تقاضای مهریه خود را نمودم، دادگاه به نفع اینجانب ـ که در واقع مهریه عند المطالبه است ـ رأی صادر کرده ولی شوهرم اعسار داده است، در صورتی که علاوه بر داشتن تمکن، مشخص شده که عازم مکه نیز می‌باشد. حال بفرمایید این شخص می‌بایست اول دیْن خود را ادا کند یا این که به زیارت خانه خدا برود؟

جواب: در فرض سؤال، باید مهریه را بپردازد و چنانچه مستطیع باشد یا از قبل مستطیع بوده باید به حج هم برود.

۵: آیا روابط زن و مرد نسبت به همدیگر پس از احرام مثل اجنبی و اجنبیه است، یا اینکه صرفاً روابط جنسی و استمتاع ممنوع است؟

جواب: روابط جنسی و مطلق استمتاع، حتی مثل نگاه کردن و لمس نمودن با لذت حرام می‌باشد.

۶: آیا پس از احرام، جنس زن به جنس مرد حرام می‌شود، یا اینکه مخصوص روابط زن و شوهری است؟ یعنی ارتباط مادر و پسر، خواهر و برادر، و سایر محارم با محرم‌های خودشان چه حکمی دارد؟ و آیا دست زدن محارم به همدیگر و بوسیدن معمولی و ... که قبلاً از نظر شرعی مانعی نداشته پس از احرام نیز مانعی ندارد یا حرام است؟

جواب: مخصوص روابط زن و شوهری است، و اما روابط محارم نسبت به یکدیگر در حدّ معمول از نظر شرعی قبل و بعد از احرام با هم تفاوتی ندارد.

۷: اگر زن در حال احرام باشد و مرد او را به شهوت و یا به قصد استمتاع ببوسد، حکم آن چگونه است؟ آیا مرد باید کفاره بدهد یا بر زن نیز کفاره واجب می‌شود؟ در صورت داشتن کفاره، به عهدهٔ کیست؟

جواب: اگر مرد مُحلّ باشد بنابر اظهر بر مرد کفاره‌ای نیست و بر زن هم امتناع واجب نیست، ولی اگر مرد نیز مُحرم باشد، مرتکب حرام شده و باید توبه و استغفار نماید و کفاره نیز بدهد، و کفاره آن چه منی از او خارج بشود یا نشود یک شتر است، و اگر بوسیدن از روی شهوت نباشد و منی خارج شده باشد باید یک گوسفند کفاره بدهد، و همچنین اگر منی خارج نشود، بنابر احتیاط کفاره‌اش یک گوسفند است و بر زن کفاره نیست، بله اگر زن هم چنین کند آنچه بر مرد واجب می‌شود بر او هم واجب می‌گردد.

۸: آیا پوشیدن لباس مخصوص زینت در حال احرام از نظر جنس، دوخت و شکل، و یا انگشتر، دستبند و گردنبند که نوعاً زن همراه دارد، یا لباس‌هایی که زن همیشه می‌پوشد اما لباس شیک و زیبنده، یا داشتن ریش، زلف و گیس را شانه زدن و مرتب کردن برای مردان، پوشیدن انگشتر طلا، پلاتین سفید، فیروزه و امثال آن، استفاده از عینک، لنز و مانند اینها برای زنان و مردان چه حکمی دارد؟

جواب: زینت نمودن در حال احرام حرام است، مانند پوشیدن زیور برای زنان به قصد زینت، البته آنچه که پیش از احرام عادت به پوشیدن آن داشته

مانعی ندارد، ولی نباید آن را ظاهر کند، و همچنین حرام است حنا گذاردن در حال احرام بنابر احتیاط، و از پوشیدن لباس حریر خالص حتی توسط زنها باید اجتناب شود، اما پوشیدن انگشتر، بستن ساعت به دست، و به چشم گذاردن عینک و لنز اگر برای زینت نباشد اشکالی ندارد، و کفارهٔ زینت نمودن بنابر احتیاط یک گوسفند است مگر در پوشیدن انگشتر، که حرام است و فقط نیاز به توبه و استغفار دارد.

۹: نشستن زن و مرد در یک صندلی پس از احرام، تماس بدنی از قبیل دست دادن و مصافحه کردن زن و یا مرد با محارم خود (اعم از سببی و نسبی) بدون ریبه، صحبت کردن معمولی فراوان، سوار کردن مادر یا هر یک از محارم بر پشت جهت انجام طواف یا سعی، حضور مرد و زن بدون رعایت حجاب و پوشش در یک اطاق با محارم خود از قبیل مادر و پسر، خواهر و برادر، زن و شوهر در حال احرام، اظهار محبت بدون شهوت نسبت به همدیگر چه حکمی دارد؟

جواب: موارد مندرج در سؤال، در فرض مذکور اشکالی ندارد.

۱۰: سوار شدن در ماشین سقف دار در حال احرام چه حکمی دارد، و آیا فرقی بین شب و روز، آفتابی و بارانی بودن هست؟

جواب: برای مردان جایز نیست و کفاره دارد، فرقی هم بین شب و روز، آفتابی و بارانی بودن نیست؛ بلی، اگر مضطر بود حرمت رفع شده و فقط باید کفاره بدهد.

۱۱: با توجه به این که جدیداً جمرهٔ عقبه را به صورت دیواری ادامه داده‌اند، وظیفهٔ حاجیان را در این مسأله بیان فرمایید؟

جواب: در فرض سؤال، با رعایت عدم خروج از محدودهٔ منی هنگام رمی، هرجای دیوار جمره عقبه را رمی کنند کافی است.

۱۲: حکومت سعودی دو ستون دیگر جمرات را نیز تخریب کرده و به جای آنها دیوارهایی ساخته است که هریک از آنها به طول ۲۵ متر و عرض ۱ متر و ارتفاع ۵ متر می‌باشد، وظیفهٔ حاجیان چیست؟

جواب: می‌توانند به هر جای دیوار این دو جمره رمی کنند.

۱۳: اگر شخصی به حج واجب (تمتع) نرفته، آیا می‌تواند به عمره برود و دیگر با عذاب، مشکلات و گرفتاری که گفته می‌شود مواجه نمی شود؟

جواب: در فرض سؤال، می‌تواند به عمره برود و هیچ اشکالی ندارد، بلکه اگر استطاعت عمره داشته باشد احتیاط مستحب است که به عمره برود اما عمره، کفایت از حج تمتّع نمی‌کند.

۱۴: الف ـ با توجه به این که در جامعه افراد نیازمند هزینهٔ تحصیل یا هزینهٔ ازدواج و یا حتی ما یحتاج ضروری زندگی هستند، آیا بهتر است بنده که چند بار به عمره مشرف شده‌ام مجدداً به عمره مشرف شوم یا هزینهٔ آن را صرف امور ذکر شده بنمایم؟

ب ـ آیا فرقی بین همسایه بودن فرد نیازمند یا رحم بودن یا غیر آنها وجود دارد؟

جواب: الف ـ با هم منافاتی ندارند و می‌توانید بین هر دو جمع کنید، یعنی هم به عمره بروید و هم به نیازمندان کمک نمایید.

ب ـ ارحام مقدم هستند.

۱۵: کسی که یک یا چند بار توفیق عمرهٔ مفرده و حج استحبابی را یافته است و اکنون مردد بین تشرّف استحبابی مجدّد به حج و عمره یا قضای حاجت و کمک به مؤمن (مانند خرید جهیزیه یا دادن هزینه ازدواج و یا خرید یخچال و یا لوازم ضروری دیگر برای همسایه و نیازمندانی که قادر به تهیه آنها نیستند) می‌باشد و از طرفی قادر به جمع بین دو امر نیست، بیان فرمایید اولویت با کدام یک است؟

جواب: مطلقا حج افضل است، مگر حج مستحب و انفاق واجب، که واجب مقدم بر مستحب است.

۱۶: اذن شوهر برای زن که مستطیع حج شده شرط است یا نه؟

جواب: خیر، شرط نیست.

۱۷: در حج استحبابی آیا اذن شوهر شرط است یا نه؟

جواب: بلی، شرط است.

۱۸: زنی که مستطیع حج شده و در عدّهٔ طلاق رجعی است، آیا حکم زن مستطیع حج که در عدّه نیست را دارد یا نه؟

جواب: بلی.

۱۹: نیابت زن از مرد و بالعکس چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد.

۲۰: مخارج حج استحبابی آیا جزو مؤونه محسوب می‌شود؟

جواب: بلی، اگر در بین سال باشد از مؤونه حساب می‌شود.

۲۱: شخصی هم مستطیع است و هم احتیاج ضروری به خرید خانه دارد، کدام یک مقدم بر دیگری است؟

جواب: شرط استطاعت، خانه ملکی نیست و حج مقدم است.

۲۲: آیا زیور آلات زن خارج و مستثنی از استطاعت زن است، بطوری که اگر این زیور آلات را بفروشد مستطیع خواهد شد؟

جواب: اگر زیور آلات در شأن او باشد لازم نیست بفروشد وبه حج برود.

۲۳: در حج نیابتی اگر شخص طواف نساء را انجام نداد، آیا حرام بودن زن بر نائب است یا بر منوب عنه؟

جواب: بر نائب است.

۲۴: کسی که استطاعت مالی برای حج داشته ولی استطاعت بدنی ندارد، آیا بر این شخص حج واجب است یا خیر؟

جواب: بلی، و چنانچه مأیوس باشد از این که در آینده بتواند خود به حج برود، باید بجای خود نایب بفرستد تا به نیابت او حج نماید.

۲۵: مستثنیات در استطاعت، قدر لایق است یا قدر ضرورت؟

جواب: قدر لایق است.

۲۶: در تفسیر آیه ۱۹۶ سوره بقره: ﴿واتموا الحج والعمرة لله﴾، برخی

اظهار می‌دارند که منظور لزوم به جا آوردن حج تمتع قبل از عمره است، و معتقدند که هر کس قبل از حج تمتع عمره به جا آورد گرفتار عذاب شدید الهی می‌شود، آیا حکم چنین است؟

جواب: در حجِ افراد و حجِ قران، حج و عمره دو واجب مستقل هستند، و حج مستقل از عمره انجام می‌شود، و می‌توان آن دو را در بعضی موارد در دو سال انجام داد، فقط حج تمتع است که واجب است حج و عمره با هم در یک سال انجام شود، و عمره قبل از حج باشد، بنابراین آیهٔ شریفه اشاره به اصل وجوب این دو است.

۲۷: در ثبت نام حج تمتع نمی‌دانیم سرمایه گذاری بانکی به حساب سازمان حج انجام می‌شود که در واقع بهره ملک سازمان است، یا آنکه به حساب شخصی فرد ثبت نام کننده سرمایه گذاری صورت می‌گیرد و بهره مال اوست که آنرا صرف تشرف به حج می‌کند؟

جواب: در هر حال با دادن خمس سود، صاحب پول، مالک می‌شود.

۲۸: آیا ابتدا باید به حج تمتع رفت و سپس به عمره و اگر عمره رفت ولی به حج تمتّع نرفته باشد اشکال دارد؟

جواب: خیر، اشکال ندارد، مگر این که برای حج تمتع مستطیع باشد.

۲۹: من از کویته پاکستان به عزم عمرهٔ مفرده به سوی کراچی حرکت کردم و از کراچی با نذر مُحرم شدم، سپس در جدّه به خانه برادرم رفتم و فردای آن روز به طرف مکهٔ مکرمه حرکت نمودم و عمرهٔ مفرده را انجام دادم، اگر صحیح است آیا کفاره به عهده اینجانب هست یا خیر؟

جواب: صحیح است ولی یک گوسفند کفارهٔ تظلیل به ذمّهٔ شما است.

۳۰: از کراچی با احرام وارد جده شدم، دوستانی که در جده بودند گفتند برویم مسجد جحفه و از آن جا محرم شویم، آیا این واجب است؟

جواب: این احتیاط است، و واجب نیست، بلکه از همان جده می‌توان با نذر احرام بست و یا این که از أدنی الحل مانند مسجد تنعیم احرام بست، و فرقی در آن بین عمرهٔ مفرده و عمرهٔ حج تمتع نیست، بنابر اظهر.

۳۱: پس از انجام عمرهٔ تمتع به مدینه رفتیم و بعد از زیارت مدینه از مسجد شجره مُحرم شده و بار دوم به طرف مکه می‌رویم، آیا در این چند روز فاصله تا وقوف حج می‌توانیم عمرهٔ مفرده انجام بدهیم؟

جواب: بلی، می‌توانید بنابر أظهر.

۳۲: زن و شوهری برای انجام حج به مکه رفته‌اند، زن سالخورده و ناتوان است، آیا شوهر می‌تواند بعضی از اعمال حج (مثل رمی جمرات) را از طرف زن ناتوان خود به عنوان نایب انجام بدهد؟

جواب: بلی، می‌تواند نائب شود.

۳۳: آیا در فاصله بین عمره تمتع و حج تمتع می‌توان طواف مستحب انجام داد، عمره مفرده چطور؟

جواب: می‌توان طواف مستحب انجام داد و عمرهٔ مفرده هم مانعی ندارد بنابر أظهر.

۳۴: اگر شخصی با احرام خمس نداده، اعمال عمره و حج را انجام داده

است، اعمال او با علم و عمد یا جهل و نسیان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر عالم و عامد باشد طواف و نماز طواف او باطل است، ولی اگر ناسی و جاهل باشد اشکالی ندارد، و در هر صورت باید خمس آن را بدهد، و چنانچه مرجع تقلیدش و یا وکیل او اجازه بدهد در صورت علم و عمد هم بعید نیست که صحیح باشد.

۳۵: زنی بدون اذن شوهر جهت عمرهٔ مفرده یا حج استحبابی به مکهٔ معظمه مسافرت می‌کند، حکم این سفر و اعمال وی چگونه است؟

جواب: عمره و حج مستحب صحیح نیست، و سفرش سفر معصیت است و چنانچه نمازهایش را در این سفر قصر خوانده باید تمام قضا نماید.

۳۶: اگر مُحرم (چه مرد و چه زن) قبل از تمام شدن اعمال حج فوت کند، آیا نایب گرفتن برای انجام بقیهٔ اعمال واجب است یا نه؟

جواب: اگر سال اول استطاعت وی بوده لازم نیست نایب گرفته شود، ولی اگر حج را تأخیر انداخته و در نرفتن حج در سال اول استطاعت مقصّر بوده باید برای تمام اعمال حج نایب گرفته شود.

۳۷: مادرم فوت شده و جهت قطعه زمین خود وصیت کرده برای فرزندانش باشد و از آنان به جای زمین تقاضای حج نموده است. اما وصیت نامهٔ او مفقود شده است و فرزندان در حال حاضر به خاطر ندارند که حج واجب بر او بوده، یا وصیت به حج مستحب نموده است، حال وظیفهٔ فرزندان به خصوص وصی چیست؟

جواب: در فرض سؤال، بر فرزندان واجب است که از ثلث میت پول یک حج را

فراهم نموده و یکی از فرزندان یا نائب دیگری را با آن پول از طرف مادر به حج بفرستند.

۳۸: اگر انسان یک بار حج واجب (تمتع) رفته است، آیا بار دوم بهتر است به حج تمتع برود یا عمره؟ از جهتی هم گفته می‌شود ظرفیت حج محدود است و بسیاری منتظر حج واجب هستند، لذا نباید شخصی که حج واجب رفته، دوباره برود و جا را برای بقیه تنگ کند یا به سبب رفتن او، دیگری که هنوز نرفته محروم بماند، در این مورد چه می‌فرمایید؟

جواب: حج فضیلت بسیار دارد، لذا در دعاهای ماه مبارک رمضان از خدا درخواست می‌کنیم: «ما را حج روزی کن در این سال و در سال‌های دیگر تا پایان عمر»، و معلوم باشد فضیلت حج از عمره بیشتر است.

امر به معروف و نهی از منکر

۱: حکم شخصی که در حال غضب و ناراحتی ـ والعیاذ بالله ـ به ائمه اطهار علیهم‌السلام توهین نماید چیست؟

جواب: توهین به هر انسانی چه رسد به معصومین علیهم‌السلام خلاف انسانیت و ادب انسانی است، و اطرافیان او باید وی را کمک کنند و کاری که او را از خود بی خود می‌کند مرتکب نشوند، و دائماً با زبانی نرم و ملایم او را نصیحت و موعظه نمایند تا فوراً توبه و استغفار کند و دیگر مرتکب چنین گناه بزرگی نشود.

۲: آیا زندگی با مردی که هرگاه در فشار و فقر و نداری واقع شود ـ والعیاذ بالله ـ به ائمه اطهار علیهم‌السلام توهین می‌کند و صحت کتاب خدا و خدا را زیر سؤال برده و دشنام می‌دهد، جایز است؟

جواب: باید سعی در هدایت و اصلاح او نمایند و مأیوس نشوند، که دارای ثواب زیاد و اجر جزیل خواهد بود، و مقداری از مقام بلند همسر فرعون به خاطر تحمل شوهر کافر و ظالم خود بوده است.

۳: برخی سایت‌ها مقالاتی عرضه می‌کنند که در آنها تبلیغ از مسیحیت و

اهانت به قرآن است، تکلیف ما در مقابل آنان چیست؟

جواب: اهانت کردن ـ در منطق عقلاء و حتی از لحاظ وجدان و فطرت بشری ـ مردود است، و اهانت کنندگان خود بخود مورد نفرت عموم قرار خواهند گرفت، لذا این گونه امور موجب ناراحتی نیست بلکه موجب امیدوار بودن به آینده اسلام و قرآن است، زیرا توسل به اهانت دلیل عدم وجود منطق در بین افراد اهانت کننده است. بلی، بر ما است که اسلام و قرآن را آن گونه که هست در وسائل جدید امروزی به دنیا عرضه کنیم، و مطمئن باشیم که باعرضه کردن صحیح، به جا و به موقع، جهانیان به سوی اسلام و قرآن رهنمون خواهند شد، و فرمایش امام هشتم حضرت علی بن موسی‌الرضاعليه‌السلام: «**... فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا**» (وسائل، ج۲۷، ص۹۲) اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را متوجه شوند هر آینه پیرو ما خواهند شد»، محقق خواهد شد، ان شاء الله تعالی.

۴: آیا با ارحامی که دین دار نیستند به خاطر صله رحم باید به او سر زد و از غذایش خورد یا خیر؟ و تکلیف ما نسبت به او چیست؟

جواب: صله ارحام فضیلتی بزرگ است، اگر چه با تماس تلفنی باشد، و اگر رفت و آمد سبب هدایت او می‌شود لازم است.

۵: آیا امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی نسبت به زنان باید توسط زنان صورت بگیرد، یا اینکه مردان نیز نسبت به منکرات زنان مثل بد حجابی یا ... وظیفه دارند؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر باشرائطش بر همه، چه زن و چه مرد واجب

است.

۶: رفت و آمد با مردی که گفته می‌شود با زن شوهردار غیر مطلقه ازدواج نموده و از او هم چند فرزند دارد چه صورتی دارد؟

جواب: این گونه گفته‌ها شرعاً اعتبار ندارد و مانع رفت و آمد نمی شود، بلی در فرض صحت باید او را از این منکر نهی کند، و چنانچه رفت و آمد جهت هدایت و ارشاد او باشد ثواب هم دارد ان شاء اللّه تعالی.

تولی و تبرّی

۱: آیا زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام معتبر است؟

جواب: بلی معتبر است.

۲: لعن فرستادن بر دشمنان خدا و دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله و کسانی که نسبت به اهل بیت علیهم السلام ظلم و ستم روا داشتند چگونه است؟

جواب: قرآن مجید افرادی که خدا و پیامبرش را آزردند ـ آزار پیامبر صلی الله علیه و آله، آزار خداست و آزار اهل بیت پیامبر علیهم السلام، آزار پیامبر صلی الله علیه و آله است ـ در سوره احزاب آیه ۵۷ به طور عموم لعنت کرده و می‌فرماید: ﴿**ان الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنیا والآخرة واعد لهم عذاباً مهینا**﴾ و همچنین در زیارت عاشورا که خود حدیث قدسی است.

۳: نسبت به اهل تسنن، چگونه باید رفتار کرد و قلباً چگونه بود؟ یعنی از طرفی طبق قرآن، مؤمنین برادرند و اکثر مردم هر دین و آیینی به خاطر اجدادشان بر آن آیین هستند و از این نظر شاید بتوان گفت شخصاً عنادی نسبت به دیگران نداشته باشند؛ اما از طرفی هم به هر حال حضرت زهرا علیها السلام که به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله برای غضب او، خدا به غضب می‌آید،

طبق نقل صحیح بخاری و غیر آن از کتب اهل سنت از دنیا رحلت نمودند در حالی که بر ابوبکر و عمر ـ جهت اذیت، إسقاط محسن شهید، غصب فدک و خلافت ـ غضبناک بودند و از همه مهم‌تر قضیه تولی و تبری است. به هر حال می‌خواستم بدانم حد تعادل در این رابطه چیست؟ حب و بغض را چگونه با هم مخلوط کنیم و جدای از ظاهر و رفتار، چگونه در قلب خود کسی را هم دوست بداریم و برادر خود بدانیم و هم از او تبرّی بجوییم؟

جواب: در روایات شریفه آمده است: انسان مسلمان باید بنی نوع خود را یعنی: تمام انسان‌ها ـ البته غیر از آنان که مورد لعن خدا واقع شدند و تبری از آنان را واجب فرموده است ـ به خاطر هم نوع بودن دوست داشته باشد، بلی باید از فکر غلط و کردار بد آنان بیزاری جسته و دشمن دارد، و نسبت به فکر غلط و کردار خلافشان با زبان نرم و لیّن، مستدل و مستند بحث و گفتگو کرده و به فکر صحیح و کردار صحیح راهنمایی کند، که این نیاز دارد به مراجعهٔ کتابهایی مانند: «شبهای پیشاور» سلطان الواعظین، و«الغدیر» علامه امینی، و دیگر کتابهایی که در این باره نوشته شده است، همچنانکه در کتاب «توضیح المسائل» در احکام تولی و تبری مسائلی چند در این باره ذکر شده است که مراجعه به آن مفید است، ان شاء الله تعالی.

خرید و فروش

۱: مفهوم بیع در شرع مقدس چگونه بیان گردیده است؟

جواب: در تفسیر بیع اینگونه بیان نموده‌اند: «مبادلهٔ مال به مال».

۲: خرید و فروش وسائل سرگرمی مانند منچ ـ شطرنج و کارت بازی چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش آلات قمار جایز نیست.

۳: حکم آلات موسیقی از جهت خرید و فروش و استعمال و نیز استماع را بیان کنید؟

جواب: استعمال آلات موسیقی و استماع به آن و خرید و فروش آن جایز نیست.

۴: خرید و فروش مجسمه یا نقاشی به عنوان آثار هنری چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش مجسمه یا نقاشی آنچه که جان‌دار است جایز و لکن مکروه است، و در غیر جان‌دار کراهت هم ندارد.

۵: در حال حاضر مجسمه‌سازی و نقاشی چه حکمی دارد؟

جواب: ساختن مجسمه جان‌دار چنانچه کامل باشد احتیاط واجب در ترک آن است، ولی مجسّمه ناقص و نقاشی جان‌دار کراهت دارد.

۶: آیا حکم ساختن عروسک‌های اسباب بازی و نمایشی برای بچه‌ها همان حکم مجسمه است؟

جواب: بلی، همان حکم را دارد.

۷: آیا بین مجسمه‌های نیم تنه و ناقص و تمام تن و کامل فرقی هست؟ تصاویر فرشته و جن به صورت مجسمه در گچ بری و منبّت کاری دارای چه حکمی است؟

جواب: ساختن مجسّمهٔ جان‌دار مانند فرشته، جن، انسان و حیوان اعم از گچ‌بری، منبّت کاری و غیره چنانچه کامل باشد بنابر احتیاط واجب اجتناب شود، ولی اگر نیمه تنه و یا به نوعی ناقص باشد کراهت دارد.

۸: خرید و فروش مجسّمهٔ انسان و حیوان جهت تزئین کمد و صندلی و غیره چه حکمی دارد؟

جواب: مکروه است.

۹: شخصی زمین زراعی خود را می‌فروشد و بعد از مدتی برادر فروشنده زمین را از خریدار می‌خرد اما سند نمی‌گیرد و پس از گذشت سی و پنج سال شخص اول بعد از فوت برادر زمین مذکور را از فرزندان برادر باز پس می‌گیرد، حکم شرعی این مسأله چیست؟

جواب: زمین ـ در فرض سؤال ـ از آن فرزندان میّت است شرعاً، و شخص

اول حق باز پس گرفتن آن را ندارد.

۱۰: شخصی زمین زراعی خود را بابت شیربهای عروس به پدر عروس واگذار می‌کند، بعد از گذشت سی سال یکی از فرزندان شخص اول با این ادعا که شیربها وجههٔ شرعی ندارد زمین را باز پس می‌گیرد و به شخص دیگر می‌فروشد، حکم شرعی این مسأله چیست؟

جواب: واگذار کنندهٔ زمین ـ در فرض سؤال ـ اگر با رضایت خود زمین را به پدر عروس داده، دیگر احدی حق باز پس گرفتن یا فروختن آن را ندارد، و فروش آن بی‌اجازهٔ پدر عروس باطل است.

۱۱: شخصی زمینی را می‌خرد و دو ثلث قیمت آن را پرداخت کرده و یک ثلث می‌ماند. بعد از مدتی فروشنده در غیاب خریدار، زمین مذکور را به شخص دیگری می‌فروشد، حکم شرعی مسأله چیست؟

جواب: چنانچه تأخیر پرداخت یک ثلث قیمت زمین با اتفاق بوده، بیع ثانی باطل است، و در صورت اجازه دادن خریدار اول، ثمن و قیمت آن را خریدار اول مالک می‌شود، و بدهی خود را که ثلث قیمت سابق می‌باشد باید به فروشنده بدهد، و چنانچه تأخیر پرداخت با اتفاق نبوده بایع حق فسخ بیع را دارد.

۱۲: اگر حیواناتی را به مدت یک سال به طور نسیه بفروشد و در موعد مقرر به علتی برای دریافت طلب خود به سراغ خریدار نمی‌رود؛ بعد از مدتی ارزش پول کاهش یافته و ارزش حیوانات افزایش می‌یابد، آیا فروشنده می‌تواند قیمت به نرخ روز را مطالبه کند یا خیر؟

جواب: احتیاط مستحب در این است که خریدار و مشتری بر مقدار مبلغ به

حدّ وسط مصالحه نمایند، و اظهر این است که به نرخ روز ـ یعنی، میانگین قیمت وقت معامله ـ ضامن است.

۱۳: شخصی با این جناب «لفظاً» قرار دادی بسته است که اجناس خودش را فقط به این جانب ارسال داشته و بنده هم آنها را به بازار عرضه نمایم، و طبق قرار یک مغازه و انباری اجاره نمودم و به مدت یک سال و نیم مشغول بیع و شراء شدیم، در اثنای عمل متوجه شدم آن شخص اجناس را به دیگران هم می‌دهد، و بعد از این که من اعتراض کردم گفت: می‌دانم که شما متضرر شده‌اید، اما تا دیروز با شما طرف بودم و حال اختیار دارم با دیگری قرار داد ببندم. حال آیا خسارت مغازه و انباری را که اجاره نمودم و تا مدتی از کسب و کار عاطل شدم و دیگر ضررهای جانبی را این شخص ضامن است؟

جواب: اگر صِرف توافق و وعده بوده، ضامن نیست، و اگر به نحو شرط در ضمن عقدِ لازمی بوده، باید طبق شرط عمل شود.

۱۴: ساختمانی به موجب مبایعه نامه عادی به شخصی فروخته شده و ثمن معامله نیز وصول گردیده است. فروشنده متعهد می‌شود پس از رفع موانع قانونی ساختمان مورد معامله را رسماً به خریدار انتقال دهد، چهار سال بعد که موانع مرتفع شده است فروشنده مجدداً همان ساختمان را بوسیله بیع نامه عادی به شخص دیگری می‌فروشد، حال مورد سؤال آن است که:

الف ـ از نظر شرع مقدس اسلام معامله‌ای که فروشنده با شخص دوم انجام داده است صحیح است یا باطل؟

ب ـ ساختمان مورد معامله که به تصرف خریدار اول درآمده، شرعاً ملک کدامیک از خریداران است؟

ج ـ با توجه به مراتب معروضه، معاملهٔ خریدار اول شرعاً فسخ است یا کماکان به قوت و اعتبار شرعی خود باقی است؟

جواب: الف ـ معامله فضولی است و متوقف بر اجازه مالک است.

ب ـ در فرض سؤال، مالک، خریدار اوّل است.

ج ـ اگر خریدار اول فسخ کرده است مشتری دوم مالک خواهد بود و مشتری اوّل فقط مستحق ثمن می‌باشد، و الا معاملهٔ اول به قوت خود باقی است.

۱۵: در شهرستان زندگی می‌کردم و سرقفلی یک باب مغازه را در شهر دیگری در پاساژی داشتم. حدود هشت ماه بود که به آن شهر نیامده بودم و اطلاعی از قیمت مغازه‌ها نداشتم، همچنین اطلاعی از قرار داد بین مالک و مستأجر که ذیل آن نوشته بود: «حق واگذاری مغازه به غیر از مستأجر را ندارید» نداشتم. بعداز هشت ماه به آن شهر آمدم، و معاملهٔ سرقفلی مغازه کمتر از قیمت انجام گرفت و خریدار تعهد داد که رضایت صاحب پاساژ و دارایی و بدهکاری‌های گذشته را پرداخت کند، ولی متأسفانه بعد از هشت سال معلوم شد که خریدار به تعهد خود عمل نکرده، حال این مغازه و سرقفلی آن به من برمی‌گردد یا به خریدار؟

جواب: در فرض مسئله، اگر خریدار به شرط‌هائی که ادعا شده عمل کند و لو اینکه حالا صاحب پاساژ را راضی نماید، مغازه از آن او خواهد بود، والا بایع می‌تواند معامله را فسخ کند، زیرا تخلف از شرط بنا بر فرض مسئله صورت

گرفته و خریدار اجاره و غیر آن که در این مدت شرط شده را باید بپردازد، و اما سرقفلی چون گرانتر شده بنابر احتیاط مستحب بر مقدار آن مصالحه شود.

۱۶: سه دانگ از شش دانگ نمایشگاه و فروشگاه مبل را از شخصی خریداری کردم و دو نفر نیز امضاء نمودند. فروشنده حق فروش و استفاده از نمایشگاه و فروشگاه مربوطه را به خریدار اجازه داده و تمام خیارات بیع را اسقاط کرده، حال این بیع از نظر شرعی صحیح است یا فروشنده می‌تواند مبایعه‌ای را که دو نفر شاهد آن را امضاء نموده‌اند باطل اعلام نماید؟

جواب: بیع ـ در مفروض سؤال ـ نافذ است و فروشنده با اسقاط حق خیار که در قرارداد مرقوم شده حق ابطال بیع را ندارد.

۱۷: نظر حضرتعالی نسبت به باب بیع و لزوم آن چیست؟

جواب: اگر بیع غرری نبوده و غبن فاحشی هم در بین نباشد، مشروط به این که حق خیار اسقاط شده، و ثمن هم کاملا در مجلس تحویل بایع شده باشد، و یا این که با توافق، نسیه باشد، قطعی و لازم خواهد بود.

۱۸: شخصی کارخانه‌ای را به اشخاصی می‌فروشد به یک قیمت قطعی که حدود نصف آن را نقداً دریافت می‌کند و بقیّهٔ آن بعد از مدت معلوم پرداخت گردد و به تصرف آنها می‌دهد و سند مالکیت کارخانه را هم به نام آنها در می‌آورد. اشخاص خریدار برای ضمانت بدهی خود کارخانه را در رهن فروشنده می‌گذارند و در سند ثبتی قید می‌نمایند که:

رهن و وثیقه بدادند خریداران تمامی مورد معامله را به مبلغ... در مدت مرقوم به فروشنده فوق الذکر و رهن نامبرده مقبوض شرعی است و فک نشود مگر به تأدیه کل دِیْن بالا، و با اجازهٔ مرتهن مورد رهن در ید خود راهنین است که در مدت نامبرده از منافع آن استفاده نمایند و با تعلل مدیونین در پرداخت کل دِیْن بالا طبق مقررات قانون ثبت طرفین عمل نمایند و بعلاوه مدیونین عهده‌دار پرداخت خسارت دیرکرد قانونی از روز انقضاء تا روز وصول خواهند بود. خریداران به علتی نتوانسته‌اند بدهی خود را پرداخت نمایند و فروشنده طبق قانون ثبت اسناد را به اجرا گذاشته است و تمام کارخانه را به نام خود درآورده است و تصرف نموده است، آیا تصرف فروشنده جایز است یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، فروشنده می‌تواند کارخانه را به دیگری بفروشد و یا برای خودش بردارد و بعد از کسر مقدار طلب خود و خسارت مورد اتفاق، باقی ثمن را به خریداران بپردازد.

۱۹: چند نفر از شرکاء حصّه‌ای از زمین مزروعی خودشان را به چند نفر به این کیفیت واگذار کرده که تا هستند استفاده کنند و اما چنانچه کوچ و یا اعراض کنند حق فروختن و یا واگذاری به دیگران را ندارند، طرف معامله هم سند را با شروط فوق الذکر امضاء کرده‌اند. حال چند سال است کوچ کرده‌اند، آیا این نوع معامله صحیح است؟

جواب: این چنین معامله به عنوان مصالحه ـ ولو معاطاتی ـ صحیح است.

۲۰: شخصی یک آسیاب آبی را به دو نفر از فرزندانش به بیع شرعی

فروخته و قیمت آن را طبق سند موجود کاملاً قبض نموده است، به مدت ۲۰ سال حق خیار فسخ در این معامله را محفوظ نگه داشته و از طرفی هم فرزندان طرف قرارداد قبول کرده‌اند که آخر عمر پدر مبلغ پانصد هزار افغانی به پدر بپردازند و پرداخته‌اند، ولی شخص مذکور وصیت کرده است که بعد از فوت وی تمام مایملک او از جمله همان آسیاب فروخته شده بین تمام ورثه تقسیم شود، آیا به این وصیت نامه عمل می‌شود یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، اگر وصیت در زمان خیار فسخ بوده معامله فسخ شده و جزو ترکه می‌باشد و مبالغی را که در وجه آن داده‌اند، از اصل ترکه استیفا نمایند و چنانچه بعد از زمان خیار فسخ بوده، یعنی: بعد از بیست سال، معامله لازم بوده و فرزندان، صاحب آسیاب هستند.

۲۱: بایعی تعدادی حیوان را به مبلغ معین می‌فروشد و مبیع را تحویل مشتری می‌دهد و یک پنجم ثمن را دریافت می‌کند. مشتری در پرداخت بقیهٔ ثمن تعلل می‌ورزد و حیواناتی را که مثمن بوده تصرف می‌نماید. با گذشت نزدیک به بیست سال تکلیف چیست؟ حیوانات مورد معامله تلف شده است و قیمة المثل هم به طور چشمگیر بالا رفته است.

جواب: بر مقدار مبلغ باقیمانده از ثمن مصالحه نمایند، گرچه أظهر ضمان قیمت روز است، در حالی که بایع فسخ معامله به جهت تبعیض صفقه نکند.

۲۲: زید منزلی را به عمرو می‌فروشد به این صورت که مقداری از ثمن نقد و بقیه قسطی باشد. مشتری مقدار نقد را پرداخته و منزل را تحویل گرفته و مابقی را در زمان مقرر نپرداخته و بنابر مفاسخه گذاشته و قرار شد دو سوم از پیش پرداخت منزل را فروشنده به او بدهد و یک سوم را زمان

تخلیه مسترد نماید. به درخواست مشتری فروشنده یک نُهم پیش پرداختی را به شخص ثالثی داد، و آن گاه منزل مذکور را به بکر فروخت. خریدار جدید بدون این که دو سوم پیش پرداختی را به مشتری اول بدهد، اعلام آمادگی پرداخت آن را نمود و از او خواست که منزل را تخلیه کند، ولی مشتری اول به خاطر تأخیر پرداخت پول بعد از مفاسخه گفت: شرط فسخ تخلف پیدا کرده و باطل شده و دیگر مفاسخه را قبول ندارم و منزل را تحویل نمی‌دهم، خواهشمند است حکم شرعی این مسأله را بیان فرمائید؟

جواب: همان طور که در فرض سؤال است بیع اوّل با مفاسخه طرفین باطل و مقتضی برای استمرار نداشته و مشتری اوّل فقط حق پیش پرداخت منزل همراه با مطالبه ضررهای وارده را دارد که فروشنده ملزم به تأدیه آن می‌باشد.

۲۳: شخصی ملک خود را به بیع مؤجل فروخته و متعاملین ضمن عقد شرط نموده‌اند: «فروشنده تا پایان پرداخت اقساط در منزل فوق به صورت رایگان سکونت خواهد داشت» سپس خریدار در زمان خیار، مبیع مذکور را به شخص دیگری فروخته و تمام ثمن را دریافت نموده و سند قطعی هم انتقال داده است. حال بفرمایید:

الف ـ آیا شرط مذکور صحیح است یا خیر؟

ب ـ آیا مشتری دوم تا پایان پرداخت اقساط معامله قبلی حقی به عنوان اجرت المثل دارد؟ با توجه به این که از شرط مذکور بی‌اطلاع بوده است (اگر دارد از فروشنده اول یا فروشنده دوم (مشتری اول) مطالبه نماید)

ج ـ در فرضی که چک‌های مشتری اول نکول شده و اقساط پرداخت نگردد، فروشنده اول می‌تواند از تخلیه و تحویل ملک به خریدار دوم (پس

از انقضاء پرداخت اقساط معامله اول) خودداری نماید یا خیر؟ در صورت استنکاف، تکلیف مثمن و رابطه متعاملین چه می‌باشد؟

جواب: الف ـ بلی، شرط مذکور ـ در فرض سؤال ـ صحیح است.

ب ـ چون مشتری دوم از شرط بی خبر بوده است، حق خیار فسخ دارد و می‌تواند معامله را بر هم بزند، و یا آن که صبر کند تا منزل بعد از انقضاء پرداخت اقساط معاملهٔ اول تخلیه شود.

ج ـ مشتری اول باید اقساط را به موقع پرداخت کند و در صورت عدم پرداخت، فروشنده اول می‌تواند از تخلیه و تحویل ملک به خریدار دوم خودداری نماید، و در این صورت مشتری اول برای خریدار دوم ضامن مثمن و خسارت او خواهد بود.

۲۴: معامله‌هایی که به مدت یک سال یا بیشتر و کمتر انجام می‌گیرد، اعم از این که جنسی فروخته است، پس از یک سال جنس دیگر یا پول طلب کار است یا پول گرفته پس از یک سال پول دیگر یا جنس بدهکار است، به هر صورت تا مدت یک سال که در معامله معین شده تمام نگردد نمی‌تواند طلبش را اخذ کند، اما در طول سال در اثر خشک سالی جنسی که بدهکار یا طلب کار بوده از نظر ارزش و قیمت چند برابر بالا رفته یا برعکس، قیمت آن سقوط کرده است، و یا در اثر تحول در نظام حاکم بر کشور، پولی که طلب کار یا بدهکار است دچار سقوط یا صعود گردیده است، حال مدت معامله که یک سال بود سررسیده است و طلب کاری و بدهکاری وی مستلزم ضرر فاحش و چند برابر سود طرف آخر است. آیا معاملات برحکم اول باقی بوده یا لاضرر حاکم است؟

جواب: در فرض سؤال، اظهر ضمان قیمت وقت المعامله است، چنانچه صعود و هبوط قیمت‌ها غیر متعارف باشد و این نه به جهت «لاضرر» است بلکه به جهت «**العقود تابعة للقصود**» و قیمت در معاملات علی نحو حیث تقییدی است نه تعلیلی، اما اگر هبوط و صعود قیمت‌ها به قدر متعارف است که همیشه بوده، فقط ضمان همان متفق علیه ملحوظ است.

۲۵: آیا خرید دلار به صورت مدت دار مثلاً یک ماهه به مبلغ بیشتر و فروش آن به صورت نقد به همان شخص به ارزش کمتر جایز است یا خیر؟

جواب: بلی، معامله در فرض سؤال، جایز است.

خیارات

۱: آیا مغبون اختیار دارد بیع داری غبن فاحش را فسخ نماید؟

جواب: حق فسخ دارد.

۲: آیا خیار فسخ برای مغبون از هنگام عقد ثابت است، یا در وقتی که غبن را می‌فهمد خیار فسخ پیدا می‌شود؟

جواب: حق الفسخ از حین عقد برای مغبون ثابت است.

۳: شخصی ملک خود را به بیع مؤجل فروخته و متعاملین ضمن عقد شرط نموده‌اند چنانچه هریک از اقساط در سر رسید پرداخت نشود فروشنده حق فسخ داشته باشد، سپس خریدار، مبیع مذکور را به شخص دیگر فروخته و تمام ثمن معامله را دریافت نموده است. پس از وقوع معامله دوم، فروشنده اول به علت نپرداختن اقساط ثمن معامله که سر رسید آن بعد از وقوع معامله دوم بوده است از حق فسخ استفاده نموده است. سؤال:

الف ـ آیا خیار جعل شده میان فروشنده و خریدار اول خیار شرط

می‌باشد یا خیار تخلف از شرط است؟

ب ـ با جعل خیار مذکور، حکم معامله دوم که قبل از اعلان فسخ معامله اول صورت گرفته است، چیست؟

ج ـ در فرضی که معامله دوم صحیح باشد، نحوه جبران خسارت فروشنده اول چگونه است؟

د ـ اگر پاسخ سؤال سوم بدل مبیع باشد، قیمت روز آن خواهد بود یا قیمت زمان فسخ یا غیر آن؟

جواب: الف ـ خیار تخلف شرط است.

ب ـ معاملهٔ دوم صحیح است.

ج ـ باید بدل مبیع را بدهد که قیمت آن ـ درفرض سؤال ـ می‌باشد.

د ـ قیمت زمان فسخ.

۴: اینجانب اقدام به خریداری منزلی کردم که قسمتی از مبلغ آن را نقدی و مابقی را به صورت قسطی پرداخت نمایم. اما در هنگام پرداخت قسط‌ها دچار مشکل شدم و با فروشنده شرط فسخ معامله را نوشتیم که: اینجانبان معامله را فسخ می‌کنیم به شرطی که فروشنده از مبلغ نقدی، مقداری را جهت تخلیه منزل به مدت سه ماه نزد خود نگه دارد و در ازای تاخیر در تخلیه منزل، از مبلغ تخلیه مقدار معینی کسر گردد. لکن فروشنده از کل مبلغ نقدی که دریافت کرده بود هیچ مبلغی را به خریدار برنگرداند. لطفا حکم شرعی مساله را بیان کنید؟

جواب: فسخ ـ در فرض سوال ـ صحیح بوده و طرفین باید طبق اتفاق عمل کنند.

۵: اینجانب چندی پیش معامله‌ای با شخصی که خود صاحب بنگاه معاملاتی است انجام دادم. یک باب منزل به ارزش ۲۸ میلون تومان از شخص مذکور خریداری کردم و در عوض دو باب منزل یکی به ارزش ۱۲میلیون تومان و دیگری به ارزش ۹ میلیون تومان و مبلغ ۷ میلیون تومان پول نقد به ایشان پرداخت نمودم. فرد مذکور از بی سوادی و اعتماد من سوء استفاده کرده و در اصل سند و قولنامه، منزل ۱۲ میلیون تومانی را ۱۰ میلیون تومان و منزل ۹ میلیون تومانی را ۸ میلیون تومان نوشته است. و هم چنین قرار بوده که منزل را تکمیل و تحویل بدهد ولی به قرار عمل نکرده است و بر علیه من به ناحق اقامه دعوا نموده که موجب شد از طرف دادگاه به پرداخت ۳ میلیون تومان محکوم شوم. تکلیف شرعی من چیست؟ یعنی مبلغ مذکور را پرداخت کنم و یا زندان را قبول نمایم؟

جواب: در فرض سؤال، حق فسخ و تخلف شرط را دارید و بر فرض صحت مدعی، طرف مقابل حق اخذ مبلغ مذکور را ندارد و چنانچه بدون رضایت شما بگیرد حرام است و علی ای حال حق به زندان انداختن شما را ندارد.

مسائل متفرقهٔ خرید و فروش

۱: از نظر شرعی بیمه خدمات درمانی چه صورتی دارد؟

جواب: جایز است، علی الاظهر.

۲: منطقه‌ای است شیعه نشین و فقیر که زمین بسیار کمی دارند و کاشت گندم نمی‌تواند از نظر معیشت تأمین کنندهٔ نیازهای آنها باشد و کاشت محصولات دیگر مانند تریاک سود چند برابر دارد. با توجه به موارد ذکر شده، کاشت تریاک چه حکمی دارد؟

جواب: کاشت و تولید و همچنین خرید و فروش هر چیزی که موجب فساد و افساد جامعه باشد حرام است.

۳: خرید و فروش و تصرّف پول تریاک و نیز معاشرت و معامله با اشخاصی که در پی چنین معاملاتی هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش و هم چنین پول و درآمد هر چیزی که موجب فساد و افساد جامعه باشد حرام است.

۴: کوهستانی است که از علف آن برای تأمین آذوقهٔ حیوانات استفاده می‌شود و منفعت آن عمومیت دارد، خرید، فروش و تصرف شخصی آن توسط افرادی که مالکیت عرفی دارند، جایز است یا خیر؟

جواب: تصرف شخصی، خرید و فروش در فرض سؤال فقط به مقداری که احیاء ملک شده جایز است.

۵: منطقه‌ای است که از یک نوع علف آن به نام (رَوْ) که دارای شیره می‌باشد، جهت دارو بهره برداری می‌کنند، آیا معاملهٔ آن به نحو اجاره از طرف کسی که مالکیت عرفی دارد، صحیح است یا نه؟

جواب: اگر مالکیت از طریق احیاء یا ارث باشد، بیع یا اجارهٔ آن صحیح است و الا جزو منافع عمومی بوده و برای همگان مباح است.

۶: اگر شخصی مبلغ مثلاً دویست هزار تومان به شخصی کاسب بدهد و بگوید این پول را بگیر و در هر برج هشت هزار تومان به عنوان کمک بده و کاسب هم قبول کند، آیا اشکالی دارد یا خیر؟

جواب: اشکال دارد، مگر این که بدون پیش شرط و به عنوان هدیه باشد، یا به عنوان مضاربه و سود را بالنسبه تعیین نمایند، مثل نصف یا ثلث یا این که دو معامله شود یکی نقد و دیگری نقد و تقسیط؛ به این صورت که مثلاً: صاحب پول جنسی را از کاسب به دویست هزار تومان نقد بخرد، سپس به مبلغ بیشتر مثلاً سیصد و بیست هزار بفروشد که ماهانه ده هزار و آخر سال دویست هزار به او بدهد.

۷: خرید و فروش بلیط‌های ارمغان بهزیستی که بخت آزمایی است و در

عوض پولش را برای کمک به بیماران مصرف می‌کنند و عده‌ای را هم تشویق می‌کنند، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در امور خیریّه مصرف بشود جائز است و دهندهٔ پول، آن را به قصد هدیه بدهد.

۸: خرید و فروش چک مدت دار به چک نقد یا پول نقد کمتر در حالی که با مقاصد زیر ارتباط داشته باشد چه صورت دارد؟

الف ـ به صادر کننده ضرر برسد؟

ب ـ بین صادر کننده چک و آن شخص مفسده به وجود آید؟

ج ـ خریدار چک قصد اخاذی داشته باشد؟

جواب: اگر چک حقیقی باشد، یعنی مثلاً شخصی جنسی را از صاحب مغازه خریده و در مقابل آن چک داده، ولی آن چک مدت‌دار بوده، صاحب مغازه می‌تواند آن چک را نقداً به کمتر از قیمتش به دیگری یا به صاحب چک بفروشد، و خرید و فروش چک در غیر این صورت جایز نیست، بله، در صورت جواز فروش نباید به منظور یکی از موارد سه گانه الف و ب و ج بوده باشد.

۹: خرید و فروش اسناد و اوراق بهادار چه صورتی دارد؟

جواب: جایز است.

۱۰: یک قطعه زمین آبی به مساحت ۶۰ جریب که به اسم پدر بزرگ مرحومم بوده، حدوداً چهل سال قبل توسط یکی از فرزندان مرحوم با هماهنگی عمویش بدون علم و رضایت شرکا که باقی فرزندان مرحوم باشند به بیع غیر جائز به فروش می‌رسد. اکثر فرزندان مرحوم در آن زمان صغیر

بودند، حال همه با خبر شده‌اند و صغیرها هم بزرگ شده‌اند و مدعی حقوق خودشان هستند، بفرمائید تکلیف آنان چیست؟

جواب: در فرض سؤال، تمام ورثه می‌توانند مطالبه حق خود کنند و بیع مذکور فقط به مقدار حصّهٔ فروشنده (فرزند آن مرحوم) صحیح است، مگر این که بقیّهٔ ورثه راضی شوند، و چنانچه راضی نشوند مشتری خیار تُبعض صفقه دارد.

۱۱: زمین موروثی را مثلاً بیست هزار تومان می‌فروشند و از ترس این که مشتری در آینده نتواند قیمت زمین را ادا کند بایع، سند دو برابر پول آن را اخذ می‌کند، این معامله چه صورتی دارد و آیا مشتری در آینده می‌تواند این معامله را فسخ کند؟

جواب: در فرض سؤال، بایع نمی‌تواند بیشتر از قیمت زمین را که به مشتری فروخته مطالبه کند، بله، چنانچه مشتری قیمت را به موقع اداء نکند بایع می‌تواند از آن سند حقش را بر دارد.

۱۲: آیا برادر بزرگتر می‌تواند زمین‌های حق ورّاث صغیر را که از پدرش مانده بفروشد یا نه؟

جواب: اگر قیّم بر صغار باشد، می‌تواند زمین را از طرف صغار در صورتی که مصلحت صغار باشد بفروشد، و الا معامله فقط در مقدار حصّهٔ خودش صحیح است.

۱۳: شخصی به افرادی که فقیر هستند پول با سود می‌دهد که در طول یک سال مثلاً یک هزار تومان با سودش می‌شود یک هزار و پانصد تومان،

لذا این پول با سود در طول دو سال دو برابر می‌شود. آن افراد فقیر نتوانسته‌اند پول را با سودش اداکنند و مجبور شده‌اند زمین موروثی راکه مشترک با صغیرهای پدرش می‌باشد در مقابل آن پول سوددار بفروشند، آیا این معامله که پول سود دارد صحیح است یا نه؟

جواب: سود گرفتن در قرض حرام است، و دائن مالک آن سود نمی‌شود و بیع اموال صغار برای غیر ولی شرعی، و بدون مصلحت آنها صحیح نیست.

۱۴: منظور از حرمت خرید و فروش آلات لهو چیست؟ و اگر در موضع غیر لهو استفاده شود چه حکمی دارد؟ در کل چه چیزی نشانهٔ لهو بودن است؟

جواب: خرید و فروش آلات لهو شرعاً حرام است و باطل، و فروشنده مالک نمی‌شود اگر چه در غیر مورد لهو استفاده شود، و ضابطه در تشخیص آلات لهو عرف است، البته غیر از آلاتی که شرع آنها را اسم برده و حرام نموده است.

۱۵: شخصی مبلغ صد هزار تومان را به دیگری داده به مدت شش ماه و قرار بر این گذاشته‌اند که ماهیانه سه هزار تومان به صاحب پول بدهد، ولی برای فرار از ربا، شخص مذکور دستگاهی را از ایشان خریداری کرده به یک صد هزار تومان سپس آن را به یک صد و هیجده هزار تومان به او می‌فروشد، بدین صورت که ۱۸ هزار تومان آن را ماهیانه ۳ هزار تومان اقساطی بدهد و بقیه را آخر مدّت تحویل دهد، متمنّی است بفرمائید این معامله از نظر شرع چه حکمی دارد؟

جواب: معامله در فرض سؤال، صحیح و اشکالی ندارد.

۱۶: آیا جایز است کسی در دکانی کار کند که فروشنده‌اش شراب و گوشت خوک می‌فروشد، در حالی که کار او جمع و جور کردن اجناس دکان از جمله شراب و گوشت خوک است؟ گارسون چنین هتلی بودن چه حکمی دارد و حکم پول بدست آمده از این دو راه چیست؟

جواب: از تصدّی فروش این دو دوری نموده، و متصدّی فروش غیر آن دو شود، و پولی که صاحب کار به او می‌دهد (چنانچه کافر باشد، یا گیرنده علم نداشته باشد که آن پول به عینه از حرام است) برای گیرنده حلال است.

۱۷: آیا جایز است در کشورهای اروپایی در کشتارگاه خوک به قسمت کردن و پاکت نمودن گوشت خوک اشتغال داشت؟

جواب: اگر پاک کردن آن به قصد خوردن افراد نباشد و خودش هم تقدیم به آکل و اقدام به فروختن آن نکند، اشکال ندارد.

۱۸: بنده درشهر آدلاید استرالیا هستم، فروشندگان گوشت مسیحی بوده و با دست گوشت را جابجا می‌نمایند ولی مدارکی ارائه می‌دهند که گوشت آنان حلال است. آیا خرید گوشت از آنان جایز است یا خیر؟ (در ضمن آنان تنها فروشندگان گوشت بوده و تمام مسلمانان از آنان خرید می‌نمایند.)

جواب: اگر ذابح مسلمان باشد ولی فروشنده مسیحی باشد اشکالی ندارد، جز این که گوشت را در فرض سؤال باید به خاطر دست زدن به آن تطهیر نمود.

۱۹: کسی که نمی‌تواند از پول (سرمایهٔ) خود نفع ببرد و با آن کار کند، به چه شکل آن را در اختیار دیگری قرار دهد که با آن کار کند و حکم ربا پیدا نکند؟

جواب: مالک پول با دیگری معامله مضاربه‌ای نماید، به این صورت که مقداری از مال خود را به عنوان سرمایه به او می‌دهد تا با آن تجارت و کار کند و نسبتِ درصد معینی از ربح را مقرر نموده و خود بگیرد.

۲۰: شخصی در اثر فشارهای قومی و منطقه‌ای زمین خود را با شخصی معاوضه می‌کند و بعد از معاوضه معلوم می‌شود که مغبون واقع شده، حال مدت چند سال گذشته است، آیا خیار فسخ دارد یا نه؟

جواب: در فرض سؤال، اگر وقت فهمیدن غبن، راضی به معامله نبوده و مع ذلک نمی‌توانسته فسخ کند، حال مقدار ضرر را می‌تواند مطالبه کند، البته ضرر آن وقت را.

۲۱: مؤسساتی در استرالیا وجود دارد که مبلغی از مردم می‌گیرند و هر هفته یک بار قرعه‌کشی می‌کنند و به یک یا چند نفر مبلغ زیادی می‌دهند، آیا این کار جایز است؟ در غیر اهل کتاب چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به عنوان جایزه یا هدیه و تبرع بدهند و بگیرند اشکالی ندارد و از مذاهب و ادیان دیگر اگر نزد آنها حلال باشد، گرفتن از آنها جائز است.

۲۲: سرقت از اهل کتاب یا کفار غیر اهل کتاب در صورتی که به اسلام و مسلمین خدشه‌ای وارد نشود، جایز است یا خیر؟

جواب: کفار مطلقا، غیر از محاربین، جان، مال و عِرض آنان محترم بوده و سرقت از آنان حرام است.

۲۳: یک موسسهٔ اعتباری مبلغی برای مدتی می‌گیرد (۶ ماه) و بعد ۱/۵

برابر آن پول را به عنوان وام بدون بهره می‌دهد (و مبلغ کمی هم کارمزد دریافت می‌نماید) آیا شبههٔ ربا در این کار وجود دارد؟

جواب: آنچه در فرض سؤال است اشکال ندارد، علی الاقرب.

۲۴: بنا به ضرورت از شخصی مدتی پول ربوی گرفته‌ام و علاوه بر پرداخت اصل پول مبالغی نیز به عنوان ربا پرداخت نموده‌ام. اخیراً قوهٔ قضائیه دستور عودت ربا را صادر نموده و اینجانب به دادگستری تبریز شکایت و ادعای دریافت مبالغ پرداختی ربا را نموده‌ام و دادگستری پرونده را به هیئت حل اختلاف تبریز ارجاع نموده و مهلت داده تا بلکه خودمان سازش نمائیم. با توجه به مطالب مذکور:

الف ـ آیا شخص رباگیرنده شرعاً می‌تواند از دادن وجه(پولی که به عنوان ربا گرفته) خودداری نماید؟

ب ـ نظر به این که خودم دنبال پول ربوی رفته و رفع حاجت نموده‌ام الآن مالک ربای پس داده شده می‌توانم باشم یا خود نیز مقصر می‌باشم؟

ج ـ در صورت اخذ ربای داده شده تکلیف آن پول شرعاً چیست؟

جواب: الف ـ در فرض سؤال نمی‌تواند خودداری نماید.

ب ـ بلی، شما مالک هستید و چنانچه مضطر به گرفتن آن بودید معذور هستید.

ج ـ هر گونه تصرف مباح در آن پول برای شما جائز است.

۲۵: حکم معاملات صوری به چه صورت است؟ (در این نوع معاملات مبنای معامله اجناس می‌باشد که در بازار به صورت نقد یا نسیه خرید و فروش می‌شود، لذا بدون این که جنسی ردّ و بدل شود، جنسی به صورت

مدت‌دار خریداری می‌شود و به مبلغ کمتر، بطور نقد فروخته می‌شود.)

جواب: معامله‌ای که هیچ جنس و ثمنی در آن ردّ و بدل نشود، کالی به کالی و باطل است.

۲۶: اگر پسری از پدرش یا مردی از زنش پولی دریافت کند و بابت آن بهره و سود به دیگری بپردازد، آیا اشکال دارد یا خیر؟

جواب: دادن و گرفتن بهره بین فرزند و پدر، زن و شوهر اشکالی ندارد.

۲۷: وام‌هائی که بانک، بابت خرید مسکن پرداخت می‌کند، آیا در پایان سال خمسی، این وام بایستی جزو بدهی حساب شود یا خیر؟

جواب: اگر عین آن باقی باشد از بدهی محسوب است.

۲۸: اگر پولی از کسی گرفته شود و با رضایت طرفین، ماهیانه مبلغی (از سود حاصل از کار کردن با آن پول) به صاحب پول پرداخت شود اشکال دارد یا نه؟

جواب: اگر بدون پیش شرط بوده و هدیه داده شود جایز است، والا باید مضاربه‌ای و نسبت درصدی از سود برای صاحب پول معین شود، بله، اگر این ماهیانه علی الحساب باشد، یا بعد از کار و حصول ربح بر مبلغی مصالحه نمایند اشکال ندارد.

۲۹: فردی بطور آزمایشی و موقت در مکانی مشغول به کار شده است که قرار است در هنگام پرداخت، حقوق را بر اساس ساعات کار حساب کنند، با این وصف ساعات تلفن شخصی، ناهار، نماز، و هر لحظه‌ای بدون کار مستقیم و مرتبط را چگونه انسان باید محسوب دارد؟

جواب: حسب اتفاق در عقد است، و لو به ارتکاز طرفین.

۳۰: چند درصد نزول حلال است؟

جواب: هیچ درصد، زیرا نزول، یعنی: ربا و ربا حرام است مطلقاً.

۳۱: آیا معلم دینی و قرآن و نماز مدرسه می‌تواند از مدرسه بابت تدریس نماز و مسائل شرعی و دینی بچه‌ها حقوق دریافت کند؟

جواب: بلی می‌تواند، بنابر اقرب.

۳۲: همسرم بدون اجازهٔ اینجانب از پولی که در منزل بوده برداشته و با آن برای خودش قبر خریده است ایشان نه منبع در آمد شخصی داشته و نه اینکه ارثی به وی رسیده و کسی به وی کمک نقدی یا غیر نقدی ننموده و من هم به عنوان شوهر ایشان راضی به این عمل نیستم، از نظر شرعی عمل ایشان جایز است یا خیر؟

جواب: فعل مسلمان حمل بر صحت می‌شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد، و چنانچه خلاف آن ثابت شود، یعنی: در فرض سؤال ثابت شود که از مال شوهر بوده، معامله چنانچه شخصیه بوده باطل است مگر این که شوهر رضایت دهد.

۳۳: اگر جنسی در یک شهر یک تومان و در شهر دیگر ده تومان باشد، آیا می‌توان از شهر اول که قیمت آن جنس یک تومان است خریداری کرده و در شهر دیگر به قیمت ده تومان بفروشد؟

جواب: آری می‌تواند، البته در صورتی که آن جنس از محرمات نباشد.

۳۴: اگر در محلّی مشغول به کار باشم و در مدت اشتغال خود که ۴ ماه است هیچ گونه حقوقی بابت حق‌الزحمه دریافت نکرده باشم و معلوم نیست پرداخت شود، آیا می‌توان بابت کاری که به من محول شده از شرکت طرف مقابل مبلغی را بابت حق دلالی دریافت کنم؟

جواب: در صورتی که کار در آن محل با اتفاق باشد، و یأس از دریافت حق خود حاصل است، می‌شود در فرض مذکور حق را به عنوان مقاصه با اذن حاکم شرع دریافت نماید.

۳۵: در یکی از کشورهای خارجی، مغازه‌ای هست که کتاب‌های دست دوم را از دانش آموزان و دانشجویان خریداری می‌کند و به او برگه‌ای می‌دهند که مثل قرعه، ممکن است برندهٔ جایزه‌ای شود، آیا استفاده از آن جایزه اشکال دارد؟

جواب: خیر، اشکالی ندارد.

۳۶: چه معامله‌ای ربوی است؟

جواب: سود بر قرض و هم چنین اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادتر از همان جنس بفروشد، اگر چه یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب و یا یکی خوب و دیگری بد باشد یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشد، ربا و حرام است.

۳۷: اگر کسی باغ یا ملک خود را بفروشد و در بانک‌های دولتی به عنوان سپرده بگذارد و سود آن را بگیرد ربا است یا خیر؟

جواب: باید خمس آن سود فوراً داده شود و بعد در مابقی تصرف نمایند.

۳۸: کاشتن تریاک و خرید و فروش و جمع آوری آن و کار کردن و مزد گرفتن برای آن شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: خرید، فروش، کشت، جمع آوری، کار کردن و مزد گرفتن برای آنچه که موجب فساد و افساد جامعه می‌باشد، حرام است.

۳۹: منزلی را سه سال قبل از فرزندم خریدم و پول آن را نیز پرداخت نمودم، لکن سند را بنام اینجانب ننمود و گفت من و شما نداریم، حال که منزل فوق چند برابر شده است، فرزندم حاضر نیست آن را به نام من نماید، آیا شرعاً این منزل متعلّق به بنده می‌باشد؟

جواب: در فرض سؤال، خانه متعلّق به شما است.

۴۰: دنبلان گوسفند، ماهی بی پولک، خرچنگ و مانند آن را اگر به‌غیر مسلمان بفروشیم، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه به کفار و صاحب مذهبی که حلال می‌داند بفروشند، اشکال ندارد.

۴۱: شخصی زمین یا خانه‌ای را به مشتری فروخته است و اظهار داشته که هر وقت پول زمین یا خانه‌ای راکه به تو فروختم پیداکرده و آوردم زمین یا خانه مال خودم باشد. مشتری قبول کرده، امّا بعد از چند سال دو برابر مبلغ معین شده را آورده ولی مشتری قبول نکرده یا خود مشتری از دنیا رفته و وارث قبول ندارند، حکم آن چیست؟

جواب: بیع اول صحیح است و طبق شرط اگر بایع پول را آورد حق فسخ دارد.

۴۲: استعمال هر گونه مواد مخدر شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: آنچه موجب افساد و فساد باشد حرام است مطلقا.

۴۳: آیا خرید و فروش تریاک و امثالهم اشکال دارد؟

جواب: خرید و فروش تریاک و مانند آن که موجب فساد و افساد جامعه می‌شود حرام است.

۴۴: آیا پرداخت جریمهٔ دیرکرد وام‌های بانکی ربا محسوب می‌شود و شرعاً وصول جریمه جایز است؟

جواب: دیر کرد جایز نیست و ربا حساب می‌شود.

۴۵: جریمهٔ دیرکردی که سازمان‌های آب، برق، گاز، دارایی، شهرداری و غیره از مشترکین وصول می‌نمایند، چه حکمی دارد؟

جواب: از جواب قبل معلوم می‌شود.

۴۶: جنسی را به نقد می‌فروشیم که مشتری بعد از ۲۰ روز (مثلاً) برای ما چک بیاورد ولی چک شش ماهه می‌آورد و می‌داند که ما روی جنس، معاملهٔ نسیه انجام می‌دهیم، یعنی طبق معمول و مرسوم بازار قیمت آن را از روی شش ماه حساب می‌کنیم و مشتری نیز می‌داند و راضی می‌باشد، آیا این معامله صحیح است؟

جواب: در فرض سؤال، با فسخ طرفین معاملهٔ نقد و تجدید یک معامله نسیه معامله صحیح است.

۴۷: سود حاصل از معاملهٔ پول که ابتدا صاحبان پول، زمین طرف را به عنوان گرو و رهن تحت قباله درمی‌آورند و بعد زمین مورد نظر را به مالکش اجاره می‌دهند و بعد اجارهٔ مورد توافق به پول نقد سنجیده و به عهدهٔ طرف

قرار می‌گیرد، آیا چنین معامله‌ای جایز است یا نه؟

جواب: معاملهٔ یاد شده به عنوان اجاره صحیح نیست، ولی مصالحه بر آن حق جائز است.

۴۸: دوستی دارم که ایشان ۱۰ رستوران دارد که ضمن غذاها و نوشیدنی‌ها مشروبات الکلی نیز می‌فروشد، البته من در آمریکا زندگی می‌کنم و ۹۰ درصد مشتری‌های من آمریکایی و مسیحی هستند و دوستم لبنانی و در لبنان است. سؤال بنده این است که آیا یک مسلمان شیعه می‌تواند در این راه کسب نماید؟ و آیا می‌تواند پول درآمد از این کار را در امور خیریه صرف کند؟

جواب: فروش خمر و خنزیر مطلقا حرام است و تصدی شرکتی که این دو حرام را می‌فروشد جائز نیست، ولی چنانچه در آن سهم قلیل داشته یا کارمند آن شرکت شود و خودش حرام نفروشد اشکال ندارد، اما فروش محرمات دیگر به مستحلین آن مانعی ندارد.

۴۹: رستورانی در کنار گوشت‌های موجود از گوشت خوک هم استفاده می‌کند، اگر برای این رستوران کاغذهای تبلیغاتی پخش کنیم و پول بگیریم اشکالی دارد یا خیر؟

جواب: اگر بر این کار عنوان محرم دیگری مترتب نشود اشکال ندارد.

۵۰: شخصی برای امرار معاش مجبور است که در فروشگاهی کار کند که هم گوشت خوک و انواع گوشت غیر مذکی می‌فروشد و هم انواع و اقسام مشروبات الکلی، با توجه به اینکه می‌تواند مدتی صبر کند و کار بهتری پیدا

کند، آیا این فرد می‌تواند به کار خویش در این فروشگاه ادامه دهد یا خیر؟ اگر اضطرار حاصل شد چطور؟

جواب: اگر کار او در قسمت خرید و فروش مشروبات و محرمات دیگر نباشد، اشکالی ندارد.

شراکت

۱: شخصی زمین و اموال و دارائی خود را با فرزند صغیرش بالسویه تقسیم نموده و به صورت شراکتی بدست خود گرفته و نگهداری و معامله می‌کند و اظهار می‌نماید که فرزندم فلانی در تمام مایملک من بصورت مساوی شریک من است، آیا چنین معامله‌ای که فرزند صغیرش را در تمام مایملک خود مالک و شریک مساوی قرار دهد و از طرف فرزند صغیرش ولایتاً قبول کند، صحیح است؟

جواب: بله صحیح است، و فرزند در فرض سؤال شریک خواهد بود.

۲: بر فرض صحت معامله و مالکیت صغیر، بعد ازچند سال و قبل ازکبیر شدن صغیر، شخص فوت کرد و صغیرش باقی ماند و عند الاحتضار ایضاً تصریح کرده است که صغیر نامبرده مالک نصف اموال من است، و امّا وصی متوجّه نگردیده و تمام مال شراکتی را به خیال اینکه مال میّت است به وارثین کبیر که تحت تکفّل میّت نبوده تقسیم کرده و بعد که متوجه شده مالی نمانده بود، آیا وصی ضامن است و باید اموال این صغیر را برگرداند یا

وارثین کبیر ضامن هستند؟

جواب: حال که وصی متوجّه شده است، باید برای استرداد نصف اموال اقدام کند و وارثین هم باید فوراً رفع ید نموده و به او واگذار نمایند و چنانچه منافعی در بین بوده با او تصالح نمایند.

۳: بر فرض ضمانت حق و سهم صغیر، اجناس قبل از سی سال با اجناس فعلی فرق قیمت دارد، مثلاً گاو قبل از سی سال بیست هزار تومان بوده و حالا دویست هزار تومان است، اکنون با چه قیمتی وصی و وارثین بریء الذمه می‌شوند؟

جواب: اگر عین متملکات موجود باشد و قابل تقسیم، همان‌ها را واگذار نمایند و الاّ باید قیمت واقعی آنها را به آن صغیر (که فعلاً کبیر شده) بدهند و نسبت به تفاوت قیمت مصالحه نمایند.

۴: چند نفر زمینی مشاع داشتند که یکی از مشترکین در اثر احیای زمین و نگاه داری آن آسیب بدنی یا مالی می‌بیند، آیا حق غرامت از مشترکین را دارد یا خیر؟

جواب: اگر بین مشترکین قراردادی نباشد، حق مطالبه غرامت از دیگر مشترکین را ندارد.

۵: شخصی خانه خود را قبل از هشت سال فروخته، حال که خانه و منزل ترقی کرده است می‌گوید منزلی که آن وقت فروختم مشترک بوده و باید شریکم را راضی نمائی، حکم این مسأله چیست؟

جواب: چنانچه ثابت شود (شرعاً) که وقت بیع خانه، بایع شریک داشته، بیع نسبت به حصّهٔ شریک باطل، و مشتری ضامن شریک است، و اگر شریک راضی به بیع نشود، مشتری ـ در فرض سؤال ـ حق فسخ معامله را دارد.

۶: زمین مرتعی در کنار رودخانه مربوط به یک فامیل بوده و برای چَرای حیوانات مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در زمانی که یکی از شرکاء مرتع در هجرت بسر می‌برده، یکی از شرکای دیگر آن مرتع را به تصرف شخصی درمی‌آورد و با کشیدن جوئی از رودخانه، حریم آن را وسعت می‌دهد و به بهروری مرتع می‌افزاید. مقداری از حومهٔ آن که به صورت بایر بوده بصورت دائر درمی‌آید. تصرّف کنندهٔ مذکور فوت می‌کند و ورّاث متوفّی همانند سایر اموالی که به ارث رسیده، مرتع یاد شده را بین خود تقسیم می‌کنند. شریک غائب از هجرت بازگشته و تصرّف متوفی را عدوانی و زحمات او را غیر مجاز تلقی نموده و خواستار تقسیم بر مبنای فامیلی و یا بازگردان آن زمین بصورت مرتع کما فی السابق است، لطفاً حکم آن را مرقوم فرمائید؟

جواب: اگر شریک مورد سؤال اعراض نکرده باشد، تصرفات دیگر شرکا حرام بوده و ضامن هستند، و مالک اصلی حق مطالبه دارد.

۷: ملکی مشترک میان چند نفر صغیر و کبیر می‌باشد. کبار تمامی این ملک را می‌فروشند در حالی که ولی یا وکیل یا قیّم صغار نیستند، آیا معامله صحیح است و نسبت به سهم صغار هم نافذ است؟

جواب: معامله موقوف است بر رضایت ولی یا قیم صغار با ملاحظهٔ مصلحت

صغار.

۸: شخصی ۴ ساعت از آب قناتی را مهریهٔ زوجه‌اش قرار داده است، زوجه فوت می‌کند و بعد از فوت زوجه بر اثر خشک‌سالی در حریم قنات که مهریهٔ زوجه بوده، قنات جدید با توافق شرکای قنات قدیم احداث شده است، مشروط بر اینکه هرکس از قنات قدیم سهم دارد به همان نسبت از قنات تازهٔ احداث شده سهم داشته باشد. حال شوهر مرحومه مدعی است که فرزندان خانم فوت شده از قنات جدید سهمی نمی‌برند با این که قنات جدید تابع قنات قدیم است، حکم آن چیست؟

جواب: در فرض سؤال، همان حق منتقل به قنات جدید می‌گردد.

۹: چند برادر و خواهر زندگی مشترک و جمع المال دارند، یعنی خرج و در آمدشان مشترک است. آیا یکی از برادران می‌تواند بدون رضایت دیگران زمین یا مغازه را بنام خود خریداری نموده و مالک شود؟

جواب: در فرض سؤال، از مال مشترک نمی‌تواند.

شرکت‌ها

۱: نحوه عمل در بعضی از شرکت‌های سرمایه گذاری بدین شکل است که پول را در اختیار افرادی قرار می‌دهند که در تهیه وسایط نقلیه و یا مسکن و ... نیازمند می‌باشند و در ازای آن تعدادی چک دریافت می‌کنند که مجموع مبلغ کل چک‌ها برابر است با کل پول قرض داده شده به اضافهٔ ۳ تا ۳/۵٪ سود، این معامله در فقه اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: این قرض ربوی و حرام است، بله اگر شرکت خود اقدام به خرید وسیله نقلیه یا مسکن مورد نظر نموده و به قیمت بیشتر در اختیار متقاضی قرار دهد، جائز می‌باشد، و هم چنین است اگر این امر را در دو معامله انجام دهند.

۲: اگر شخصی به عنوان مأمور خرید یک شرکت خصوصی کارهای خرید شرکت را انجام دهد و فروشنده مثلاً بگوید این جنس را با سود ده درصد می‌فروشم، و او فروشنده را راضی کند پنج درصد روی جنس بکشد، آیا مأمور از لحاظ شرعی مجاز است این پنج درصد را از آن خود

بداند؟ (البته فاکتور ارائه شده به شرکت بدون احتساب تخفیف و با سود ده درصد می‌باشد.)

جواب: در فرض سؤال ـ که مأمور وکیل شرکت است در خرید ـ جائز نیست.

۳: شرکتی به دو روش اجناس خود را به فروش می‌رساند:

الف ـ هر شخصی می‌تواند به اختیار هر نوع جنس یا کالای مورد نظر را انتخاب نماید و پس از پرداخت وجه، کالای مذکور را از طریق پست و یا حضورا دریافت نماید.

ب ـ اشخاصی که با شرکت (یا شعب آن) قرارداد منعقد کرده و به عنوان بازاریاب مشتری معرفی نمایند، شرکت درصدی از سود فروش اجناس را برای بازاریاب‌ها در نظر می‌گیرد که این درصد می‌تواند نقدی و یا به صورت کالا در اختیار بازاریاب‌ها قرار گیرد.

شرکت برای مشتریان و یا بازاریاب‌ها حق انصراف و عودت یا تعویض کالا (در صورت اشکال داشتن) قائل شده است، حال آیا خرید و فروش محصولات شرکت از طریق ذکر شده و پرداخت کمیسیون به بازاریاب‌ها شرعا جایز است یا خیر؟

جواب: خرید و فروش و پرداخت کمیسیون در فرض سؤال ـ چنانچه در معامله با این شرکت‌ها، غبن یا غش و نحوهما نباشد ـ اشکال ندارد.

۴: تجارت سهام شرکت‌های خارجی اگر بدانیم که تولید یا خدمات آنها به لحاظ ماهوی حرام نیست، چه حکمی دارد؟

جواب: تجارت سهام این نوع شرکت‌ها ـ اگر عنوان حرامی منطبق بر آن نباشد ـ جایز است.

شُفعه

۱: مدت شفعه چقدر است؟ آیا یک روز یا یک ماه یا یک سال می‌باشد؟

جواب: حق شفعه فوری است و نباید بدون عذر به تأخیر بیندازند.

۲: دو برادر مقدار ده جریب دفتری موروثی پدری مشترک دارند، اگر یک برادر غایب باشد و برادر دیگر پنج جریب را به نام حصّهٔ خود در بیع قطعی فروخته باشد، آیا حصّهٔ فروخته شده صحیح است یا خیر؟

جواب: اگر برادری که غایب بوده راضی باشد بیع صحیح است، و الا حق شُفعه دارد.

۳: اگر برادری که غایب بوده بیاید و ادعای شفعه نکند، و بعد از مدتی به تحریک بعضی ادعای شفعه کند، آیا چنین حقی دارد؟

جواب: اگر قبل از رضایت به بیع ادعای شفعه کند، حق دارد.

۴: اگر در حضور چند نفر اقرار کرده که من نه پول دارم و نه ادعای

شفعه، آیا حق دارد به تحریک بعضی مجدداً ادعای شفعه نماید؟

جواب: اگر بعد از بیع اسقاط حق شفعه کرده باشد، دیگر حق اخذ به شفعه را ندارد.

مضاربه

۱: قراردادی بین دو نفر به عنوان مضاربه بسته شده و حساب سود و زیان آن منوط به اختتام مدت قرارداد بوده ولی سود علی‌الحساب معامله در هنگام نوشتن قرارداد از طرف کسی که پول را می‌گیرد به صورت چک پرداخت شده است. اکنون شخصی که پول را می‌گیرد ورشکسته و زندانی شده و معلوم می‌شود که قراردادها کاملاً صوری و جنسی در کار نبوده، با این علم که سود علی‌الحساب پرداخت شده بابت پول دریافتی از درصد بانکی بسیار بیشتر است. آیا کسی که چک‌ها را در اختیار دارد می‌تواند ادعای طلب آنها را داشته باشد با این فرض که در قرارداد حساب سود و زیان قید شده است و این شخص فقط ادعای سود را داشته باشد؛ و همچنین حکم کمک به شخص ورشکسته چیست؟

جواب: اگر این معامله صوری بوده معامله باطل است و شخص مذکور نمی‌تواند مطالبه سود را بکند، اگر چه می‌تواند رأس‌المال خود را مطالبه کند، و کمک به افراد ورشکسته خوب است.

۲: اگر بین دو نفر معامله‌ای به عنوان مضاربه صورت پذیرد ولی بعداً معلوم شود که این معامله صوری و جنسی در کار نبوده و قصد کسی که پول را می‌دهد گرفتن نزول و بهره باشد و قصد کسی که پول را می‌گیرد دادن نزول جهت پرداخت شدن چک‌هایش به علت ورشکستگی باشد و اکنون مشخص شده که بهره‌ای که نصیب صاحب پول شده چندین برابر بهره بانکی می‌باشد:

الف ـ تکلیف شرعی این معامله چیست؟

ب ـ این معامله واسطه‌ای داشته که خود، شریک صاحب پول بوده و تمام چک‌ها در وجه او صادر و ضامن پرداخت چک‌ها می‌باشد و اکنون از پرداخت چک‌ها خودداری می‌کند، حکم شرعی این ضامن چیست؟

ج ـ اگر برای کمک به شخص ورشکسته شخص دیگری این مبلغ را پرداخت نماید، حکم شرعی او با توجه به معامله ربوی چیست؟

جواب: الف ـ این قضیه نیاز به ترافع نزد حاکم شرع دارد که همه اطراف نزاع حاضر شوند و حکم بین آنان صادر گردد ولی در هر حال معامله صوری و خالی از واقعیت باطل است و به جهت ربوی بودنش حرام نیز می‌باشد، لذا بنابر فرض سؤال، خریدار فقط اصل پول خود را حق دارد، و زائد بر آن را باید به فروشنده مسترد نماید.

ب ـ بر ضامن است که اصل پول را به صاحب پول بدهد و زائد را به گیرنده پول برگرداند.

ج ـ آن شخص نباید بیش از اصل پول، مبلغ اضافی بدهد.

صلح

۱: شخصی که چهار دختر و دو پسر دارد، در حال مرض موت به عنوان مصالحه شخصی را نائب خود می‌گیرد و هر چه دارایی دارد در ضمن صد تومان وجه نقد و یک کیلو نبات به وی مصالحه می‌کند که در ضمن بعد از فوتش به قرار مرقوم عمل نماید: مخارج تعزیه وی را بدهد و به دخترها مقداری وجه نقد داده و بقیه ملک و املاک را به دو پسر بدهد. بعد از فوت وی سه دختر کبیره راضی نشده‌اند و مقداری اضافه از قرارداد مصالحه گرفته‌اند، و یک دختر دیگر که صغیره بوده نگرفته و حال که کبیره شده مدعی است که این مصالحه را قبول ندارم و می‌خواهد اضافه از قرارداد مصالحه بگیرد، آیا چنین حقی را دارد؟

جواب: در فرض سؤال، اگر مصالحه تحقق پیدا کرده صحیح است، و ورثه حقی دیگر ندارند.

۲: پس از فوت پدرم، ثُمن (یک هشتم) مادرم به برادرم مصالحه شد و رسماً ثبت گردید، پس از یکی دو سال نظر مادرم تغییر یافت و تصمیم

گرفت که به دیگری واگذارد لذا شفاهاً به خواهرم صلح کرد، شرط مادرم این بود که تا زنده است از منافع ثمن خودش استفاده کند که تا بیست سال زنده بود و استفاده می‌کرد؛ چون برادرم (متصالح اول) عملاً دیناری نپرداخته بود، و به جهت زنده بودن مادرم ملک به متصالح تحویل داده نشده بود. به هر حال، خواهرم (متصالح دوم) با فوت مادرم، مبلغ تعیین شده را پرداخت و هزینه‌ها را انجام داد، و ثمن را به من فروخت. متصالح اول هم تا چهار سال پیش نه پولی داد، نه ادعایی کرد و نه سخنی گفت؛ آیا شرعاً من متصالح به حساب می‌آیم، و اگر نیایم، آیا در آمد بیست ساله مرا که مادرم خودش گرفته است را هم باید بپردازیم؟

جواب: عقد صلح را نمی‌توان فسخ نمود مگر به رضایت طرفین، و یا اینکه متصالح معه به شروطی که درصلح شده است عمل ننماید، بنابراین اگر متصالح اول تخلّف از شرط کرده باشد ـ که ظاهر سؤال است ـ تصالح دوم صحیح است، و اوّلی حق مطالبه ندارد.

اجاره

۱: شخصی به مدت ۱۴ سال در مدرسه و کتابفروشی کار می‌کرده و در ازای آن کار، حقوق ماهیانه دریافت می‌کرده، ولی حقوق او را قطع کردند و وی در مقابل با سرمایه‌ای که متعلق به مدرسه بوده به مدت ۵ سال در کتابفروشی به کار خود ادامه داده و بعد از آن تاریخ قرارداد اجاره نوشته شده و اجاره هم پرداخت می‌نمود. آیا مضافا بر حقوقی که در مدت اشتغال در مدرسه و کتابفروشی می‌گرفته، حقی شرعاً یا عرفاً به او تعلق می‌گیرد؟ ضمناً از سرمایه مدرسه که در دستش بوده هرچه سود برده به مدرسه نداده و اصل سرمایه را نیز مسترد ننموده است، تکلیف وی چیست؟

جواب: اجیر آنچه را طبق عقد اجاره ـ و لو عقد معاطاتی ـ انجام داده صحیح است و غیر آن صحیح نیست، و حقی جز آنچه ضمن عقد بوده به او تعلق نمی گیرد.

۲: اجاره دادن زمین زراعتی به افرادی که مجهول الحال هستند و ممکن است از آن برای کشت خشخاش استفاده نمایند، چه حکمی

دارد؟

جواب: در فرض سؤال، اجاره دادن زمین اگر به قصد کشت خشخاش باشد حرام است، و صاحب زمین مالک مال الاجاره نمی باشد، والا اشکال ندارد.

۳: اگر کسی در اداره‌ای با وقت مشخّصی کارمند باشد و در آن وقت ارباب رجوع دارد که باید پاسخگوی آنها باشد، حال چنانچه در همان وقت در جای دیگری مشغول باشد و از آنجا نیز حقوق دریافت دارد، و گاهی به این اداره و گاهی به آن سر بزند، آیا این کار حرمت تکلیفی و حرمت وضعی بر آن مترتب نیست؟

جواب: چنانچه متعلق اجاره وقت معین باشد، نمی توان در یک وقت دو جا اجیر شد و اجارهٔ دوّم باطل است، ولی اگر متعلق اجاره ـ و لو به ارتکاز ـ کار در آن وقت باشد و به همان عمل نماید، مانعی ندارد نه وضعاً و نه تکلیفاً.

جُعاله

۱:آیا جعاله از معاملات مجاز است شرعاً یا خیر؟

جواب: بلی، جعاله یکی از معاملاتی است که شرعاً مجاز بوده و بر آن قرآن مجید و روایات شریفه دلالت دارد:

الف ـ قرآن مجید به حکایت از مأمور حضرت یوسف علیه السلام در قصه گم شدن پیمانه طلا می‌فرماید: «هر که آن را (پیمانه گم شده را) پیدا کرده و بیاورد، یک بار شتر (گندم) به او داده می‌شود» (یوسف/۷۲). و نیز آیهٔ کریمهٔ ﴿**تجارة عن تراض منکم**﴾ تجارتی که با رضایت شما انجام گیرد (نساء/۲۹). و هم چنین آیهٔ مبارکهٔ: ﴿**اوفوا بالعقود**﴾ به قرار داد و پیمان‌های خود وفا کنید (مائده/۱). صحت معامله جعاله را می‌رساند.

ب ـ روایت شریفه می‌گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال شد: شخصی که دارو برای دیگران ترکیب و ترتیب می‌دهد، یا فردی که از دیگری بخواهد منزلی که در آن هست جهت سکونت در آن تحویل وی بدهد، آیا جایز است جعاله‌ای بر آن مقرّر نماید؟

امام باقر علیه السلام فرمودند: آری، اشکال ندارد.

و از امام صادق‌علیه‌السلام نیز سؤال شد: گاهی به فردی می‌گوییم برای ما زمین یا منزلی و یا غلام و کنیزی تهیه کن و آن گاه جعاله‌ای برای او مقرّر می‌نماییم، آیا این جعاله جایز است؟ امام صادق‌علیه‌السلام فرمودند: بلی، اشکالی ندارد. بنابراین جعاله جایز و از معاملات شرعی می‌باشد.

۲: به عرض می‌رساند با نمایندگی فروش فرش بصورت شفاهی مقرر شد به ازای بازاریابی و فروش هر فرش مبلغ ۴۰۰۰ تومان به عنوان جعاله دریافت کنم و ۲۱ تخته فرش با چک تضمینی تحویل گرفته و مشغول به کار شدم ولی بعد از فروش فرش‌ها تقاضای آن مبلغ را نمودم که از پرداختن آن امتناع شد و بعد از تسویه حساب متوجه شدم یک تخته فرش ۶۵۰۰۰ تومانی از حساب افتاده است که از این فرصت برای گرفتن حق خود بدون آگاهی نمایندگی استفاده کردم، ضمنا اگر آنان را متوجه می‌ساختم چون چک دست آنها داشتم باز حقم پرداخت نمی‌شد، مورد امتنان است حکم شرعی این عمل را بیان فرمائید؟

جواب: در فرض سؤال، به اندازهٔ حق خود می‌توانید با اجازهٔ حاکم شرع تقاص نمائید، ولی زائد بر آن را باید به آنان ارجاع نمائید، والله العالم.

وکالت

۱: چند نفر مالک زمین در ایام مهاجرت یک نفر را وکیل گرفتند که زمین‌ها را اجاره بدهد؛ وکیل زمین را اجاره داده است و چند سال بعد موکل بدون اجازهٔ وکیل، اجارهٔ زمین را گرفته و تصرف کرده است، آیا این کار جایزاست یا نه؟

جواب: در فرض سؤال، موکل می‌تواند بدون اجازهٔ وکیل خود در مال الاجاره تصرف کند.

۲: اجارهٔ زمین مشترکی را یکی از صاحبان زمین از مستأجر گرفته و مصرف کرده است بدون آن که از وکیل اجازه بگیرد، آیا تصرف در مال مشترک جایز است؟ و آیا وکیل حق اجرت المثل دارد؟

جواب: شریک نمی‌تواند بدون اجازهٔ شرکا در مال‌الشرکه تصرف کند، ولی وکیل می‌تواند مطالبهٔ اجرت کند، چنانچه ابتداءً قصد مجانیت نکرده باشد.

۳: صاحب املاکی، شخصی را وکیل می‌گیرد تا در امور املاکش رسیدگی نماید، یعنی در سرپرستی و حفظ آن بکوشد. وکیل قسمتی از املاک موکّل

را به فروش می‌رساند و ثمن دریافتی را به موکّل پرداخت نمی‌کند، آیا معاملهٔ مفروض شرعاً تحقق یافته و مثمن در تملک مشتری و ثمن در تملک بایع قرار می‌گیرد؟ و آیا اعتراض موکّل مغبون اثری خواهد داشت؟

جواب: در فرض سؤال، وکیل حق فروش نداشته، لذا معامله شرعاً باطل است و نقل و انتقال ثمن و مثمن صحیح نبوده، و باید به حالت اول برگردد، یعنی: ثمن به صاحب ثمن و مثمن به صاحب آن، مگر این که موکل (صاحب املاک) معامله را اجازه بدهد.

۴: آیا بین وکالت و إذن تفاوتی وجود دارد؟

جواب: بلی، إذن، ایقاع است و وکالت عقد می‌باشد، واللّه العالم.

هبــه

۱: شخصی قطعه زمینی را به فرزندش هبه می‌کند، تا آن را به عنوان ما فی القباله (مهر غائب) عروسش قرار دهد، پس از مدت کوتاهی فیما بین پدر و پسر اختلاف پیش می‌آید و از آن هبه که هنوز تسلیم نشده اعراض می‌کند، شوهر آن زن به جهت اعراض پدرش از دادن زمین، مبلغی که معادل قیمت آن بوده به عنوان ما فی القباله قرار می‌دهد و به ثبت قانونی می‌رساند، حال پس از فوت مالک اصلی زمین آیا آن زن می‌تواند ادعا کند که زمین مذکور ما فی القباله‌اش می‌باشد، و چه کسی ضامن است که زمین را به آن زن بدهد؟

جواب: در فرض سؤال، اگر پدر عین موهوبه را به قبض پسر رسانده باشد، دیگر یک طرفه حق ندارد هبه را به هم بزند، و چنانچه زمین را مالک آن به عنوان مهر غایب در عقد نکاح قرار داده است ملک زوجه می‌باشد و بدون رضایت او تصرف در آن جایز نیست؛ و اگر زوجه مبلغی را عوض آن زمین قبول کرده است، دیگر نمی‌تواند مطالبه زمین کند.

۲: شخصی در حال حیات نصف اموال و املاک خویش را به نوهٔ صغیر

پسری‌اش بخشیده است، حال نوهٔ دختریش مدعی شده است که آن وصیت صحیح نیست چون قبض نشده است و به مادرش که دختر صاحب اموال مافوق بوده است می‌رسد، تکلیف چیست؟

جواب: در فرض سؤال قبض (پدرِ پدر) قبض موهوب له است چون صغیر است، و در دست (جد) بودن، خود قبض است.

۳: برادری در حین وضع حمل خواهر تقاضا می‌نماید که حق الارث پدری خود را برایم هبه نمائید، به لحاظ برادری هبه می‌کند بعد وصیت می‌کند که حق الارث پدر را از برادرم بگیرید و در حین وضع حمل فوت می‌نماید، آیا این هبه درست است یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، اگر هبه به قبض برادر رسیده باشد صحیح است، و خواهر حق رجوع ندارد، و وصیت بعدی صحیح نیست، اما اگر به قبض نرسیده باشد، وصیت بعدی صحیح خواهد بود.

۴: شخصی زمین و مایملک خود را برای داماد و دخترش هبه کرده است و قبض و اقباض صورت گرفته و مدت چند سال متصرف بوده است، بعد از مدت زمانی برای پسر برادرش هبه نموده و بعد از مدت زمانی دیگر برای پسر خواهرش هبه کرده و بعد از زمانی دیگر برای داماد دیگر و دختر دیگرش هبه کرده است، زمین و مایملک مذکور چهار مرتبه هبه شده، و حال زمین و مایملک در دست موهوب له سوم است، در صورتی که هبه به سوم صحیح نباشد شخصی که هبه برای او صحیح بوده می‌تواند اجاره زمین و استرداد ما یملک را بنماید؟

جواب: در فرض سؤال، که موهوب له اول قبض و تصرف در موهوب نموده، واهب، حق هبه کردن عین موهوبه را به دیگری ندارد و عین موهوبه متعلق به موهوب له اول (داماد و دختر) است، و آنان می‌توانند از سومی طلب اجاره کنند و زمین و مایملک را مسترد نمایند.

۵: اینجانب منزلی را که زمین آن موقوفه است به همسرم هبه کردم و قبض انجام گرفت، حال امکان فسخ این هبه وجود دارد یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، این هبه قابل فسخ نیست مگر این که خود زوجه مجدداً بخواهد آن را به شوهر هبه کند.

۶: شخصی بی وصیت از دنیا رفته و یک پسر و پنج دختر داشته است. وقتی که خبر فوت او را به فرزندانش دادند در همان موقع شخصی به یکی از دختران مرحوم گفته که به شما یک مقدار از اموال پدرت ارث می‌رسد و آن را به برادرت ببخش، او هم گفته بخشیدم، بعداً فهمیده که از زمین نیز ارث می‌برده لذا پشیمان شده و گفته نمی‌بخشم و راضی نیستم، لطفاً بفرمایید که این دختر حق دارد که از زمین مذکور ارث ببرد و آیا مستطیع شده و حج به گردن این دختر می‌آید یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، چنانچه خواهر تمام ارث حتی زمین را به برادر بخشیده و برادر هم قبض کرده، هبه صحیح است و پشیمانی اثری ندارد، و اگر زمین را هبه نکرده باشد به جهت این که آن را مدّ نظر نداشته، زمین مال خود خواهر است، و در صورت بطلان هبه چه در تمامی ارث چنانچه به قبض برادر نرسیده باشد، یا فقط در زمین اگر زمین منظور در هبه نبوده است، اگر سهم ارث

او به اندازهٔ مخارج حج باشد، استطاعت حاصل می‌شود و الا خیر.

۷: شخصی املاک خود را بین فرزندان خود تقسیم و هبه کرده است و برادر بزرگتر از طرف برادران کوچک مال موهوب را تحویل گرفته و قبض نموده است؛ پس از مدتی پدر بدون اطلاع فرزندان اموال را بفروش می‌رساند، آیا این بیع صحیح می‌باشد؟

جواب: اگر دیگر برادران، این برادر را وکیل در قبض کرده‌اند، هبه صحیح بوده و پدر ـ در فرض سؤال ـ بیعش صحیح نیست، و الا فقط به قدر حصه فرزند بزرگ بیع باطل است.

۸: شخصی در کمال عقل و سلامت در دوران حیات، تمام مایملک خود را به نام همسرش نموده تا فرزندانش بعد از فوت او مادر را تنها نگذاشته و پراکنده نشوند، آیا این عمل جائز می‌باشد یا خیر؟

جواب: جایز است، لکن احتیاج به هبهٔ شوهر و قبض همسر دارد تا ملک همسر شود، ولی این کار مکروه است.

۹: شخصی بنام زید همهٔ ما یملک خود را در زندگی خود به پسرانش هبه نمود و بعد از مدتی از دنیا رفت. پس از فوت زید دختران او نزد قاضی تحکیم رفته دعوای ارث پدر کردند که ارثی به آنها تعلق نگرفت، مجدداً نزد قاضی تحکیم دیگری به همین عنوان دعوایی دائر نمودند (و ارث پدر می‌خواستند). این دفعه قاضی تحکیم ترحُّماً مقدار کمی از املاک را به دختران واهب داد که دختران واهب خوشحال و بر هبه هم راضی شدند، پس از رفتن دختران زید از دنیا، فرزندان آنها از فرزندان واهب تقاضای ارث می‌کنند. پسران واهب، قاضی تحکیم را از فیصله دادن و حاضر شدن در

محضر شرع منع می‌کنند ولی با زور و بطور جبر قاضی تحکیم به وارثان دختر زید مقداری زمین می‌دهد، در حالی که خود این قاضی قائل به صحت هبهٔ زید می‌باشد، حال دعوای ارث وارثان دختران زید از نظر شرع مقدس چگونه است؟

جواب: در فرض سؤال، چنانچه پسران زید در زمان حیات زید اموال هبه شده را قبض کرده باشند، آنان مالک می‌شوند، بنابراین از نظر شرع مقدس وارثان دختران زید نسبت به آن مقدار کمی از املاک که پسران زید به دختران واهب دادند، در صورتی که پسران زید از آن مقدار کم صرف نظر نموده و به عنوان هدیه به دختران زید داده باشند، حق ادعای آن را دارند، و الاّ خیر.

۱۰: شخصی در زمان حیات خود، زمین خود را پنج حصه کرده و به پنج پسر برادر خود داده است تا در عوض هر حصه دو سال روزه و نماز بعد از فوت او برایش بخوانند، اما او دو نوهٔ دختری دارد یکی پسر و دیگری دختر که برای نوهٔ پسر یک قطعه زمین قرار داده و نوهٔ دختر را محروم کرده است، آیا این وصیت صحیح است؟

جواب: در هبه چه معوضه باشد یا غیر آن، قبض شرط است، پس اگر در حال حیات به قبض آنان رسیده باشد هبه صحیح است و الا به وصیت برمی‌گردد و وصیت هم تا ثلث نافذ است و مابقی بین دو نوه دختری او ـ چنانچه وارث دیگری نباشد ـ به پسر دو برابر دختر تقسیم می‌شود.

۱۱: شخصی در زمان حیات دو میلیون تومان پول نقد بدست همسرش داده و به او گفته است اگر من مرحوم شدم پولی که در دست داری مال خودت و خرج خانه کن، حال زنش می‌گوید این برای من حرام است و برای شوهرم

خرج نمایند، این ادعا صحیح است؟

جواب: اگر شوهر این پول را به همسرش بخشیده باشد مال خود همسر است و با رضایت او می‌توان این مقدار را خرج شوهر کرد.

صدقه

۱: آیا دلیلی بر استحباب صدقه هست یا خیر؟

جواب: ادله بر استحباب صدقه زیاد است، هم از قرآن مجید و هم از روایات شریفه و برای تبرک یک آیه از قرآن مجید و روایتی از امام صادق علیه‌السلام در این زمینه نقل می‌کنیم: قرآن مجید می‌فرماید: «خدای متعال، ربا را نابود می‌کند، و صدقات را افزایش و برکت می‌دهد» (بقره/۲۷۶). و از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است فرمودند: «بهترین جانشین که انسان بعد از خود به جا می‌گذارد سه چیز است:

۱ـ فرزند خیّر و نیکوکاری که برای او طلب آمرزش می‌کند.
۲ـ راه و روش نیکی که سرمشق دیگران بعد از او باشد.
۳ـ صدقه‌ای که بعد از او جریان داشته باشد و مردم از آن بهره‌مند شوند. (وسائل الشیعه: صدقات، باب ۱، ح ۱۰).

۲: آیا صدقه مستحب را می‌توان خرج سادات یا مجالس امام حسین علیه‌السلام کرد؟ اگر سادات هم در آن مجالس باشند باز هم بلا مانع است؟

جواب: مصرف نمودن تمامی صدقات ـ جز زکات مال و زکات فطره غیر سادات ـ در موارد یاد شده بلا مانع است.

۳: آیا ردّ مظالم غیر سید به سیّد و بالعکس می‌رسد، کلاً ردّ مظالم به چه افرادی می‌رسد و آیا ردّ مظالم صدقهٔ واجبه است و پرداخت آن مانند خمس نیاز به اذن مرجع دارد یا خیر؟

جواب: سیّد می‌تواند ردّ مظالم را به غیر سیّد بدهد و بالعکس. و ردّ مظالم صدقه است و با اذن مرجع یا وکیل او به فقیر داده می‌شود.

۴: آیا سید می‌تواند فدیهٔ روزه یا کفاره روزه یا دیگر کفارات ـ مانند کفاره تظلیل حج ـ را به غیر سید، و بالعکس بدهد یا خیر؟

جواب: بلی می‌تواند.

۵: آیا سید می‌تواند زکات فطره یا زکات مال خود را به سید یا غیر سید بدهد؟

جواب: آری می‌تواند، ولی غیر سید نمی تواند به سید بدهد.

قرض و رهن

۱: ده سال پیش پدرم مبلغ یک میلیون پول افغانی جهت زیارت مکّهٔ مکرّمه از شخصی قرض نمود و قرار بود که در همان سال ایشان بیاید و پدرم قرض خویش را در افغانستان ادا نماید، ولی بنا به دلایلی نتوانسته تا این که مدت ده سال گذشت و پدرم نیز فوت نمود.

لازم به تذکر است که در آن سال هر هزار تومان پول ایران هشت هزار افغانی مبادله می‌شده و حدود ده سال بعد پول رایج قبلی افغانستان باطل شده و پول جدید جایگزین آن گردید، که در همان سال یک هزار پول افغانی قدیم برابر با یک پول افغانی جدید مبادله شد، خواهشمند است بفرمائید چه مبلغی را باید به طلب کار پدرم بپردازم؟

جواب: باید معادل مقداری که قرض شده، از پول جدید داده شود، و احتیاط در این است که دو طرف با هم مصالحه نمایند.

۲: شخصی از صندوق قرض الحسنه وام دریافت کرده و به غیر واگذار نموده است. اکنون گیرندهٔ وام از دنیا رفته و طبق قانون صندوق، کسی که از

دنیا رفت بقیهٔ اقساط وام وی دریافت نمی‌شود. شخص ثالث که وام به او واگذار شده به صندوق مراجعه کرده و جریان را نقل نموده که متوفی وام را به او واگذار نموده است ولی متصدی صندوق گفته است ربطی به ما ندارد و ما بقیهٔ وام را نمی‌گیریم.

الف ـ آیا واگذاری وام به غیر اشکال داشته یا خیر؟

ب ـ تکلیف شخص ثالث نسبت به بقیهٔ وام چیست؟

جواب: الف ـ واگذاری وام به غیر تابع قرارداد و شرایط پرداخت وام است، که اگر بلا مانع بوده اشکالی ندارد، و الا «**المؤمنون عند شروطهم**» (تهذیب، ج۷، ص۳۷۱) باید رعایت شود.

ب ـ شخص ثالث در فرض سؤال در مرحلهٔ اوّل به صندوق قرض الحسنه مدیون است و چون صندوق قرض الحسنه دِین را به متوفی بخشیده جزو ترکهٔ متوفی بوده و به عنوان ارث به ورثه‌اش منتقل می‌شود، لهذا وام گیرنده باید کما فی‌السابق در صورت عدم امکان پرداخت یکجای وام، بطور اقساط به ورثهٔ متوفی بپردازد، البته این حکم در موردی است که طرف وام دهنده مالک باشد و الا اگر از قبیل مجهول المالک باشد امر آن منوط است به اذن حاکم شرع.

۳: بدهکار از ادای دِیْن شانه خالی می‌کند، با چه شرائطی تقاص جائز می‌شود؟ آیا اگر بدون اجازهٔ بدهکار از اموالش برداریم یک نحوه دزدی است؟ و آیا در تقاص اذن حاکم شرع لازم است؟

جواب: در تقاص دو شرط لازم است:

۱ـ به هیچ وجه غیر از تقاص امکان دریافت طلب خود نباشد.

۲ـ اذن حاکم شرع.

۴: شخصی ۴۰ سال قبل مبلغ صد هزار تومان قرض الحسنه دریافت کرده است، حال که می‌خواهد پول را پس بدهد آیا باید همان صد هزار تومان را بدهد یا به حساب روز محاسبه و پرداخت کند؟

جواب: طرفین باهم مصالحه نمایند، واللّه العالم.

۵: شخصی یک قطعه زمین زراعتی را با سهم آب آن به مبلغ ۱۴۰۰ سکهٔ نقره می‌فروشد، ولی پس از مدتی یکی از نزدیکان بایع با اِعمال قدرت سند بیع معامله را باطل و آن را به سند رهن تبدیل نموده و به مشتری می‌دهد، و مدت سی سال این زمین به عنوان رهن در دست مشتری باقی می‌ماند. پس از فوت بایع و مشتری ورثهٔ بایع زمین مذکور را بالاجبار پس گرفته و در ازاء سکه‌های نقره، مبلغ اخذ شده را به صورت اسکناس بدون در نظر گرفتن تفاوت قیمت، به ورثهٔ مشتری پس می‌دهند، اکنون ورثهٔ مشتری ناراضی و حکم شرعی را خواهانند؟

جواب: در فرض سؤال، نزدیکان بایع حق ابطال سند بیع را نداشته و اصلاً سند رهن باطل بوده و بیع صحیح و برقرار است، مع الوصف در فرض مذکور مسئله احتیاج به ترافع دارد.

بلوغ

۱: شرایط بلوغ چیست؟

جواب: اگر نوجوان پسر پانزده سال هجری قمری را تمام کرد و وارد شانزده سالگی شد، یا این که قبل از آن محتلم و منی از او خارج شود یا موی زبر و سیاه بر عانهٔ او (بالای عورت زیر ناف) بروید بالغ است، و اما نسبت به دختر اگر نُه سال هجری قمری را تمام کند بالغ است.

۲: اگر کسی علامات بلوغ در بدن او باشد ولی هنوز به سنی که بالغ می‌شود (یعنی: پانزده سال هجری قمری) نرسیده و یکی دو سال یا بیشتر به آن باقی مانده است، آیا بالغ محسوب می‌شود یا خیر؟

جواب: بلی، در فرض مذکور بالغ است، زیرا علامات بلوغ پسران عبارت است از:

۱ـ احتلام.

۲ـ روئیدن موی سیاه و خشن زیر ناف.

۳ـ و اگر هیچ کدام از آن دو علامت نبود، با کامل شدن پانزده سال هجری قمری، پسران بالغ می‌شوند.

ضمان

۱: لباس‌هایی که جهت شستشو و اتو زدن به خشک شویی داده می‌شود، در صورت تغییر رنگ لباس یا کوتاه شدن آن در دستگاه یا سوختن و یا احیاناً مفقود شدن، آیا صاحب مغازه مسئول و ضامن است؟

جواب: بلی، در تمام موارد فوق ـ جز نقصی که مقتضی شستشو و اتو زدن است ـ ضامن می‌باشد.

۲: پول‌هایی که گاهی در لباس‌ها در خشکشویی پیدا می‌شود، اگر صاحب مغازه فراموش کند آن را به صاحبش باز گرداند و دیگر او را نبیند، وظیفهٔ او نسبت به این پول چیست؟

جواب: پس از تعریف و یأس از پیدایش صاحبش با اذن حاکم شرع به مستحق بدهد.

۳: شخصی کلید مغازهٔ پدر را از او گرفته و به دیگری داده است و آن دیگری اجناسی را از مغازه دزدیده، آیا فقط شخص دزد ضامن است یا هر دو؟

جواب: آن که دزدی کرده و آن که کلید را در اختیارش قرار داده هر دو ضامن هستند.

۴: اگر شخص یا اشخاصی در دوران قبل از بلوغ، میوه یا خوراکی بدون اجازهٔ صاحب آن خورده باشند، آیا اکنون که به سن تکلیف رسیده‌اند راضی کردن صاحب آن میوه یا خوراک واجب است؟

جواب: بلی، واجب است، یا آن که قیمت آن را به هر صورتی که می‌توانند به صاحب آن برسانند.

۵: آموزگار به دلیل این که دانش آموز تکلیف خود را انجام نداده یا در انجام آنها سهل انگاری نموده دفتر او را پاره می‌کند، در این صورت آیا ضامن است و باید مِثل آنرا تهیه نماید یا خیر؟

جواب: بلی، ضامن است.

۶: راننده‌ای با زیر پا گذاردن قوانین راهنمایی و رانندگی به زراعت زارعی خسارت وارد می‌نماید و وقتی به او اعتراض می‌شود به معترضین حمله‌ور می‌شود و آنان در صدد دفاع بر آمده که منجر به مجروح شدن راننده می‌شود، آیا زارعین ضامن جراحت وارده هستند؟

جواب: اگر دفاع متوقف باشد بر مجروح کردن شخص، بر فرد یا افرادی که طرف را (در مقام دفاع) مجروح کرده‌اند چیزی نیست، و الا ضامن جراحات هستند هم چنان که او ضامن زراعت است.

۷: فردی نزد من پولی به عنوان امانت گذاشته بود و من آنرا در صندوق گذاشته بودم، سارق آمده و صندوق را شکسته و پول را ربوده است، آیا از

نظر شرعی مسئولیت آن متوجه اینجانب است؟

جواب: امانت‌دار چنانچه از نظر عرفی کوتاهی در حفظ امانت نکرده باشد ضامن نیست، بلی، برای اثبات مدّعی و عدم کوتاهی در حفظ امانت، صاحب پول می‌تواند او را قسم بدهد.

۸: وامی به اینجانب تعلق می‌گرفت، شخصی جهت رفع مشکلاتش درخواست کرد که وام را جهت ایشان اخذ کنم. از نظر بانک ملکی جهت وثیقه و ضمانت پرداخت اقساط وام لازم بود، که شخص گیرنده وام منزل یکی از دوستانش را جهت ضمانت معرفی کرده و شخص ضامن با اطلاع کافی سند منزل خودش را در رهن بانک قرار داد. در حال حاضر شخص گیرنده وام اقساط را پرداخت ننموده است و بانک سند شخص ضامن را توقیف کرده است، حال از نظر شرع اسلام آیا اینجانب نسبت به شخص ضامن دِینی دارم یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، شما نسبت به شخص ضامن دِینی ندارید.

۹: مقداری زمین را افراد متقلب به عنوان بنگاه معاملات ملکی به افراد دیگری فروختند و مشتریان مذکور شروع به ساخت و ساز خانه کردند. در حین ساخت و ساز صاحب اصلی زمین پیدا شده و ادعای مالکیت زمین را کرده و مشتریان فریب خورده توجه نکرده و کار را به پایان رساندند، اکنون که خانه تمام شده خسارت وارده متوجه کیست؟

جواب: در فرض سؤال، خسارت تا آن مقداری که مشتری جاهل بوده متوجه بایع متقلب می‌باشد.

۱۰: مبلغی را برای یکی از فامیل‌های خود که هم به ما بدهکار بود و هم به شخص دیگر ضمانت کردیم، شخص بدهکار پول ما و بدهکاری دیگرش را که ما ضامن شده بودیم نداد و فوت شد، آیا مبلغی را که ما ضمانت نموده‌ایم بر عهده ما می‌باشد یا خیر؟

جواب: اگر شما ضامن شدید، پول بر عهده شما است و حق دارید این مطلب را ثابت نموده و از ورثهٔ او، چنانچه میت ترکه‌ای داشته باشد مطالبه نمایید.

۱۱: شخصی مقداری پول به طور امانت داده بود که من به تهران برای شخص دیگری ببرم یا از طریق بانک حواله نمایم. شب در کتابخانه شخصی خود گذاشتم که غیر از شخص خودم کسی تردد ندارد، قفل درب کتابخانه را در یک شب فراموش کردم و درب باز بود و در نتیجه پول مفقود شده، حال آیا بنده در پرداخت آن ضامن هستم یا خیر؟

جواب: اگر در حفظ امانت عرفاً کوتاهی نکرده باشید ضامن آن نیستید.

۱۲: اینجانب از شخصی مبلغی قرض گرفتم و بعد پول را آوردم و هر چه اصرار کردم صاحب پول قبول نکرد و گفت، این پول فعلاً پیش تو بماند و آن پول نزد اینجانب ماند. بعد از چند روز پول به سرقت رفت، آیا اینجانب ضامن پول آن شخص هستم یا نه؟

جواب: اگر در حفظ آن تفریط نکرده‌اید یعنی پول را در جای امنی گذارده بودید ضامن نیستید، و الا ضامن هستید.

۱۳: اینجانب مدت بیست سال است که به شغل خشکشویی مشغول هستم. شخصی کاپشن خود را به جنس فوم برای اتو به مغازه آورد و در حین

اتو کردن لایه پلاستیک کاپشن سوخت، وقتی صاحب کاپشن آن را مشاهده کرد تقاضای خسارت نمود. قابل ذکر است که دستگاه بخار هیچ وقت لباس را نمی سوزاند و من هم تا به حال بسیار زیاد لباس فوم، چرم و پلاستیک را اتو کرده بودم و این بار هم مانند دفعه‌های پیش توقع نداشتم که لباس این طور شود و عیب از جنس لباس بود، حال آیا خسارت کاپشن فوق به عهدهٔ اینجانب می‌باشد؟

جواب: خسارت ـ در فرض سؤال ـ به عهده صاحب خشکشویی است، و در پرداخت خسارت، تفاوت بین کاپشن صحیح و معیوب ملاحظه می‌شود.

۱۴: اینجانب با کارگری که دارای سابقهٔ تخریب ساختمان به مدت ده سال می‌باشد قرارداد بسته که بخشی از دیوار ساختمانی را تخریب نماید، نامبرده به جای این که دیوار را از بالا خراب نماید پس از ساعتی که از بالا خراب نموده است به پایین آمده و بخش کمی از دیوار را بر روی خودش تخریب نموده است به همین علت دچار شکستگی کمر گردیده است، آیا اینجانب به نامبرده بابت صدمه وارده بدهکارم؟

جواب: شما ضامن نیستید، مگر این که بر جبران خسارت وارده ضمانت و تعهد داده باشید.

۱۵: خانمی قیّم فرزندان یتیم خود است و مبلغ دو میلیون تومان پول ایتام را به شخصی داده که با آن کار و کسب نماید و از این قرار و معامله پنج سال سپری شده است و در هرماه استفادهٔ پول را به خانم صاحب پول رسانده است. حالا این خانم خواهان اصل پول و باقی استفادهٔ آن از سال‌های

قبل می‌باشد، شخص کاسب می‌گوید من پول شما را به شخص دیگری داده‌ام که کار کند و او فعلاً ورشکست شده است. این خانم آن طرف را اصلاً نمی‌شناسد ودر جریان قرار نگرفته و از معاملهٔ اینها اطلاعی ندارد، در نتیجه این شخص کاسب اوّل که پول را از خانم گرفته می‌گوید من اصل پول را که دو میلیون می‌باشد ضامن هستم که بپردازم، آیا وی ضامن استفادهٔ آن پنج سال نیز هست یا خیر؟

جواب: چنانچه این پول به کاسب اول جهت یک معامله شرعی واقعی مانند مضاربه داده شده است. و تخلّف از این معامله از طرف کاسب اول بوده، کاسب اول ضامن مقدار متعارف استفادهٔ این معامله بر فرض تحقق آن نیز می‌باشد.

امانت

۱: پولی امانت نزد شخصی گذاردم، وی به کشور دیگری مسافرت نمود که سفرش چهار سال بطول انجامید و وقتی مطالبهٔ امانت از او نمودم امروز و فردا نمود تا این که چهار سال دیگر سپری شد. مجبور شدم از وی شکایت کنم که موجب صرف هزینهٔ بسیاری برای اینجانب شد، حال آیا می‌توان خسارات را نیز مطالبه نمایم؟

جواب: در فرض سؤال، اصل پول را به قیمت و ارزش واقعی آن روز مطالبه کنید ولی حق مطالبهٔ این خسارت را ندارید، بنابر اظهر.

۲: فردی دو فقره چک به بنده داد تا وصول نمایم و در مقابل یک فقره چک بابت ضمانت از من گرفت و رسیدی بدستم داد که چکم در نزد او امانت خواهد بود و مقرر گردید پس از این که چک‌های فوق را وصول کردم چک اینجانب عیناً مسترد گردد. اما علی رغم پیگیری‌های بنده این دو فقره چک وصول نشد، به ایشان اطلاع دادم، گفت بگذار نزد خودت باقی بماند تا زمانی که وصول شود. پس از مدتی در کمال ناباوری مطلع شدم که ایشان

چک امانتی و ضمانتی مرا واگذار نموده و با یک رأی غیابی محکوم به پرداخت گردیده‌ام.

الف ـ آیا عمل ایشان خیانت در امانت محسوب می‌شود یا خیر؟

ب ـ مالی که از راه وصول چک من به دست می‌آورد حلال است؟

جواب: الف ـ این کار ـ در فرض سؤال ـ خلاف امانت داری است.

ب ـ چنانچه بدون اجازهٔ صاحب چک باشد حلال نیست.

۳: یک چارک جریب از زمین‌های خواهر زادهٔ ما در افغانستان مدّت ۸ سال بطور امانت نزد ما بوده است و ما طیّ این مدّت از حاصل زمین‌ها استفاده کرده‌ایم، حال ایشان از ما مطالبهٔ اجرت دارند، لطفاً بفرمائید اکنون تکلیف ما چیست؟

جواب: چنانچه زمین فقط برای نگهداری و امانت بوده و اجازهٔ تصرف و بهره‌برداری نداشتید، صاحب آن حق مطالبهٔ اجره المثل را دارد، و الا خیر، واللّه العالم.

عاریه

۱: آیا عاریه دادن یا ندادن ثواب وعقاب دارد؟

جواب: بلی، قرآن مجید در سوره «ماعون» در آیهٔ هفتم افرادی را که از عاریه دادن اشیاء به همسایگان ممانعت می‌ورزند مذمت نموده، و در این زمینه شیخ صدوق در کتاب خود: «من لا یحضره الفقیه» از پیامبر اکرمﷺ آورده است که حضرت نهی کردند از ممانعت عاریه دادن و فرمودند: «هرکه همسایهٔ خود را از عاریه دادن اشیاء مانع شود، خدای متعال خیر خود را در قیامت از او دریغ نماید و او را به خودش وا می‌گذارد. و هرکه را خدا در آن روز به حال خود واگذارد وای به حال او.(الفقیه: ۸/۴، ح۱). و در تفسیر مجمع البیان از امام صادقؑ نقل کرده است که حضرت فرمودند: «ماعون» پولی است که قرض داده می‌شود، کار خیر و نیکی است که انجام می‌گیرد، و مایحتاج منزل است که عاریه می‌دهد. راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: همسایگانی داریم که اگر چیزی را عاریه گرفتند آن را از بین برده و ضایع می‌کنند، آیا باز هم گناه دارد به آنان عاریه ندهیم؟ حضرت فرمودند: خیر، اگر چنین باشد گناهی بر شما نخواهد بود. بنابراین عاریه دادن ثواب دارد، و مسائل و احکام آن در رساله «توضیح

المسائل» به تفصیل بیان شده است.

۲: خانمی شوهرش را مجبور کرده تا مقداری از املاک زراعی خود را به برادران این خانم که بی‌ملک بوده‌اند بدهد، شوهرش که شخصی بزرگوار و آبرومند بوده، جهت آرام کردن زن، مقداری از زمین‌های خودش را به نحو عاریه و استفادهٔ منافع به برادران زنش واگذار می‌کند. بعد از چندین سال و استفاده از منافع آن املاک، برادران زن عازم کربلای معلی می‌شوند و تصمیم می‌گیرند زمین‌ها را به شوهر خواهرشان برگردانند و حلالیت بطلبند، اما خواهرشان آنها را از این تصمیم منصرف می‌سازد و دیگر موفق نمی‌شوند و اجل مهلت نمی‌دهد که حلالیت بدست آورند. سالها است طرفین از دنیا رفته‌اند اما وارثین طرفین زنده‌اند، تکلیف شرعی وارثین زمین‌های فوق الذکر چه می‌باشد؟

جواب: در فرض سؤال، باید زمین‌ها به ورثهٔ صاحب اصلی برگردانده شود و بر منافع و استفاده‌های آن مصالحه گردد، بلی، اگر ورثهٔ صاحب اصلی رضایت دهند و به ورثهٔ دائی‌ها ببخشند، اشکال ندارد.

ازدواج

۱: دختری است که ۲۳ سال سن دارد، دو سال قبل پدرش وی را بدون رضایتش به مردی که ۴۰ سال دارد لفظاً نامزد نموده است، و حالا دختر به هیچ وجه راضی به ازدواج نیست در حالی که آن مرد دست بردار نیست، لطفاً تکلیف شرعی ایشان را روشن فرمایید؟

جواب: راضی بودن دختر شرط صحت عقد است و بدون رضایت او عقد باطل است.

۲: این جانب دختری هستم، عمویم مرتکب قتل عمد شده است بعد از جلسات فراوان برای حل دعاوی مرا عوض خون مقتول برای یکی از فرزندان او عقد می‌کنند و خون هبه شده است، آیا این عقد صحیح می‌باشد یا خیر؟ این عقد دارای مفسده‌هایی است از جمله:

۱ـ بنده را عوض خون داده‌اند.

۲ـ من دیهٔ خون قرار گرفته‌ام در حالی که برده نیستم.

۳ـ بر فرض که این موضوع درست باشد، پدرم در شرایطی قرار داشته که

در صورت عدم اجازه او را می‌کشتند وبا اکراه عقد من صغیره صورت گرفته است.

۴ـ برای من مهر قرار نداده با این که مهر یکی از ارکان نکاح است. خلاصه من آیندهٔ خود را سیاه می‌بینم اگر مرا پدرم به جبر بدهد خودکشی می‌کنم، لطفاً تکلیف مرا روشن فرمائید؟

جواب: در فرض سؤال که عقد صغیره به مصلحت نبوده، و بعد از بلوغ هم به این عقد راضی نشده است، عقد صحیح نیست.

۳: چند سال قبل شخصی در منطقه‌ای توسط یکی از افراد همان منطقه به قتل رسید و پس از اثبات بی‌گناهی مقتول، اولیاء دم اصرار بر اجرای حکم شرعی (قصاص) را در مورد قاتل داشتند، اما طی یک تبانی میان وارث طبقه دوم مقتول و طرف قاتل، مسأله با گرفتن مبلغ اندکی پول و یک دختر از بستگان قاتل بدون رضایت فرزندان مقتول به عنوان وارثان اصلی مختومه اعلام شد.

در نهایت یکی از بستگان قاتل، دختر صغیرهٔ خود را به عقد پسر صغیری از وارث طبقه دوم مقتول در آورد و اکنون که هر دو طرف به سرحد رشد رسیده‌اند دختر حاضر به این ازدواج نیست ولی پدر پسر همچنان بر آن اصرار دارد، آیا چنین عقدی صحیح است؟

جواب: در فرض سؤال، اگر در عقد ولیّ مفسده‌ای باشد، دختر یا پسر می‌توانند بعد از بلوغ عقد را امضاء نکنند و عقد باطل خواهد بود.

۴: زن و مردی از روی ندانستن مسأله و یا غفلت بدون اجرای عقد

شرعی، زندگی مشترک خویش را آغاز کرده‌اند و الآن دارای فرزندانی هستند، حال آیا آنها زن و شوهر محسوب می‌شوند و بچه‌ها فرزندانشان به حساب می‌آیند و ارث می‌برند؟ آیا احکام حلال‌زاده بر آنها مترتب می‌شود؟ آیا عقد معاطات در حال عادی نیز در عقد دائم یا موقت صحیح است؟

جواب: خیر، آن دو زن و شوهر شرعی نیستند بلکه شبهه است، مگر فعلاً عقد کنند، والدین و اولاد از یکدیگر ارث می‌برند و در احکام دیگر هم حکم فرزند حلال بر آنان مترتب است، و عقد معاطات صحیح نیست، نه در عقد دائم و نه منقطع، نه در حال عادی و نه غیر آن.

۵: آیا نکاح از طریق اینترنت (چت) محقق می‌شود؟ آیا می‌توان از طریق اینترنت متمتع شد؟

جواب: با کتابت، عقد واقع نمی‌شود و باید با لفظ و خواندن صیغهٔ عقد باشد، لذا می‌توان از زن وکالت گرفت و با محقق بودن شرایط دیگر، عقد (دائم یا موقت) را اجرا نموده و متمتع شد، ولی نه در حد انزال و خروج منی که جایز نیست، مگر هنگامی که زوجین نزد هم هستند و تماس بدنی با یکدیگر برقرار نمایند.

۶: دادخواست مطالبهٔ مهریه به مبلغ چهارمیلیون تومان و یک سفر حج تمتّع را داشته‌ام و مهریه‌ام قسط‌بندی شده است و در دادگاه به عرض قاضی رسانده‌ام که تا تمام مهریه را یکجا نگیرم حاضر به تمکین نیستم، حکم شرعی در این رابطه چیست؟

جواب: در مهر معجل و حاضر چنانچه زوجه قبل از دخول خواهان تمام مهر خود باشد تا تمکین کند حق دارد، ولی چنانچه دخول شده یا آن که مهر

مؤجل و غایب (پشت قباله) باشد، حق ممانعت ندارد.

۷: آیا مرد شیعه می‌تواند با دختر اسماعیلی ازدواج کند؟ و آیا آنان شیعه هستند؟

جواب: بلی می‌تواند، و سعی کند او را شیعهٔ دوازده امامی کند، یعنی از شش امامی بودن به دوازده امامی هدایت نماید.

۸: دختر و پسری ازدواج می‌کنند و پدر دختر شیربهایی را که گرفته است صرف جهیزیه کرده است. بعد از گذشت چند ماه از عروسی، عروس ادعا می‌کند که داماد عنین است.

الف ـ آیا عروس می‌تواند عقد را فسخ کند؟

ب ـ در صورت فسخ عقد آیا عروس مهریه دارد؟

جواب: الف ـ در فرض سؤال، اگر ادعای زن به اثبات برسد که داماد به هیچ وجه نتوانسته دخول بکند ولو یک مرتبه زن می‌تواند عقد را فسخ کند.

ب ـ در فرض سؤال، که دخول اصلاً واقع نشده، زوجه استحقاق نصف مهر را دارد.

۹: پدرم می‌خواست مرا به پسر عمویم بدهد ولی تسلیم وی نشدم، تا این که به اتفاق مادرم به کشور ایران مهاجرت نمودیم و بدین سبب ضمن هماهنگی با مادرم و با رضایت خود با فردی ازدواج نمودم و الآن حامله شدم. حال با توجه به این که بدون رضایت ولیّ قهری خود، بلکه با رضایت مادرم که از پدرم جدا زندگی می‌کند شوهر اختیار نمودم، تکلیف چیست؟

جواب: اگر دسترسی به پدرتان نداشته باشید و یا اینکه همسرتان کفو و هم

شأن شما باشد و پدر ممانعت می‌کند، در این صورت اذن پدر لازم نیست، ولی در هر حال خوب است سعی کنید رضایت پدر را به دست آورید.

۱۰: طرف داماد و طرف عروس پس از موافقت شفاهی، روزی را برای مراسم عقد معین می‌نمایند، در روز موعود به دلیل اختلاف، مراسم به هم می‌خورد و مصارف موجود را مردم استفاده می‌نمایند. قابل ذکر اینکه عقدی صورت نگرفته است و صرفاً موافقت شفاهی بوده است.

الف ـ حکم مصارف روز مراسم، بر فرض تقصیر طرف داماد یا طرف عروس چیست؟

ب ـ اجناس موجود، چه حکمی دارد؟

ج ـ آیا طرف داماد، حق مطالبهٔ مصارف شیرینی، شربت، میوه و غذای صرف شدهٔ روز مراسم را از طرف عروس دارد؟

جواب: الف ـ مصروفات در این مراسم را حق مطالبه ندارند.

ب ـ اجناس موجود را حق مطالبه دارند.

ج ـ خیر، حق مطالبه ندارد.

۱۱: تمایل زیادی به داشتن دوست دختر دارم، چرا که احساس می‌کنم در این صورت سعادتمند می‌شوم، تکلیف من چیست؟

جواب: هر جوانی که به سن بلوغ می‌رسد غریزهٔ خدادادی وی، او را متمایل به جنس مخالف می‌کند، اسلام سفارشات بسیاری در خصوص ازدواج و آثار و برکات آن برای فرد و اجتماع خصوصاً جوانان فرموده است، تا مبادا در این سن حساس دچار ارتباطات غیر شرعی شده و زندگی خود را تباه سازند. به طور

اطمینان، خود شما این تمایل را نسبت به جوانان دیگر برای محارم خود نمی‌پسندید مگر از راه مشروع که ازدواج است، پس نیاز خود را از همان راه مشروع و عاقلانه که ازدواج است تأمین نمائید.

۱۲: آیا مرد مسلمان می‌تواند با زنان اهل کتاب یعنی با زن مسیحی، یا یهودی و یا زردشتی ازواج کند؟

جواب: اشکال ندارد، بنابر اظهر.

۱۳: با توجه به این که خنثی‌ها نیز یک قشری از اقشار جامعه می‌باشند و در بعضی از کشورها تعداد بسیار زیادی را تشکیل می‌دهند، مستدعی است حکم ازدواج آنها را با تفصیل مشکله و غیر مشکله مرقوم فرمائید، زیرا در این که آنها نیز غریزهٔ جنسی دارند شکی نیست؟

جواب: بعید نیست که خنثی چنانچه از نوع مشکل باشد بتواند خود را به یکی از دو جنس مرد یا زن ملحق کند، و بعد از الحاق، احکام آن طائفه بر او مترتب می‌شود.

۱۴: اگر دختری به محرمیت پسری در آید و بعد هم بدون این که دخول در کار باشد از یکدیگر جدا شوند، این دختر تا چه حد با فرزندانی که بعداً از آن پسر به وجود می‌آید و دامادهای او محرم است؟ آیا مادر این دختر فقط به پسر محرم است یا به فرزندان او نیز محرم می‌شود؟

جواب: این دختر فقط به پسرها و نوه‌ها و نیز به پدران آن پسر محرم است و به دامادهای آن پسر محرم نیست، و اما مادر این دختر فقط به خود آن پسر محرم می‌شود و با فرزندان، نوه‌ها، پدران و دامادهای او محرم نمی‌شود.

۱۵: شخصی دختر نابالغ خانمی را به جهت محرمیّت مادرش عقد نموده و بعد از مدتی آن خانم از شوهرش طلاق گرفته، آیا می‌تواند با این خانم ازدواج کند؟ و چنانچه نتواند و با او ازدواج کرده باشد مراودت با آن دو برای بستگان جایز است یا خیر؟

جواب: این شخص در فرض سؤال محرم آن خانم است و نمی‌تواند با او ازدواج کند و چنانچه ازدواج کند، کار حرامی کرده و باید فوراً از هم جدا شوند، و مراودت بستگان برای موعظه و وادار نمودن او به جدایی از یکدیگر و ترک این فعل حرام لازم است.

۱۶: اگر خانواده‌ای دختری را بعنوان دختر خوانده بگیرند، آیا پسر آن خانواده که پسر خوانده نیست به دختر محرم است؟ اگر محرم نیست چگونه محرم می‌شود؟ و آیا پدر می‌تواند با دخترخوانده ازدواج کند یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، این پسر به دختر محرم نیست، و برای محرم شدن می‌توان این دختر را به عقد پسر و یا پدر درآورد، و چنانچه دختر بالغه و رشیده نباشد اذن پدر یا جد پدری او لازم است و چنانچه آن دو معلوم نباشند اذن حاکم شرع لازم است.

۱۷: خانمی طفلی را صبح، ظهر و شب در هر سه وقت به حد کافی شیر داده است و در بین صبح تا ظهر و همچنین از ظهر تا شب مقداری شیر مادر و غذا خورده، به همین ترتیب تا دو ماه یا بیشتر، آنچه معلوم است این که این طفل بعد از خوردن شیر این خانم وضعش بهتر شده و سر حال شده است آیا این نحو رضاع حرمت را ثابت می‌کند؟

جواب: در فرض سؤال، حرمت ثابت نمی‌شود.

۱۸: اگر زنی شوهردار که بر اثر اختلافات فیما بین، هر کدام در کشور دیگری زندگی می‌کرده‌اند با مردی رابطه نامشروع داشته باشد و بخواهد با او پس از طلاق از شوهر اول و نگه داشتن عدّه ازدواج کند، آیا امکان دارد و حرام مؤبد نیست؟ اگر حرام مؤبد است و با هم ازدواج کرده باشند حکم چیست؟

جواب: حکم این دو بنابر احتیاط واجب حرمت مؤبد است و در صورت ازدواج باید فوراً از هم جدا شوند و می‌توانند به فتوای مجتهد جامع الشرائطی که به حرمت مؤبد فتوا ندهد رجوع نمایند.

۱۹: اینجانب دانشجویی هستم که مدتی قبل دختری را به عقد خود درآورده‌ام، اما مشکلاتی ایجاد شد که منجر به جدا شدن ما شد، حال حقیر می‌خواهم در مورد مسائل ذیل اطلاعاتی داشته باشم:

الف ـ ایشان بدن بسیار پرمویی دارند و صورت ایشان هم موهای زبری دارد که اگر چند روز آنها را اصلاح نکند تعداد زیادی مو مانند ریش مردان روی صورت ایشان دیده می‌شود. با توجه به این که قبل از عقد این مسئله را مطرح نکرده بودند، آیا حکم تدلیس دارد؟

ب ـ با توجه به این که ایشان هنوز دوشیزه هستند و فقط عقد انجام شده است، اگر قرار بر طلاق باشد چه مقدار از مهریه را حق دارد؟

جواب: الف ـ خیر، این گونه امور تدلیس در نکاح نیست.

ب ـ در فرض سؤال، نصف مهر را، البته مخفی نماند که طلاق «**ابغض الحلال عند الله**» است، لذا اگر به توافق برسید و بتوانید باهم زندگی خوبی داشته باشید بسیار مناسب است.

۲۰: حکم دست زدن در مجالس عروسی را بفرمائید؟

جواب: دست زدن در مجالس عروسی چنانچه همراه با حرامی نباشد، حرام نیست.

۲۱: من جوانی هستم دانشجو و دلبسته به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اما سن جوانی نمی‌گذارد از گناه دور شوم و حتی بارها اقدام به ازدواج کردم ولی موفق نشدم و باید صبر کنم تا اوضاع مالیم خوب شود، لطفاً مرا راهنمایی فرمائید؟

جواب: شما باید فوراً اقدام به ازدواج از یک خانوادهٔ مذهبی، ساده زیست و هم کفو خود نمائید، و از اوضاع مالی نگرانی نداشته باشید، زیرا حتی اگر برای آن قرض کنید، خدا آن را آسان می‌نماید، و از طرف دیگر قرآن مجید می‌فرماید: ﴿**ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله**﴾ (النور/۳۲)، و در روایت است که: اگر از ترس فقر و نفقهٔ عیال، اقدام به ازدواج ننمائید، پس گمان بد به خدا برده‌اید. و بدانید که علم همراه با تقوا مثمر ثمر است و موجب سعادت دنیا و آخرت، لذا بر شما است که ازدواج کنید تا دین و تقوای شما تقویت شود، و خوب درس بخوانید تا علم و دانش شما زیاد گردد، و بتوانید بر معنویت خود و جامعه بیفزایید، ان شاء الله تعالی.

۲۲: جوانی ۲۴ساله هستم که در آینده‌ای نه چندان دور زندگی با همسرم را آغاز خواهم نمود، ولی از زندگی و روابط زناشویی اطلاع کافی ندارم، لطفاً بنده را راهنمایی کنید؟

جواب: ان شاء الله مبارک باشد، و بر شما است که سه مطلب را در زندگی نوین خود بکار ببندید:

الف ـ به نیت قربه الی الله، انجام دادن فرمان خدا و اجرای سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله

و اهل بیت علیهم‌السلام زندگی مشترک خود را قرار دهید.

ب ـ محبت و اظهار آن به حدّی که شوهر برای زن خود همچون پدر مهربان، و زن برای شوهر خود همچون مادر مهربان باشد.

ج ـ اخلاق خوب که عبارت از خوش‌روئی، خوش‌زبانی و خوش‌رفتاری است، همیشه بین خود رعایت کنید، و برای آشنایی با آداب نکاح به کتاب «**حلیة‌المتقین**» مراجعه فرمائید.

۲۳: در عدّهٔ عقد موقت اگر یقین حاصل شود که در هنگام نزدیکی آمیزش صورت نگرفته و احتمال بارداری ـ به جهت استفاده از مانع ـ وجود نداشته باشد، آیا بازهم نگه داشتن عدّه برای زن واجب است؟

جواب: اگر دخول شده باشد چه از قُبل و چه از دُبر، با مانع و یا بی مانع، عدّه واجب است، چه احتمال بارداری باشد و چه نباشد.

۲۴: خانم شوهرداری مدت زیادی دارای ارتباط نامشروع بوده است و بعد از طلاق بدون این که عدّه را تمام کند با همان کسی که ارتباط نامشروع داشته است ازدواج نموده است. حال وظیفهٔ این زن چیست؟ و اگر فرزندی از ازدواج دوم داشته باشد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: در فرض سؤال، بنابر احتیاط واجب حرمت مؤبد است و باید فوراً از شوهر دوم جدا شود، و چنانچه مجتهد جامع الشرائطی باشد که فتوی به جواز ازدواج این دو دهد می‌توانند در خصوص مسأله به او رجوع نمایند و فرزند این ازدواج، شبهه و فرزند آنان می‌باشد، و همهٔ احکام شرعی را دارد.

۲۵: من با دختر بزرگ دایی خود شیر خورده و محرم هستیم،

می‌خواستم بدانم آیا می‌توانم با دختر دایی‌های بعد از او ازدواج کنم؟

جواب: چنانچه دختر بزرگ دایی‌تان از مادر شما یا از یک خانم دیگر با هم شیر خورده باشید، با خواهر او، یعنی: دختر دائی دیگر می‌توانید ازدواج کنید، ولی اگر شما و دختر بزرگ دائی‌تان از مادر ایشان یعنی: از زن دایی باهم شیر خورده باشید، دیگر نمی‌توانید با خواهرهای او یعنی: دختران دائی ازدواج کنید.

۲۶: استقرار منی مرد نامحرم در رحم زنی که از شوهرش باردار نمی‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

۲۷: مرد تا چه اندازه از مسائلی که در روز برای همسرش می‌گذرد می‌تواند اطلاع داشته باشد؟ آیا سؤال کردن از همسر در مورد مسائل روزمره مانند اینکه با چه افرادی برخورد داشتی یا فلانی به شما چه گفت، از حقوق مرد است و زن ملزم به پاسخ گویی می‌باشد؟

جواب: انسان باید خوش‌گمان باشد، مخصوصاً به همسر خود علی الخصوص اگر مؤمنه باشد، و با همسر خود معاشرت به معروف که قرآن مجید سفارش فرموده داشته باشد.

۲۸: مرد تا چه اندازه می‌تواند به زن خود امر و نهی کند؟

جواب: مرد بر همسر خود تنها دو حق دارد: یک همخوابی و دوم بیرون رفتن از منزل که باید با اجازهٔ زوج باشد و زوج در این دو مورد فقط حق امر و

نهی دارد آن هم به صورت شرعی و معقول.

۲۹: دختری که به عقد دائمی مردی درآمده و هنوز در خانهٔ پدری زندگی می‌کند و باکره است، اطاعت از شوهر بر او چه حکمی دارد؟

جواب: اطاعت شوهر بعد از نفقه دادن واجب می‌شود.

۳۰: آیا دختری که به عقد دائمی مردی درآمده و هنوز در خانهٔ پدری زندگی می‌کند و باکره است می‌تواند از تمکین خودداری کند؟ و آیا پدر آن دختر می‌تواند اجازه ندهد که دختر به خانهٔ شوهر برود؟

جواب: حق هم خوابی و تمکین بعد از نفقه، واجب می‌شود، ولی خوب است در این امور تعاون و تفاهم داشته و رعایت عرف جامعه را بکنند.

۳۱: دختر باکره‌ای که به عقد مردی درآمده ولی در خانهٔ پدرش زندگی می‌کند، آیا شوهر می‌تواند در مورد حجاب وی امر و نهی نماید؟

جواب: شوهر می‌تواند همسر خود را امر به حجاب نماید، ولی حق ندارد او را از حجاب منع کند.

۳۲: آیا زن از نظر سکونت تابع شوهر است؟

جواب: بلی، مگر این که حق اختیار سکونت را در عقد برای زن شرط کرده باشند، ولی خوب است که زن و شوهر با تفاهم و معاشرت به معروف با یکدیگر رفتار کنند.

۳۳: اینجانب با همسرم اختلاف پیدا کرده در نهایت او را به منزل پدرش بردم. آیا من که شوهر او هستم می‌توانم شرعاً به او بگویم حق ندارد از منزل پدرش خارج شود مگر برای امر ضروری یا خیر؟

جواب: بر زن واجب است در غیر موارد ضروری برای خروج از منزل از همسرش اجازه بگیرد، مگر این که همسر نفقهٔ او را ندهد و برای تحصیل نفقه مجبور به کار در خارج منزل شود.

۳۴: آیا اسقاط حمل در هر مرحله از تکامل و رشد با حُسن نیت و با هدف حفظ حیات مادر و یا سلامت جسمی و یا روحی ایشان مجاز است و مستلزم مسئولیت کیفری نیست؟

جواب: اگر به نظر اهل خبره زندگی مادر و جان او قطعاً در خطر باشد، آن گاه اسقاط جایز است و در غیر اینصورت جایز نیست.

۳۵: اگر به تشخیص پزشکان متخصص تنها راه نجات جان مادر سقط جنین یا فسخ بارداری باشد، وظیفه پزشکی که دارای تخصص لازم در این امر می‌باشد چیست؟

جواب: در فرض سؤال، وظیفه‌اش کمک به مادر جنین است.

۳۶: اگر شوهری بچه بخواهد و زن ممانعت کند حق با کیست و حکم آن چیست؟

جواب: زن باید تمکین کند ولی می‌تواند داروئی مصرف کند که نطفه منعقد نشود، گرچه با تفاهم باشد بهتر است.

۳۷: زن می‌گوید دستگاهی می‌گذارم که چهارسال بچه‌دار نشویم (احتمال دارد تا آخر زن عقیم شود) لطفاً حکم مسأله را بیان کنید؟

جواب: چنانچه منجر به عقیم شدن دائمی شود جایز نیست.

۳۸: آیا مرد حق دارد بدون اطلاع و اجازهٔ زن اقدام به جلو گیری یا به بچه‌دار شدن نماید؟

جواب: می‌تواند، ولی با تفاهم باشد بهتر است.

۳۹: حکم عمل وازکتومی (بستن لوله‌های مرد) در اسلام چیست؟

جواب: اگر دائمی است و نشود آن را باز کرد جایز نیست.

۴۰: اگر مردی با همسر خود از دُبر نزدیکی کند چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه با رضایت زوجه بوده و در عادت ماهیانه نباشد جایز است، ولی کراهت شدیده دارد، در غیر این صورت حرام است.

۴۱: آیا استمناء با همسر و بالعکس جایز است؟

جواب: چنانچه حضوری و با دست یا بدن یکدیگر باشد جایز است.

۴۲: اگر زن و شوهری در اثر معاشقه بدون نزدیکی دچار انزال شوند، آیا حرام است؟

جواب: بین زن و شوهر اشکالی ندارد.

۴۳: در ایامی که همسر حیض است آیا دخول در دُبر جایز است؟

جواب: خیر، حرام است.

۴۴: آیا ملاعبه بدون نزدیکی با همسر در ایام حیض به نحوی که منی خارج شود حرام است؟

جواب: خیر، حرام نیست.

۴۵: آیا زن می‌تواند با دست خود برای شوهر استمنا کند؟

جواب: استمناء زوجین با دست و بدن یکدیگر جایز است، ولی استمناء هر کدام به دست خود جایز نیست.

۴۶: در شرائطی که برای انسان نه ازدواج دائم و نه موقت و نه صبر بر نفس امکان دارد، آیا می‌توان با استمناء دفع شهوت کرد؟

جواب: خیر، زیرا استمناء شرعاً حرام است و باعث ضعف اعصاب و امراض روحی و روانی می‌شود و بهترین علاج آن ازدواج است که باید با توکل به خدا و توسل به رسول و اهل بیت علیهم السلام اقدام بر ازدواج ساده و بی تشریفات نمود، گرچه ازدواج موقت باشد.

۴۷: در جامعهٔ امروز سن ازدواج خیلی بالا رفته و نوجوانان خیلی از عمل استمناء زجر می‌کشند، با توجه به این که روابط جنسی امری کاملاً طبیعی است و اگر نوجوان منی خود را از طریق استمناء بیرون نریزد این اتفاق در خواب رخ می‌دهد، چاره چیست؟ و همچنین حکم نوجوانانی که ندانسته به استمناء روی آوردند و نمی‌دانستند این کار حرام بوده و هنگامی متوجه شدند که به این کار به شدت عادت کرده بودند، چیست؟

جواب: بالا رفتن سن ازدواج ـ که یک بلای عمومی است ـ متأسفانه فراگیر شده و یکی از علت‌های مهم آن بالا رفتن انتظارات طرفین و تشریفات اضافی

است که در نتیجه آفات بسیاری دامنگیر افراد جامعه بالخصوص جوانان شده است، از جمله بیماری خطرناک استمناء که عواقب بسیار وخیمی بر جسم و روح و دنیا و آخرت انسان دارد و علاج آن ازدواج است ولو ازدواج موقت؛ لذا اسلام یکی از حقوق اولاد بر والدین را ازدواج، در هنگام بلوغ آنان معرفی فرموده است، بنابراین جوانانی که به سعادت خویش می‌اندیشند باید جداً از این کار زشت که دنیا و آخرت آنان را به باد می‌دهد خودداری کرده و اقدام به ازدواج بنمایند.

البته خارج شدن منی در خواب که آن را (احتلام) می‌نامند اشکال شرعی ندارد، امّا حکم استمناء حرمت است. امام صادق علیه السلام در حرمت استمناء و زشتی آن می‌فرمایند: «اگر بدانم شخصی این گناه را مرتکب می‌شود هرگز با او هم غذا نخواهم شد». لذا باید از گناه استمناء توبه نمود و تصمیم بر ترک آن گرفت و راه علاج آن را که ازدواج است فراهم کرده و خود را گرفتار ندامت و عذاب دنیا و آخرت ننمایند.

نفقه

۱: آیا نفقهٔ مادر بر عهدهٔ فرزند بزرگی است که ازدواج کرده یا بر عهدهٔ فرزند کوچک‌تر که هنوز ازدواج نکرده می‌باشد؟

جواب: هر کدام از آنها که متمکن باشد و بتواند نفقهٔ او را بدهد بر او واجب است.

۲: آیا برادر کوچک واجب النفقهٔ برادر بزرگ است یا نه؟

جواب: واجب نیست، بلکه مستحب است و ثواب دارد.

۳: بعد از بزرگ شدن برادر کوچک، آیا برادر بزرگ‌تر حق دارد که مخارج دوران کودکی را از برادرش طلب کند؟

جواب: در صورتی که به عنوان قرض و به اجازهٔ ولی شرعی به او داده است می‌تواند از او مطالبه کند، و الاّ خیر.

۴: آیا برادر کوچک می‌تواند هر مقدار پولی را که برای عروسی برادر بزرگ‌تر خرج کرده است پس بگیرد؟

جواب: اگر به عنوان قرض و با قبول برادر بزرگ‌تر باشد بلی، و الاّ خیر.

۵: مردی از دنیا می‌رود و وصیت می‌کند که بعد از مرگم یکی از اتاق‌های حیاط متعلق به همسرم و الباقی حیاط متعلق به پسرم باشد و در صورتی که همسرم میل به رفتن از حیاط را داشته باشد، پسرم یک میلیون و دویست هزار افغانی در عوض همان یک اتاق به او بدهد. اکنون با توجّه به تحولات ایجاد شده در افغانستان ارزش پول زمان فوت میّت و ارزش فعلی آن بسیار متفاوت است.

الف ـ آیا می‌بایست به ارزش آن موقع پول بدهد یا زمان فعلی؟

ب ـ زن میّت دارای فرزند نمی‌باشد، آیا نفقهٔ، زن متوفی به عهدهٔ وارث می‌باشد یا خیر؟

جواب: الف ـ باید به مقدار ارزش فعلی باشد، و بنابر احتیاط بر مقدار آن مصالحه کنند و تراضی نمایند.

ب ـ اگر زن غنی باشد بر عهدهٔ خود اوست و الاّ بر پدر یا پدر پدر یا مادر خود اوست و اگر هیچ کدام نبودند بر برادر و خواهر اوست، و در هر حال بر ورثه ـ در فرض سؤال ـ نفقه، واجب نمی‌باشد، واللّه العالم.

۶: خانمی خانهٔ شوهرش را ترک نموده و فرزند دو ساله‌اش را نیز با خود برداشته و بدون اجازهٔ شوهرش به خانهٔ مادرش می‌رود بعد از این ماجرا شوهر به خانهٔ مادر زنش رفته و از زنش می‌خواهد که به خانه و زندگی خود برگردد، اما زن در مقابل جواب منفی داده و از شوهرش درخواست طلاق می‌نماید و در ضمن مخارج خود و بچه‌اش را که در این

مدت در خانهٔ مادرش زندگی می‌کند از شوهرش می‌طلبد، آیا چنین زنی حق دارد درخواست نفقه نماید؟ و ایا این خانم می‌تواند بچه‌اش را پیش خودش نگه دارد و درخواست مخارج آن کودک را بنماید؟

جواب: اگر زن بدون عذر شرعی و بدون اجازهٔ شوهر خانه را ترک کند و برنگردد و تمکین ننماید حق مطالبهٔ نفقه را ندارد.

۷: من یک خانم ۲۸ساله هستم و ۸سال است که ازدواج کرده‌ام، اما شوهرم با وجود تمکّن مالی پول کافی در اختیار من نمی‌گذارد و من مجبور هستم برای برطرف کردن احتیاجات خودم و دو فرزندم به اجبار مخفیانه از جیب شوهرم پول بردارم، آیا حق چنین کاری را دارم یا خیر؟

جواب: اگر شوهر به اندازهٔ نفقهٔ واجبه به زوجه نمی‌دهد، زن می‌تواند مابقی نفقه و نه بیشتر را به عنوان تقاص از پول او بردارد.

۸: اگر شوهری تا حدّ اجاره کردن یک خانهٔ کوچک تمکن مالی داشته باشد و بدون رضایت زن، زنش را مجبور به زندگی در خانهٔ پدرش و همراه خانواده‌اش کند، در حالی که به زنش سخت بگذرد، آیا این مرد معصیت کرده است؟ و زن چه اقدام شرعی می‌تواند انجام دهد؟

جواب: مرد باید با زن خود ـ هم چنان که قرآن مجید فرموده است ـ معاشرت به معروف نماید و شایسته است زن نیز با مرد خود در زندگی مشترکشان گذشت و تفاهم داشته باشد.

روابط زن و مرد

۱: مدتی است که با یکی از خواهران دینی خود مکاتبهٔ اینترنتی دارم و من ایشان را به عنوان خواهر و ایشان مرا داداش خطاب می‌کند. مکاتبهٔ ما در مورد مسائل روزمرّه می‌باشد و پرسش از حال و اوضاع یکدیگر و بیشتر اوقات وارد بحث ولایت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام می‌شویم، آیا این رابطه شرعا اشکالی دارد یا خیر؟

جواب: صحبت در موضوعات دینی و اخلاقی جائز است، ولی باید به حدی نباشد که بین آن دو دوستی صدق کند، زیرا دوستی بین زن و مرد اجنبی حرام است، قرآن مجید می‌فرماید: ﴿**ولا متخذات اخدان**﴾ (النساء/۲۵) و نیز می‌فرماید: ﴿**ولا متخذي اخدان**﴾ (المائدة/۵) یعنی: زن با مرد اجنبی و مرد با زن اجنبی رابطهٔ دوستی نداشته باشند، گرچه دوستی کلامی باشد و امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «از دام‌های شیطان هم صحبت شدن مرد با زن نامحرم است» (المستدرک: ج۱۴، ص۲۷۳،ح۲) و از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است: «هنگامی که زن‌ها مسلمان می‌شدند از آنان بیعت می‌گرفتند که با مردان هم سخن نشوند مگر محرم آنان باشند» (همان مصدر، ح۱) لذا سزاوار است ترک شود.

۲: از نظر فقه شیعه معیار و میزان اختلاط زن و مرد بطور عموم (جوان و غیرجوان) تا چه حد و اندازه‌ای می‌باشد؟

جواب: فی نفسه اجتماع زن و مرد در صورتی که هر کدام مواظب شؤون اسلامی خود باشند و حرام دیگری در بین نباشد، اشکالی ندارد، واللّه العالم.

۳: این جانب دختری را به عنوان فرزندی قبول کرده‌ام، در چه صورتی می‌توانم با او محرم شوم با وجودی که پسری ندارم؟

جواب: در چند صورت می‌توانید با او محرم شوید:

۱ـ چنانچه مادر این دختر همسر نداشته باشد و شما با او ازدواج کرده و عمل زناشویی(دخول) را انجام بدهید.

۲ـ اگر پدر شما زنده باشد این دختر را به عقد او درآورید.

۳ـ اگر همسر دیگری دارید که شیرده باشد و سن این دختر هم کمتر از دو سال باشد و آن را به قدر رضاع شرعی شیر بدهد.

۴ـ اگر مادر یا خواهر شما در قید حیات باشد و شیرده باشد و این دختر را شیر بدهد، یا زن برادر شما.

حجاب

۱: آیا حجاب اسلامی در چادر مشکی متجلّی می‌باشد؟

جواب: حجاب اسلامی منحصر به چادر مشکی نیست، گرچه چادر مشکی بهترین پوشش است، زیرا اقتدا به شفیعه محشر حضرت زهرای اطهر و زینب کبری علیهما السلام می‌باشد.

۲: آیا حجاب اسلامی برای خانواده‌های مذهبی و روحانی متفاوت از دیگران می‌باشد؟

جواب: خیر، گرچه آنان باید الگوی حجاب برتر باشند.

۳: آیا پدر و مادر شوهر اجازهٔ اجباری نمودن چادر را برای عروس بعد و یا قبل از ازدواج دارند؟

جواب: حق ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر را دارند.

۴: حدود حجاب و آرایش در انظار عمومی چه مقدار است؟

جواب: بر زن واجب است موی سر و تمام بدن خود را از نامحرمان بپوشاند،

مگر صورت و دو دست تا مچ ـ به شرط عدم ظاهر شدن زینت، مثل طلاجات و... ـ و از آرایش کردن در مجامع عمومی امتناع ورزد، مگر این که آرایش خود را از نامحرمان بپوشاند.

۵: در صورتی که زنی از زیبایی برخوردار باشد و برداشتن ابرو نیز که طبیعتاً بر زیبایی او (و هر زن دیگر) می‌افزاید، آیا پوشاندن صورت و ابروهایش در حضور نامحرم واجب است یا خیر؟

جواب: اگر موجب فتنه و فساد باشد پوشاندن آن واجب است.

۶: اخیراً در غرب برخی خانم‌های مسلمان برای فرار از حجاب کلاه گیس به جای مقنعه و حجاب بر سر می‌گذارند، آیا استفاده از کلاه گیس به هر بهانه جایز است؟ اگر باعث جلب توجه نباشد چطور؟

جواب: کلاه گیس ـ در فرض سؤال ـ جای مقنعه و حجاب را نمی‌گیرد و اگر زینت باشد جایز نیست.

۷: لطفاً ترجمه و تفسیر آیه ۶۰ سورهٔ نور را توضیح فرمائید؟

جواب: این آیهٔ کریمه دربارهٔ زنان سالخورده یائسه است که در آنها رغبت به ازدواج نبوده و جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده‌اند، آنان به شرط این که زینت خود را نشان ندهند اجازه دارند لباسی را که معمولاً بر روی لباسهای دیگر می‌پوشند که تمام بدن را می‌پوشاند زمین بگذارند؛ یعنی آن روپوشی که اضافه بر همهٔ لباس‌های ساتر مو، سینه و برآمدگی بدن است را نپوشند.

۸: قرآن خواندن زن با صوت در مقابل مردان چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر است جلوی مردان نباشد، بلی اگر مصداق «خضوع در قول»

نباشد حرام نیست.

۹: زدن عطر در غرب متداول است چه برای زن و چه برای مرد، با توجه به این موضوع آیا زن مسلمان می‌تواند به خود عطر بزند و در محافل عمومی ظاهر شود؟

جواب: مادامی که موجب فته و فساد نباشد حرام نیست.

۱۰: آیا گناه بدحجابی یا پوشش نامناسب زن بر گردن شوهر است؟

جواب: گناه آن بر خود زن است، و بر شوهر واجب است همسر خود را امر به معروف و نهی از منکر کند.

۱۱: حکم نگاه کردن زن به مو و صورت مرد چیست؟

جواب: تعمد در نگاه نداشته باشد.

۱۲: در برخی از مکان‌های فرهنگی مثل دانشگاه‌ها، فرهنگسراها، کتابخانه‌ها و بعضی مکان‌های دیگر که مورد وثوق مردم می‌باشد، متأسفانه مشاهده شده است دختران و پسران با بی‌بندوباری‌هایی در این مکان‌ها حضور می‌یابند که شایسته چنین موقعیت‌هایی نمی‌باشد. لطفاً با ذکر رهنمودی اخلاقی به این گونه جوانان توصیه‌های لازم را بیان فرمائید، و نیز با توجّه به این که حاکمیت نظام ما اسلامی است و مسئوولین امور فرهنگی با وظایف مضاعف در این زمینه مواجهند چه توصیه‌ای به مسئولین محترم فرهنگی کشور دارید؟

جواب: اختلاط جوانان پسر و دختر با عدم رعایت شئون اسلامی، علاوه بر

اینکه سبب عذاب آخرت می‌شود، موجب مشکلات اجتماعی و فرهنگی نیز می-شود، به گونه‌ای که از لحاظ آسایش فکر و راحت وجدان، و سلامت روح و روان، و همچنین علم و دانش افراد را دچار مخاطره می‌کند، لذا بر همهٔ افراد دلسوز، چه خود جوانان و چه مسئولان لازم است سعی کنند محیط دانشگاه را محیط علم و دانش، آسایش فکر و وجدان، و آرامش روح و روان و وسیلهٔ کسب سرافرازی دنیا و بهشت آخرت قرار دهند، إن شاء الله تعالی.

۱۳: اگر خانم‌ها و دختران جوان مانتو یا روپوشی به تن کنند به نحوی که حجم بدن و برجستگی‌های آن از پشت لباس تشخیص داده شود و موجب نگاه یا ترکیز نگاه نامحرمان گردد، چه صورتی دارد؟

جواب: پوشش خانم‌ها باید موجب فساد جامعه نباشد.

۱۴: حکم پوشاندن صورت در حجاب اسلامی چیست؟

جواب: در صورتی که زینت در صورت نبوده و یا سبب فتنه و فساد نباشد واجب نیست.

۱۵: استعمال عطر و بوی خوش توسط خانم‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: عطر زدن خانم‌ها برای شوهر ثواب زیادی دارد، ولی برای بیرون رفتن مکروه است، مادامی که سبب فتنه و فساد نباشد، و إلاّ حرام است.

۱۶: آیا دست دادن با زنان اهل کتاب بی لذّت اشکال دارد؟

جواب: دست دادن مرد با زن نامحرم اگر چه اهل کتاب یا کافر باشد و با

قصد لذت هم نباشد جائز نیست.

۱۷: نمایان بودن روی پا و کف و پاشنهٔ پا برای زن‌ها چه صورتی دارد؟

جواب: جایز نیست، بلکه باید آن را بپوشاند، مگر در نماز در صورتی که نامحرم در آنجا نباشد.

۱۸: خانمی بدون توجّه به نهی شوهرش هنگام خروج از خانه از مواد معطر ـ مانند عطر و ادکلن ـ استفاده می‌کند، وظیفهٔ شوهر او چیست؟

جواب: وظیفهٔ شوهر نصیحت او با زبان خوش و ملایمت است، و متذکر شدن او به روایات اهل بیت علیهم السلام مانند این روایت که: «اگر زن خود را معطّر کند و از خانه بیرون رود، مورد لعنت همهٔ ملائکه واقع می‌شود.» ان شاء الله مؤثّر خواهد بود.

۱۹: «جلابیب» که در قرآن آمده یعنی چه؟ لطفاً آیه‌ای از قرآن کریم بیاورید که اثبات کند حجاب اصلی چیست و آیا مراد چادر است؟ برخی می‌گویند مانتو هم حجاب زن را کفایت می‌کند؟

جواب: بر زن واجب است موی سر و تمام بدن خود را بپوشاند، مگر صورت و دست تا مچ و بهترین حجاب چادر است، و ازآیهٔ ۵۹ سورهٔ احزاب: ﴿**یا ایها النبي قل لأزواجك وبناتك ونساء المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن**﴾، استفاده می‌شود که جلباب چیزی شبیه به چادر در این زمان بوده که سر و تمام بدن را می‌پوشاند.

رقص

۱: لطفاً بفرمائید حکم رقصیدن مرد برای مرد در مجلس عروسی یا غیر عروسی چیست؟

جواب: رقصیدن مطلقاً جائز نیست، مگر رقص زوجین برای یکدیگر و در تنهائی.

۲: لطفا بفرمائید حکم رقص زن برای زن در مجلس عروسی یا غیر عروسی چیست؟

جواب: رقص مطلقاً حرام است، مگر زن برای شوهر خود در تنهایی و بالعکس.

۳: بردن بچهٔ خردسال در مجلس عروسی که در آن رقص و موسیقی مطرب وجود دارد از نظر شما چه حکمی دارد؟

جواب: از آنچه که موجب در فساد قرار گرفتن و انحراف اخلاقی فرزند است اجتناب شود.

۴: آیا دف، موسیقی و یا نوار ترانه در مجالس عروسی با رقص یا بی رقص حرام است؟

جواب: بلی، حرام است.

مسائل متفرقه ازدواج

۱: جوانی هستم که در پی مشکل بسیار جزیی که در سن ۲۵ سالگی پیدا کردم مجبور به انجام آزمایشاتی شدم که بعد از رفع مشکل، پزشک معالج به من گفت که احتمالاً نمی‌توانید بچه‌دار شوید. در مدت ۱۱ سال مشغول مداوا بودم که متأسّفانه به نتیجه نرسید، و الآن شدیداً احساس نیاز به یک مونس و همدم دارم و از گناه می‌ترسم، لطفاً بفرمائید با این شرایط باید چه کنم؟

جواب: شما می‌توانید ازدواج کنید و مجرد احتمال پزشک دلیل نمی‌شود که شما بچه‌دار نشوید، خدا را حاضر وناظر دانسته و همیشه از او کمک و یاری طلبیده و بر تلاوت قرآن مجید و ادعیه مواظبت نمائید.

۲: خانمی که خودش می‌داند در عدّه هست ـ و اگر عقد شود حرمت ابدی دارد ـ خواستگار دارد و پدر و مادر او می‌خواهند خانم را به ازدواج درآورند، خانم می‌ترسد اگر قبول نکند مشکل برایش درست شود، آیا وی

می‌تواند به ظاهر قبول کند، ولی باطناً راضی نباشد، و خود را در اختیار زوج نگذارد؛ و وقتی عدّه او تمام شد، به زوج بگوید: من از جبر پدر و مادرم بله گفتم، و عقدم باطل است، و از نو عقد بخوانند؟

جواب: اگر آنچه در سؤال ذکر شده واقعاً چنین باشد، برای این خانم عقد باطل است و موجب حرمت نمی‌شود، و باید مجدداً عقد کنند، والله العالم.

۳: زنی که شوهر دارد ولی برای خرید و فروش خودش به بازار می‌رود، آیا این کار او جایز است یا نه؟

جواب: اگر با اذن شوهر، و با حجاب کامل باشد اشکالی ندارد.

۴: دختری با فردی از اهل تسنن که با اهلبیت دشمنی می‌کند ازدواج کرده، آیا لازم است که طلاق بگیرد یا نه؟ (البته در وقت عقد این را نمی دانسته است و فعلاً سه اولاد دارند.)

جواب: سعی کند او را هدایت نماید، و اگر امید به هدایت او نباشد و دشمنی دارد، از او طلاق گرفته و جدا شود، والله العالم.

۵: آیا زن شیعه مذهب می‌تواند با مرد سُنّی مذهب ازدواج نماید؟

جواب: اگر بتواند عقیدهٔ خود را حفظ کند و انحراف مذهبی شوهر، او را منحرف ننماید، اشکال ندارد ـ علی الاظهر ـ وسعی در هدایت او به مذهب حق: مذهب اهل بیت نماید، و إلاّ اقرب عدم جواز است.

۶: اگر پسری با دختری زنا کند، آیا این پسر فاعل می‌تواند خواهر آن دختر مزنی علیها را برای خود عقد نماید یا خیر؟

جواب: اشکالی ندارد.

۷: از نظر شرعی اگر غیر سیّد (شیعه) با زن سیّده ازدواج کرد، چه حکمی دارد؟

جواب: از نظر شرع اشکالی ندارد، مگر اینکه محذور دیگری در بین باشد.

۸: زنی از اهل سنّت که هنوز طلاق شرعی او را بر طبق عقائد سنّی نداده-اند در این مدّت با مرد دیگری زناشوئی کرده، حال این خانم و مرد دوّم به مذهب شیعه گرویده‌اند، و بر طبق احکام شیعی نکاح خواندند، آیا این نکاح جدید شرعی است و اگر صحیح نباشد وظیفهٔ آنها چیست و فرزندی که از آنها متولد شده متعلق به کیست؟

جواب: این نکاح صحیح نیست وباید از هم جدا شوند، و این فرزند شبهه است در صورتی که طرفین جاهل به حکم باشند و فرزند شبهه در احکام مانند فرزند حلال است؛ و چنانچه از شوهر اولی کُلاً جدا بوده و با شوهر دوّم زندگی می‌کند ملحق به شوهر دوّمی می‌باشد.

۹: ازدواج دائم یا موقت با زنان اهل کتاب چه حکمی دارد؟

جواب: جایز است، علی الاقرب، بلی چنانچه مرد، زن مسلمان داشته باشد اذن او شرط صحت عقد است، مگر در عقد موقتی که مدّت آن بسیار کوتاه باشد که اذن لازم ندارد.

۱۰: آیا خواهر زن، از محارم انسان به حساب می‌آید و می‌توان صورت و یا دست او را بوسید؟

جواب: خیر، محرم نیست و تمام احکام نامحرم، از جمله وجوب حجاب و عدم جواز مصافحه و امثال آن را دارد.

۱۱: آیا شیربها که پدران دختران از داماد می‌گیرند شرعاً حلال است یا حرام؟

جواب: اگر با رضایت داماد باشد، اشکالی ندارد و الاّ حرام است.

۱۲: مهریهٔ زنان که مثلاً ۵۰ سال قبل تعیین شده است، آیا بر مرد لازم است که براساس ارزش پول جدید حساب کند و یا پرداخت همان مهر معین ۵۰ سال قبل کافی است؟

جواب: براساس ارزش پول در آن وقت و متوسط قوّه خرید آن محاسبه می‌شود، بنابر اظهر، وخوب است برمقدار آن مصالحه گردد.

۱۳: دختران (باکره) از اینکه نمی‌توانند پسر مورد علاقهٔ خود را انتخاب کنند، ناراضی هستند، حال اگر دختری از پسری هم کفو عرفاً و شرعاً، درخواست ازدواج کند (به شرط آنکه مرتکب کار خلاف شرع و حرام نشوند) و پسر به خواستگاری دختر بیاید، آیا این کار خلاف شرع است؟

جواب: خیر، خلاف شرع نیست.

۱۴: آیا تحقیق کردن دربارهٔ هر یک از زوجین از هر کسی جایز است، اگر چه مستلزم یافتن عیوبی از او یا خانوادهٔ وی باشد؟ (مشروط به آنکه این تحقیق مستلزم حرام نباشد.)

جواب: در حدود ازدواج جایز است.

۱۵: شخصی که به واسطهٔ نداشتن همسر گرفتار گناه و حرام می‌شود، آیا واجب است که ازدواج دائم کند؟ و چنانچه نتواند ازدواج دائم کند، آیا باید

ازدواج موقت (متعه) کند؟

جواب: بلی، در هر دو صورت ـ در فرض سؤال ـ و در صورت امکان واجب است.

۱۶: دختر (باکره) و پسر برای آشنایی بیشتر با یکدیگر برای ازدواج دائم، به شرط آنکه اصلاً همدیگر را لمس نکنند و فقط محرم باشند، آیا این دختر می‌تواند بدون اجازه پدر ازدواج موقت کند؟ و چنانچه اجازه گرفته شود ولی پدر مخالفت ورزد، تکلیف چیست؟

جواب: اجازهٔ ولیّ دختر برای ازدواج دختر باکره بنابر احتیاط واجب لازم است.

۱۷: اینجانب دختری را به عقد دائمی پسرم درآوردم و با وجود خرج و مخارجی که برای عروس نمودم، عروسم مدت ۶ روز بیشتر در منزل پسرم با او زندگی نکرده و پدر و مادر وی دختر خود را به منزل دعوت کردند و طلاجات و لوازمات را با خود از منزل خارج نموده است و از آن تاریخ تا به حال در منزل پدرش بوده است. آیا به این دختر مهریه‌ای تعلق می‌گیرد؟ آیا می‌توانم مخارج بسیاری را که برای او کرده‌ام، پس بگیرم؟

جواب: مهریّهٔ زوجه ـ در فرض سؤال ـ چنانچه دخول شده باشد، کاملاً به ذمّهٔ زوج است. و هزینه‌های عروسی را نمی‌توان مطالبه کرد.

۱۸: در برخی اظهار نظرها اعلام می‌شود که منی مرد فواید بهداشتی برای زنان دارد، با توجه به این موضوع آیا خوردن منی توسط زن اشکال شرعی

دارد یا خیر؟

جواب: منی نجس است و خوردنش حرام است.

۱۹: آیا عمل زناشویی از طریق دبر جایز است؟

جواب: در صورتی که با رضایت خود زن بوده و در حالت حیض نباشد، شدیداً مکروه است و الا جایز نیست.

۲۰: از دیرباز مطالبی در مورد صیغهٔ برادری یا صیغهٔ برادری خواهری شنیده می‌شود، آیا شرعا چنین صیغه‌هایی وجود دارد؟ و اگر جواب مثبت است این صیغه‌ها حق و حقوقی ایجاد می‌کند یا نه؟

جواب: عقد اخوّت، فقط برادری است و نه برادری خواهری. و مرحوم علاّمه حاج میرزا حسین نوری (ره) در این باره فرموده: سزاوار است در روز غدیر انجام شود، ولی احکام محرمیّت (مثل اینکه این دو با خواهران یکدیگر نیز محرم شوند) و سائر احکام شرعی بر آن بار نمی‌شود.

۲۱: آیا زنی که شیرده است می‌تواند به برادر تنی شیرخوار خود، شیر خودش را بدهد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۲۲: آیا مرد می‌تواند از سینهٔ همسر خودش شیر بنوشد؟ و آیا این شیر نوشیدن باعث ایجاد محرمیت رضاعی بین زن و شوهر نمی‌شود؟

جواب: اشکالی ندارد.

۲۳: در غرب، بعضی از مسلمانان دنبال فراگیری احکام خود

نیستند، و روحانی هم خیلی نادر است، و چون روحانی هستم و مسائل شرعی را بیان می‌کنم لذا این گونه مسائل به من مراجعه می‌شود، از جمله: افراد طلاق عرفی در محاکم قانونی را قبول دارند و به نظرشان نمی‌آید که نیاز به طلاق شرعی هم هست، لذا پس از طلاق عرفی اقدام به ازدواج مجدد می‌کنند، حال خانمی که طلاق عرفی گرفته و با شخصی ازدواج عرفی کرده و اکنون بچه‌دار است وحال پس از فهمیدن حرمت، آیا نکاح شبهه است و می‌تواند متارکه کرده از اولی عده بگیرد و دوباره با دومی ازدواج کند؟

جواب: نکاح شبهه است، و باید فوراً از هم جدا گردند، و دیگر نمی‌تواند با دومی ازدواج کند ولی می‌تواند بعد از استبراء به اوّلی برگردد، و فرقی از این جهت بین عقد شرعی و عرفی نیست.

۲۴: آیا زنای با زن شوهردار حرمت ابدی دارد؟

جواب: زن بر شوهر خود حرام نمی‌شود، ولی بر زانی بنابر احتیاط واجب حرمت ابدی پیدا می‌کند.

۲۵: آیا جایز است مرد ترشحات فرج همسرش را بخورد و یا زن نسبت به شوهرش در غیر منی این کار را انجام دهد؟

جواب: خیر، این ترشحات از خبائث است و برای هیچ یک از آنان جایز نیست.

۲۶: شخصی به دختر برادر خود ـ والعیاذ بالله ـ تجاوز کرده و بعد آن دختر را برای پسرش عقد کرده، و بعد از عقد هم طبق ادعای دختر باز هم تجاوز می‌کرده، بعد دختر فرار کرده و یک جوان دیگر او را عقد کرده و

نزدیکی نموده است. حال آیا این دختر برای پسری که اخیراً او را عقد کرده حرام است یا حلال؟

جواب: اگر شخصی با دختری زنا کند، آن دختر بر پسر آن مرد حرام می‌شود، و در فرض سؤال عقد دوّمی صحیح است، والله العالم.

۲۷: آیا جلوگیری از بارداری و بچه‌دار شدن با روش‌های معمول امروزی جایز است یا خیر؟

جواب: قرآن می‌فرماید رزق و روزی انسان و فرزندان او بر عهده خدا است، البته جلوگیری موقّت و نه دائم، جایز است.

۲۸: نکاح با زن اسماعیلیه چه حکمی دارد؟ و آیا پیروان فرقه اسماعیلیه محکوم به طهارت هستند و ذبیحهٔ آنان حلال است یا نه؟

جواب: اسماعیلیه مسلمان هستند و احکام اسلام بر آنان جاری است، والله العالم.

۲۹: شخصی که عقیم است آیا می‌شود از اسپرم شخص دیگر به رحم همسرش تلقیح کرد؟ آیا این کار در حکم زنا است؟ و چنانچه این زن از همسرش طلاق بگیرد عده دارد یاخیر؟ اگر در عقد شخصی دیگر در آید و از اسپرم آن شخص تزریقاً به رحمش وارد کنند بعد از انقضاء مدت یا هبهٔ مدت چنانچه متعه باشد و طلاق چنانچه عقد دائم باشد باز هم عدّه دارد یا خیر؟

جواب: این کار حرام است ولی حکم زنا را ندارد و اگر از همسرش طلاق بگیرد و زن دیگری شود و از اسپرم این شوهر به او تزریق کنند، پدر فرزند،

صاحب اسپرم است ـ علی الاظهر ـ نه شوهر اول و عدّه هم دارد، علی الاحوط.

۳۰: آیا ازدواج دائم برای مرد متأهل نیاز به شاهد دارد؟

جواب: در ازدواج دائم مستحب است حداقل دو شاهد باشد، و ازدواج علنی و آشکار باشد و اطعام و مهمانی نمایند، البته واجب نیست و بدون اینها نیز ازدواج صحیح است.

۳۱: خواهشمند است نظر مبارک را در مورد استفادهٔ زوجهٔ باکره از حق حبس در موارد زیر مرقوم فرمائید:

الف ـ زوج معسر از پرداخت یک‌جای مهریه است و به حکم دادگاه، مهریه را به اقساط می‌پردازد، آیا با پرداخت چند قسط از مهریه، می‌تواند از زوجه تمکین خاص بخواهد؟

ب ـ در مورد تمکین عام (مثل زندگی با زوج در مکانی که او تعیین می‌کند یا سایر استمتاعات از همسر) تکلیف زوجه در قبال زوج چیست؟

ج ـ با استنکاف زوجه از تمکین عام یا خاص، مستحق نفقه است؟

جواب: الف ـ در فرض سؤال که زوجه باکره است و دخولی صورت نگرفته، زوجه حق دارد تمکین نکند تا تمام مهر مُعجّل (حاضر) ـ نه مؤجّل (غایب) ـ خود را دریافت کند. مگر این که در عقد نکاح شرط دیگری شود، ولو اینکه شرط ارتکازی باشد.

ب ـ چنانچه ضمن عقد شرط شده که تعیین مکان با زوجه است، زوج با رضایت زوجه تعیین مکان می‌کند، و اگر چنین شرطی نباشد زوجه تابع زوج است.

ج ـ استحقاق نفقه فقط با تمکین خاص می‌باشد.

۳۲: خانمی است مدّت یک سال و سه ماه شوهر نموده و بعد از این که با شوهر هم بستر شده متوجه شده که آلت وی از حد معمول کوتاه‌تر است، و علاوه بر آن تحرک مردی و اسپرم کافی هم ندارد و دکتر نظریه داده که او نطفه‌ای که تولید فرزند نماید ندارد. حال با توجه به این سه نقصی که شوهر دارد و هر سه عیب را دکتر هم تأیید نموده آیا زن می‌تواند خود را مطلقه نماید؟ و اگر می‌تواند آیا مصارف وطلایی که شوهر تهیه نموده می‌تواند پس بگیرد یا خیر؟ اگر شوهر حاضر به طلاق دادن نشود وظیفه چیست؟

جواب: اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر مرضی دارد که به هیچ وجه نمی‌تواند دخول نماید، این زن می‌تواند عقد را بهم بزند، و چنانچه چیزی را تهیه نموده و هنوز باقی مانده است مانند طلا و غیره و به زن خود نبخشیده است، این مرد می‌تواند آن را پس بگیرد، والله العالم.

۳۳: آیا جایز است مردی که دارای زن و فرزند می‌باشد برای امر دیگری به غیر از تأمین معاش خانواده‌اش و بدون رضایت زن، تا نیمه‌های شب با دوستان خود اوقات خود را صرف بکند در حالی که زن و فرزندش به او نیاز دارند؟

جواب: معاشرت به معروف اقتضا دارد که مرد بعد از پایان شغلش منزل باشد، و کنار زن و فرزندش به سر ببرد.

۳۴: آیا می‌توان دختر را به ازدواج مرد شراب‌خوار درآورد یا نه، در حالی که امید می‌رود توبه کند؟

جواب: مکروه است، و چنانچه با درایت و رضایت خود دختر باشد مانعی ندارد، البته خوب است بعد از مسلّم شدن توبه او باشد.

۳۵: آیا شوهر می‌تواند بدون رضایت همسر اوّل، همسر دیگری را اختیار کند؟ و آیا رضایت همسر اول شرط است؟ واگر با اصرار شوهر برای ازدواج مجدّد در خانواده اختلاف پیش آید تکلیف چیست؟

جواب: استجازه برای ازدواج مجدّد لازم نیست، اما بر شوهر واجب است با زوجه اوّل معاشرت به معروف را حفظ کند، و بر همهٔ اطراف لازم است از اختلاف در خانواده اکیداً دوری کنند، زیرا موجب مشکلات دنیوی و پشیمانی در آخرت خواهد بود.

۳۶: زن و شوهری که بچه‌دار نمی‌شدند، پسر بچه یتیمی را بعنوان فرزند خوانده بزرگ کردند، و الآن یازده سال سن دارد، و زن می‌خواهد مَحْرم این پسر شود و یک مادر پیر دارد، آیا عقد این پیره‌زن برای این پسر و نزدیکی کردن، محرمیت دخترش را برای این پسر در بر دارد یا خیر؟

جواب: خیر، مگر اینکه پسر به سن تکلیف برسد.

۳۷: همسر برادرم دوست دارد آنچه مربوط به عروسی و زندگی اوست بهترین باشد. برادرم هم إبائی از خرج کردن برای همسر متدینش ندارد، اما دل نگران است که تا چه حد می‌تواند برای خود و همسرش در زندگی بسط و گشایش دهد. در حالی که روایاتی در بحث اسراف داریم و روایاتی در تایید گشایش شوهر بر عیالش؟

جواب: بسط و گشایش بر افراد خانواده مستحب است تا وقتی که به حد اسراف نرسد، یعنی نزد عامّهٔ مردم اسراف نباشد.

۳۸: اگر مرد تازه دامادی احساس کند که چنانچه منزلی برای یک زندگی مشترک اجاره نماید مشکلاتی برایش ایجاد شود، آیا در این موقعیّت

باید به حرف همسر خود و اصرار او مبنی بر زندگی جدا و بدون حضور پدر شوهر و مادر شوهر توجه کند و یا اینکه خود باید تصمیم بگیرد؟

جواب: مرد نباید مستبد به رأی خود باشد، و همچنین زن، و این گونه مسائل را با تفاهم و اخلاق حسنه حل نمایند، و ملاحظهٔ حال یکدیگر را بنمایند.

۳۹: اگر همسرم از من خواسته‌هایی داشته باشد که من گمان کنم اسراف است ولی به جهت استحکام زندگیم و عدم ایجاد مشکل در ابتدای زندگی (ضمن امر به معروف) انجام دهم، شرعا مسئولم یا خیر؟

جواب: خواسته‌های مشروع را خوب است به اندازهٔ توان و دور از اسراف انجام داد.

۴۰: دختر و پسری را به جهت حفظ آن دو از شرایط خاص منطقه که خطر آدم ربایی و ناموسی وجود داشت به عقد یکدیگر در آوردند، حال پسر می‌گوید من به این عقد راضی نیستم، لطفاً بفرمائید عقد آن دو چگونه است؟

جواب: در صحت عقد، رضایت پسر و دختر لازم است و چنانچه بعد از عقد راضی شوند عقد صحیح است.

۴۱: اگر دختر مضطر به ازدواج باشد و پدر به جهت افکار بیهوده او را شوهر ندهد، آیا دختر حق ندارد بدون اذن پدر ازدواج نماید؟

جواب: در فرض سؤال، چنانچه شوهر کفو دختر باشد، اجازهٔ پدر و یا جدّ پدری لازم نیست.

۴۲: اگر دختر باکره با کفو شرعی عقد موقت نماید، آیا اذن پدر لازم

است یاخیر؟

جواب: بلی، اذن پدر لازم است بنابر احتیاط واجب.

۴۳: آیا زن می‌تواند در ضمن عقد شرط کند که شوهر بر او ولایت نداشته باشد؟

جواب: در غیر احکام شرعیه، یعنی: در قسمت حقوق زوجین، زن می‌تواند در ضمن عقد شرط کند که شوهر بر او حقی نداشته باشد.

۴۴: اگر زن به دکتر مرد مراجعه کرد، آیا بر دکتر لازم است سؤال کند که زن در جستجوی دکتر زن بر آمده یا نه و یا برعکس؟

جواب: خیر، لازم نیست، والله العالم.

۴۵: آیا بر دختر واجب است که برای ازدواجش جهیزیه بدهد؟

جواب: خیر، واجب نیست.

۴۶: آیا این رسم (جهیزیه دادن دختر برای ازدواج)، سنّتی الهی و نبوی است؟

جواب: خیر، بلکه سنّت در پرداخت زوج، مَهر و صداق زوجه خود و تهیّه نمودن جهیزیّه با آن توسط نزدیکان زوجه است، همچنان که روایات، این مطلب را در ازدواج مبارک امیر مؤمنان با حضرت زهراعلیهاالسلام متذکر شده است.

۴۷: دختری که می‌خواهد ازدواج کند، چنانچه خواهر مجرد بزرگتر از خود داشته باشد، آیا نمی‌تواند ازدواج کند؟

جواب: ازدواج در فرض سؤال مانعی ندارد.

۴۸: آیاحضور برادر، در مراسم ازدواج و عقد خواهرش جایز نیست؟ (در برخی از مناطق چنین رسمی وجود دارد.)

جواب: جایز است.

۴۹: دختر (باکره) و پسری که قصد ازدواج «دائم یا موقت» با یکدیگر را دارند، در محیطی کاملاً باز که افراد بالغ و عاقل نیز در آن محیط حضور دارند و آنها را مشاهده می‌کنند، با رعایت متانت و وقار برای آگاهی از خصوصیات اخلاقی و شرایط و تحقیق مستقیم از یکدیگر گفتگو می‌کنند، آیا جایز است با یکدیگر صحبت کنند؟

جواب: جایز است در فرض سؤال.

۵۰: آیا نگاه کردن دختر و پسر به یکدیگر، به وجه و کفین (و مقدار کمی از موی دختر)، که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند جایز است؟

جواب: با شرایط زیر جایز است:

الف ـ نگاه به قصد لذّت و ریبه نباشد.

ب ـ بداند که مانع شرعی از ازدواج با او نیست و احتمال هم بدهد که زن ازدواج را قبول کند.

ج ـ ازدواج متوقف بر این نگاه باشد.

۵۱: آیا رضایت دختر باکره برای ازدواج دائم و موقت شرط است؟ اگر دختر باکره با اجبار پدر یا جد پدری یا خانواده‌اش به عقد دائم یا موقت کسی در آید (بدون رضایت دختر)، آیا ازدواج صحیح است؟

جواب: رضایت دختر در ازدواج دائم و موقت شرط است و صحت عقد متوقف بر آن است.

۵۲: اهل کتاب چه کسانی هستند؟ و آیا پسر مسلمان می‌تواند با دختری از اهل کتاب ازدواج موقت (متعه) کند؟

جواب: به یهودی و مسیحی و زردشتی اهل کتاب گفته می‌شود، و چنانچه مرد مسلمان با زن اهل کتاب ازدواج موقت کند صحیح است، بلکه حتی (دائم) علی الاظهر.

۵۳: آیا دختر مسلمان می‌تواند با پسری از اهل کتاب ازدواج موقت کند؟

جواب: ازدواج دختر مسلمان با آنان جایز نیست، چه ازدواج دائم باشد و چه موقت.

۵۴: در غرب استفاده از آلات تناسلی پلاستیکی بسیار فراوان است ـ چه برای مرد و چه برای زن ـ آیا یک مسلمان می‌تواند برای اینکه با همسرش به اوج لذت جنسی بیشتری برسد از آن استفاده نماید؟ و آیا این استفاده باعث جنابت برای زن می‌شود یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، چنانچه استفادهٔ از آن تنها جهت آمادگی برای آمیزش زوجین باشد بدون استمناء، باعث جنابت نمی‌شود و اشکال هم ندارد، ولی در فرض خروج منی باعث جنابت شده وحرام نیز می‌باشد.

۵۵: دو تا فامیل با یکدیگر ازدواج نمودند در حالی که هر دو بالغ بودندو بعد اختلاف کردند، و بین خواهر یکی با برادر دیگری عقد خوانده شده در حالی که هر دو نابالغ بودند. وقتی که بالغ شدند هر دو یکدیگر را

نمی‌خواهند، مخفی نماند که فقط عقد شده و دخول انجام نشده است، حال سؤال این است:

الف ـ آیا عقد زوجین دوّمی عقد فضولی تصور می‌شود یا خیر؟

ب ـ آیا این عقد بعد از بلوغ طرفین و عدم رضایت طرفین فسخ می‌شود یا احتیاج به طلاق دارد؟

ج ـ آیا طلاق گرفتن لازم است و بالفرض اگر زوج طلاق ندهد چاره‌اش چیست؟

جواب: الف ـ چنانچه پدر یا جد پدری برای فرزند صغیر خود، زوجه‌ای عقد کرده است، عقد فضولی نیست.

ب ـ اگر این عقد دارای مفسده نباشد، بعد از بلوغ حق فسخ ندارند، بله اگر مفسده در آن باشد هنگام بلوغ حق فسخ دارند.

ج ـ در صورت مفسده داشتن فسخ کافی است و الا احتیاج به طلاق دارد و چنانچه زوج طلاق ندهد، زوجه می‌تواند به حاکم شرع ترافع کند، و از حاکم شرع اذن طلاق بگیرد، والله العالم.

۵۶: دختران جوان بدون توافق پدرانشان همراه مردی از خانهٔ پدر فرار می‌کنند، در حالی که پدرانشان قلباً راضی به عقد نمی‌شدند تا اینکه پول زیادی به آنها داده می‌شود و زباناً به عقد راضی می‌شوند. آیا فرار این دختران بدون اجازهٔ پدر جایز است؟ و احیاناً قبل از توافق ظاهری عقدی که جاری می‌شود صحیح است یا خیر؟

جواب: فرار کردن یک گناه است، و همراه شدن با مرد اجنبی گناه دیگری است، لذا باید دختران از این‌کار جداً بپرهیزند، و پدران هم باید سخت گیری نکنند، و این عقد در فرض سؤال، چنانچه پدران بعداً راضی شوند، اشکالی ندارد.

۵۷: معمولاً رسم بر این است که هر گاه دختر و پسری بخواهند با هم ازدواج کنند بعد از جاری شدن صیغهٔ عقد مدتی در عقد سپری می‌کنند، ولی دختر و پسر هر کدام در خانهٔ پدری خود هستند،و پسر هم نمی‌تواند تمتعی قبل از عروسی داشته باشد، آیا با توجه به بیان مذکور شرعاً نفقهٔ دختر بر عهدهٔ پسر می‌باشد؟

جواب: در فرض سؤال، نفقهٔ دختر بر عهدهٔ شوهر نیست.

۵۸: آیا حمل از زنا مانع عقد می‌شود یا نه؟

جواب: خیر مانع نمی‌شود.

۵۹: آیا مهریهٔ غائبی که برای زن‌ها قرار می‌دهند، بعد از چهل یا پنجاه سال باز هم همان مبلغ می‌باشد و یا باید به قیمت و ارزش روز پرداخت شود؟

جواب: به قیمت و ارزش روز است، گرچه احتیاط در مصالحه است.

۶۰: اگر مرد، زن خود را طلاق بدهد و این زن بعد از تمام شدن عده‌اش شوهر دوم اختیار نماید و از این شوهر دوم دختر بدنیا بیاورد، این دختر برای شوهر اول که از او طلاق گرفته محرم است یا نه؟

جواب: در فرض سؤال، دختر نسبت به شوهر اول ربیبهٔ او بوده و محرم است.

۶۱: دختری که به پسری خیلی علاقه دارد و پدر این دختر با ازدواج کردن دختر با آن پسر راضی نمی‌شود، ولی نهایتاً این دختر بدون اجازهٔ پدر با این پسر عقد می‌کند، آیا عقد آنها صحیح است؟

جواب: در فرض سؤال، اگر پسر هم شأن و کفو دختر باشد، در این حال

اجازهٔ پدر لازم نیست و عقد صحیح است، ولی اگر پدر اجازهٔ ازدواج می‌دهد اما این مورد را کفو دختر نمی‌بیند، در این صورت بنابر احتیاط واجب باید اجازهٔ او را تحصیل نمایند، و اگر بعد از عقد هم باشد صحیح است.

۶۲: اگر زن شوهرداری به دلیل مسافرت یا دلایل دیگری برای مدت طولانی از شوهرش جدا باشد، آیا می‌تواند با شخص دیگری غیر شوهر هم بستر گردد یا خیر؟ و اگر احتمال به گناه افتادن زن وجود داشته باشد چه می‌توان کرد؟

جواب: خیر، نمی‌تواند و اگر چنین کاری بکند ـ والعیاذبالله ـ بر زانی حرام ابدی خواهد شد، علاوه بر آنکه این کار فقر و پریشانی دنیا و عذاب و رسوائی آخرت را در پی دارد. و چاره این است که اگر با شوهر نمی‌تواند معاشرت کند شوهر او را طلاق دهد و بعد از عدّه ازدواج کند.

۶۳: نظر شما دربارهٔ لقاح نطفه چیست؟

جواب: لقاح بین نطفهٔ زن و شوهر جائز و طفل، فرزند شرعی آنان است، و امّا غیر از زن و شوهر حرام است.

۶۴: اگر کسی در سن ۱۸ سالگی با پسری که در سن ۱۵ سالگی است لواط کند ولی دخول نکند، آیا می‌تواند با خواهر او ازدواج کند در حالی که توبه کرده که دیگر تکرار نکند؟

جواب: در فرض سؤال که دخول نشده می‌تواند با خواهر او ازدواج نماید.

۶۵: اگر همسر به مادر شوهر جسارت کرد، وظیفهٔ مرد چیست؟

جواب: باید زن را قانع کرد که احترام بزرگترها علاوه بر اجر و ثواب،

احترام خود است و جسارت به آنان علاوه بر گناه و عقاب، هتک خود محسوب می‌شود و دیگر آن که احترام بزرگتران نشانهٔ ادب و با فرهنگ بودن انسان است، البته مرد باید دل مادر را بدست آورد و زن را هم راضی کند که ناراحتی را جبران نماید.

۶۶: نظرتان را دربارهٔ دیدن فیلم‌های سکسی برای آموزش زن و شوهر با هم، بیان فرمایید؟

جواب: جایز نیست.

۶۷: آیا زن می‌تواند به تمام بدن مرد محرم خود نگاه کند یا نه؟

جواب: بلی، می‌تواند بدون قصد لذت در غیر عورت نگاه کند.

۶۸: نگاه زنان به بدن نامحرمان بدون لذّت جایز است یا خیر؟

جواب: بدون ضرورت نگاه نکنند.

۶۹: نگاه کردن زنان به شرمگاه همدیگر جایز است یا نه؟

جواب: خیر، جایز نیست.

۷۰: نگاه کردن زن به عکس یا فیلم زنان و مردان برهنه و عریان جایز است یا خیر؟

جواب: جایز نیست.

۷۱: اگر زن بگوید یائسه‌ام و یا شوهر ندارم سخنش مورد قبول است یا نه؟

جواب: قولش مورد قبول است مگر اینکه متهم به کذب باشد.

۷۲: پسر و دختری با مراجعهٔ به یک روحانی از او می‌خواهند تا صیغهٔ عقد آن دو را جاری کند و بدون حصول یقین از جاری شدن صیغهٔ عقد زندگی خود را آغاز می‌کنند و پس از ده سال شک می‌کنند که آیا آقای روحانی آن زمان صیغه را جاری نموده یا نه و لذا دوباره عقد جدیدی را جاری می‌کنند، تقاضامندیم حکم این مسئله را بیان فرمائید؟

جواب: اگر در آن زمان غفلت داشتند، شکشان در این زمان اعتبار ندارد، ولی احتیاط استحبابی در تکرار عقد جدید است.

۷۳: رفت و آمد با مردی که با زن شوهردار غیر مطلّقه ازدواج نموده و از او هم چند فرزند دارد چه صورتی دارد؟

جواب: باید او را از این منکر بزرگ نهی کنند و اگر رفت و آمد جهت هدایت و ارشاد او باشد مانعی ندارد.

۷۴: نقش قضا و قدر و تقدیر در ارتباط با ازدواج چیست؟ آیا برای هر کس مقدر شده است که در تاریخ فلان با شخص فلان، در مکان فلان وصلت صورت می‌گیرد و یا اینکه چیزی به اسم ازدواج وجود دارد و بقیهٔ جزئیات: انتخاب همسر و زمان ازدواج دست خود شخص است؟

جواب: ظاهر آنچه از قرآن مجید و روایات شریفه در مثل ازدواج و غیره آمده این است که سرنوشت آن بدست انسان است، یعنی: خدای متعال در عین حالی که مقدّراتی را برای هر انسانی تقدیر فرموده، کم و زیاد آن را به دست انسان و در اختیار او قرار داده است، مثلاً اگر شخصی به فرمایش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که تاکید بر ازدواج در ابتدای تکلیف فرموده‌اند عمل کند، و از هنگام تکلیف در این فکر باشد، پس اگر پسر است اقدام بر آن کند، و اگر دختر است خود را

مهیّای قبول از خواستگار با ایمان و خوش اخلاق نماید، آنگاه با کمک والدین قدم در این راه بگذارند، خدای متعال هم مقدّر می‌نماید که به خواستهٔ خود برسند، ولی اگر از همان اول در این فکر نباشند، یا بر عکس فکر کنند، و اول تکلیف را جزو محالات در ازدواج ببینند، واضح است که خدای متعال هم ازدواج آنان را در زمان‌های متأخّر مقدّر می‌فرماید.

۷۵: در حال حاضر تعداد دختران مجرد افزایش یافته و سن ازدواج خیلی بالا رفته، آیا تقدیر و قسمت بوده که همهٔ این دختران در این مقطع مجرد باشند؟ دوستانی با ایمان دارم که در سنین خیلی بالا هستند، اما از مجرد بودن خیلی زجر می‌کشند و به یأس کامل رسیده‌اند، یکی از آنها تا سر حد بیماری‌های اعصاب و روان رسیده است چاره چیست؟

جواب: این بلای خانمان سوز در همهٔ بلاد اسلامی رواج یافته، و عمده سبب آن عمل نکردن به فرمایشات قرآن، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام است که بر ازدواج در اوّل تکلیف، با مَهریّه کم و ساده برگزار کردن آن، سفارش زیادی فرموده‌اند، البته برای چاره‌جوئی، باید اولاً: فرهنگ ازدواج را مطابق با راهنمائی و فرمایشات قرآن، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در جامعه رواج دهیم.

و ثانیاً: این دعا را که از امیر المؤمنین علیه‌السلام نقل شده است همیشه بخوانیم: «اللهم انی اعوذبك من بوار الأیّم» و استغفار نمودن هر روز صد مرتبه صبح و عصر نیز مفید است.

۷۶: دختری خواهان ازدواج با مرد مورد تایید خود بوده است که در اثر مخالفت خانواده با این ازدواج، با شخص مذکور رابطه مخفی برقرار کرده و از آن مرد باردار می‌شود و پس از تولد فرزند او را به بهزیستی می‌سپارد.

۱ـ آیا حکم این دختر به دلیل مخالفت خانواده و عوامل روانی که منجر به برقراری رابطهٔ مخفی شده است، حکم فرد زناکار است؟

۲ـ آیا به لحاظ اینکه آبروی خانوادگی در خطر است و آگاهی پدر دختر بر اصل ماجرا مساوی مرگ دختر و حتی خود وی و از هم پاشیده‌گی خانوادهٔ او و خواهران و برادران متاهّل اوست، می‌توان فرزند را به سازمان بهزیستی سپرد و مسئله را مخفی نگهداشت؟

۳ـ حکم ازدواج این دختر با افراد دیگر چگونه است؟

۴ـ حکم ازدواج دختر با مرد مذکور چطور و آیا بر هم حرام هستند؟

۵ـ آیا توبهٔ واقعی حد زنا یعنی صد تازیانه را بر می‌دارد؟

۶ـ آیا این مطلب صحت دارد که گرفتن هر چیز از فرد زناکار تا زمانی که حد مذکور بر او جاری نگردیده است کراهت دارد؟

۷ـ آیا بر فرض اینکه در زمان ارتباط مخفیانه به زبان فارسی و به اصطلاح خود صیغهٔ عقد موقت یا دائم بر زبان جاری کرده باشند، این ارتباط مشروع و فرزند آنها حلال زاده است؟

۸ـ برخورد افراد آگاه ازاین ماجرا با این دختر که سخت نادم و پشیمان و متنفر از مرد مذکور است، از نظر شرع چگونه باید باشد؟

۹ـ چگونه می‌توان چنین زخمی را بر این خانواده توجیه نمود؟

۱۰ـ لطفاً به لحاظ عمق فاجعه‌ای که این خانواده با آن روبرو است، مسائل شرعی مرتبط و راهکارهای برخورد با این مساله رابیان فرمائید؟

جواب: ۱ـ بلی، چنانچه رابطهٔ نامشروع بوده و عقدی خوانده نشده باشد.

۲ـ در فرض سؤال باید مخفی نمایند.

۳ـ بلامانع است.

۴ـ بر هم حرام نیستند و ازدواج آنان جایز است.

۵ـ توبهٔ واقعی و استغفار نمودن کافی است و حد آن را که صد تازیانه است برمی‌دارد.

۶ـ خیر، توبه کردن کافی است.

۷ـ اگر شروط دیگر آن نیز بوده است، ارتباط مشروع و فرزند آنان حلال زاده می‌باشد.

۸ـ چنانچه توبه کرده، باید او را پذیرفت و از او گذشت نمود.

۹ـ خدای متعال دنیا را محل امتحان و آزمایش قرار داده است، لذا باید نسبت به این گونه رخدادها طبق مقررات شرعی عمل کرد از جمله: مستور کردن آن، جبران گذشته با توبه و استغفار و چاره جوئی برای آینده.

۱۰ـ در حدیث شریف است: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له؛ ـ کافی، ج۲، ص۴۳۵ ـ توبه کننده [واقعی] گویا مرتکب گناهی نشده است» و این دستور عمل برای انسان‌های مؤمن و متشرّع است.

۷۷: آیا والدین شوهر، حق تعیین اجباری مهریه عروس را دارند؟

جواب: خیر، حق اجبار ندارند.

۷۸: اگر خانوادهٔ عروس در مسایل دینی و مذهبی مشکل داشته باشند، آیا ایرادی بر عروس وارد است؟

جواب: خیر.

۷۹: وظیفهٔ عروس در برابر خواسته‌های بیش از حد شرعی خانوادهٔ شوهر چیست؟

جواب: وظیفه‌ای ندارد.

۸۰: اگر پدر و مادری پسر و عروس خود را به دلایل واهی و خلاف از منزل بیرون کردند وظیفهٔ آن دو چیست؟

جواب: والدین خود را با اخلاق حسنه از این کار منصرف نمایند.

۸۱: اگر پدر و مادری پذیرای عروس خود نباشند، وظیفه پسر چیست؟

جواب: وظیفهٔ پسر تهیهٔ مسکن برای همسر خود می‌باشد.

ازدواج موقت

۱: ازدواج موقت چیست؟

جواب: ازدواج موقت به ازدواجی گفته می‌شود که همهٔ شرایط ازدواج دائم را دارد، مگر بعضی از شروط، مانند اینکه از جهت زمان محدود به زمان مورد توافق است، مثلاً یک روز یا یک‌ماه یا کمتر و بیشتر و در پایان نیازی به طلاق و شرایط خاص آن ندارد، بلکه با پایان یافتن مدت عقد یا بخشیدن مرد مدت باقی را، خاتمه می‌یابد.

۲: کدام آیهٔ قرآن دلالت بر صحت مُتعه دارد؟

جواب: آیهٔ بیست و چهارم سوره نساء است، مراجعه شود به تفسیر مجمع البیان از ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

۳: هدف از ازدواج موقت چیست؟

جواب: هدف از ازدواج موقت بسیار است، از جملهٔ آن جلوگیری از حرام می‌باشد.

۴: آیا می‌توان کراهت و دشمنی با ازدواج موقّت را از بین برد؟

جواب: ناآگاهی نسبت به یک موضوع و حدود و مشخصات آن سبب

کراهت و دشمنی با آن موضوع می‌شود، بنابراین آگاهی کامل از اهداف، حدود و احکام ازدواج موقت باعث رفع کراهت و دشمنی نسبت به آن می‌گردد.

۵: آیا ازدواج موقت باعث استفاده‌های سوء از زنان نمی‌شود؟

جواب: افرادی که التزام اخلاقی و انسانی ندارند حتی از ازدواج دائم هم سوء استفاده می‌کنند.

۶: آیا با رواج ازدواج موقت، مردم از ازدواج دائم دوری نمی‌کنند؟

جواب: یکی از حکمت‌های ازدواج موقت برطرف کردن نیازهای ضروری افرادی است که دسترسی به ازدواج دائم ندارند، بنابراین رواج ازدواج موقت نیازهای دائمی را پاسخگو نیست و به همین جهت صدمه‌ای به ازدواج دائم نمی‌رساند.

۷: آیا ازدواج موقت تأثیری در کاهش جرایم جنسی مثل زنا دارد؟

جواب: در حدیث شریف آمده است که: «اگر عُمر ازدواج موقت را تحریم نمی‌کرد و جلوی آن را نمی‌گرفت، هر آینه احدی به گناه زنا مبتلا نمی‌شد، مگر افراد با شقاوت»، (وسائل، ج۲۱، ص۱۱) و شقاوتمندان معمولاً نادر هستند.

۸: حکم کودکان به دنیا آمده در این نوع ازدواج چیست؟

جواب: حکم آنان از لحاظ شرعی همان حکم فرزندان ازدواج دائم در همهٔ زمینه‌ها می‌باشد.

۹: ازدواج موقت را برای چه کسانی توصیه می‌کنید؟ آیا برای دختران جایز می‌باشد؟

جواب: ازدواج موقت را برای افرادی که ممکن است در حرام واقع شوند توصیه می‌کنند؛ تا مرتکب حرام ـ که دنیا و آخرت را تباه می‌کند ـ نشوند. البته نسبت به دختران بنابر احتیاط واجب باید با اذن پدر باشد.

۱۰: آیا دختر می‌تواند بدون اجازهٔ پدر ازدواج موقت کند؟ و اگر ازدواج موقت کند برای او و خانواده‌اش عیب نمی‌باشد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب دختر نمی‌تواند بی اذن پدر ازدواج موقت کند و با اذن پدر، دیگر عیب به حساب نمی‌آید، بلی با شأنیت بعضی‌ها سازگار نیست که در این صورت نیز باید از آن اجتناب کند.

۱۱: اگر ازدواج موقت تبدیل به دائم شود آیا باعث بی‌اعتمادی نمی‌شود؟

جواب: در ازدواج موقت تا طرفین خواهان تجدید عقد دائم نگردند تبدیل به دائمی نمی‌شود، بنابراین تبدیل به دائم شدن بستگی به اختیار طرفین دارد، و خود طرفین باید اطراف موضوع را بررسی و تحقیق نموده و سپس اقدام یا إحجام نمایند.

۱۲: چنانچه مردی بخواهد زنی را به نمایندگی از طرف زن به عقد ازدواج موقت خود در بیاورد، دقیقاً مرد چه جمله‌ای را باید ذکر کند؟

جواب: در صیغهٔ عقد موقت باید لفظ «زوَّجتُ» و یا «مَتَّعْتُ» و یا «اَنْکحْتُ» گفته شود و اگر خود زوجین نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند؛ بنابر احتیاط واجب کسی را که می‌تواند به عربی صحیح بخواند، وکیل کنند و اگر ممکن نباشد خودشان به غیر عربی لفظی بگویند که معنای یکی از این الفاظ را بدهد:

اگر زن بگوید (بعد از تعیین مدت و مهر): «زَوَّجْتُك» یا «مَتَّعْتُك» یا «اَنْكحْتُ نَفْسي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلومِ» و زوج بگوید: «قَبِلْتُ» صحیح است.

۱۳: در بعضی کشورها از لفظ ازدواج واهمه دارند، چراکه این معنی برای آنها قابل قبول نیست. ممکن است بفرمائید آیا امکان دارد به جای لفظ ازدواج در ازدواج موقت از لغت دیگری استفاده کرد یا نه؟

جواب: در فرض سؤال، می‌توان از لفظ دیگری که مؤدای ازدواج و معنای آن را بدهد استفاده کند.

۱۴: اگر زنی مایل باشد خود را به ازدواج موقت مردی دربیاورد، آیا مرد می‌تواند صیغه را از طرف زن بخواند؟ به چه ترتیبی؟

جواب: بلی، و چنانچه از طرف زن وکیل باشد، می‌گوید:

«زَوَّجْتُ مُوكلَتی لِنَفْسی فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» سپس فوراً بگوید: «قَبِلْتُ لِنَفْسی هكذا».

۱۵: در مورد صیغهٔ عقد موقت آیا وجود شخص سوم واجب است و اگر ضرورتی ندارد انجام مراحل ازدواج موقت چگونه است؟

جواب: وجود شخص سوم لازم نیست، بلکه زن و مرد با بودن شرایط ازدواج که از جملهٔ آن: زن، شوهر نداشته و در عدّه نباشد و اگر باکره است با اذن ولیّ او باشد، آن گاه بعد از تعیین مَهر و تعیین مدت ازدواج، صیغهٔ عقد را که به زبان عربی است اجرا می‌نمایند، به شرط اینکه معنای آن را متوجّه شوند و بدانند با خواندن آن به همسری یکدیگر در می‌آیند، یا آنکه شخصی از اهل علم را وکیل

کنند تا صیغه عقد را بین آن دو بخواند.

۱۶: لطفاً دربارهٔ چگونگی خواندن صیغهٔ عقد ازدواج موقت کاملاً توضیح دهید؟

جواب: برای اطلاع وافی مراجعه شود به رسالهٔ توضیح المسائل «احکام ازدواج» و «کیفیت خواندن عقد موقت». و خلاصه‌اش این است که بعد از جمع تمامی شروط ازدواج موقت، زن و مرد مدت ازدواج موقت را تعیین نموده مثلاً یکماه، و مهر را مثلاً هزار تومان، آنگاه زن به زبان عربی با فهم معنای آن بگوید: «زَوَّجْتُك نَفْسی فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» یعنی: خود را به زوجیّت شما به مهر معیّن و مدت معلوم در آوردم، سپس بدون فاصله مرد به زبان عربی با فهم معنای آن بگوید: «قَبِلْتُ» یعنی: قبول کردم، که بدین صورت ازدواج موقت واقع می‌شود و مرد مدیون مهریهٔ زن می‌شود.

۱۷: بعضی‌ها می‌گویند: چه تفاوتی میان «ازدواج موقت» و «فحشاء» وجود دارد؟ جز اینکه نقابی است بر چهرهٔ فحشاء و آلودگی‌های جنسی؟ و تنها تفاوتشان، در ذکر دو جملهٔ ساده یعنی اجرای صیغه است؟

جواب: تفاوت بین ازدواج موقت (با تمام شروطش که یکی از آنها عدّه است) با فحشاء، همان تفاوتی است که بین ازدواج دائم و دوست گیری پسر و دختر است.

۱۸: به نظر برخی «ازدواج موقت» سبب می‌شود که بعضی افراد هوسباز از این قانون سوء استفاده کرده و هر نوع فحشاء را در پشت این پرده انجام دهند، تا آنجا که افراد محترم و مؤمن از آن إبا دارند و آن را موجب تحقیر و بهره‌کشی جنسی می‌دانند؟

جواب: افراد هوسباز حتی از قانون ازدواج دائم هم سوء استفاده می‌نمایند، آیا برای جلوگیری از سوء استفادهٔ آنان، ازدواج دائم را هم منع کنیم؟ یا باید فرهنگ صحیح ازدواج را چه دائم و چه موقت گسترش داد، تا کسانی که قصد ازدواج دارند به احکام و فلسفهٔ الهی آن واقف و از وقوع در حرام و تضییع حقوق دیگران محفوظ بمانند.

۱۹: می‌گویند ازدواج موقت سبب می‌شود که افراد بی سرپرست همچون فرزندان نامشروع تحویل جامعه داده شود و فرزندان بدنیا آمده از ازدواج موقت را نامشروع و متفاوت از فرزندان دائم می‌دانند؟

جواب: شرع مقدس فرزندان ازدواج موقت (با شرایطش) را در حکم فرزندان دائم می‌داند، و همهٔ حقوق فرزندان ازدواج دائم را برای آنان نیز قائل است.

۲۰: دانشجویان تا اتمام دورهٔ لیسانس۴ سال و خدمت سربازی ۲ سال و برخی نیز فوق لیسانس۲ سال و دکترا ۲ سال ازدواج دائم آنها به تأخیر می‌افتد. دانشجویی که نمی‌تواند خرج خود را درآورد و هزینهٔ تحصیلات، کتاب، تحقیقات، خوابگاه و غذا را از پدر خود دریافت می‌کند چگونه می‌تواند ازدواج دائم کند؟

جواب: از لحاظ مادی، اگر رعایت اقتصاد، میانه روی و قناعت را در زندگی پیشهٔ خود نمایند، مشکل اقتصادی هم نخواهند داشت، زیرا قرآن مجید و هم چنین روایات شریفه روزی را با شرط قناعت، تضمین نموده و ازدواج را از عوامل گشایش روزی به حساب آورده است، و نیز ازدواج با درس خواندن و یا سربازی هیچ تنافی ندارد، بلکه کمک حال هم می‌باشد، زیرا تمرکز فکر بیشتر حاصل خواهد شد و دیگر، فکر مشغول اِشباع این غریزه نمی‌ماند. و این خود عامل ثبات در دانشگاه شده و محیط آن ایمانی و بدور از خیانت و هوسرانی خواهد شد.

۲۱: آیا ازدواج موقت با دختر باکره در صورتی که جماع از دُبر انجام شود بازهم رضایت والدین واجب است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب رضایت پدر یا جد پدری لازم است.

۲۲: یک دختر و پسر تا چه مدتی می‌توانند ازدواج موقت کنند؟

جواب: تعیین مدت ازدواج موقت به موافقت زوجین است، هر مقدار که باشد، والله العالم.

۲۳: وجود دوست دختر و یا دوست پسر در غرب بسیار رایج است و تا آنجا که خانواده‌های پسر یا دختر تلاش می‌کنند که برای فرزندانشان از خانواده‌های اصیل دوست انتخاب کنند. حال با توجه به این موضوع، اگر پسر یا دختری دوستی از جنس مخالف برای خود اختیار کرد و بدون اجازهٔ پدر دختر می‌تواند دختر را به صیغه و عقد موقت خود درآورد یا خیر؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، اذن پدر یا جد پدری دختر شرط است، بلی، اگر عرف آنجا این‌طور باشد که پدر و یا جدّ پدری اذن عام برای همهٔ تصرفات را به دختر خود حتی مانند عقد موقت را داده باشد، در این صورت اذن خاص لازم نیست.

۲۴: آیا به شرط حفظ دوشیزگی دختر، عقد موقت او صحیح است؛ آیا می‌توان بدون اجازه پدر دختر، او را به عقد موقت درآورد؟

جواب: عقد موقت دوشیزه حتی در این فرض هم نیاز به اذن ولی دارد بنابر احتیاط واجب.

۲۵: دختر دانشجویی که رشیده بوده و برای ادامهٔ تحصیل، خارج از شهر

یا کشور بسر می‌برد، برای داشتن هم راز و محرمی، می‌تواند بدون اذن ولی به عقد موقت (به شرط عدم دخول) مردی در آید؟

جواب: اذن ولی در هر حال لازم است و چنانچه به عقد هم در آمدند، بنابر احتیاط واجب اذن ولی را تحصیل نمایند.

۲۶: آیا اذن ولی برای دختری که بکارت ندارد نیاز است؟

جواب: چنانچه بکارت با دخول ولو حرام از بین رفته باشد اذن لازم نیست و در غیر این صورت بنابر احتیاط وجوبی اذن لازم است.

۲۷: دختری که ولیّش (پدر و پدر پدرش) مرحوم شده است و با مادر یا برادر و یا عمو و یا دائی زندگی می‌کند، آیا برای ازدواج نیاز به اجازهٔ یکی از آنان دارد؟

جواب: اگر رشیده است اذن غیر پدر و پدرِ پدر لازم نیست.

۲۸: اگر دختر یا خانمی که به عقد موقت مردی در آمده قبل از دخول جدا شود (یعنی مدت عقد تمام شود یا آن مرد مدت باقی مانده را ببخشد) برای اینکه به عقد دیگری در آید، لازم است عدّه بگیرد؟

جواب: در صورت عدم دخول عدّه لازم نیست.

۲۹: چنانچه مردی خانمی را به عقد موقت خود درآورد و پس از دخول، مدت عقد تمام شود یا مدت باقیمانده را آن مرد به او ببخشد، این خانم چه مدت باید عده نگه دارد تا بتواند به عقد دیگری در آید؟ و اگر بخواهد مجدّداً به همان مرد بازگردد، آیا باز هم باید عدّه نگه دارد؟

جواب: خانم‌هایی که یائسه هستند (یعنی در علویات شصت سال به بالا و در

غیر علویات پنجاه سال به بالا) احتیاج به عدّه گرفتن ندارند. و خانم‌هایی که یائسه نیستند، چنانچه عادت ماهیانه دارند کفایت یک حیض کامل بعید نیست، اگر چه احوط است استحباباً دو حیض عدّه نگهدارند، و خانم‌هایی که یائسه نیستند لکن عادت ماهیانه ندارند، بنابر احتیاط واجب از ازدواج مجدد به مدت چهل و پنج روز اجتناب ورزند. و چنانچه عقد دوم با همان زوج باشد مطلقا احتیاج به عده نیست، والله العالم.

۳۰: آیا می‌توان دختر باکره را بدون اذن پدر، ولی با رضایت دختر جهت دفع شهوت فقط، و نه نزدیکی کردن صیغه کرد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید اذن پدر دختر باشد.

۳۱: در چه صورتی مادر ناتنی بر داماد محرم می‌شود؟

جواب: اگر مادر ناتنی، دختری داشته باشد از شوهر دیگر، آن دختر را به عقد موقت داماد ولو یک ساعت مثلاً، برای محرمیت او در آورد، مادر ناتنی هم محرم می‌شود و اگر دخترِ مادرِ ناتنی از همین شوهر باشد، یعنی خواهر پدری دختری که می‌خواهد او را به ازدواج دائم خود درآورد باشد، چون جمع بین دو خواهر جایز نیست. لذا باید اول آن خواهر پدری را عقد موقت نموده و بعد از تمام شدن مدت عقد موقت او، عقد دائم را برای آن دختر که می‌خواهد با او ازدواج کند، اجرا کند، و الله العالم.

۳۲: اگر زنی در عقد موقت مردی بوده آیا بعد از پایان مدت می‌تواند به عقد دائم یا موقت فرزند مرد مذکور در آید و بالعکس؟

جواب: خیر، نمی‌تواند.

۳۳: آیا ازدواج موقت زمان معلومی دارد؟ آیا می‌شود برای مدت طولانی مثلاً ۲۰ یا ۳۰ سال یا بیشتر عقد موقت کرد؟ یا اینکه اگر زمان بسیار طولانی شد به عقد دائم منقلب می‌شود و اگر منقلب نمی‌شود احکام عقد دائم را دارد یا خیر؟

جواب: عقد موقت زمان معلومی ندارد، کوتاه مدت و دراز مدت فرق نمی‌کند، بلکه حسب قرارداد و توافق طرفین است و به عقد دائم منقلب نمی‌شود و احکام آن را ندارد.

۳۴: مردی در محل کار خود چند کارمند زن شوهردار دارد، آیا می‌تواند با آنها محرم شود؟ مثلاً صیغهٔ خواهر و برادری بخوانند، و اگر چنین چیزی ممکن است تا چه حدود بر هم محرم هستند؟

جواب: چنین صیغه‌ای وجود ندارد و زنِ شوهر دار نمی‌تواند مَحْرم مرد دیگری شود و صیغه خواندن نیز حرام است. بلی چنانچه آن زن دختری ولو کوچک و شیرخواره داشته باشد و صاحب کار با اجازهٔ پدر آن دختر، او را برای خود عقد موقت نماید، در این صورت مادر آن دختر، مَحْرم صاحب کار و مادر زن او می‌شود و نظر به او ـ بدون ریبه ـ جایز است.

۳۵: من ازدواج دائم کردم و یکی از شرایطی که در سند ازدواج ما نوشته شده این است که زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار نکند. آیا با این شرط حق ازدواج موقت دارم؟

جواب: بلی ـ در فرض سؤال ـ می‌توانید ازدواج موقت کنید.

۳۶: به وکیلی اجازه دادم مرا به مدت یک سال به عقد موقت آقایی در

آورد ولی به مدت ۲۰ سال عقد خوانده و بعد از گذشتن ۶ ماه، به من تذکر دادند. من از اول قبول نکردم، اما بعداً روی دلائلی راضی شدم و بعد از مدّتی یک دفترچه ازدواج را آوردند که من انگشت زدم، سواد خواندن نداشتم، آنها هم چیزی راجع به آن نگفتند، پس از مدتی آن مرد گفت: آن دفترچه که تو انگشت زدی دفترچه عقد دائم است و من، تو را به عقد دائم خود در آوردم، در حالی که در آن روز از عقد دائم چیزی نگفت، و حال می‌گوید طبق این دفترچه که تو مُهر کردی، زن دائمی من هستی. من گفتهٔ او را قبول ندارم، تکلیف شرعی من چیست؟

جواب: این عقد در فرض سؤال، به مدت یک سال صحیح بوده، و نسبت به (۱۹) سال دیگر احتیاط واجب در این است که شوهر مدت را ببخشد و یا اینکه عقد جدید با رضایت زن جاری نماید، و در هر صورت عقد دائم باطل است، و چنانچه نزاعی در کار باشد نیاز به ترافع نزد حاکم شرع دارد.

۳۷: پسر جوانی هستم ۱۸ ساله و ساکن بلاد خارج، سؤال من این است که آیا پدرم حق جلوگیری از ازدواج موقت مرا دارد؟

جواب: اذیت و آزار والدین حرام است، لذا شما نباید کاری کنید که والدین اذیت شوند، و چنانچه طوری انجام شود که والدین آزرده نشوند اشکالی ندارد، والله العالم.

۳۸: آیا در صیغه کردن زن اهل کتاب با مسلمان سؤال کردن از اینکه از مرد قبلی عده گرفته یا نه شرط است؟

جواب: اگر احراز شود که این زن ـ مسلمان یا کتابی ـ قبلاً در عقد مرد دیگری بوده و عدّه نگرفته، ازدواج با این مورد حرام است. و اما اگر نداند که این

زن آیا در عقد مرد دیگر بوده یا نه و آیا عده گرفته یا نگرفته است در چنین مواردی، سؤال کردن واجب نیست.

۳۹: من در خارج زندگی می‌کنم و امکان ازدواج دائم فعلاً برای من نیست، به همین جهت برای ازدواج موقت به کلوپ‌های سکس می‌روم و در آنجا شخصی را که واجد شرایط متعه اسلامی است انتخاب کرده و سپس برای نزدیکی با او صیغهٔ عقد موقت را می‌خوانم، آیا کار من صحیح است؟

جواب: متعه کردن اگر با شرایطش بوده و ایمن از بیماری‌های واگیر باشد صحیح است، والله العالم.

۴۰: خواهر زن بنده از شوهر معتاد خود طلاق گرفته و دارای دو فرزند است و مدتی است به دلیل اینکه پدرش شهید شده و مادرش ازدواج کرده با ما زندگی می‌کند. حال با آنکه من و خواهر زنم جوان هستیم و احتمال گناه وجود دارد، آیا امکان دارد ایشان را فقط در حد محرم شدن و احیاناً در حد لمس کردن صیغهٔ مشروط نمایم؟

جواب: خواهر زن انسان در وقتی که خواهر او، زن انسان است، از لحاظ حرمت عقد مانند خواهر خود انسان بوده و صیغه خواندن بر او جایز نیست، و نگاه ریبه به او ـ چه رسد به لمس و غیره ـ حرام است. سعی نمایید شوهر خوبی برای او پیدا کرده و او را به خانهٔ شوهر بفرستید که این کار ثواب زیادی دارد، از جمله هزار حوریه در بهشت و به هر کلمه و گامی که در این راه بردارید ثواب عبادت یکسال به شما خواهند داد، إن‌شاءالله تعالی.

۴۱: اگر صیغهٔ موقت یک مادری را بخوانیم و فقط ملاعبه باشد، آیا بعداً می‌شود دختر این مادر را به ازدواج در آوریم یا خیر؟

جواب: اگر به هیچ صورت دخول نشده باشد ـ نه قُبُل و نه دُبر حتی به مقدار ختنه گاه ـ جایز است.

۴۲: آیا وطی زوجه در دُبر، چه موقت و چه دائم، لواط است؟

جواب: خیر، لواط نیست، ولی باید زوجه چه موقت و چه دائم در عادت ماهیانه نبوده و با رضایت او باشد و البته در این صورت هم مکروه است.

۴۳: دختر بچه‌ای را شخصی از بهزیستی می‌گیرد تا به عنوان فرزند خودش نگه دارد و برای اینکه موقعی که بزرگ شد محرم او شود او را با اذن حاکم شرع به صیغهٔ موقت پدر خود در می‌آورد. آیا این دختر بچه بعداً به پسران این پدر محرم می‌شود و حکم زن پدر آنها را خواهد داشت؟

جواب: بلی، همه پسران این پدر به این دختر محرم هستند.

طلاق

۱: شخص باید دارای چه صفاتی باشد و از چه صفاتی دوری گزیند تا بتوان در نماز به او اقتدا کرد، و یا شهادت او را در طلاق قبول نمود؟

جواب: امام جماعت و شاهد چه در طلاق یا غیر طلاق باید عادل باشد، یعنی واجبات خود را انجام دهد و از محرمات اجتناب کند.

۲: امروزه در دادگاه‌های خانواده افرادی هستند که مبلغی می‌گیرند تا شهادت دهند و قاضی دادگاه از آنها استفاده نموده و حکم طلاق را صادر می‌کند و دفترخانه هم که باید وقوع طلاق را در دفتر ثبت کند، رعایت به الزام شهود عدلین نمی‌کند، تکلیف چیست؟

جواب: شاهد باید در طلاق عادل باشد، اگرچه از حُسن ظاهر او کشف عدالت شود.

۳: یکی از آقایان سردفترهای ازدواج و طلاق می‌گفت ما برای ثبت طلاق به محلی که عده‌ای از آقایان روحانیون در آنجا حضور دارند تلفنی اعلام می‌کنیم طلاق را جاری کنند و آنها عادل هستند. آیا در صورتی‌که خودشان

اقرار طلاق را که باید زن و شوهر در حضور عدلین اقرار به راضی بودن طلاق نمایند نمی‌شنوند و فقط با تلفن سردفتر صیغهٔ طلاق را جاری می‌کنند آیا چنین طلاقی صحیح است؟

جواب: اگر شوهر کسی را وکیل کند که صیغهٔ طلاق را جاری کند، کافی است که وکیل در حضور دو شاهد عادل صیغهٔ طلاق را بخواند، و حضور زن و شوهر لازم نیست.

۴: با وکالتی که زنی از شوهر خود داشت و می‌دانست شوهر تن به طلاق نمی‌دهد، شوهر را همراه نبرده و با وکالت برای طلاق مراجعه نموده، آیا طلاقی که با وکالت به شرح فوق صادر شده صحیح است یا خیر؟

جواب: اگر زن از طرف شوهر برای طلاق دادن خود وکیل باشد، می‌تواند خودش یا دیگری را وکیل کند تا صیغهٔ طلاق را در حضور دو شاهد عادل اجرا نماید، و طلاق صحیح است البته با تحقق شرایط دیگر آن.

۵: اگر وکالت زن در طلاق با رضایت قلبی شوهر نباشد و زن به دفتر مراجعه و سردفتر بدون احضار شوهر به استناد وکالت طلاق را صادر نماید، آیا این زن شرعاً طلاق داده شده یا خیر؟

جواب: اگر شوهر زن خود را وکیل در طلاق قرار نداده است و یا مُکره در وکالت دادن بوده طلاق زن صحیح نیست، البته ادعای اکراه اثبات شرعی لازم دارد، ولی اگر بارضایت بوده و بعد پشیمان شده باشد طلاق صحیح است.

۶: فردی همسر خود را طلاق داده و پس از مدتی برای یک روز رجوع کرده ولی از آن پس همدیگر را به مدت پنج سال ندیده‌اند. آیا آنها زن و شوهر می‌باشند؟ نحوهٔ طلاق دوباره چگونه است؟ آیا از طریق تلفن می‌توان

صیغهٔ طلاق را خواند؟

جواب: در فرض سؤال، این دو زن و شوهر هستند؛ و صیغهٔ طلاقِ دوباره به همان صورت است که در طلاق اول خوانده شده و احتیاج به تمام شروط دارد و اگر بخواهد زوج یا وکیلش صیغهٔ طلاق را بخوانند باید دو نفر شاهد عادل صیغه را بشنوند، گرچه احتیاط در این است که با تلفن نباشد.

۷: زنی که شوهرش مفقود الاثر بوده و توسط حاکم شرع و یا قاضی طلاق داده شده است، چه مدت عده دارد؟

جواب: چنانچه مدخول بها بوده باید بعد از طلاق، دوبار حیض ببیند و پاک شود و همین که وارد حیض سوم شد عدّهٔ او تمام می‌شود.

۸: زنی که شوهرش بیشتر از یک سال در زندان بوده و قبل از رهایی از زندان او را طلاق داده و در مدت زندانی بودن با زنش نزدیکی و هم خوابی نکرده، عدّه‌اش چند مدت است؟

جواب: عدّه‌اش همان مقدار است که در جواب سؤال قبل ذکر شد، مگر اینکه بعد از عقد هیچ دخول نکرده باشد و مجرد عقد بوده که در این‌صورت عدّه ندارد.

۹: زن جوانی که عادت نمی‌شود و خون حیض نمی‌بیند، نزد طبیب و دکتر برای تداوی مراجعه کرده و نتیجه‌ای ندارد و می‌خواهد طلاق بگیرد، مدت عدّهٔ این زن چقدر است؟

جواب: سه ماه است.

۱۰: همسرم بعد از گذشت ۴۰ روز از طلاق، رجوع نموده و از همان

ابتدای رجوع بدون ایجاد رابطهٔ زناشوئی اقدام به ترک منزل و مراجعه به محل نامعلومی نموده که تاکنون موفق به شناسایی محل ایشان با گذشت قریب به دو سال نشده‌ام. اکنون برای بنده این پرسش ایجاد شده که آیا رجوع صورت گرفته یا خیر؟

جواب: در طلاق رجعی، رجوع مرد به دو صورت تحقق می‌یابد:

اول ـ حرفی بزند که دلالت کند او را دوباره زن خود قرار داده است.

دوم ـ کاری کند که بفهماند رجوع کرده است.

۱۱: دختر می‌گوید من شوهرم را نمی‌خواهم و دوست ندارم با او زندگی کنم، حال چنانچه دختر طلاق بخواهد، چه نوع طلاقی صورت می‌گیرد؟

جواب: در فرض سؤال، که کراهت زندگی فقط از طرف دختر است این طلاق خلع است.

۱۲: زنی است که بدون اجازهٔ شوهر از خانه خارج می‌شود و تمکین نیز نمی‌کند، می‌گوید شوهرم را دوست ندارم، آیا نفقهٔ او بر شوهر واجب است؟ و آیا شوهر می‌تواند او را طلاق دهد؟

جواب: چنانچه زن بدون عذر شرعی و بی رضایت شوهر از منزل خارج شود و یا تمکین ننماید، ناشزه بوده و حق نفقه ندارد، و شوهر مختار است که او را طلاق دهد.

۱۳: دخترم نوجوان است و ثمرهٔ ازدواج همسر سابقم می‌باشد که مدت قریب به دو سال است با ایشان متارکه نمودم و ایشان اقدام به ازدواج مجدد نموده است. دادگاه حضانت دخترم را به مادرش ضمن تعیین زمان ملاقات برای بنده داده است که حتی مادرش اجازهٔ ملاقات با فرزندم را

در زمان تعیین شده نمی‌دهد. آیا شرعاً چنین کاری صحیح است؟

جواب: حق حضانت دختر تا هفت سال با مادر است، و در فرض سؤال این دختر چنانچه رشیده باشد با اختیار خود می‌تواند زندگی با مادر یا پدر را اختیار کند. البته مادر حق ندارد مانع ملاقات آنان شود.

۱۴: خانمی چند سال قبل با شوهرش به دادگاه آمریکا رفته و از نظر قانونی طلاق گرفته‌اند و اینک آن خانم می‌خواهد طلاق شرعی بگیرد، با توجه به اینکه این خانم ۷ سال است از شوهرش بی‌اطلاع است و نمی‌داند او کجا است، آیا می‌تواند با مراجعه به یک روحانی طلاق شرعی بگیرد یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، چنانچه شوهر این خانم او را بدون نفقه رها کرده، حاکم شرع اجازه طلاق شرعی می‌دهد.

۱۵: همسرم مدت ۹ ماه است که به کشور دیگری رفته و مرا بدون هیچ گونه خرج و مخارجی و بدون سرپرست در اینجا تنها رها کرده است، و ضمناً قصد برگشت هم ندارد. بنابراین چون ایشان مرا بدون تکلیف و بدون خرج و مخارج رها کرده، مشکلات فراوان مادی و غیره دارم. تکلیف من در این رابطه چیست؟

جواب: اگر همسر شما بدون عذر شرعی شما را رها کرده و بدون خرجی گذاشته، ولی شما بتوانید سختی را تحمل کنید و امور خود را بگذرانید، یا امید برگشت او را داشته باشید، خوب است صبر کنید تا بیاید و با شما معاشرت به معروف داشته باشد و یا طلاق دهد، و الا چنانچه در عسر و حرج باشید، می‌توانید با اجازهٔ حاکم شرع طلاق بگیرید.

۱۶: خانمی دارای ۲ فرزند است که یکی ۴ ساله و دیگری ۷ ساله است. این خانم ادعا می‌کند که شوهرش او را تا حد مرگ کتک می‌زند و اجازه نمی‌دهد او از خانه بیرون رود و بسیار به او شک می‌کند و اتهام ارتباط نامشروع می‌دهد، همسایه‌ها موضوع را به والدین ابلاغ نمودند و والدین با ترتیب خاصی دختر و دو فرزند او را به آمریکا نزد خود برده و طلاق قانونی دادند. حال با توجه به موضوع فوق:

الف ـ آیا این خانم می‌تواند از حاکم شرع طلاق شرعی بگیرد؟

ب ـ خانم ادعا دارد که شوهرش نمی‌تواند بچه‌ها را تربیت کند و بچه‌ها از پدرشان می‌ترسند، آیا می‌تواند فرزندان را پیش خود نگهدارد؟

ج ـ بر فرض اینکه تمام موارد بالا غلط بوده است، این خانم می‌گوید نمی‌خواهد با شوهرش زندگی کند و حاضر است مهرش را هم ببخشد، آیا می‌تواند طلاق بگیرد؟

جواب: الف ـ حاکم شرع زمانی اجازه طلاق می‌دهد که شوهر نفقهٔ زن را ندهد و معاشرت به معروف نکند و حاضر به طلاق هم نباشد.

ب ـ مادر حق حضانت پسر را تا دو سال و دختر را تا هفت سال دارد و بعد از آن، این حق به پدر می‌رسد، ولی چنانچه ثابت شود که پدر نمی‌تواند به دلیلی فرزندان خود را نگهداری کند، یا چنانچه بمیرد یا دیوانه شود، این حق به مادر برمی‌گردد.

ج ـ در فرض سؤال، اگر شوهر راضی بشود به این بخشش، شوهر او را طلاق خلعی می‌دهد، والله العالم.

۱۷: بعلت ترک نفقه شوهر نسبت به خود و فرزندم به دادگاه شکایت کردم و با اینکه دادگاه، شوهرم را ملزم به نفقه کرد ایشان هیچ گونه مبلغی به

ما نداد، فلذا بنده تقاضای طلاق نمودم و دادگاه حکم طلاق را قانوناً اعلام کرد، البته مخفی نماند که هر ماه یک سکهٔ بهار آزادی بابت مهریه‌ام دریافت می‌کنم ولی یکسال است که شوهرم نفقه نمی‌دهد. اکنون با اینکه می‌توانم با حکم دادگاه طلاق بگیرم تقاضای طلاق از طرف بنده شرعی است یا خیر؟

جواب: چنانچه زوجه تمکین نماید و بدون اذن شوهر از منزل خارج نشود، حق دارد از شوهر خود مطالبهٔ نفقه ومعاشرت به معروف نماید وچنانچه اجابت ننمود تقاضای طلاق کند، واگر هیچ‌کدام را اجابت ننمود، در صورت عسر وحرج ودرخواست از حاکم شرع، حاکم شرع اجازه طلاق می‌دهد وآنگاه زن می‌تواند خود را مطلقه نماید. این حکم شرعی زن وشوهر هنگام اختلاف است، ولی شارع مقدس از نظر اخلاقی هم چنان که به شوهر سفارش کرده زن را گرامی بدارد، به زن هم توصیه نموده که شوهرش را گرامی داشته و با قناعت، زندگی را با او ادامه دهد، و هر دو را از اختلاف وجدایی بر حذر داشته وطلاق را موجب غضب خدا و به لرزه در آمدن عرش دانسته، لذا باید تا حد امکان از اختلاف وطلاق پرهیز نمایند و با تفاهم زندگی مسالمت آمیز داشته باشند.

۱۸: اینجانب به علت اختلافی جزئی که با خانم خود داشتم او را طلاق رجعی دادم ولی قبل از اینکه عده‌اش تمام بشود، تصمیم به رجوع گرفتم و رجوع من به این گونه بود که وقتی همسرم به کربلا رفت از من اجازه خواست و من اجازه دادم و هزینهٔ سفر وی را دادم، آیا رجوع من صحیح است؟

جواب: رجوع کردن دو صورت دارد:

۱ـ حرفی بزند که دلالت کند او را دوباره زن خود قرار داده است.

۲ـ کاری کند که در رجوع ظهور داشته باشد. پس اگر یکی از این دو صورت نباشد رجوع صدق نمی‌کند.

۱۹: شوهرم مرا زبانی طلاق داد و بازهم در دادگاه دانمارک طلاق گرفتم، حکم این طلاق چیست؟

جواب: اگر صیغهٔ طلاق در محضر دو نفر عادل خوانده شده و بقیهٔ شرایط آن ـ که در رسالهٔ توضیح المسائل آمده است ـ رعایت شده باشد، طلاق صحیح و الا باید دوباره طلاق داده شود.

۲۰: خانمی از مشهد به ساوه آمده است و دخترش را به عقد پسر دایی او در آورده است، ولی موقع عقد گفته است که من از دخترم وکالت دارم و حال آنکه از دختر وکالت نگرفته و فقط با اجازهٔ شوهر، یعنی پدر دختر اینکار را انجام داده است، لیکن موقع مراجعت، دختر رضایت داده است ولی اکنون می‌گوید من راضی نیستم، عقد آنان چگونه است؟ آیا در صورت جدایی نیاز به طلاق و در صورت وصلت نیاز به عقد مجدد دارد یا خیر؟

جواب: بعد از این که رضایت به عقد داد، عقد صحیح شده و نیاز به عقد مجدد ندارد، ولی برای جدایی نیاز به طلاق دارد.

۲۱: زنی دخترش را در سن کودکی به عقد پسر عمه‌اش در آورده است و حال آنکه از دختر و از پدر یا جد پدری او کسب اجازه نکرده است. اکنون دختر رشیده شده است ولی به آن عقد رضایت ندارد، حکم آن چگونه است؟ آیا نیاز به عقد مجدد دارد یا همان عقد کفایت می‌کند و در صورت جدایی آیا نیازی به طلاق دارد یا خیر؟

جواب: این عقد ـ در فرض سؤال ـ صحیح نیست، لذا برای وصلت نیاز به عقد مجدد دارد، ولی برای جدایی نیاز به طلاق ندارد.

۲۲: خانمی که به دستور مرجع تقلید جامع الشرایط طلاق داده شده است، آیا حق مطالبهٔ مهریه‌اش و خرجی مدت ۵ سال را که در خانهٔ پدرش بوده، از شوهرش دارد یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، زن حق مطالبهٔ، مهر را دارد و چنانچه مدتی که در خانهٔ پدر بوده، ناشزه نبوده و تقصیر شوهر بوده حق مطالبهٔ نفقه را هم دارد.

۲۳: اگر زوجین برای تحقق مطلبی توافق کنند طلاق صوری بدهند و مرد فقط به خاطر همین مسئله حاضر به طلاق شده باشد و قلباً حاضر به جدائی و طلاق نباشد، حکم شرعی این مورد چیست؟

جواب: اگر فقط صیغهٔ طلاق بخواند و قصد طلاق و جدایی نکند، شرعاً طلاق واقع نمی‌شود و علقهٔ زوجیت همچنان باقی است.

۲۴: شخصی پس از جدال با همسرش، منزل را ترک کرده و فرزند خود را با خود برده، سپس برای طلاق همسر به یک دادگاه آمریکایی مراجعه کرده و دادگاه با درخواست شوهر موافقت و طلاق را صادر کرده، ولی صلاحیت پدر و منزل پدری را برای نگهداری فرزند تأیید نکرده. اکنون همسر اراده ازدواج دارد ولی شوهر او را طلاق شرعی نمی‌دهد و اگر مادر در دادگاه عدم توانایی خود را در نگهداری فرزندش اعلام دارد، دادگاه آن فرزند را به پرورشگاه آمریکایی‌ها تحویل خواهد داد. یعنی فرزند از مهر مادر محروم و به پدر نیز ملحق نخواهد شد. حال این مسائل مطرح است:

۱ـ آیا موضوع حضانت کودک می‌تواند دلیل شرعی برای پدر بشود که همسر خود را طلاق شرعی ندهد، با وجود اینکه خود درخواست طلاق قانونی نموده است؟

۲ـ اگر محرز شود که دادگاه چنین حکمی می‌دهد، آیا همسر می‌تواند از فرزند خود بگذرد، با وجود اینکه قدرت بر نگهداری او را دارد؟

۳ـ در صورتی که شوهر، خود برای صدور طلاق قانونی به دادگاه مراجعه کرده و وکیل هم گرفته است، اکنون که همسر نیاز به شوهر دارد، آیا مرد می‌تواند او را طلاق شرعی ندهد؟

۴ـ در صورتی که منزل محیط مناسبی برای زناشوئی نبود و همسر نتوانست آن را تحمل کند، آیا خروج او از منزل مَهریه را ساقط می‌کند؟

۵ـ در صورتی که حق حضانت، در آمریکا قابل تطبیق نباشد، آیا می‌توان بدان تمسک جست و مانع از اجرای طلاق گردید؟

۶ـ در صورتی که ثابت شود شوهر قصد اذیت همسر را دارد، و همسر نیاز به شوهر داشته باشد، آیا همسر می‌تواند به حاکم شرع یا وکیل او مراجعه نموده و در خواست طلاق نماید؟

۷ـ در صورتی که مرد از پرداخت مهر خودداری کند و زن هم نتواند قانوناً آن را مطالبه کند، آیا این حق ساقط می‌شود؟

جواب: ۱ـ در فرض مذکور، خیر.

۲ـ در فرض مذکور، خیر.

۳ـ در فرض مذکور، یا زوجه را برگرداند و یا او را طلاق دهد..

۴ـ در فرض مذکور، خیر.

۵ـ خیر.

۶ـ چنانچه شوهر با زن خود معاشرت به معروف نداشته باشد و نفقه ندهد باید زن را طلاق بدهد، و اگر حاضر نشود هیچ کدام را انجام بدهد، زن با اذن حاکم شرع می‌تواند طلاق بگیرد.

۷ـ خیر، حق زن در مَهر محفوظ است.

۲۵: شخصی ۶ سال است که زن و بچه‌اش را بلاتکلیف و در عسر و حرج رها کرده. این خانم به دادگاه خانواده مراجعه نموده و از طریق آگهی خبری از حیات و ممات وی دریافت نمی‌کند. دادگاه وی را مطلّقه می‌سازد و حاکم شرع نیز او را طلاق می‌دهد. بعد از گذشت ۱۰ ماه، فقط عکسی از شوهرش دریافت می‌شود که معلوم می‌گردد ایشان زنده است. حال سؤال می‌شود:

الف ـ سرنوشت این خانم چیست و آیا طلاق وی صحیح است؟

ب ـ این خانم به عقد موقت شخص دیگری در آمده است، اکنون تکلیف و مسئله چگونه است؟

جواب: الف ـ طلاق در فرض سؤال صحیح است، و این خانم از شوهر اول جدا شده است.

ب ـ ازدواج موقت این خانم در فرض سؤال اشکالی ندارد.

۲۶: شخصی دخترش را با اکراه از خانهٔ شوهر به خانهٔ خودش می‌برد و

یک دختر ۸ ماهه را برجای می‌گذارد و بعد از مدت کوتاهی این طفل فوت شده و شوهر نیز به اختلال اعصاب گرفتار می‌شود. پدر دختر نیز غیاباً وی را مطلقه می‌سازد، سؤال:

الف ـ این طلاق از نظر حضرتعالی صحیح است یا خیر؟

ب ـ دیهٔ این طفل در ذمّهٔ کیست؟

ج ـ شوهر در آن حدی نیست که از عهدهٔ همسرداری برنیاید و دلیلی بر اینکه زنش در غیاب مطلقه شود نیست، آیا این طلاق صحیح است؟

جواب: الف ـ طلاق حق شوهر است و فقط او می‌تواند طلاق دهد، مگر اینکه شوهر معاشرت به معروف نکند و زوجه در عسر و حرج باشد یا شوهر نفقه او را بدون عذر شرعی ندهد و ممتنع از طلاق باشد.

ب ـ اگر شخصی سبب فوت طفل شده دیه بر او است.

ج ـ از جواب اول معلوم می‌شود.

۲۷: خواهری دارم که دارای دو فرزند است و شوهرش در سال ۱۳۷۵ به ایران آمده و تاکنون برنگشته و هیچ نوع مخارجی برای همسر و فرزندانش نفرستاده. به ناچار خواهرم تصمیم گرفت همراه برادر دیگرم به ایران بیاید که در بین راه به جرم مواد مخدر ۱۵ ماه زندانی گردید. شوهرش با وجود اطلاع داشتن از این موضوع هیچ مسئولیتی حتی مسئولیت بچه‌ها را به عهده نگرفت، حال سؤال این است:

الف ـ آیا از نظر شرعی صحیح است که خواهرم تقاضای طلاق نماید، با آن که مدت ۸ سال است که بی سرپرست مانده است.

ب ـ آیا بنده می‌توانم کلیهٔ مخارجی که در مدت محکومیت خواهرم برای بچه‌هایش متحمل شدم، از جمله هزینهٔ پاسپورت و مخارج بازگشت ایشان به ایران به خاطر شوهرش، از شوهر خواهرم ادعا کنم؟

جواب: الف ـ در فرض سؤال، این زن می‌تواند تقاضای طلاق نماید.

ب ـ چنانچه مخارج مذکور به در خواست شوهر این زن بوده، حق مطالبه دارید، و الا خیر. بلی، چنانچه به درخواست آن زن بوده می‌توانید از او مطالبه نمایید و نفقهٔ این مدت به عهدهٔ شوهر آن زن است اگر تقصیر جدائی از شوهرش باشد (شرعاً).

قمار

۱: تعریف قمار چیست؟ و آلات قمار به چه چیزهایی گفته می‌شود؟

جواب: هر بازی‌ای که با شرط بندی توأم باشد قمار است، و همهٔ آلاتی که معمولاً برای این کار استفاده می‌شود، آلات قمار است.

۲: لهو چیست و مصادیقش کدام است؟

جواب: لهو، یعنی هر کلامی یا فعلی که باطل بوده و انسان را از یاد خدا دور می‌کند.

۳: آیا لهو حرام است؟

جواب: بعضی از اقسام لهو حرام است، مانند بازی با آلات قمار و بعضی حرام نیست، مانند بازی فوتبال، لذا باید اقسام حرام را از اقسام حلال جدا نمود.

۴: آیا بازی کردن با غیر آلات قمار همراه با جایزه یا پول، مانند فوتبال و غیره اشکال دارد؟

جواب: اگر به عنوان جایزه باشد ـ در فرض سؤال ـ جایز است.

۵: آیا بازی کردن با آلات قمار بدون شرط بندی اشکال دارد؟

جواب: بازی کردن با آلات قمار حتی بدون شرط بندی، جایز نیست.

۶: آیا بازی تخته نرد حلال است یا حرام؟

جواب: بازی کردن با آلات قمار و بلکه نگه داشتن آلات قمار مانند تخته نرد و شطرنج حرام است.

۷: آیا اسنوکر بازی کردن به قصد تفریح اشکال دارد؟

جواب: اگراز آلات قمار باشد، مطلقاً جایز نیست.

۸: بازی شطرنج با کامپیوتر چه حکمی دارد؟

جواب: بازی با شطرنج مطقاً حرام است.

۹: آیا شطرنج حرام است؟ و عرف جامعه ملاک نیست؟

جواب: شطرنج مطلقاً حرام است، گرچه عرف جامعه ـ فرضاً ـ بر آن باشد، زیرا عرف نمی‌تواند در مقابل دلیل شرع: قرآن مجید و روایات شریفهٔ اهل البیت علیهم‌السلام بایستد.

۱۰: نظر مبارکتان دربارهٔ بازی بیلیارد چیست؟

جواب: چنانچه از آلات قمار به حساب آید خرید، فروش، نگهداشتن و بازی کردن با آن مطلقا حرام است.

۱۱: الف ـ بازی با شطرنج و پاسور و دیدن بازی آنها چه حکمی دارد؟

ب ـ اگر کسی مجبور باشد (در خوابگاههای دانشجویی) موسیقی گوش

دهد و بازی پاسور و شطرنج را ببیند، چه حکمی دارد؟

جواب: الف ـ بازی با آنها حرام است و در حدیث آمده است که حتی از نگاه به آن اجتناب نمایید.

ب ـ با حکمت و نرمی، امر به معروف و نهی از منکر نماید؛ نگاه نکند و موسیقی گوش ندهد.

۱۲: بازی کردن با شطرنج، پاسور و تخته نرد بدون برد و باخت چه حکمی دارد؟

جواب: باز هم حرام است.

۱۳: بازی با ورق که برد و باختی در آن نیست چه حکمی دارد؟

جواب: بازی با آلات قمار مطلقا حرام است، ولی بازی با وسایلی که از آلات قمار نیست و بی برد و باخت باشد اشکالی ندارد.

۱۴: پاسور بازی با کامپیوتر اگر فقط جنبه بازی وتفریح داشته باشد، آیا حرام است ؟

جواب: بازی یاد شده با کامپیوتر فقط در فرض سؤال جایز است.

غصب

۱: آیا برای ثابت شدن غصب، علم وجدانی لازم است، یا آن که علم تعبدی مانند بیّنه (دو شاهد عالم) و قول ثقه یا شیاع کافی است؟

جواب: غصب با اعم از علم وجدانی ثابت می‌شود، یعنی با بیّنه، قول ثقه، شیاع و مانند آن نیز ثابت می‌گردد.

۲: حرمت تصرّف در غصب و بطلان عبادات مثل نماز و حج، فقط برای غاصب است، یا دیگران را نیز شامل می‌شود؟

جواب: دیگران را هم شامل می‌شود، مگر جاهلان به غصب را.

۳: آیا اموالی که متعلق خمس و یا زکات است و خمس یا زکات آن داده نشده در حکم غصب و موجب حرمت تصرف و بطلان عبادات نیز می‌گردد؟

جواب: بلی، حکم غصب را دارد و موجب حرمت تصرّف و بطلان عبادات است.

۴: من دانشجوی شبانه هستم. جهت کارت تغذیه باید ۱۰۰۰۰ تومان بپردازم و کارت بگیرم، اما دانشجوی روزانه رایگان این کارت را می‌گیرد. یکی از دوستان من دانشجوی روزانه است و کارت خود را که لازم نداشته به رضایت خود به من داده است و من از کارت وی استفاده می‌کنم، آیا این امر اشکال شرعی دارد یا نه؟

جواب: در فرض سؤال، اشکالی ندارد.

زمین‌های موات

۱: در اطراف و حریم قریهٔ ما زمین‌های موات و بدون مالک زیادی وجود دارد که اهالی قریه آن زمین‌ها را تقسیم کردند و هرکس سهم خودش را احیاء کرده است. دهها سال است که آن زمین‌ها تحت مالکیت ما می‌باشد، ولی اکنون عده‌ای از اهالی قریهٔ دیگر آمده‌اند و ادّعای مالکیت نسبت به آن زمین‌ها را دارند و اسناد و مدارکی هم در دست ندارند، لطفاً نظر مبارکتان را در فرض سؤال بیان فرمایید؟

جواب: زمین‌های موات در فرض سؤال متعلق به کسانی است که آنها را آباد کرده‌اند، مگر اینکه شرعاً ثابت شود که قبلاً ملک دیگری بوده و از آنها اعراض نکرده است، والله العالم.

۲: یک قطعه زمین موات به صورت حایل بین زمین‌های پدری ما –که فعلاً هم در ملک ماست– و بین زمین یک آقایی –که آن را خریداری نموده، و اصل زمین هم مال جدّ ما بوده که عموی ما فروخته است – موجود است. اکنون نامبرده ادعا دارد که زمین آبادم را با این زمین موات یکجا خریده‌ام در

حالی که عموی ما زمین موات را نفروخته بود. الآن هر یک ادعای مالکیت زمین حایل را داریم، لطفاً نظر شرع انور را بیان فرمایید؟

جواب: در فرض سؤال، اگر این زمین موات قبلاً آباد بوده پس متعلق به آباد کننده و ورثهٔ او می‌باشد و هر ادعایی که از طرف غیر باشد، نیاز به اثبات شرعی دارد، ولی اگر قبلاً موات بوده، پس هر کس آن را آباد کند ملک او خواهد بود، والله العالم.

۳: در مجاورت قریهٔ مسکونی ما مقداری زمین موات وجود داشته که بر اساس عرف محل متعلق به یک آقایی بوده است. آن آقا دهها سال قبل مقداری از آن زمین موات را (حصه دامن زمین را) به پدر و مادر ما هبه می‌دهد تا برای خودش منزل مسکونی درست کند. حدود سی سال قبل واهب و ۱۵ سال هم هبه گیرنده فوت کرده‌اند. و اما قسمت بالایی همان زمین که به صورت موات باقی بوده در این اواخر پسر هبه دهنده به عنوان اینکه ملک پدری‌ام می‌باشد احیاء و باغ درست کرده است، ما اعتراض کردیم که این زمین حریم زمین و منازل مسکونی ما می‌باشد و شما نباید در آن تصرف کنید! ولی اعتنا ننموده و الآن در اثر آبیاری آن باغ، منازل مسکونی ما بکلی خراب و یا بلا استفاده گردیده است. لطفاً نظرتان را نسبت به اصل تصرف آن آقا در آن زمین و هم نسبت به خسارات وارده به منازل ما بیان فرمایید؟

جواب: در فرض سؤال، تا مقداری که حریم شرعی زمین‌های مسکونی شما باشد، دیگری حق ندارد تصرف کند و ضامن ضررهای شما هم هست.

۴: در محدودهٔ زمین‌های میراثی ما چشمهٔ آبی وجود دارد که از همان

قدیم زمین‌های ما را آبیاری می‌کرده و مازاد آن به طرف زمین‌های پایین دستی که متعلق به دیگران می‌باشد می‌رفته و زمین‌های آنها که از خود نیز چشمه داشته از مازاد چشمهٔ ما و چشمهٔ خودشان مشروب می‌گردیده است. اکنون هم ما زمین‌های خود را گسترش داده‌ایم و هم آنها به طوری‌که مازاد آب ما و چشمهٔ خودشان کفاف زمین‌های آنها را نمی‌کند و الآن همسایه‌های پایین دستی ما بدون مدرک ادعا دارند که تمام آب چشمه بالایی هم مال ماست، لطفاً نظر مبارکتان را نسبت به حق و حقوق طرفین بیان فرمایید؟

جواب: این ادعا در مفروض سؤال صحیح نیست، بلکه کالسابق از آن چشمه استفاده شود.

۵: در مناطق کوهستانی افغانستان مرسوم است که شخص مالک زمین، ارتفاعات حاشیهٔ زمین خود را که به صورت آبریز است، یعنی باران و برفی که در آن ارتفاعات می‌بارد سرانجام آبش به آن زمین جریان پیدا می‌کند؛ عرف، آن مناطق و ساحات را مربوط به مالک زمین و ملکی که در قسمت سفلی قرار دارد می‌دانند. قابل ذکر است که آن ساحات ممکن است محل رویش «زیرهٔ سیاه» یا گیاهان با ارزش دیگر یا هیزم و یا چراگاه دام باشد. و یا امکان دارد آن را با تحجیر تبدیل به زمین کشاورزی اعم از دیم و یا آبی نمایند. آیا طبق نظر شرع، مالک است یا فقط حق اولویت دارد و یا در بهره برداری از آن همانند دیگران است و اولویتی ندارد؟

جواب: زمین‌های موات چنانچه مالکی نداشه باشد، با حیازت و احیاء ملک احیاء کننده شده و فقط قدری از اطراف آن نیز به عنوان حریم، حق او می‌شود، و چنانچه آن زمین موات، ملک و حریم احدی و یا مکانی نبوده است و او حیازت

و سنگ چین نموده که بعداً احیاء نماید نسبت به دیگران اولویت دارد، والله العالم.

۶: در روستای ما زمین‌های مزروعی است که زیر جویبارها می‌باشد، آیا پشت جوی‌های آب طرف صحرا مال همان صاحب زمین زیر جوی است یا مال همهٔ مردم روستا می‌باشد؟ شخصی که زیر جوی، زمین مزروعی دارد آیا می‌تواند بقیه اهل ده را از پشت جوی که صحرا است از ساختن منزل و غیره ممنوع سازد یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، نمی‌تواند، مگر به مقداری که شرعاً حریم صاحب زمین حساب شود، و الله العالم.

۷: محلی که اول کوی عام بود همهٔ افرادی که در آن ناحیه بودند در آن مکان برای خودشان خانه درست کردند و یا مقداری سنگ و گل روی هم چیدند تا اینکه مالک شوند. بنده هم محلی را برای خودم انتخاب نموده و برای پایه گذاری زمین را حفر کردم؛ ولی موفق نشدم تا خانه درست کنم و مهاجرت کردم. بعد از گذشت چند سال شخصی همان مکان را خانه درست کرده و گفته، شما از ملکیت این زمین اعراض کرده‌اید. آیا کسی که سه سال زمین حفر شده را هیچ کاری نکند دیگر مالک نیست؟

جواب: سنگ چین کردن زمین (یا حفر زمین) در صورتی مانع از تصرف دیگران است که او بتواند آن را آباد کند ولی اگر نتواند سنگ چین کردن او اثری نخواهد داشت، واللّه العالم.

۸: شخصی در مکانی خانه درست کرده که قبلا در آن مکان هیچ عمارت و ساختمانی نبوده، از اینکه فرد یاد شده حیواناتی از قبیل گاو و گوسفند

دارد و باید برای آب دادن به چراگاه ببرد، برایش دو راه وجود دارد: از راه عام که همه از آن استفاده می‌کنند که بلا مانع است. ولی ایشان از روی زمین‌های ما و دیگران راه انتخاب کرده است، فقط برای اینکه راهش را نزدیک کرده باشد. آیا دور بودن راه دلیل می‌شود که از زمین دیگران به عنوان راه استفاده کند؟

جواب: تصرف در ملک غیر تحت هر عنوان ـ ولو به عنوان عبور و گذر باشد ـ بدون رضایت صاحب آن ملک جایز نیست، و اگر ضرری به غیر وارد بشود ضامن خواهد بود.

لقطه: مالی که پیدا می‌شود

۱: در خارج از شهر انگشتر طلایی پیدا کردم که در آن موقع کسی در اطراف نبود تا آن را به او بدهم، بعد از چند سال در اثر نیاز، آن را فروختم و تصرّف نموده وحال می‌خواهم دِیْنم را اداکنم، تکلیف من چیست؟

جواب: چنانچه خود نیاز دارید تصرف نمایید، و اگر مستحق نیستید مبلغ را عوض صاحبش به مستحق صدقه بدهید، البته بعد از یأس از پیدا کردن صاحبش و در هر صورت اگر صاحب آن پیدا شد و راضی به صدقه دادن نشد، باید مبلغ را به او مسترد نمایید.

۲: از ایران به قصد استرالیا حرکت کردیم و ما بین راه در مالزی حوالی منطقه‌ای که ساکن بودیم مقداری پول پیدا کردیم. در آن منطقه و آن زمان امکان پیداکردن صاحب پول نبود و بعد مجبور به مصرف آن پول شدیم تا به استرالیا برسیم. حال در استرالیا وضعیت مالی زیاد خوبی نداریم، تکلیف شرعی ما چیست؟

جواب: در فرض سؤال، بر شما است که اگر صاحب پول پیدا شد، مقابل آن پول را به او بپردازید.

ذبح شرعی حیوانات

۱: بنده در اروپا زندگی می‌کنم وقصد دارم کشتارگاه تأسیس کنم، آیا هنگام ذبح حضور من لازم است؟

جواب: حضور شما لازم نیست ولی ذبح باید به وسیله مسلمان و با شرایط دیگرش باشد.

۲: آیا برای تسمیه گفتن لازم است که از زبان تلفظ شود یا این که می‌توان نوار وامثال آن را برای این کار استفاده نمود؟

جواب: لازم است از زبان تلفظ شود.

۳: آیا با یک تسمیه گفتن می‌توان چندین حیوان را پشت سر هم ذبح کرد؟ یا برای هر یک باید جداگانه تسمیه گفت؟

جواب: اگر همه را یک بار با دستگاه سر می‌برند یک تسمیه کافی است، والا باید تکرار شود.

۴: آیا به جای تسمیه گفتن می‌توان آن را روی آلات ذبح به صورت نقش درآورد، سپس در ذبح از آن استفاده نمود؟

جواب: خیر باید برای هر بار ذبح، جداگانه تسمیه گفت..

۵: آیا هنگام ذبح کردن رو به قبله بودن الزامی است، یا این که کمی مایل به چپ و راست از قبله هم کفایت می‌کند؟

جواب: رو به قبله بودن الزامی است.

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

۱: فروختن و پختن گوشت حرام و یا خوک به غیر مسلمان اشکال دارد یا خیر؟

جواب: فروختن گوشت حرام غیر از خوک، مانند میته، و ماهی‌های بی فلس (بدون پولک) به غیر مسلمان جائز است. ولی گوشت خوک جایز نیست علی الاظهر، و پختن آن اگر خود شخص تقدیم آکِل ننماید و به قصد آن هم نباشد، بعید نیست جایز باشد، اگرچه احوط اجتناب است.

۲: داروهایی موجود است که ۹٪ آن شراب می‌باشد، آیا خوردن آن برای مریض اشکال دارد و چند درصد بلا مانع است؟

جواب: اجتناب شود مگر در شدّت ضرورت و انحصار علاج در آن دارو، والله العالم.

۳: اگر در شکلات مقدار ۱٪ شراب باشد، آیا خوردن آن حلال است؟

جواب: خیر، نجس و حرام است.

۴: بعضی از فروشگاه‌های مواد غذایی در استرالیا می‌گویند: مرغ از کشور اسلامی وارد می‌کنیم. آیا می‌توان به گفتهٔ آنها اطمینان نمود و از آن گوشت استفاده کرد، بدون آنکه هیچ علامتی را مشاهده کنیم؟

جواب: اگر از گفتهٔ آنها اطمینان حاصل شود، می‌توانید از آن استفاده کنید و الاّ خیر.

۵: خوردن کنسرو ماهی که نمی‌دانیم از ماهیان پولک‌دار است یا غیر آن، چه حکمی دارد؟

جواب: کنسرو ماهی اگر از بلاد اسلامی باشد حلال است ولی اگر تعبیه بلاد غیر اسلامی باشد حلال نیست مگر اینکه اطمینان به پولک دار بودن آن و زنده گرفتن آن از آب حاصل شود.

۶: خوردن گوشت دولفین چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است.

۷: آیا خوردن کوسه ماهی حرام است؟

جواب: بله حرام است.

۸: غذا خوردن از فامیل فقیری که پول صدقات را به او می‌دهم و ممکن است وجه آن از همان پول باشد چه حکمی دارد؟

جواب: غذا خوردن نزد او در فرض سؤال، اشکالی ندارد.

۹: در رستورانی در آمریکا صندوق دار هستم. گوشت و غذای آنجا حرام است و بعضی از مشتریان مسلمان هستند و غذای حرام می‌گیرند، آیا جایز است این غذای حرام را به دست مسلمان بدهم؟

جواب: از مباشرت در تسلیم غذای حرام به دست مسلمان خودداری نمایید.

۱۰: منزل یکی از دوستان دعوت به خوردن غذا می‌شویم و این شخص در رستورانی کار می‌کند که از شراب و گوشت خوک استفاده می‌کنند، خوردن غذا نزد شخصی که حقوقش از حرام است چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال، مجرد این امر موجب حرمت غذا خوردن در منزل آن شخص نیست، مگر علم به حرمت آن غذاها باشد.

۱۱: خوردن یا کشیدن تریاک و حشیش چه حکمی دارد؟

جواب: هرگونه استفاده از اموری که موجب فساد و افساد است حرام می‌باشد.

۱۲: اگر انگور یا آب انگور را بجوشانیم نجس می‌شود یا نه؟

جواب: خیر، ولی خوردن آن حرام است.

۱۳: گوشت، پوست و پیه که از کشورهای اسلامی وارد می‌شود و طریقهٔ کشتن آن معلوم نیست که شرعی بوده یا نه ولی با دستگاه می‌کشند، و نیز اگر از کشورهای غیر اسلامی باشد، حکم آن در هر دو صورت چیست؟

جواب: آنچه از گوشت و پوست و پیه که از کشورهای اسلامی می‌آید طاهر و حلال است، مگر آنکه علم حاصل شود که شرایط ذبح کامل نبوده، ولی آنچه از گوشت و پوست و پیه که از کشورهای غیر اسلامی می‌آید نجس و حرام می‌باشد، مگر آنکه علم حاصل شود که متصدیِ ذبح مسلمان بوده است.

۱۴: در صورتی که شخصی لال باشد و هیچ‌گونه تلفظی را یاد ندارد، چنانچه حیوان حلال گوشت را ذبح کند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر با اشاره و آنچه که توجه به خدا را می‌رساند ذبح نماید حلال است.

۱۵: میوه‌هایی که از درختان باغ دوستان، همسایگان و یا دیگران در جوی آب جاری می‌افتد، یا میوه‌ای که شاخه‌اش از باغ بیرون است، یا روی زمین بیرون از باغ افتاده باشد می‌توان خورد یا همراه خود بُرد؟

جواب: اگر اتفاقاً عبور او به آن راه افتاد، نه آنکه به قصد برداشتن میوه به آنجا برود، می‌تواند در موارد یاد شده بخورد ولی در «حق الماره» نمی‌تواند چیزی را با خود ببرد.

۱۶: اگر شخصی در دوران قبل از بلوغ شرعی، میوه‌ای یا خوراکی بدون اجازهٔ صاحب آن را خورده باشد، آیا اکنون که به سن تکلیف رسیده راضی کردن صاحب آن میوه یا خوراک واجب است؟

جواب: بلی، واجب است یا آنکه قیمت آن را به هر صورتی‌که می‌تواند ولو به صورت هدیه به صاحب آن برساند.

۱۷: روغن حیوانی که در کشور غیر اسلامی درست می‌شود به شرط آنکه از حرام‌گوشت و خوک نباشد، آیا حلال است؟

جواب: اگر مراد از روغن حیوانی روغنی مانند پیه و دنبه است، خیر حلال نیست، مگر با احراز این که ذابح مسلمان بوده باشد و اگر مراد، روغن یا کره‌ای که از شیر گرفته می‌شود باشد ـ در فرض سؤال ـ حلال است.

۱۸: گوشت مرغی که از دولت‌هایی مانند آمریکا و بلژیک وارد شده و روی کارتن آن نوشته که ذبح آن شرعی است، و همچنین گوشت مرغی که از

ترکیه وارد می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر دولت غیر اسلامی باشد و نوشتهٔ آنان مورد اطمینان باشد کافی است و الاّ خیر، و اگر از دولت اسلامی باشد اشکالی ندارد.

۱۹: از قرار معلوم مرغ کشورهای اسلامی توسط ماشین ذبح می‌شود، این گونه مذبوحات چه حکمی دارد؟

جواب: با وجود شرایط ذبح، شرعاً مانعی ندارد، والله العالم.

۲۰: جلاتین چه حکمی دارد و آیا استحاله می‌شود؟ ضمناً همه فقها تقریباً قائل به حلیت یا تحقق استحاله در مورد آن هستند.

جواب: جلاتین گیاهی، حلال و جایز است، و اما جلاتین حیوانی اگر از بلاد غیر اسلامی باشد حرام و نجس است وقابل استحاله نیست مگر اینکه محرز شود که تنها از استخوان حیوان حلال گوشت تهیه شده باشد، و نظر فقها به حلّیت، درباره جلاتین گیاهی است یا جلاتینی که معلوم نباشد گیاهی است یا حیوانی.

۲۱: آیا روغن زیتون که از کشورهای خارج می‌آورند، حلال و پاک است؟ روغن‌های گیاهی که از سنگاپور و یا مالزی می‌آورند چطور؟

جواب: بلی، حلال و پاک است.

۲۲: ما در کشورهای غیر مسلمان زندگی می‌کنیم، آیا می‌توانیم پیتزای سبزیجات بخریم با اینکه احتمال می‌دهیم با چاقویی که سبزی را خرد کرده گوشت خودشان را هم خرد کرده باشند، یا تکه گوشت همراهش بیاید؟

جواب: غذاهای غیرگوشتی ومشتقاتش اگر مباشرت با دست نباشد حلال

است.

۲۳: گوشتی که ذبح اسلامی نشود نجس است و یا فقط خوردن آن حرام است؟

جواب: گوشت مورد سؤال نجس و خوردنش نیز حرام است.

۲۴: آیا گوشت کانگورو و خرگوش حرام است؟ از آنجایی که بنده در استرالیا زندگی می‌کنم دانستن این حکم ضروری است؟

جواب: گوشت کانگورو خرگوش حرام است، والله العالم.

۲۵: آیا اصل در لحوم (گوشت حیوانات) حلّیت است یا حرمت؟

جواب: اصل در لحوم حرمت است، مگر آنچه دلیل بر حلّیت آن قائم باشد.

۲۶: آیا حلّیت لحوم و یا حرمت آن و سایر حلال و حرام‌ها حکمتی دارد؟

ج ـ بلی، قرآن مجید می‌فرماید: پیامبر اسلامﷺ اشیاء پاکیزه را برای آنان حلال معرفی کرده و ناپاکی‌ها را بر آنان تحریم می‌نماید. و در حدیث شریف است که: هیچ چیزی را خدا حرام نفرموده مگر به جهت ضرر و مفاسد آن، و هیچ چیزی را حلال معرفی نکرده مگر در آن نفع و مصلحت باشد.

عهد، نذر و قسم

۱: عهد نمودم چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران بروم، یک یا چند شب چهارشنبه نتوانستم مشرّف شوم، حال تکلیفم چیست، آیا باید از سر بگیرم یا جبران نمایم؟

جواب: درصورتی که عهد، جامع شرائط شرعی نباشد، لازم نیست از سر گرفته شود و کافی است آن را جبران نموده و به آن مقداری اضافه کرد، که چهل را کامل کند، و همچنین است اگر عهد، جامع شرائط شرعی باشد، در صورتی که تقصیر در ترک نکرده، ولی چنانچه تقصیر در ترک داشته باشد، باید چهل را از سر بگیرد.

۲: شخصی نذر کرده هر سال عاشورا بیست هزار تومان گوسفند برای عزای امام حسین علیه‌السلام قربانی کند، اما الآن این مبلغ کافی نیست، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر در نذر، فقط ۲۰ هزار تومان را معیّن کرده باید این مبلغ را به هیئت یا شخصی که برای امام حسین علیه‌السلام مجلس عزاداری برپا می‌کنند بدهد، تا به خرید گوسفند ضمیمه کنند، یا گوشت بخرند ولی اگر در نذر، گوسفند معین

کرده باشد، در صورتی که پول آن را داشته باشد و فعلاً می‌تواند تهیه کند، باید به نذر خود وفا کند.

۳: آیا گوسفندی که برای یکی از ائمه علیهم‌السلام نذر شده، می‌توان روز عید قربان ذبح نمود تا ثواب آن روز را نیز ببرد؟

جواب: بلی، به شرط آنکه هنگام نذر روز معینی را در نظر نداشته است.

۴: نذوراتی از قبیل گوسفند، برنج، روغن و مانند آن را برای هیئت عزاداری امام حسین علیه‌السلام می‌آورند که به مصرف می‌رسد، ولی گاهی بعضی از این منذورات زیاد است و نیاز به اجناس دیگر است، آیا اجازه هست آن را فروخته و تبدیل به جنس مورد نیاز نمائیم؟

جواب: تبدیل ـ در فرض سؤال ـ اشکال ندارد.

۵: بعضی از مردم قسم دروغ می‌خورند و می‌گویند کفّاره ندارد، پس قسمی که کفّاره دارد چیست؟

جواب: قسم دروغ از گناهان کبیره بوده و چنانچه مربوط به گذشته یا حال باشد کفّاره ندارد، ولی اگر نسبت به آینده باشد و مخالفت کند کفّاره دارد، و آن اطعام عشرهٔ مساکین (ده نفر فقیر را سیر کند) یا آنان را بپوشاند و اگر نتواند باید سه روز، روزه بگیرد.

وقف

۱: قطعه زمینی در بین مردم بعنوان محل موقوفه شمرده می‌شد، وسال‌ها عایدات آن زمین صرف روضه خوانی می‌شده، ولی اخیراً وراث، آن را فروخته‌اند و حالا پشیمان شده‌اند در حالی که فسخ معامله هم ممکن نیست، تکلیف شرعی نسبت به پول مأخوذه چیست؟

جواب: با همان پول زمین دیگری را خریداری نمایند واز عایدات آن حسب وقف عمل کنند.

۲: مسجدی را که دو طبقه بنا می‌کنند آیا می‌توان در طبقهٔ زیرین آن دستشویی ویا حمام درست کنند؟

جواب: اگر از ابتدای کار، طبقهٔ زیر را برای دستشویی وغیره قرار دهند وطبقهٔ دوم را برای مسجد وقف کنند اشکالی ندارد، ولی اگر از اول، زمین وقف مسجد بوده جایز نیست.

۳: برای بعضی مساجد وحسینیه‌ها تعداد زیادی ساعت ویا وسائل مستعمل و غیر مستعمل را وقف می‌کنند، در صورتی که در مسجد نیازی به

آنها نباشد آیا می‌توان آنها را تبدیل به احسن کرد یا خیر؟

جواب: در صورتی که مساجد دیگر نیاز به آنها نداشته باشند، با نظر متولی شرعی مسجد می‌توانند تبدیل به احسن نمایند.

۴: فرش‌های مسجدی فرسوده گردیده که اگر بیشتر استفاده شود به هیچ عنوان قابل استفاده نیست، آیا می‌توان قبل از غیر قابل استفاده شدن آنها را تبدیل به احسن کرد یا خیر؟

جواب: با موافقت متولی شرعی مسجد جایز است.

۵: آیا استفاده نمودن از وسائل عزاداری مسجد مانند پرچم، کتیبه و دستگاه صوت در مراسم عزاداری در منزل جایز است و می‌توان آنها را با رضایت امنای مسجد به صورت امانت گرفت یا خیر؟

جواب: با اجازهٔ متولی شرعی مسجد اشکالی ندارد.

۶: اگر زمین وقفی مثل زمین وقف آستان قدس رضوی را وقف مسجد کنند، آیا وقف روی وقف صحیح و حکم مسجد را دارد؟

جواب: وقف بر وقف صحیح نیست.

۷: قرآن‌های هدیه‌ای که بر آنها چاپ شده: «وقف لله تعالی ولا یجوز بیعه» آیا جایز است در مقابل پول به دیگران هدیه کنیم؟

جواب: مشکل است مگر ذوالید بگوید وقف نیست، یا هدیه بلا عوض نماید.

۸: کتابخانهٔ عمومی در شهر کابل تأسیس کردم و تعدادی کتاب را که مربوط به کتابخانه بود در نزد افرادی بطور امانت گذاردم، آنها کتاب‌ها را

بفروش رسانیده‌اند در حالی که کتاب‌ها وقف عامه بوده است، آیا از نامبردگان، کتاب‌های وقفی مطالبه می‌گردد یا خیر؟

جواب: کسی که کتاب وقفی را بدون اذن شرعی بفروشد ضامن است و از او مطالبه می‌شود.

۹: تعدادی سجادۀ نماز به حسینیه اهداء شده است ولی در حسینیه استفاده نمی‌شود آیا می‌توانیم به مؤمنین بدهیم تا اینکه در منزل از آن استفاده کنند؟

جواب: اگر این سجاده‌ها وقف حسینیه شده، نمی‌توانند به مؤمنین بدهند و چنانچه حسینیه از آن بی نیاز است بفروشند و به مصرف حسینیه برسانند و الاّ به حسینیۀ دیگری بدهند ولی چنانچه به مصلین اهداء شده، می‌شود به آنها داد، والله العالم.

۱۰: زمینی جهت احداث گورستان با صرف وجوهات و اعانات مردمی خریداری شده ومؤمنین انتظار دارند این مکان صرفاً به همان منظور احداث گردد، به گونه‌ای که تخطّی از آن موجب نارضایتی وتزلزل اعتقادی مردم و تأثیر منفی در روحیه‌ی آنان در موارد مشابه خواهد بود. اخیراً شایع شده است مسئولین قصد تغییر محل و جابجائی آن را دارند، مستدعی است نظر مبارک را اعلام فرمایید؟

جواب: خرید و فروش یا تبدیل موقوفات جایز نیست، مگر در موارد خاصی آن هم زیر نظر متولی شرعی وقف، از جمله آن موارد این است که موقوفه در معرض تلف و یا غیرقابل استفاده باشد.

۱۱: حسینیه‌ای موقوفه که بالفعل قابل استفاده بوده، آیا می‌توان آن را خراب کرد و موقوفات آن از قبیل فرش، ظرف، سنگ و چوب آن را به جای دیگر منتقل کرد و حسینیه جدید ساخت؟

جواب: در فرض سؤال، جایزنیست.

۱۲: در صورت انتقال اشیاء آن حسینیّه، آیا این تصرف حکم غصب را دارد؟

جواب: بلی، حکم غصب را دارد.

۱۳: آیا بر گرداندن اموال موقوفه به مکان اولش واجب است و خسارت وارده بر عهده آمر آگاه یا مأمور ناآگاه است؟

جواب: بلی، واجب است و خسارت وارده بر هر یک از صاحبان ید است، وفریب خورده خسارت را از فریب دهنده باز پس می‌گیرد.

۱۴: آیا زمینی که اکراهاً اخذ شده و حسینیه ساخته می‌شود، تعزیه داری، نماز خواندن و سایر تصرفات در آن حسینیه جایز است؟

جواب: در فرض سؤال، جایز نیست.

۱۵: زمینی در روستایی برای حسینیه واگذار شده و مقداری هم روی آن بنائی و دیوار چینی شده است، حال در اثر زلزله و تغییر روستا امکان استفاده از آن محل نیست، آیا اجازه می‌فرمائید آن زمین را بفروشند و خرج حسینیه‌ای که فعلاً مشغول ساختن آن هستند بنمایند؟

جواب: در فرض سؤال، که از این زمین استفاده نمی‌شود، اگر متولی شرعی

خاص ندارد مجازند.

۱۶: زمینی را برای مسجد و حسینیه وقف نمودیم، افرادی می‌خواهند آن را به قبرستان اختصاص دهند، آیا چنین کاری جایز است؟

جواب: تغییر وقف جایز نیست.

۱۷: دو برادر زمین مشترک دارند که از پدر به ارث رسیده است. یکی از این دو برادر از نظر فکری مقداری ضعیف بوده و در ضمن دارای چند فرزند است، آنکه عاقل است فرزندی ندارد و برادری که از نظر فکری ضعیف است، در مرض موت بوده که چند نفر از او تقاضا نمودند که زمین خود را وقف مدرسهٔ علمیه کن، آیا این وقف از نظر شرعی صحیح است و یا زمین بر ملکیّت شخص باقی مانده است؟

جواب: چنانچه در حال حیات و درک کامل وقف تحقق یافته باشد، آن زمین از ملک او خارج می‌شود و چنانچه وصیت به وقف کرده باشد که بعد از موت او وقف کنند، تا مقدار ثلث ترکه صحیح است، و اگر هیچ کدام نبوده، زمین ارث است برای ورثهٔ او.

۱۸: در محدودهٔ زمین ما حسینیه‌ای بنا شد و زمین اطراف حسینیه کاملاً مخروبه بود، در حال حاضر آن زمین‌ها گسترش یافته و اطراف حسینیه را فراگرفته بطوری که فقط راه عبور و مرور مردم باز است، در حال حاضر اهالی معترض‌اند که آن زمین‌های مخروبه که گسترش یافته متعلق به حریم حسینیه می‌باشد در حالی که آن زمین‌های مخروبه را که متعلق به ما بوده

است تبدیل به زمین کشاورزی کرده‌ایم، لطفاً در این مورد بین ما و اهالی قضاوت و راهنمائی فرمایید؟

جواب: چنانچه زمین‌هایی را که تبدیل به کشاورزی کرده‌اید متعلق به کسی نباشد و حریم حسینیه و یا معبر عام مردم نباشد، اشکال ندارد و الاّ جایز نیست.

۱۹: مؤسس مدرسه علمیه شخصی را به عنوان خادم مسجد و مدرسه تعیین کرد، بعد از مدتی صاحب منزلی که در جنب مسجد و مدرسه بود به خادم گفت تا من از مسافرت نیامدم در منزل سکونت نمائید. خادم از حیاط منزل راه باز کرده و از حجرهٔ مدرسه به داخل حیاط مدرسه و مسجد تردد می‌کند و آن حجرهٔ مدرسه از سکونت خارج شده، آیا این کار بدون اذن متولی شرعی مدرسه جایز است و در صورت جایز نبودن غرامت هم تعلق می‌گیرد؟

جواب: تصرف در وقف بدون اذن متولی شرعی جایز نیست، و چنانچه خساراتی ببار آید مسبب ضامن است.

۲۰: تولیت موقوفهٔ (اولادی) مرحومی برعهدهٔ اینجانب است. عده‌ای به عنوان اولاد آن مرحوم با استشهاد محلی، خود یا شخص دیگری را به عنوان مستأجر موقوفه معرفی کرده‌اند.

الف ـ آیا آنها می‌توانند ملک موقوفهٔ فوق را که متولی هم دارد با استشهاد محلی تصرف و ایجاد حق برای خود یا دیگران نمایند؟

ب ـ آیا ادّعای ایشان در گرفتن وجه بابت این اراضی از دیگران صحیح است؟

جواب: الف و ب ـ در فرض سؤال، بااثبات شرعی حق ثابت می شود.

۲۱: بنده به عنوان تولیت موقوفه‌ای در خصوص اهداء زمین به صورت اجاره جهت ساختمان مهدیه تقاضای راهنمائی لازم را دارم، البته واقف مذکور شرط کرده زمین، مقبره برای او و اولاد وی باشد، در حالی که داخل شهر قرارگرفته است وامکان چنین عملی در حال حاضر خلاف قانون شناخته شده است.

جواب: چنانچه امیدی نباشد که بتوان این زمین را در جهت وقف استفاده نمود، جایز است آن را با زمین دیگری معاوضه کرد تا در جهت مورد وقف (مقبره) استفاده شود، ولی به شرط مصلحت وموافقت متولی شرعی.

۲۲: فرش‌هایی در مسجد در حال تلف شدن می‌باشد و چون پشمینه است، بید آنها را می‌خورد در ضمن مسجد متروکه است، آیا شرعاً می‌توان آنها را تبدیل به فرش‌هائی که کمتر تلف می‌شود بنمایند؟

جواب: چنانچه با صلاحدید متولی شرعی آن باشد، اشکالی ندارد.

۲۳: در اکثر روستاهای قدیم زمینی که در آن چند اطاق بنا شده بود بنام خیرات جهت استفاده کاسب‌های دوره گرد و یا رهگذر غریب منظور می‌گردید، اکنون محل مذکور فاقد استفادهٔ افراد یاد شده می‌باشد، آیا اجازه می‌فرمائید محل ذکر شده به فروش برسد و وجه آن در مسجد یا حمام یا غسالخانه و یا مرمت راه روستایی به مصرف برسد؟

جواب: چنانچه متولی شرعی خاص نداشته باشد و هیچ نوع استفاده‌ای که مناسب آن باشد ندارد، جایز است.

۲۴: اگر ثروتمندی بی وارث جهت اتلاف عضو شخصی، دیه بدهکار

شود و پرداخت نکند و تمام اموال خود را وقف نماید؛ و شخص طلبکار پس از فوت شخص بدهکار دیهٔ خود را طلب کند؛ وظیفه چیست؟

جواب: در فرض سؤال وقف صحیح است، و چنانچه وقف یاد شده خیری است وشامل بدهی دادن او نیز شود، حاکم شرع می‌تواند (از باب اینکه دیْن متوفی،که مال برای اداء دین خود ندارد بر او است) از آن وقف دیه را بدهد.

۲۵: زمینی در کنار زیارتگاهی قبرستان بوده و بعد متروکه شده و آثاری از قبور در آن نیست و بلا استفاده مانده است. زمین فوق طوری در راه منزل قرار گرفته است که اگر اجازهٔ مقدار یک راه از آن را نفرمائید خسارت زیادی متحمّل می‌شوم، لذا استدعا دارم در صورت امکان اجازه فرمائید.

جواب: اگر زمین مذکور موقوفه باشد، تغییر و تبدیل آن جایز نیست، و چنانچه در راه وجادّه عمومی واقع شده باشد، با إذن متولی شرعی تبدیل آن جایز خواهد بود.

۲۶: قبرستانی گوشهٔ ده واقع شده و زمین قبرستان بالای ۲۰۰ سال است. در حال حاضر اطراف زمین قبرستان به صورت سیل آب در آمده و شخصی از اهل قریه که در اطراف قبرستان زراعت کاشته ادعا می‌کند زمین به من تعلق دارد در حالی که بزرگان قریه شاهدند که باقی ماندهٔ زمین اطراف قبرستان وقف است، لطفاً حکم آن را روشن کنید؟

جواب: اگر شیاع قائم باشد بر وقف بودن آن زمین، در فرض سؤال زارع حق ندارد و الا حق با زارع است.

۲۷: مجموعهٔ زمینی برای مسجد وقف شده که قرار بوده است بخشی از

آن مسجد و بخش دیگر به عنوان توابع و ملحقات از قبیل پارکینگ و غیره استفاده شود. آیا می‌شود زمینی که قرار بوده پارکینگ شود را بفروشند و در ساخت مسجد استفاده نمایند؟

جواب: خیر، جایز نیست.

وصیت

۱: شخصی دو نفر را به عنوان وصی، برای وقف منزل مسکونی‌اش بعد از فوت خود جهت برگزاری مجالس و مراسم مذهبی معین می‌نماید، ولی پس از مدتی منزل مذکور را فروخته و با قیمت آن منزل دیگری را خریداری می‌نماید. آیا منزل جدید نیز داخل در حکم وصیت قبل می‌باشد؟ و در صورت داخل بودن، وصیت تا چه میزان نافذ است؟

جواب: منزل جدید داخل در حکم وصیت نیست و با فروختن منزل وصیت باطل می‌شود، مگر اینکه لفظ وصیت طوری باشد که شامل این نیز باشد، و الا باید دوباره وصیت نماید، و وصیت تا حد ثلث نافذ است.

۲: شخصی هنگام مرض فوت، وصیت کرده زمینی که کمتر از ثلث مال می‌شود به خیرات و مبرات خودم مصرف شود و زوجهٔ خود را وکیل گرفته و پسر دوم را وصی، حالا پسر می‌گوید من کاری ندارم، آیا زوجه با بقیهٔ ورثه می‌توانند زمین را فروخته و به وصیت مرحوم عمل کنند؟

جواب: اگر وصی نخواهد به وصیت عمل کند، ولو از روی معصیت، حاکم شرع یا او را الزام می‌کند که عمل به وصیت‌نامه نماید ـ در صورت وجوب بر او

ـ و یا تعیین وصی می‌کند تا عمل به وصیت شود.

۳: در یک مسئلهٔ ارث یک وصی موجود است که وارث نیز هست و او زن میت است و وارث دیگر، دختر میت، و قیّم، شوهر دختر میت، و ناظر، نوهٔ میت است. اگر چهار سال از زمان وصیت گذشته باشد و این سه به ادعای ناظر در اجرای وصیت نامه اهمال کنند، حال اولاً محدودهٔ وظیفهٔ ناظر تا کجاست و آیا می‌تواند علی رغم مخالفت قیم و وصی و وارث دست به کاری بزند؟ ثانیاً در این چهار سال آیا ناظر گناه کرده است؟ ثالثاً آیا وصی و قیم و وارث گناهکارند؟

جواب: وصی باید بر طبق وصیت عمل نماید، ولی اگر عمل به وصیت نکند، ناظر باید وصی را امر به معروف کند و در صورت عدم تأثیر خود ناظر می‌تواند عمل به وصیت نماید، و چنانچه امکان عمل به وصیت برای ناظر باشد ـ در فرض سؤال ـ و عمل ننماید، معصیت کرده است و هر کدام از آنها باید به وظیفه خود در صورت امکان عمل نمایند.

۴: شخصی وصیت کرده که از ثلث مالم برایم سه سال نماز و روزهٔ قضا اجیر بگیرید و یک حج نیابتی نیز انجام دهید، در صورتی‌که موصی حجهٔ الاسلام را انجام داده است، آیا اگر حج میقاتی به نیابت او انجام دهند کفایت می‌کند یا باید حج بلدی نایب بگیرند؟

جواب: در صورتی‌که حج بلدی را تعیین نکرده است، میقاتی کافی است.

۵: دربارهٔ حج نیابتی بین وارثین اختلاف واقع شده است، وصی میت با عده‌ای از وارثین مصارف حج را به یک میلیون و هشتصد هزار تومان

تصویب نموده‌اند و عدّهٔ دیگر از وارثین به نصف این مقدار تصمیم به نیابت حج گرفته‌اند، اما وصیّ میت با آنکه برای نیابت حج تعیین نگردیده است، به همان مصرف دو برابر، نیابت حج را انجام داده است، آیا پول مصرفی را ضامن است یا خیر؟

جواب: چنانچه خود وصی متصدی حج نیابی بوده و از اول توافق بر این مبلغ شده باشد و یا بعد ورثه راضی شوند اشکالی ندارد، ولی اگر اختلاف بوده و وصی متوجه اختلاف شده فقط استحقاق اجرة المثل را دارد، و اضافه بر آن را باید پس بدهد.

۶: اگر وصی زمینی که ثلث میت است بدست گرفته و طبق وصیّت میت که این زمین از باقیات صالحات باشد و به خیرات و منافع عمومی برسد عمل نکند. بنابراین مسئولیت بقیهٔ وارثین در برابر وصی چه خواهد بود؟ آیا وصی با تخلف از وصیت عزل می‌شود یا خیر؟

جواب: اگر تخلّف او ثابت شود حاکم شرع با او شخص دیگری را تعیین و منضم می‌نماید و در صورت عدم فایده او را عزل کرده و ثقه‌ای را نصب می‌کند.

۷: من زمین، دام و ثروت خوبی دارم و بیش از ده تا فرزند دارم و می‌خواهم اموال و ثروتم را به یکی دوتا از فرزندانم هبه کرده و نمی‌خواهم بقیهٔ فرزندان از من ارث ببرند:

۱ـ آیا هبه کردن اموالم به یکی دوتا از فرزندانم و محروم کردن بقیه از نظر شرع جایز است؟

۲ـ در اثر این کار احتمال خصومت و دشمنی بین فرزندان وجود دارد، آیا به جواز هبه خدشه وارد می‌کند؟

۳ـ آیا این کار مستلزم قطع صلهٔ رحم نخواهد شد؟

۴ـ اگر در مرض موت بیش از ثلث وصیت با رضای ورثه است، آیا در غیر مرض موت رضایت وارث لازم نیست؟

۵ـ فرزندانم بین خودشان تقسیماتی در نظر گرفته‌اند که پس از مرگ من انجام دهند، آیا رضایت من لازم نیست؟

۶ـ می‌خواستم با دست خودم اموالم را بین وارثین تقسیم کنم، به من گفتند تقسیم تو اعتبار ندارد مگر طبق قانون شریعت، و باید پسر دو برابر دختر سهمیه داشته باشد، آیا این حرف درست است؟

۷ـ می‌گویند مال ارث را پس از مرگ، مورث مالک می‌شود نه در زمان حیات آن، آیا صحیح است؟

۸ـ می‌گویند اگر اموال خود را الآن برای فرزندان تقسیم کنید چنانچه فرزندان دیگری به دنیا بیایند چیزی به آنها تعلّق نمی‌گیرد و نمی‌توانی آنها را برگردانی، آیا از لحاظ شرعی نیز همینطور است؟

۹ـ مایلم به فرزندانی که بیشتر آنها را دوست دارم اموال بیشتری بدهم و بین فرزندانم ایجاد خصومت و دشمنی نیز نشود و خودم نیز تا زمانی که زنده‌ام عزیز باشم و پس از مرگ ثلث دارایی‌ام مال خودم باشد و در خیرات و مبرات مصرف شود، لطفاً راهنمایی‌ام فرمائید؟

جواب: ۱ـ جایز است هر چند از نظر شرع مذموم است.

۲ـ چنانچه متوجّه به این مطلب بوده و اطمینان به آن لوازم داشته باشد حرام است.

۳ـ اگر اطمینان به این لازم باشد جایز نیست.

۴ـ وصیت در بیش از ثلث در هر حالی که باشد با رضایت ورثه نافذ است و الا خیر.

۵ـ خیر.

۶ـ تقسیم را چنانچه به عنوان هبه انجام دهید و به قبض آنان برسانید، چه طبق قانون ارث باشد یا نباشد صحیح است.

۷ـ بلی، صحیح است.

۸ـ بلی، اگر فرزندان دیگر به دنیا بیایند، در این اموالی که هبه شده و به قبض رسیده است حقی ندارند، ولی چنانچه مال دیگری باشد یا مال جدیدی بدست آید در آن سهیم خواهند بود.

۹ـ اسلام تأکید می‌کند که والدین، اولاد خود را مساوی ببینند و نسبت به همهٔ آنان با نیکی رفتار نموده و فرقی بین آنان چه در محبت و چه در معامله نگذارند. البته شما شرعاً حق وصیت به ثلث خود را دارید و بر ورثه است که وصیت را به خوبی انجام دهند.

۸: شخصی در حال حیات، یکی از فرزندان خود را وصی خود تعیین نموده و وصیت می‌کند تمام زمین‌ها و اشجار مثمره و غیرمثمره خود را برای فرزندان خود تقسیم کند. فرزندانی که حاضر بوده‌اند، زمین‌ها و اشجار خود را بعد از پدر مرحوم‌شان تصرف کرده‌اند ولی فرزندانی که غایب و مهاجرند، زمین و اشجار خود را تصرف نکرده‌اند و می‌گویند: ما وصیت و تقسیم پدر را در حال حیات قبول نداریم، لطفاً حکم شرعی را در این خصوص بیان فرمائید؟

جواب: در فرض سؤال، این وصیت تا مقدار ثلث نافذ و بین اشخاصی که نامشان در وصیت نامه آمده تقسیم می‌شود و بقیهٔ ترکه متعلق به همهٔ ورثه بوده

و طبق میزان ارث بین آنان تقسیم می‌گردد.

۹: شخصی پسر بزرگ خود را وصی خود قرار داد و وصیّت کرد که فلان مقدار روزهٔ قضای واجب به گردن دارد که باید اول قضای آن را از ماترک، قبل از تقسیم اموال بدهد و بعد از آن یک سوم خودش را صرف خیرات و مبرات کنند و مابقی اموال بین ورثه به حسب شرع تقسیم شود. وصیت نامه را مکتوب و در زمان حیاتش فرزندان او نیز آن را قبول و امضاء می‌نمایند، آیا بعضی از ورثه حق دارند وصیت را نپذیرند؟

جواب: اگر آن بعض جزء امضا کنندگان باشند و بعد از فوت پدر هم پای بند امضا و تعهد خود بوده و قبول داشته باشند ولی بعداً رد نمایند (در صورتی که در زمان امضاء می‌دانستند که از سهم‌الارثش طبق وصیت کم می‌شود) چنین حقی را ندارند و باید طبق وصیت عمل کرده و ما بقی را بین ورثه تقسیم نمایند.

۱۰: پدر فقیدمان وصیت کرده بود ثلث مال ایشان را درمانگاه یا حوزهٔ علمیه بسازیم، ناظران (ورثه) و وصی، ساختمانی را که از مال مورثمان بوده به عنوان ثلث مال برای مدرسه علمیه معین نمودند:

۱ـ آیا با وقف حوزهٔ علمیه وظیفهٔ وصی و ناظران پایان یافته است؟

۲ـ اگر پایان یافته است اداره و تصرف آنجا به عهدهٔ کیست؟

۳ـ آیا وصی می‌تواند اعلام کند که من باید متولی آنجا باشم؟

۴ـ آیا می‌توانیم الباقی مبلغ ثلث را با توجه به تنگناهای موجود و به خاطر پرداخت سهم خواهران و از هم نپاشیدن محل کار که ممر درآمد اینجانب و برادرم و حدود ۱۴ خانوار می‌باشد به طور جزء جزء در محل وقف خرج کنیم؟

۵ـ مالیات کسب تا زمان فوت که یک نوع بدهی است از ثلث استثناء می‌شود یا خیر؟

۶ـ بازخرید کارگران از ثلث کسر می‌شود یا خیر؟

جواب: ۱ـ نسبت به مدرسهٔ علمیه وظیفه پایان یافته است.

۲ـ در فرض سؤال، حاکم شرع متولی را تعیین می‌کند.

۳ـ در فرض سؤال که موصی او را تعیین نکرده است، خیر.

۴ـ باید در عمل به وصیت عرفاً سهل انگاری نشود.

۵ـ خیر، بلکه از اصل ترکه کسر می‌شود.

۶ـ خیر، و چنانچه بدهی میت بحساب آید، از اصل ترکه کم می‌شود.

۱۱: خانمی‌هستم خانه دار و طلاهایی دارم که از مال خودم تهیه شده است، اسباب جهیزیه و ظروفی که خیلی هم زیاد است و از پول پدری تهیه شده و مقداری جواهرات با ارزش که جدا از طلاهایم است که اول ازدواج، شوهرم خریده بود چگونه در وصیت نامه قید کنم؟ با توجه به اینکه سه فرزند دارم، دو پسر و یک دختر که اولین پسرم ازدواج کرده است؟

جواب: شما حق دارید یک سوم دارایی‌های خود را در ضمن وصیت قید کنید که به مصرف امور خیر (مثل نماز، روزه و موارد دیگری که عام المنفعه باشد) برسد، و نیز وصی تعیین نمایید که طبق وصیت عمل نماید و شخصی را به عنوان ناظر بر اجرای وصیت معین نمایید، در مابقی ترکه حق وصیت ندارید، زیرا آن باید طبق احکام ارث بین ورثه بعد از شما تقسیم گردد. البته حق دارید تا زمانی‌که حیات دارید، هر مقدار از دارایی خویش را ببخشید و به قبض آن طرف برسانید.

۱۲: خانوادهٔ ما برای تقسیم ارث به مشکل برخورد کرده است، با توجه به اینکه پدرمان هیچ وصیت کتبی ندارد ولی طبق وصایای زبانی و گفتاری طبق زمان‌ها و احوال متفاوت به شرح زیر است:

الف ـ ایشان تکرار می‌کرده که مادرتان شریک من است و هرچه دارم نصف برای مادرتان بوده زیرا سرمایهٔ اولیه من از مادرتان است.

ب ـ طبق گفتهٔ مادر خانواده و دختر بزرگ ایشان: پدرمان بعد از سکته کردن وقتی دید جهیزیهٔ دخترش نسبت به خواهران بزرگتر کمتر است گفت: إن‌شاءالله وقتی به عراق برگردیم دو تا خانه که در کربلا داریم به دختران کوچکم (که جهیزیه ناچیز به آنها داده‌ام) می‌دهم. حال وظیفهٔ ما چیست؟

جواب: الف ـ چون ظاهر این جمله، اقرار به شرکت در کل مال است، پس نصف دارایی مرحوم مال مادرتان خواهد بود.

ب ـ معنای این جمله وصیت به هبه می‌باشد، حال اگر هر دو خانه بیشتر از ثلث ترکهٔ مرحوم نباشد، به آنان داده می‌شود، و اگر بیشتر از ثلث باشد یا با دیگر وصیّت‌های مرحوم بیش از ثلث گردد، با رضایت بقیه ورثه داده می‌شود و الا فقط به مقدار ثلث نافذ است و در ترکهٔ مرحوم با دیگر وصیّت‌ها شریک‌اند و مابقی بین ورثه تقسیم می‌شود.

۱۳: شخصی در زمان حیاتش مقداری پول نقد دست همسرش داشته و گفته اگر من مُردم پولی که در دست توست مال خودت باشد. حال زنش می‌گوید این پول را برای شوهرم خرج نمایید. لطفاً حکم مساله فوق را بیان فرمائید؟

جواب: چنانچه این پول را شوهر به همسرش بخشیده باشد مال خود همسر است و با رضایت خود همسر می‌توان خرج شوهر کرد، ولی اگر نبخشیده باشد این پول از مقدار ثلث چنانچه کمتر یا مساوی باشد، ملک او می‌گردد.

ارث

۱: لطفاً در مورد ارث زنان به طور مفصل توضیح دهید.

جواب: اسلام زن را گرامی داشته و او را همچون دُرّ گرانبها دانسته و همانند گلی خوشبو معرفی و نسبت به او سفارش زیادی فرموده است، از این جهت اسلام تکفل زن و تأمین لوازم مادی زندگی او را بر عهدهٔ مرد قرار داده است، یعنی بر پدر و سپس بر شوهر و فرزند است که زندگی او را تأمین نمایند، و این امر در بین مسلمین نافذ و جاری است و مانند غرب نیست که وقتی دختر به سن قانونی رسید، باید خودش تأمین زندگی مادی خویش را بعهده گیرد و دچار مشکلات زندگی گردد؛ بنابراین اسلام برای زن جای نگرانی نسبت به امور مادی زندگی خود نگذاشته واو را بی‌نیاز نموده است، اما با این وجود بازهم در حق او لطف نموده و خواسته مصیبت فوت پدر و مادر و یا شوهر او را با قرار دادن نصیبی از ارث جبران کند، در حالی که او را قبلاً بی نیاز از آن نموده است.

۲: برادرم مقیم ایران بود و در مرض موتش شخصی را وصی می‌گیرد و می‌گوید: فلان مبلغ را در مراسم کفن و دفن و هفتم و چهلم من صرف کنید. وصی هم به وظیفه‌اش عمل کرده است ولی نسبت به املاک و دارائی‌اش در

افغانستان در وصیت نامه‌اش نوشته که برادرم وصی می‌باشد، اختیار با اوست هر طور صلاح دانست عمل نماید.

الف ـ اکنون وظیفهٔ بنده که وصی آن مرحوم هستم نسبت به املاک و دارایی وی در افغانستان چیست؟ لازم به ذکر اینکه آن مبلغی را که در اینجا داشته برایش خرج کرده‌اند و نسبت به تمام مایملکش کمتر از ثلث می‌باشد. نظر شرع مقدس در این باره چیست؟

ب ـ آن مرحوم طبق گفته بعضی، به صورت شفاهی گفته فلان زمین را بعد از من وقف فلان حسینیه کنید ولی خودش در حیاتش وقف نکرده بود، الآن وظیفه بنده چیست؟

جواب: الف ـ ماترک میت را بعد از اخراج دیون و اجرت حج در صورتی‌که بر ذمّه‌اش باشد بین ورثه تقسیم کنید.

ب ـ در صورتی‌که شرعاً ثابت شود که میت وصیت به وقف برای حسینیه کرده باشد باید وقف کنید، به شرط آنکه زمین و مخارج هفتم و چهلم بیش از ثلث (یک سوّم) ماترک نباشد، اما مخارج کفن و دفن از اصل ترکه خارج می‌شود.

۳: شخصی فوت می‌کند و یک پسر از او و زوجه‌اش باقی می‌ماند و تمام اموال پدر به پسر ـ بعد از دادن حق زوجه ـ تعلق می‌گیرد. از قضا پسر هم فوت می‌شود، و فقط مادرش می‌ماند. اموال پسر به مادر می‌رسد، مادر هم فوت می‌کند، و شوهر دوم او باقی می‌ماند و برادرش و خواهرش و عمو، عموزاده و خاله، حال ارث چگونه تقسیم می‌شود و به چه کسانی تعلق می‌گیرد؟

جواب: در فرض سؤال، نصف ترکه این مرحومه ـ بعد از اخراج دیون و وصایا ـ سهم الارث شوهر دوم بوده و باقی ترکه بین برادر و خواهر آن مرحومه،

به پسر دو برابر دختر تقسیم می‌شود و طبقه بعدی که عمو، عموزاده و خاله باشند ارث نمی‌برند.

۴: شخصی زن، مادر و خواهر دارد و در وصیت خود چنین نوشته است که بعد از فوت اگر فرزند پسری داشتم اموال و املاکم از ایشان و در غیر این صورت دارایی و کلیه اموال و املاکم وقف مدرسهٔ علمیه شود. نامبرده هیچ فرزند پسری ندارد، حال وظیفه چیست؟

جواب: در فرض سؤال، وصیت فقط به مقدار ثلث (یک سوم) ترکه صحیح است و مابقی بین ورثهٔ او تقسیم می‌گردد: به همسرش یک چهارم و بقیه به مادر آن مرحوم داده می‌شود و خواهرحقی ندارد.

۵: شخصی در زمان حیات خودش از او سؤال می‌شود که آیا مستطیع هستید، در جواب می‌گوید: نه، بعد از فوت او، پسر بزرگتر به نیابت پدر حج انجام می‌دهد و به باقی ورثه — به بهانه این حج- چیزی نمی‌دهد، آیا باقی ورثه در میراث حق ندارند؟

جواب: پسر بزرگتر ـ در فرض سؤال ـ حق ندارد باقی ورثه را از ارث محروم کند و نمی‌تواند هزینهٔ سفر حج را از ترکه بردارد، مگر به اندازهٔ سهم الارث خودش.

۶: اگر مردی با داشتن ورثهٔ دختری، به ثلث مال خود اعم ازمنقول و غیر منقول برای انجام کارهای خیر وصیت نماید و دو ثلث دیگر را نیز در مرض موت برای زیارت امام رضا علیه‌السلام وقف نماید که زمین و اموالش را در جهت زیارت مصرف نمایند و برای این کار شخصی را نیز معین کند، آیا این وقف

در حالی که ورثهٔ دختری اجازه نمی‌دهند، نافذ است؟

جواب: اگر وصیت به وقف کرده باشد ـ در فرض سؤال که وصیت به ثلث نموده ـ وصیّت او به وقف دیگر صحیح نیست، ولی اگر در حال حیات ـ ولو در مرض موت ـ دو ثلث ماترک خود را وقف منجزّ ـ نه معلّق به موت- کرده باشد، وقف صحیح است، و در فرض صحت وقف، وصیّتی که به ثلث نموده بود، در صورتی که ورثهٔ دختری او اجازه ندهند، فقط در یک سوم آن نافذ است و دو سوّم دیگر آن ارث ورثهٔ دختری می‌باشد.

۷: شخصی که فقط یک عمو دارد، زوجهٔ او به عقد موقت طولانی است. آن شخص بدون وصیت دنیا را وداع می‌نماید، دربارهٔ زمین و منزل و وسایل زندگی او وظیفه چیست؟

جواب: زوجه ـ در فرض سؤال ـ ارث نمی‌برد، بلکه تمام ترکه بعد از اداء دیون به عموی مرحوم می‌رسد.

۸: ما پنج برادر و دو خواهر هستیم با مادرمان، یک قطعه زمین در یزد داریم به مساحت ۱۸۰ متر و یک باب منزل مسکونی به مساحت ۱۸۰ متر که اینها به ما ارث رسیده است. ارزش زمین یک میلیون تومان و ارزش منزل مسکونی ۱۴ میلیون تومان می‌باشد. از حضرتعالی می‌خواهیم که این ۱۵ میلیون را برایمان تقسیم کنید.

جواب: زوجه نه از زمین ـ چه زمین خانه باشد و یا غیر خانه ـ ونه از قیمت زمین ارثی نمی‌برد و فقط از قیمت بنا و عمارت و یا درخت و زراعت آنها $\frac{1}{8}$ ارث می‌برد، زیرا میّت اولاد دارد، و هکذا از کل منقولات ایضاً $\frac{1}{8}$ ارث می‌برد و بقیه ـ چنانچه مرحوم، پدر و مادر نداشته ـ مال اولاد است، که برای پسر

دو برابر دختر می‌باشد.

۹: شخصی در حال حیات می‌گفت زمین ملکی من مال نوهٔ پسری من باشد و در حال فوت نیز همین مقدار را گفته است که خانهٔ من ثلث بشود، در حال حاضر که چهار دختر هم باقی مانده است آیا این زمین متعلق به این نوه پسری است و یا دختران؟

جواب: در فرض سؤال، اگر تمام ترکه آن مرحوم همین زمین باشد و وصیت به ثلث را هم نسبت به همین زمین نموده است، معلوم می‌شود که وصیت به هبه بوده و باید مقدار ثلث این زمین طبق وصیت بین نوهٔ پسری او و دیگر موارد وصیت تقسیم شود و دو ثلث باقی را بین چهار دخترانش بالسویّه تقسیم کرد، چنانچه وارث دیگری نداشته باشد.

۱۰: از شخصی دو پسر و یک دختر وارث می‌ماند و مقداری زمین زراعی، برادر کوچک هم فوت می‌کند که از ایشان غیر از این برادر و خواهر وارث دیگری نمانده و وصیش هم برادر بزرگ بوده است. بعد از فوت خواهر، برادرش ادعا می‌کرده که خواهرم حصهٔ زمین خود را به من هبه کرده و نوشته‌ای را به عنوان هبه بدون امضا و شاهد ارائه می‌داده و مقداری از آن زمین را هم فروخته است و باقی آن فعلاً در تصرف پسران برادر بزرگ می‌باشد. آیا پسران این خواهر می‌توانند حق مادرشان را مطالبه نمایند؟ حکم آن زمین فروخته شده چگونه است؟

جواب: با فوت برادر کوچک اگر وارث دیگری نباشد سهم او بین برادر و خواهر او تقسیم می‌شود، یعنی دو حصّهٔ آن مال برادر بزرگ و یک حصهٔ آن از آن خواهر می‌باشد، و اما ادعای برادر بزرگ راجع به هبه باید اثبات شرعی شود

و الا پسران خواهر می‌توانند حق مادرشان را مطالبه نمایند.

۱۱: یک منزل پدری در کربلا داریم، پدرم فوت کرده و دو عیال داشته که از یکی یک فرزند پسر و از دیگری یک فرزند پسر و یک دختر داشته. بعد از فوت پدر، یکی از زن‌ها نیز فوت می‌کند، تقسیم ارث به چه صورت می‌باشد؟

جواب: یک هشتم ترکهٔ آن مرحوم بین دو همسرش تقسیم می‌شود و مابقی را بین فرزندان مرحوم تقسیم می‌کنند، که به پسر دو برابر دختر داده می‌شود، البته زن از زمین و قیمت آن ارث نمی‌برد، ولی از قیمت متعلقات زمین مانند ساختمان و درخت، نه خود متعلقات ارث می‌برد، و سهم آن زن متوفی به فرزندش می‌رسد.

۱۲: شخصی از دنیا رفته و یک خواهر مادری و چند فرزند دختر از برادر مرحومش که از پدر و مادر با هم هستند و چند فرزند پسر و دختر از دو خواهر مرحومش که از پدر و مادر با هم هستند دارد. آیا مایملک مرحوم مال خواهر مادری می‌شود و یا مال دیگران است؟

جواب: چنانچه برادر و خواهر پدر و مادری، قبل از آن مرحوم فوت شده باشند، تمام ارث به خواهر مادری او می‌رسد.

۱۳: اگر شخصی وصیت کند که مایملک من مال فرزندان پسرم باشد، آیا وقتی پدر از دنیا برود، منزل و سایر مایملک پدر مال پسران می‌باشد، یا مال تمام فرزندان پسر و دختر مرحوم است؟

جواب: اگر در حال حیات، منزل و سایر مایملک خود را به پسران خود

هبه کرده و قبض صورت گرفته باشد، هبه صحیح است. البته شرعاً باید ثابت شود که هبه کرده است، و إلاّ اگر وصیت به هبه باشد فقط تا ثلث نافذ است و در دو ثلث دیگر همهٔ ورثه اعم از دختر و پسر و همسر شریک‌اند.

۱۴: پدرمان دو همسر داشته که فرزندان همسر اول را در زمان حیات به سامان رسانده و از زن دوم فرزندانی دارد و هیچ گونه امکاناتی برای آنها نگذاشته است. اکنون آیا می‌توانند از یک باغ و یک منزلی که مانده برای فرزندان همسر دوم مصرف کنند یا خیر؟

جواب: آنچه از ترکهٔ مرحوم مانده همهٔ ورثه در آن شریک‌اند.

۱۵: مهریهٔ همسران پدرمان یک باغ و یک منزل است و تمام ترکه هم همین است، آیا این باغ و منزل مربوط به همسران ایشان است یا ارث همهٔ فرزندان می‌باشد؟

جواب: مهر تعیین شده مقدم است بر ارث.

۱۶: شخصی چهار فرزند پسر و پنج دختر از سه مادر باقی گذاشته. دو زن وی قبل از خودش فوت کرده و یکی باقی مانده است، اموال و ملک وی چگونه بین وارثین تقسیم می‌شود؟

جواب: زوجه یک هشتم ترکه، و اولاد مابقی آن را، که به پسر دو برابر دختر ارث داده می‌شود، البته زوجه مطلقاً از زمین ارث ندارد ولی ازمتعلقات زمین مانند بنا و درخت، فقط از قیمت آن ارث می‌برد.

۱۷: شخصی طبق قول فرزند بزرگش ناظر و سیدی را وصی گرفته تا تمام اموال، املاک، زمین و آسیاب بین وارثین بالسویّه تقسیم بشود، فعلاً این

نوشته گم شده، تکلیف چیست؟

جواب: مدّعی باید وصایت و نیز نظارت را اثبات شرعی نماید و الاّ قولش مسموع نیست، و بر فرض ثبوت وصیت، فقط ثلث ترکهٔ میت بالسویّه تقسیم می‌شود و مازاد بر ثلث طبق قانون ارث بین تمامی ورثه تقسیم می‌شود.

۱۸: شخصی نُه فرزند و زوجه سوم اش وارث او هستند، این زوجه ادعا دارد تمام مال و ملک را شوهرم به فرزندان خودم هبه کرده است و باقی وارثین حق ندارند. وصی او نیز فرزند خودم می‌باشد و ناظر خودم هستم که زوجهٔ او می‌باشم، اما فعلاً باقی وارثین قبول ندارند، تکلیف ما چیست؟

جواب: ادعای زوجه نیاز به اثبات شرعی دارد، و الا مسموع نیست، والله العالم.

۱۹: بین دو فرزند بعد از رحلت پدرشان نزاع شدیدی دربارهٔ ارث پدری واقع شد و به میز محاکمه کشیده شد و این محاکمه به طول انجامید. در این میان سرگروهان محلهٔ خودشان درمیان آنها اصلاح کرد و یک اقرار نامه صلح در میان این دو برادر نوشته شد: که هر کدام از این دو برادر از اقرار نامه تخلف نماید کلاً از ارث محروم خواهد شد، آیا این چنین صلحی صحیح است یا خیر؟

جواب: شرط مذکور صحیح نیست، ولی چنانچه صلحی بین دو طرف نزاع، واقع شده باشد و هر دو به این مصالحه راضی باشند، طبق مصالحه عمل می‌شود.

۲۰: تمام مایملک مرحوم پدرم در دست برادر بزرگم می‌باشد و او از من به زور گرفته است. بارها به برادرم و همسایگان آن منطقه اعلان نمودم

که راضی نیستم و خانهٔ برادرم غصبی است بازهم اعتنا نمی‌کنند، آیا خوردن و آشامیدن و عبادات آنها صحیح است؟

جواب: در صورت صحت مدّعا جایز نیست.

۲۱: جهیزیه‌ای که پدر به دختر خود داده اگر دختر در خانهٔ شوهر فوت کند، آیا این جهیزیه متعلق به پدر یا مشمول قانون ارث است؟

جواب: مشمول قانون ارث است.

۲۲: شخصی در وصیت نامه‌اش نوشته است: بعد از فوت من نصف دارایی ام مال همسرم باشد و اختیار نصف دوّم تا وقتی که همسرم زنده است برای او است، آیا این از نظر شرع مقدس اشکال دارد؟

جواب: وصیت فقط در مقدار ثلث نافذ است و مابقی چون ملک ورثه است، فقط با قبول ورثه به وصیت و رضایت آنان عمل می‌شود.

۲۳: اگر چنانچه مسئلهٔ قبل قابل اجرا نباشد در این صورت وارث ایشان تنها دختر ایشان می‌باشد و آن مرحوم از کل دارایی‌اش فقط یک باب منزل مسکونی دارد، و اگر این منزل مسکونی بعد از پرداخت دیونات اعم از دیون خود آن مرحوم و حقوق همسرش به تنها دخترش برسد، در این صورت آیا حج بر او واجب می‌شود؟ و تا وقتی که این مادر زنده است وظیفهٔ حج موقتاً از گردن دختر می‌افتد یا خیر؟

جواب: اگر باقیمانده وافی به مخارج حج باشد، حج واجب می‌شود، و اگر استطاعت حاصل شد نباید تأخیر گردد، مگر در صورتی که مادر یا خود او بر اثر فروش خانه در عسر و حرج واقع گردند.

۲۴: شخصی به ثلث برای خود وصیت کرده، او قبل از فوتش ۷ سال بازنشسته بوده و حق و حقوق بازنشستگی می‌گرفته و بعد از فوت ایشان به همسرش تعلق گرفته است، لطفاً حکم ثلث او را مشخص فرمائید؟

جواب: اگر حقوق بازنشستگی همان پس‌انداز طول خدمت باشد در ملک آن مرحوم بوده و ثلث تعلق می‌گیرد و اگر با فوت او تمام می‌شود ولی آن اداره به عنوان کمک به همسرش می‌دهد، ثلث به آن تعلق نمی‌گیرد.

۲۵: پدر بزرگم وصیت نموده است قطعه زمینی عوض دیون خود داده شود. کلمهٔ دیون مجمل است، حج و زکات یقیناً در ذمه ندارد، راجع به بقیّهٔ دیون، باید چه کنیم؟

جواب: در فرض سؤال، باید وصی اعلان کند تا افرادی که احتمالاً طلب مالی از آن مرحوم دارند، طلب خود را به اثبات شرعی رسانده و آن را از قیمت این زمین استیفا نمایند، و مابقی متعلق به ورثه خواهد بود و در صورت یأس از وجود طلبکار، زمین یاد شده کلاً بین ورثه تقسیم می‌شود.

۲۶: شخصی داماد خود را وصی خود قرار داده و در وصیت قید نموده شخص وصی فقط با در نظر گرفتن رضای خدا اختیار هزینه کردن ثلث اموال موارد وصیت را دارد و وصی نیز شرعاً در حد توان به این امر اهتمام ورزیده است؛ در حال حاضر پس از گذشت حدوداً چهل سال یکی از ورّاث بر پرداخت موارد ثلث معترض شده و برای شخص وصی دادخواست کیفری ترتیب داده است. آیا ورثه اجازهٔ چنین دخالتی را به این شکل در کار وصی دارند؟

جواب: اگر وصی به وظیفهٔ خود طبق وصیّت نامه عمل کرده باشد، ورثه حق اعتراض ندارند.

۲۷: برادرم بعد از فوت پدرم دو قطعه زمین آبی پدر را بدون هماهنگی با وارثین از پیش خود فروخته است. اینجانب فعلاً به سن قانونی رسیده‌ام. و قصد دارم آن را از خریدار پس بگیرم، از نظر شرعی تکلیف من در این باره چیست؟

جواب: در فرض سؤال، شما حق دارید به اندازهٔ حصّهٔ خود از مشتری مسترد نمایید.

۲۸: پدرم از دنیا رفت و بنده خیلی کوچک بودم. سایر مردم بعد از فوت پدر برای فرزند صغیر یک سهم اضافی برای ازدواج در نظر می‌گیرند، آیا از نظر شرعی می‌توانم مطالبه چنین حقی را بکنم یا خیر؟

جواب: حق مطالبهٔ اضافی را ندارید.

۲۹: مادر اینجانب را از ارث محروم کردند، آیا فعلاً بعد از گذشت چندین سال از فوت پدرم می‌تواند سهم خود را که از اموال پدرم به او می‌رسیده بگیرد؟

جواب: در فرض سؤال، حق مطالبهٔ سهم خود را دارد.

۳۰: شخصی مستطیع حج بوده و فوت می‌کند، وی پسر خود را نایب بر حج گرفته بود که او نیز بیمار شده و فوت می‌کند. در وصیت خود گفته هرکس حج را انجام دهد زمین زراعتم مال اوست، از این شخص فوت شده

دو دختر نیز باقی مانده است، آیا زمین متعلق به آن فردی است که حج به جا آورده یا این دختران؟

جواب: اگر قیمت زمین زراعتی به اندازهٔ اجرت المثل (حج) باشد، همهٔ زمین را به کسی که حج را به جا آورده می‌دهند و اگر کمتر باشد باید از اصل ترکه کمبود آن را جبران کند و اگر بیشتر باشد مازاد آن را اگر کمتر از ثلث باشد باز هم به آن شخص می‌دهند، از باب وصیت و مازاد برثلث بین ورثه تقسیم می‌شود.

۳۱: سه برادر بودیم و یک خواهر، خواهرمان از دنیا رفت و یک قطعه زمین به ارث گذاشته و به برادرم وصیت کرده که پول زمین را برایم زیارت کربلای معلی بروند و الباقی برای برادران باشد، دربارهٔ زمین نیز گفته شده چون به مقدار مصرف حج و بیشتر از آن است برای او حج بجا آوریم. همان برادرم برای خواهرمان نایب حج گرفته است، و اکنون خود را صاحب زمین می‌داند، در صورتی که پول زمین از خرج حج بسیار بالاتر است. حال آیا می‌توانیم شرعاً بر سر زمین ادعا کنیم یا خیر؟

جواب: در صورتی‌که این مرحومه اولاد نداشته باشد و ورثه‌اش همین سه برادر باشند باید از این زمین به اضافهٔ حج، زیارت کربلای معلا هم برای او داد و بقیهٔ پول زمین بین سه برادر علی السویّه تقسیم گردد.

۳۲: هنگام فوت پدرم دختر سه ساله بودم، دو برادر و سه خواهر بزرگتر داشتم. به گفتهٔ دو برادرم و افرادی که در حین مریضی پدرم بالای سر وی بودند، پدرم وصیت به مصالحه کرده و اعلام داشته که به دختران هر کدام مقداری پول توسط پسران پرداخت و ملک و املاک متعلق به پسران باشد، ولی هیچگونه مدرکی دال بر اثبات گفته‌های خود ندارند. اکنون حق در

خواست سهمیهٔ خود را از ملک و املاک پدرم دارم یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، شما حق مطالبهٔ سهم خود را به طور کامل از کل ترکه دارید، مگر اینکه آنان مدرک شرعی بر اثبات مدعای خود ارائه دهند که در این صورت شما هم در مصالحه شریک می‌باشید، ولی این مصالحه فقط تا مقدار ثلث نافذ بوده و ما بقی سهم شما در دو ثلث باقیمانده نیز محفوظ خواهد بود.

۳۳: پدری با پسر بزرگترش چهل سال قبل زمینی را خریداری نموده و سند مالکیت به اسم پدر و همین پسر بزرگترش می‌باشد. در وصیت نامه، پدر نصف همین زمین را برای همین پسر وصیّت کرده و بقیهٔ زمین‌هایش را برای فرزندان دیگرش وصیت نموده که هر کدام ملک و زمین خود را تصاحب و حرفی در میان نبوده، اکنون پسر بزرگ ادعا دارد که در ملک و زمین بقیهٔ ورثه هم حق و سهم دارم.

الف ـ آیا شرعاً پسر بزرگتر چنین حقی دارد؟

ب ـ شوهر از زمین زنش که مرحوم شده چگونه ارث می‌برد در حالی که این زن و شوهر ۴ پسر و ۳ دختر هم دارند؟

جواب: الف ـ در فرض سؤال، پسر بزرگتر مضافاً بر اینکه نصف زمین را طبق سند موجود مالک است، طبق وصیت هم از بقیهٔ ماترک، ثلث را خود و بقیهٔ موصی لهم بالسویه می‌برند. و در ما بقی ترکه با دیگر ورثه شریک می‌باشد، ولی اگر بعد از فوت پدر، پسر بزرگتر از حق خود صرف نظر کرده و به تقسیم بین ورثه راضی بود دیگر حق رجوع ندارد.

ب ـ در فرض سؤال، شوهر از زنش یک چهارم، ارث می‌برد. البته بعد از انجام وصیت وپرداخت دیون میّت.

۳۴: زن و شوهری دارای چهار پسر و سه دختر بودند. زن فوت نموده و ماترک او حدود ۳۰ جریب زمین مانده که از پدر مرحومه به ارث رسیده بود. بعد از فوت زن، شوهرش زن دومی را عقد نموده است که از او یک دختر باقی مانده و بعد از فوت زن دومی شوهرش زن سومی را عقد نموده که از او نیز یک دختر باقی می‌ماند. ارث شوهر و فرزندان از این ۳۰ جریب زمین که زن اولی باقی گذاشته چگونه است؟ آیا به دو دختر از زن دومی و سومی از این زمین ارث تعلق می‌گیرد؟

جواب: خیر، به این دو دختر از زن دومی و سومی از زمین زن اولی ارث تعلق نمی‌گیرد، بلکه یک چهارم آن، حق شوهر بوده و ما بقی بین اولاد زن اولی، به پسر دو برابر دختر تقسیم می‌شود.

۳۵: پدری وصیت نموده که ماترک او را بین فرزندانش تقسیم نمایند. فرزندان هم هر کدام حقّ و حصّهٔ خود را تصاحب نمودند و حیاط و باغ ساختند. بعد از گذشت چهل سال از تقسیم زمین‌ها، حق و حصهٔ زمین یکی از پسران یک مقدار ارزش پیدا نموده است. بعضی از ورثه ادعا دارند که تفاوت قیمت این زمین بین ورثه تقسیم شود، آیا شرعاً چنین حقی به بعضی از ورثه که ادعا دارند تعلق می‌گیرد؟

جواب: در فرض سؤال، خیر، چنین حقی ندارند.

۳۶: شخصی بی زن و فرزند دار دنیا را وداع گفته است و تنها یک خواهر داشته که قبل از خودش مرحوم شده ولی از این خواهر سه تا فرزند باقی مانده است. اکنون اموال منقول وغیر منقول و زمین‌های موروثی این

شخص به خواهر زادگان تعلق می‌گیرد یا به فرزندان جدّ دوم متوفی؟ این در حالی است که برخی به عنوان قرابت نسبی مانع از تصرف خواهرزاده‌ها شده‌اند. حکم شرعی این مسئله چگونه است؟

جواب: با وجود خواهر زادگان که طبقهٔ دوم ارث می‌باشند نوبت به فرزندان جد (چه جدّ اول و چه دوم) نمی‌رسد، زیرا آنان از طبقهٔ سوم می‌باشند که در واقع اعمام یا اخوال هستند، و در هر صورت خواهر زادگان در ارث به منزلهٔ مادر خود هستند.

۳۷: پدری موقع ازدواج دخترش با آقای داماد علاوه بر شیربها، مقداری طلا از قبیل گوشواره، النگو و انگشتر قرار داده است. دختر خانم با شوهرش مدت پنج سال زندگی نموده و متأسفانه شوهرش یک روز در اثر اصابت چوب بست به سرش، از دنیا می‌رود. دوفرزند خردسال از او مانده است، لطفاً بفرمایید طلاهای مذکور متعلق به خانم است یا جزء ماترک شوهر؟

جواب: ظاهر طلا دادن زوج به زوجه تملیک است، لذا طلا ملک زوجه است، مگر اینکه شرعاً ثابت شود که شوهر طلاها را به عنوان امانت نزد زوجه گذارده است.

۳۸: شخصی فوت کرد و از او مقداری زمین و مقداری مال باقی مانده است وارثی هم به غیر از پسر دایی و پسر نوهٔ عمو ندارد، میراث شخص متوفی به کدام یک از آنها می‌رسد؟

جواب: در فرض سؤال، میراث به پسر دایی میّت می‌رسد.

۳۹: شخصی سه زن داشته و از آنها چهارده اولاد دارد. آن شخص هنگام فوت وصیت می‌کند که طبق نظر شرع اموال بین همهٔ فرزندانش تقسیم شود، حال آن فرزندانی که همراه پدر بوده‌اند، ادعا می‌کنند که پدر قبل از فوت همهٔ اموال را بین فرزندانش که با او بوده‌اند و از یک مادر هستند هبه کرده است. و برای بقیهٔ فرزندانش که از همسران دیگرش هستند حقی قائل نشده است.

الف ـ آیا از نظر شارع مقدس صحیح است که یک پدر همهٔ مایملک خود را به عده‌ای از فرزندان خود هبه کرده و دیگران را محروم نماید؟

ب ـ بر فرض صحت هبه، آیا حقی به بقیهٔ فرزندان می‌رسد و اگر می‌رسد مقدار آن را بیان فرمائید؟

جواب: الف ـ مدّعیان هبه باید اثبات شرعی کنند که میت قبل از فوتش این اموال را هبه کرده و به قبض آنان رسانده است، و الاّ همهٔ اموال جزء ترکه بوده و باید بین همهٔ ورثه تقسیم شود.

ب ـ بر فرض اثبات وصحت هبه، چیزی به دیگر فرزندان نمی‌رسد. بلی، بر فرض عدم صحّت هبه، همسران آن مرحوم از غیر زمین هرکدام $\frac{۱}{۳}$ از $\frac{۱}{۸}$ ماترک می‌برند و اگر میت پدر و مادر داشته باشد، برای هرکدام $\frac{۱}{۶}$ از کل ماترک می‌باشد، و باقیمانده ترکه را هر کدام از پسران دو برابر دختران ارث می‌برند.

۴۰: برادرم به همراه تمامی خانواده‌اش (زن و دخترش) در اثر تصادف مرحوم شدند، که طبق گفتهٔ حاضران در محل حادثه ابتدا همسرش و سپس

برادرم و در نهایت دختر کوچکش در اثر جراحات وارده فوت نمودند.

الف ـ در صورت یقین بر تأخّر فوت مذکور نحوهٔ تقسیم ارث بین ورّاث که شامل پدر و مادرم و مادر زن برادرم می‌شوند، چگونه است؟

ب ـ در صورت عدم یقین بر تقدم و تأخر فوت مذکور، تقسیم ارث بین ورّاث یاد شده چگونه است؟ لازم به ذکر است که مادرم حاجب دارد زیرا غیر از مرحوم برادرم دو برادر و دو خواهر دیگر هم هستیم.

جواب: الف ـ در این فرض که زوج بعد از زوجه فوت کرده ـ ترکه زوجه (۱۲) قسمت می‌شود ـ سهم زوج یک چهارم و مادر زن یک ششم است، و نصف ترکه مال دختر کوچک برادرتان می‌باشد و یک دوازدهم باقی مانده بین دختر کوچک $\frac{۳}{۴}$ و مادر زن $\frac{۱}{۴}$ نیز تقسیم می‌شود و بعد از فوت برادرتان ـ ترکه او و هر چه در این فرض از همسرش به او ارث رسیده شش قسمت می‌شود ـ سهم هر کدام از پدر و مادرتان یک ششم و $\frac{۳}{۶}$ مال دختر برادرتان می‌باشد و از $\frac{۱}{۶}$ باقیمانده $\frac{۳}{۴}$ آن مال دختر برادرتان و $\frac{۱}{۴}$ آن مال پدرتان نیز می‌باشد و مادرتان به جهت حاجب از این $\frac{۱}{۶}$ باقیمانده سهمی نمی‌برد. و بعد از فوت دختر برادرتان ـ ترکه او و آنچه در همین فرض از پدر و مادرش ارث به او رسیده سه قسمت می‌شود ـ سهم هرکدام از پدر و مادرتان و مادر زن برادرتان $\frac{۱}{۳}$ می‌باشد.

ب ـ در فرض عدم تعیین تقدم و تأخر، حکم توراث و کیفیت آن در کتاب‌های مفصّل فقهی موجود است.

۴۱: در بعضی بلاد رایج است که پدر عروس مقداری پول از داماد می‌گیرد و با آن جهاز تهیه می‌کند. اگر شوهر فوت کند آیا جهیزیه، طلا و

لباس از اموال متوفی است که برای همهٔ وراث باشد یا مختص زن او می‌باشد؟

جواب: جهیزیه، طلا و لباسی که زن به خانهٔ شوهر می‌آورد مختص زن است.

۴۲: شخصی ۲۷ سال پیش فوت نموده و سه اولاد ذکور خود را وصی قرار داده است. بعد از رسیدگی به اموال مرحوم در همان موقع دو وصی مقدار ثلث مربوط به سهم خودشان را برای پدر خود خرج کردند و بعد از ۲۴ سال از فوت پدرشان ساختمان مسکونی او را به فروش رساندند و سهم وراث را پرداخت نمودند. اینک که ساختمان را خیلی زیادتر از زمان رسیدگی به اموال به فروش رساندند باید ما به التفاوت ثلث را برای پدرشان خرج کنند یا خیر؟ تکلیف وصی سوم چیست؟ آیا از ثلث ۲۷ سال قبل که تعیین شده است باید خرج کند و یا از ثلث فروش خانه که چهار سال قبل فروخته شده است؟

جواب: اگر میت وصیت به ثلث برای خود نموده است، باید از مجموع ترکه حتی خانهٔ مذکور ثلث پدر معین شود. آنگاه اگر آن دو نفر فقط سهم ثلث پدر را نسبت به حصهٔ خودشان خرج پدر کردند، ما به التفاوت فقط در سهم الارث بقیهٔ ورثه می‌باشد. ولی چنانچه ثلث پدر از مجموع ترکه معین نشده و فقط آن دو نفر ثلث سهم الارث خود را خرج پدر کرده باشند، پدر در سهم الارث ورثه شریک بوده و تفاوت قیمت نیز باید در سهم الارث ورثه ملحوظ شود.

۴۳: آیا پدر و مادر می‌توانند در وصیت نامه قید کنند که فرزندانشان از ارث محروم‌اند و به ورثه بگویند وصیت نامه را امضا کنند و الاّ از آنها راضی نخواهند بود؟ آیا فرزندانی که امضا نکردند می‌توانند بعد از فوت پدر

و مادر ادعای ارث کنند یا خیر؟

جواب: پدر و مادر نباید چنین کاری بکنند و در روایت است که با چنین کاری والدین عاق اولاد خود شده و مدیون آنها خواهند بود، ولی به هر حال همه ورثه حق ادعای ارث را دارند چه آنهائی که امضا کرده‌اند و چه آنها که از امضا امتناع کرده باشند.

۴۴: آیا فرزندانی که بر محرومیت خود از ارث پدر و مادر امضا کرده‌اند، می‌توانند بعد از فوت وصیت نامه را قبول نکنند و ادّعای ارث نمایند؟ یا باید طبق امضا و آن چه که در وصیت نامه نوشته شده عمل نمایند؟

جواب: بر فرض صحت وصیت‌نامه، فقط در یک سوم (ثلث) ترکه ارث نمی‌برند، ولی در دو ثلث دیگر ارث می‌برند.

۴۵: دخترم دو ماه بعد از عروسی در اثر سانحهٔ تصادف بدون وصیت از دنیا رفته است و فرزندی هم ندارد، اکنون اموال متوفی از قبیل: (لباس، طلاجات، اثاث منزل و مهریه) به چه کسی می‌رسد؟

جواب: اگر دیون یا خمسی بر ذمه‌اش باشد از مجموع ترکه کسر می‌شود و مابقی را بین شوهرش و پدر و مادر متوفی چنین تقسیم می‌نمایند: به شوهر نصف مجموع و باقیمانده را به مادر یک سوم و بقیه را به پدر می‌دهند، والله العالم.

۴۶: شخصی که دارای پنج پسر بوده یک منزل مسکونی داشته که بعد از فوت او پسرانش به پنج قسمت تقسیم می‌کنند، البته پسر بزرگ هم بعد از فوت پدر از دنیا رفت و حق پسر بزرگ را برادر دومی که عهده‌دار سرپرستی

یتیمان صغیر برادر بزرگ بوده مالک می‌شود. آیا این تقسیم صحیح است یا خیر؟

جواب: تقسیم منزل به پنج قسمت ـ در فرض سؤال ـ صحیح است و بعد از فوت پسر بزرگ سهم او از منزل برای فرزندان صغیر او می‌باشد و باید برادر دومی سهم برادر بزرگ خود را به فرزندان برادر مرحومش طبق موازین ارث بدهد و او مالک نمی‌شود.

۴۷: زمین‌هایی متعلق به دو برادر بوده است، و بعد وارث زمین به علت مشکلاتی از منطقه فراری شده، در نتیجه زمین‌ها بدون صاحب رها شده است. در مدت چهل سال اهل همان روستا از آن استفاده می‌کردند و سی سال قبل ورثهٔ یک طرف به منطقه رفته و زمین‌ها را صاحب شده و بعد بدون وجود ورثه طرف دیگر می‌فروشد. حالا ورثه‌ای که آن موقع نبودند به منطقه رفته و ادعای پس گرفتن زمین‌ها را دارد.

الف ـ مشتریان با علم به اینکه زمین مشترک است و ورثهٔ یک طرف خبر ندارد آن را خریده‌اند، این معامله چه حکمی دارد؟

ب ـ بایع بدون اذن و قبل از تقسیم بین وراث فروخته است، حکم آن چیست؟

ج ـ حکم افرادی که فعلاً از زمین استفاده می‌کنند چیست؟

د ـ وارثانی که حقشان را فروخته‌اند چه وظیفه‌ای دارند؟

جواب: الف ـ بیع در مقداری که سهم ورثهٔ دیگر است، صحیح نیست و باید آنان را راضی کنند.

ب ـ فقط به مقدار سهم فروشنده صحیح است و باقی آن متوقف بر اجازهٔ بقیهٔ ورثه می‌باشد.

ج ـ ضامن مقدار سهم باقی ورثه می‌باشند.
د ـ حق مطالبهٔ سهم خود را دارند.

۴۸: شخصی که صاحب زمین‌های بسیاری بوده پنج فرزند پسر داشته است. دو پسر این شخص با نفوذتر بوده است و پدر نود ساله خود را مجبور به واگذاری مقدار زیادی از زمین‌ها برای خودشان می‌کنند و در همان وقت با پرداخت وجه قابل توجهی به قاضی محلی اقدام به صدور سند مالکیت به نفع خودشان می‌نمایند، حال که پدر فوت کرده حکم ارث و ورثه چیست؟

جواب: در فرض سؤال، چنانچه عدم شرعیت تملّک آن دو فرزند ثابت گردد و ورثه منحصر به این پنج پسر باشد، همهٔ زمین‌ها باید بین این پنج پسر بالسویه تقسیم شود.

۴۹: فردی وصیت کرده که یک میلیون تومان اندوخته‌ام مال فرزندم باشد، و نیز وصیت کرده است که برای من دو سال نماز و دو ماه روزه داده شود. مرحوم غیر از این یک میلیون تومان پول دیگری هم ندارد و خمس این پول را هم نداده است. ورثه او نیز عبارتند از، مادر و زن و یک پسر صغیر، حکم شرعی آن چیست؟

جواب: بعد از دادن خمس مال میت ـ در فرض سؤال ـ هر کدام از دو مورد وصیت (پول مال فرزندم، یا برایم دو سال نماز و روزه بدهند) مقدم بوده، ثلث مال را به آن داده و بقیهٔ مال، یک ششم برای مادر، و یک هشتم برای همسر، و بقیه برای پسر صغیر او است.

۵۰: شخصی از دنیا رفته و از آن مرحوم چهار فرزند پسر و چهار فرزند دختر باقی مانده که یک پسر و چهار دختر از یک مادر و سه پسر دیگر از

مادر دیگری می‌باشند که هردو مادر مرحوم شده‌اند. از سه پسر یکی بعد از فوت پدر در اثر تصادف از دنیا رفت. حال مایملک مرحوم چگونه تقسیم می‌شود؟ حکم ارثی که به پسر مرحومش تعلق می‌گیرد چیست؟ (با توجه به اینکه ازدواج نکرده و وصیت نامه هم ندارد) دیگر اینکه ثلث مرحوم چه می‌شود، در حالی که او یکی از فرزندانش را وصی و دیگری را ناظر معرّفی کرده است؟

جواب: ترکه پدر ـ در فرض سؤال ـ باید ۱۲ حصه نمایند و بین فرزندان او به پسر دو حصه و به دختر یک حصه داده شود. و اما ترکه پسر (آن دو حصه که از پدر به ارث او رسیده و دیهٔ تصادف اگر دیه او داده شده و دیگر مایملک شخصی او) به دو برادر ابوینی او بالسویه می‌رسد و برادران و خواهران أبی از او ارث نمی‌برند. و امّا ثلث: پس اگر مرحوم وصیت به ثلث نموده است، باید اول ثلث را جدا و به مورد وصیت مصرف نمایند، و بعد دو ثلث دیگر را بین ورثه تقسیم نمایند و اگر وصیت فقط به بعضی خیرات و مبرات نموده، به همان اندازه از اصل ترکه جدا نمایند، به شرط عدم تجاوز از ثلث، و چنانچه وصی و ناظر تعیین کرده است باید وصی وصیت را تطبیق کند و ناظر بر اجرای آن نظارت نماید.

۵۱: شخصی کارمند درتعاونی اداره برای یک باب خانه مسکونی نام نویسی کرده و مبلغی که لازم بوده خودش واریز کرده، ولی بعد از مدتی که هنوز نه خانه بوده و نه حتی زمین از دنیا رفته، سپس برای خانه درخواست پول شده و وارث آن مرحوم که پدر، مادر، همسر و دختر بچه یک سالهٔ او هستند بخاطر اینکه خانه برای بچه بماند پول داده‌اند. بیشتر مبلغ را قیم

بچه فراهم کرده و مبلغی هم از ارثیه بوده، فعلاً خانه را تحویل داده‌اند. آیا ورثه از کل این خانه ارث می‌برند یا همان مبلغ روز اول که خود مرحوم داده است؟

جواب: آن مقدار از پولی که برای تکمیل خانه غیر از پول ارثیه داده شده با قیمت فعلی خانه سنجیده شود و به همان نسبت از پول خانه کسر شده و به صاحبان پول داده شود، سپس باقیماندهٔ قیمت خانه و دیگر چیزهایی که از ترکه آن مرحوم باقی مانده، بین ورثه تقسیم می‌شود. برای پدر و مادر هر کدام $\frac{۱}{۶}$ و همسر $\frac{۱}{۸}$ و برای دختربچه نصف مال، و بقیهٔ مال پنج قسمت شده، سه قسمت برای دختر، و دو قسمت برای پدر و مادر داده می‌شود.

۵۲: شخصی در حال مریضی شدید وصیت نموده یک قطعه از املاک او را به دو تن از فرزندانش بدهند و دیگر وارثان را که سه تن می‌باشند از سهم الارث این ملک محروم کرده است. حال از نظر شرع اسلام این وصیت صحیح است یا خیر؟

جواب: چنانچه مریض در کمال عقل و فهم بوده وصیت صحیح است، ولی تا مقدار ثلث از کل ترکه نافذ است و در دو ثلث دیگر، کل ورثه حق دارند، حتی آن دو فرزند مورد وصیت.

۵۳: خانمی که شوهرش فوت نموده به حسب تقیه می‌گوید من هشت یک را از فرزندانم نمی‌گیرم، و در حقیقت برای فرزندان هبه نکرده است.

الف ـ آیا او می‌تواند هشت یک را از فرزندان خود مطالبه نماید؟

ب ـ یکی از فرزندان او در سن پنج سالگی بعد از فوت پدر فوت می‌کند،

آیا ارث پسر به مادر می‌رسد یا برادران؟

جواب: الف ـ اگر او واقعاً هبه نکرده حق مطالبه هشت یک را دارد.

ب ـ ارث پسر در فرض سؤال به مادر او می‌رسد نه به برادران.

۵۴: شخصی شهید می‌شود و از وی وارثینی باقی می‌ماند: پدر، مادر، سه فرزند، سه برادر. در حین فوت پدر، دو نفر از برادران شریک در زندگی او بوده‌اند، حال ارث برای پدر و فرزندان و دو برادر چگونه است؟

جواب: اول باید حق شرکای زندگی آن مرحوم را جدا کرد، سپس ماترک او را بین پدر، مادر و سه فرزند او تقسیم نمود، یعنی به پدر و مادر هرکدام $\frac{1}{6}$ و مابقی بین فرزندان به این صورت که به پسران دو برابر دختران داده می‌شود و چنانچه فرزندان همه پسر باشند یا همه دختر، به طور مساوی ارث می‌برند و در فرض سؤال، برادران او حقی درارث ندارند.

۵۵: خانمی فوت می‌کند، ورثهٔ او یک فرزند، همسر و پدر و مادر می‌باشند. مهر او ۱۳۰ سکه و سفر حج می‌باشد. بنابر این:

الف ـ آیا بر زن واجب بوده با ملاحظهٔ تمکن مادی شوهر مهر خود را مطالبه کند و از همسر بخواهد که او را به حج ببرد؟ حال که مطالبه نکرده حج بر ذمه‌اش مستقر شده یا خیر؟

ب ـ آیا لازم است شوهر به شرط خود عمل کند و به حج نایب بفرستد یا اینکه قیمت حج جزء ترکهٔ آن مرحومه است؟

ج ـ آیا کل مهر، قیمت حج، جهیزیه و طلاجات که متعلق به آن مرحومه می‌باشد، جزء ترکه می‌باشد، یا تفصیلی در بین است؟

جواب: الف ـ در فرض سؤال، اگر خانم سفر حج را مطالبه می‌کرد و شوهر

قادر بر آن بود، واجب بود خانم آن را مطالبه نماید و حج بر او مستقر شده و با فرض نرفتن به حج باید از او نیابت حج داده شود.

ب ـ قیمت حج کلاً جزء ترکه می‌گردد.

ج ـ همهٔ مذکورات جزء ترکه می‌باشد، که شوهر $\frac{۱}{۴}$ و هر یک از پدر و مادر $\frac{۱}{۶}$ و بقیه ترکه مال فرزند آن مرحومه است اگر پسر باشد، و اگر دختر باشد نصف، مال او است و بقیه ترکه بین دختر و والدین تقسیم می‌شود، که هر یک از والدین یک پنجم و سه پنجم برای دختر است.

۵۶: پدری با تصادف از دنیا رفته و دیهٔ او به ورثه داده شده است. یکی از ورثه در زندان بوده و حصّهٔ او را همراه با دیگران برای استثمار به شخصی دادند که در آن کار کند. آیا آن زندانی در ربح شریک است یا فقط اصل مالش را باید برای او نگهداری نمایند؟

جواب: ولیّ غایب، حاکم شرع است، اگر تصرف با إذن او یا اجازهٔ بعدی او باشد ضامن اصل و ربح حصّهٔ آن زندانی هستند.

۵۷: شوهری زوجهٔ خود را به قتل می‌رساند و سپس خودکشی می‌کند. از آن دو یک دختر باقی می‌ماند. زوجه وارثی غیر از این دختر ندارد، اما شوهر پدر و مادر و پنج برادر و خواهر دارد، ارث آنان چگونه است؟

جواب: ماترک زوجه و دیه‌اش به تنها دخترش می‌رسد، و دیهٔ زوجه که نصف یکی از موارد شش گانه دیهٔ نفس است از ترکه شوهر برداشته می‌شود، و باقی ترکه شوهر را ـ در صورتی که او دو برادر، یا چهار خواهر، یا دو خواهر و یک برادر داشته باشد ـ ۲۴ قسمت نموده، ۱۵ قسمت آن‌را به دختر و پنج قسمت دیگر را به پدر شوهر، و چهار قسمت باقی مانده را به مادر شوهر می‌دهند

وچنانچه او برادر و خواهر به تعداد یاد شده نداشته باشد، ترکه باید پنج قسمت شود، سه قسمت آن برای دختر و برای هر کدام از پدر و مادر او یک قسمت.

۵۸: همسر اینجانب بیماری داشت و دکترها از حامله شدنش منع کرده بودند، اتفاقاً ایشان حامله شد و از آن وقت نهایت احساس خطر را نسبت به حاملگی ایشان داشتیم و مجبور شدیم از داروخانه آمپول دریافت نموده و توسط خانم آمپول زن، آن را تزریق نمودیم. آمپول زن بدون مشورت دکتر آمپول را تزریق نمود و در اثر آن همسرم فوت کرد. دکتر و آمپول زن برای اینکه شکایت نکنم، مبلغی به اینجانب دادند.

الف ـ مصارفی که در جهت کفن و دفن مرحومه از آن پول کرده ام چه صورت دارد؟

ب ـ مصرف پول در قضای روزه و نماز آن خانم چه حکمی دارد؟

ج ـ آیا باقیماندهٔ آن پول در اختیار بنده است یا باید صرف ورثه نمایم و یا به صاحب آنها برگردانم؟

جواب: پدر و مادر یا جدّ وجدّه یا اولاد میت حق رضایت و عدم رضایت را دارند، و شوهر نمی‌تواند از طرف خود رضایت بدهد. و در صورت درخواست دیه، باید دیهٔ زن و بچه‌ای که سقط شده داده شود، البته باید ملاحظه شود که بچهٔ سقط شده پسر بوده یا دختر و در چه مرحله‌ای بوده است. اما جواب مسائل شما:

الف ـ مخارج کفن به عهده شوهر است.

ب ـ اگر وصیت به آن نکرده باشد متوقف بر رضایت ورثه است.

ج ـ شوهر فقط به اندازهٔ سهم خود از ارث حق دارد و ما بقی، مال ورثهٔ میت می‌باشد.

۵۹: شخصی یک سال قبل ازدواج کرده، تمام خرج عروسی از قبیل لباس، طلا و حتی مخارج عروس را پدر داماد با قرض تهیه نموده است. بعد از عروسی، داماد همهٔ قرض را به گردن گرفت و پدر و مادر عروس هیچ چیزی به عنوان جهیزیه به دخترشان نداده و همهٔ اموال متعلق به داماد است. متأسفانه داماد و عروس دچار گاز گرفتگی شدند و هر دو با هم فوت کردند، در حالی که هیچ وصیت‌نامه‌ای ندارند و وارثی جز پدر و مادر از آنان باقی نمانده است.

الف ـ داماد مهریه را نداده است و در مورد هبهٔ آن از طرف عروس نیز هیچ اطلاعی در در دست نیست، تکلیف مهریه چه می‌شود؟

ب ـ اموالی که پدر داماد خریداری کرده و به پسرش داده است، مال پدر و مادر است یا باید به جای دِین پرداخت شود؟

ج ـ آیا داماد از مهریه ارث می‌برد؟

جواب: الف ـ داماد در فرض سؤال مدیون مهر است.

ب ـ در فرض سؤال، لباس، طلا و جهیزیهٔ عروس چنانچه به عروس هبه شده باشد یا عرفاً مال عروس به حساب آید مال اوست، و الاّ به داماد بر می‌گردد، و چنانچه پدر داماد هم به داماد نبخشیده باشد به پدر داماد بر می‌گردد.

ج ـ در فرض سؤال، داماد نصف مهر را ارث می‌برد، البته بعد از مشخص شدن ماترک هر یک از زوجین، در تقسیم ارث باید به قانون توارث عمل نمود بدین صورت که:

۱ـ نصف اموال شخصی عروس و سه ربع اموال شخصی داماد برای والدین داماد است.

۲ـ یک ربع اموال شخصی داماد به اضافهٔ نصف اموال شخصی عروس برای والدین عروس است.

۳ـ تقسیم سهام بین والدین به اینگونه است که $\frac{۲}{۳}$ برای پـدر و $\frac{۱}{۳}$ بـرای مـادر است.

۴ـ با بودن حاجب (یعنی میت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر از یک پدر داشته باشد) به مادر $\frac{۱}{۶}$ و بقیه به پدر می‌رسد.

قضاء

۱: آیا مراعات شرایط عامه تکلیف در مسائل کیفری نیز لازم است یا صرف بلوغ شرط صدور احکام کیفری می‌باشد؟

جواب: شرایط عامه تکلیف در حدود و قصاص لازم المراعات است، اما در تعزیرات، بلوغ شرط نیست.

۲: آیا درک تکلیف از نظر عقلی و داشتن قدرت و رشد به معنی درک حسن و قبح و علم به گناه بودن و علم به مجازات عمل ارتکابی درمسائل جزایی را شرط برای مکلفین می‌دانید یا خیر؟

جواب: در اصل تکلیف: بلوغ و عقل شرط است و علم به حرمت عمل ارتکابی یا جهل تقصیری به آن منجزّ واقع می‌باشد.

۳: آیا بین عقل و کمال العقل در کلام فقهاء فرق قائلید و آیا عقل همان رشد و کمال عقل داشتن رشد اشد است؟

جواب: مراد از عقل: مایقابل الجنون و مراد از کمال العقل: مقابل سفه و

مانند آن است.

۴: اگر مردی به اتهام تعدّی به فرزند خود محکوم به شلاق شود و حکم نیز جاری گردد و همسر این مرد بر اساس شروط عقدنامه، خود را مطلقه نماید و پس از وقوع طلاق حضانت فرزندان با مادر باشد. حال این مرد ـ با وجود خوف از تکرار تعدِّی ـ حق ملاقات با فرزند خویش را دارد؟

جواب: در فرض سؤال پدر چنین حقی را دارد.

۵: شخصی پس از آزادی از زندان و نجات یافتن از مسأله قصاص و مختومه شدن پرونده مربوطه در حالت صحت و اختیار ضمن معرفی نمودن خود به عنوان معاون در قتل، شرعاً و قانوناً رضایت کامل خود را نسبت به کلیه اولیای دم اعلام نموده و حق هرگونه اعتراض ویا دعوی حقوقی و کیفری علیه آنان را از خود ساقط کرده، این سؤال مطرح است که:

چنانچه شرعاً و قانوناً ثابت شود که قاتل شخص دیگری بوده، آیا از نظر شرعی امضا کننده سند رسمی فوق الذکر حق مطالبه وجوهی که خود و یا بستگانش تحت عنوان خسارت و یا وجه المصالحه به اولیای دم پرداخته و از آنان رضایت گرفته را دارد یا خیر؟

جواب: خیر، در فرض سؤال حق مطالبه ندارد.

۶: شخص متهم به قتل با اولیاء دم مصالحه و رضایت گرفته و از این که دیگر اولیای دم حق مراجعه به دادگاه جهت تقاضای قصاص وی را ندارند با اختیار خود و یا ترس از قاتل واقعی فرضی مجدداً اتهام قتل را بر عهده بگیرد و موجب تبرئه قاتل فرضی و تضییع حق اولیای دم گردد و یا باعث

شود که اولیای دم برای قصاص کردن قاتل واقعی متحمل خساراتی شوند، آیا وی ضامن پرداخت دیه مقتول و یا خسارت وارده مجدد بر اولیای دم خواهد بود یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال خیر ضامن نیست.

۷: جوانی ـ العیاذبالله ـ به دختر برادر خودش به زور تجاوز کرده است. آیا این دختر می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند؟

جواب: بلی، می‌تواند.

۸: آیا شخصی که با او ازدواج می‌کند ثواب دارد یا خیر؟

جواب: بلی: ثواب دارد.

۹: حکم این فرد تجاوزکار چیست؟

جواب: اگر تجاوز به عنف با شرایط آن ثابت شود، حد آن قتل است و باید مهر المثل آن دختر را بپردازد.

۱۰: آیا کسی می‌تواند حکم او را بدون مراجعه به حاکم شرع اجرا کند؟

جواب: خیر، باید حتماً با مراجعه به حاکم شرع باشد.

۱۱: برای پیشگیری از این گونه جنایات چه باید کرد؟

جواب: باید فرهنگ قرآن مجید، پیامبر و اهل البیت علیهم السلام را در جامعه توسط خانواده، مدرسه و رسانه‌ها گسترش داد. ایمان به خدا و روز قیامت و خوف از جزا که مهمترین عامل پیشگیری از ظلم و تعدی است را تقویت نمود و همچنین توجه دادن به مکافات عمل در همین دنیا که اگر خوبی کند خوبی می-

بیند و اگر بدی کند بدی خواهد دید.

۱۲: دختری است نابالغ و نیز پسری که او هم به نظر اکثر مردم نابالغ است، بین اولیای دختر و پسر از قدیم خصومت نیز بوده است. با همین وضعیت الآن اولیای دختر مدعی است که پسر مذکور با دخترشان زنا کرده است و شکایت کرده‌اند و پسر را به زندان برده‌اند. وی در آنجا اقرار کرده که من این عمل زشت را انجام دادم ولی در نزد روحانیون منطقه منکر شده است، که احتمال می‌رود اقرار او از روی ترس و یا مسائل دیگر باشد. در همین منطقه خانم قابله‌ای است که گفته می‌شود از طرفداران اولیای دختر می‌باشد، ادعا کرده دختر افضا شده، حال سؤال این است که:

۱ـ آیا زنا ثابت می‌شود یا خیر؟

۲ـ با نظر قابله مذکوره افضا ثابت می‌شود تا احکام افضا تطبیق شود یا نه؟

۳ـ علی فرض ثبوت افضا توسط همین پسر صغیر حکمش چیست؟

۴ـ اولیای دختر با چنین ادعایی مشمول چه حکمی هستند؟

جواب: ۱ـ در مورد سؤال، خیر ثابت نمی‌شود.

۲ـ اگر قابله متهم نباشد افضا ثابت می‌شود.

۳ـ بر فرض ثبوت افضا توسط همین پسر صغیر، این پسر تعزیر می‌شود و دیه کامله دختر که نصف دیه مرد است گردن عاقله پسر است.

۴ـ اگر شرعاً نتوانند زنا را ثابت کنند مستحق حکم قذف می‌باشند، چنانچه همهٔ شروط قذف متحقق باشد.

۱۳: در روستایی یک نزاع دسته جمعی شده و یک نفر را مضروب می-

کنند که بعد از ۹ روز فوت می‌کند، ضارب شخص سومی را فریب داده و می‌گوید تو یک چوب به گردن بگیر که مرا نکشند. درنتیجه او فریب خورده ودر دادگاه اعتراف به زدن یک چوب می‌کند. ضارب اصلی به گردن نگرفته و اکنون هم می‌گوید به گردن نخواهد گرفت و اولیاء مقتول هم حاضر به قسم خوردن نیستند، حال تکلیف شخص فریب خورده چیست که حدود ۶ ماه در زندان است؟

جواب: این مسئله گرچه نیاز به ترافع نزد حاکم شرع دارد ولی در فرض سؤال فریب دهنده مسئول نجات دادن فریب خورده نیست، و بر فریب خورده است اگر بتواند اثبات کند که اقرارش صحیح نبوده است.

۱۴: حکم ضارب اصلی در این ماجرا چیست؟

جواب: ضارب اصلی ـ در فرض سؤال ـ باید دیه مقتول را بپردازد.

۱۵: آیا قاضی در این ماجرا باید رأی به قصاص بدهد یا دیه؟

جواب: اگر ثابت شود شرعاً که چند نفر شریک در قتل باشند و ولی مقتول طلب قصاص نماید باید دیه بیش از یک نفر را بین آنان تقسیم کرده و آنگاه قصاص کند یا یکی از آنها را قصاص نماید و دیگر شرکا را رها کند و آنگاه بر آنان است تفاوت دیه را به ولی متقص منه بدهند و یا اینکه ولی مقتول دیه بطلبد که تبدیل به دیه می‌شود اگر قتل عمدی یا شبیه عمد بوده، از خود قاتلین و اگر خطا بوده از همه یا بعضی آنان، دیه خطا بر عاقله است.

۱۶: به دنبال قتل فرزندم که در آژانس اتومبیل کار می‌کرد به دست مسافر جنایتکار و از خدا بی خبر توسط شلیک گلوله به خاطر سرقت

خودروی او، قاتل چند روز بعد در حومه شهر کرمانشاه دست گیر و چون اعتراف او و مدارک و دلایل کامل بود به قصاص محکوم گردید لیکن در حکم تأکید شده که باید سهم دیه فرزند پنج ساله مرحوم را تضمین و تأدیه کنیم در حالی که اینجانب ولی قانونی و شرعی نوه ام می‌باشم و می‌توانم به کلیه امور صغیر اعم از مالی و غیر آن رسیدگی کنم. متأسفانه در این حکم و مشابه آن که کم نیست در اجتماع برای اجرای قصاص شرطی را گذاشته‌اند که مانع قصاص است، چون این گونه قتل‌ها اکثراً در خانواده‌هایی رخ می‌دهد که تنگ دست هستند و ادامه زندگی روزمره خود را با از دست دادن نان آور خود ندارند چه برسد به اینکه میلیون‌ها تومان هم به صندوق دولت بسپارند تا قاتل فرزندشان قصاص شود. تقاضا دارم در این رابطه اعلام نظر فرمایید.

جواب: ولی یا قیم صغار هیچ کاری را بدون در نظر گرفتن مصلحت آنان نمی‌تواند انجام دهد و هر گونه تضییع حقی را ضامن خواهد بود و از آنجایی که شارع مقدس اهمیت خاصی را برای یتیم قائل شده و اکل مال یتیم را با شدت نهی فرموده، لذا برای حفظ و حراست حق یتیم مقتضی است که حق صغیر طوری تضمین گردد که در آینده نیز حق او تضییع نگردد. در فرض سؤال، پدر می‌تواند قصاص کند به شرط آنکه ضامن حق پسر صغیر مقتول شود که اگر بعد از بلوغ راضی به قصاص نشود و دیه خواست پدر مقتول حصه دیه صغیر را بپردازد.

۱۷: شخصی یک قطعه زمین زراعتی از طریق ارث مالک شده و تقریباً ۴۵ سال است که این زمین تحت تصرف وی می‌باشد. فعلاً فرد دیگری ادعا

می‌کند که این زمین ملک من است. آیا قول ذوالید مقدم و مسموع است یا قول مدعی؟ و نیز در صورتی که مدعی ادعای شرکت و امانت بکند قول کدام یک مقدم می‌شود؟ و آیا ادعای مدعی در نزد یک عده از علما مسموع است یا در نزد حاکم شرع؟

جواب: قول ذوالید مقدم است چه مدعی تمامیت زمین را ادعا کند یا شرکت و امانت را و کلام مدعی احتیاج به ترافع دارد و نزد قاضی شرع با اقامه بینه مسموع است.

۱۸: در فرض سؤال قبل، اگر هر کدام از آن دو یا یکی از آنان اقامه بینه کند یا هیچ کدام آنها نتوانند بینه بیاورند، در کدام فرض قول ذوالید مقدم می‌شود و در کدام فرض قول مدعی؟

جواب: اگر هر دو اقامه بینه کنند، بینه به تعارض ساقط شده و زمین در دست ذوالید باقی می‌ماند. و اگر مدعی بینه اقامه کند زمین را می‌برد، و اگر منکر بینه آورد زمین در دست او می‌ماند، و اگر هیچ کدام بینه نداشتند، ذوالید قسم می‌خورد و زمین در دست او ابقاء می‌گردد.

۱۹: آیا شهادت شاهد عادلی که با دیگری دشمنی دارد قبول است و نیز دشمنی او با چه طریقی ثابت می‌شود؟

جواب: دشمنی اگرچه با عدالت قابل جمع است ولی مانع از قبول شهادت می‌گردد و نشانه آن خوشحالی از گرفتاری دیگری است.

۲۰: اگر فردی مزرعه گندم شخصی را بسوزاند، بر فرض این که او ضامن باشد در صورتی که گندم آن مزرعه درو و چیده نشده باشد و نیز در صورتی

که چیده و درو شده باشد چگونه باید خسارتش را معین کرد و حال آنکه معلوم نیست حاصل این زمین چه مقدار بوده است؟

جواب: خسارت بر عهده سوزاننده است و مقدار خسارت را کارشناس اهل خبره در هر دو صورت معین می‌نماید.

۲۱: شخصی زمین مملوک خود را به دیگری می‌فروشد به شرط خیار فسخ تا مدت چهار سال، قبض صورت می‌گیرد اما بایع بعد از چهار سال بلکه در زمان حیات خود مدعی فسخ نمی‌شود، ورثه بعد از چند سال از فوت پدر ادّعای فسخ می‌نمایند، آیا آنان حق فسخ دارند یا بیع لازم است؟

جواب: در فرض سؤال، بیع لازم است.

۲۲: زراعت و علف زار نمودن محل مرعی و محتطب قریه، شرعاً حرام است یا خیر؟

جواب: در صورتی که مرعی و محتطب ملک و یا حریم شخص و جماعتی نباشد اشکال ندارد.

۲۳: چنانچه قسم داد مدعی، منکر را توسط قاضی، آیا مدعی حق تجدید دعوا دارد یا حق دعوا ساقط است؟

جواب: اگر قضاوت جامع الشرایط بوده مدعی حق دعوای مجدد را ندارد.

۲۴: مراجع عظام تقلید برای جواز احداث چاه یا چشمه دوم دو نظر داده‌اند:

الف: عدم ضرر اولی.

ب: فاصله داشتن با اولی در زمین رخوه ۱۰۰۰ ذراع و در زمین صلبه ۵۰۰ ذراع.

حال در صورتی که مالک چاه اول و دوم از دو مرجع فوق تقلید داشته باشند، حکم کدام یک از آن دو مرجع بر دیگری مقدم می‌شود؟

جواب: قاضی شرع طبق تشخیص شرعی خود می‌تواند نظر ثالثی را داشته باشد و یا طبق نظر یکی از دو مرجع نظر بدهد.

دیه

۱: شخصی مال خود را روی حاصل زمین زراعتی دیگری رها می‌کند، در این وقت زوجهٔ شخص دوم آمده و می‌خواهد مال را از روی زمین زراعتی بیرون کند. در حین بیرون کردن مال، مادر شخص اول به فرزندش دستور می‌دهد که آن زن را بزند و او نیز با سنگ می‌زند و منجر به شکستگی پنج دندان وی می‌شود و در ضمن پارگی لب در اثر ضربهٔ سنگ نیز پدید می‌آید و شخص ضارب فرار می‌کند. آیا ما حق گرفتن دیهٔ دندانهای مادرمان را داریم یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، زن مضروبه می‌تواند دیهٔ خود را مطالبه کند، اگر چه مطالبه به وسیلهٔ اولادش باشد.

۲: شخصی پنج نفر را برای علف چینی اجیر می‌کند، در مسیر راه دریاچه‌ای وجود دارد که از روی این دریاچه پلی زده شده است. در هنگام برگشتن، سرپرست این کارگران می‌گوید: بیایید از روی پل رد شویم، ولی سه نفر از آن کارگران از داخل دریاچه عبور می‌کنند که منجر به غرق شدن یکی از آنها می‌شود، حال سرپرست ضامن است یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، چون سرپرست نه سبب در غرق شدن آن فرد و نه مباشر بوده پس ضامن دیهٔ آن شخص نمی‌باشد.

۳: دیهٔ زن چنانچه از ثلث دیهٔ کامل بیشتر باشد نصف خواهد شد. حال این حکم می‌بایست بیش از یک ثلث در یک فقره دیه یا ارش باشد یا اینکه هرگاه جمع ارش و دیه از ثلث بیشتر باشد دیهٔ آن نصف خواهد شد؟ و آیا جراحات متعدد با یک ضربه ایجاد شده باشد مانند تصادف یا با چند ضربه تفاوتی دارد یا خیر؟

جواب: حکم مذکور فرق نمی‌کند چه در یک فقره دیه یا ارش باشد و یا جمع ارش و دیه، بنابر این هر یک از ارش و دیه یا مجموع آن دو اگر از ثلث دیه بیشتر باشد نصف خواهد شد، خواه با یک ضربه باشد مثل تصادف و غیره و خواه با ضربات متعدد در یک زمان باشد، ولی چنانچه جراحات متعدد در زمان مختلف و یا ضاربین متعدد باشند، هر فقره به تنهایی حساب می‌شود.

۴: شخصی ۳ نفر کارگر را برای تخلیه چوب از ماشین اجیر کرده، در اواخر کار یک طرف یکی از چوب‌ها به کارگری که در پایین بوده اصابت کرده و موجب مرگ او می‌شود. تخلیه این چوب‌ها طبق گفتهٔ ادارهٔ کار می‌بایست با جرثقیل انجام می‌شده و کار افراد نبوده است. طبق قانون کار، اگر پولی برای مرحوم داده شود حلال است یا خیر؟

جواب: گرفتن این پول در فرض سؤال اشکالی ندارد ولی دیه به عهده سبب قتل که مورد سؤال آن دو نفر که چوب را بر زمین می‌اندازند می‌باشد مگر این که اولیاء مقتول از دیه گذشت کنند.

۵: طفلی شیرخوار حدوداً ـ هشت ماهه ـ جهت نگهداری در ساعاتی از

روز تحویل مهد کودک می‌گردید تا نسبت به نگهداری و تربیت و تغذیه وی اقدام شود. اکنون آن طفل شیرخواره هنگام خوراندن غذا توسط مربی مهد کودک فوت نموده است و پزشک قانونی علت مرگ را ورود قطعاتی از غذا داخل نای، دانسته و اولیاء طفل از مربیان مهد کودک شکایت نموده‌اند. لطفاً بفرمائید حکم دیه و تعزیر چگونه خواهد بود؟

جواب: مربّی امین است و اگر (با دوبار اقرار یا بینه عادله) ثابت نشود که در حال تغذیه مقصر بوده نه تعزیر دارد و نه دیه به ذمّه خود و نه عاقلهٔ او است و بقیه هم مسؤلیتی ندارند، مگر شرطی باشد ولو ضمنی در عقد مهد کودک که باید طبق شرط عمل بشود.

۶: اینجانب با کارگری که دارای سابقه تخریب ساختمان به مدت ۱۰ سال بوده قرار داد بستم که بخشی از دیوار ساختمان را تخریب نماید، نامبرده به جای این که دیوار را از بالا خراب نماید به پایین آمده و بخش کمی از دیوار را بر روی خودش تخریب نموده و دچار شکستگی کمر گردیده است. اینجانب نمی‌دانم که آیا عمداً به جهت اخذ پول از صاحب منزل و یا سهواً این کار را کرده، آیا بابت صدمهٔ وارده به او بدهکارم؟ باتوجه به اینکه در زمان عقد قرار داد اینجانب مسئولیت حوادث ناشی از کار را نپذیرفته بودم؟

جواب: اگر هم چنان که در فرض سؤال است حوادث ناشی از کار را در عقد قرار داد نپذیرفته‌اید بابت صدمهٔ او چیزی بدهکار نیستید، اگر چه بسیار خوب است او را کمک کرده تا خود را معالجه نماید و بهبود یابد.

۷: خانمی در سانحهٔ تصادف چندین عضو بدنش مصدوم شده و دیهٔ هر

عضو کمتر از ثلث دیهٔ کامله می‌باشد ولی دیهٔ مجموع اعضا از ثلث تجاوز می‌کند. احتساب دیه ایشان چگونه است.

جواب: در صورتی که دیهٔ جمیع اعضای مصدومهٔ آن خانم از ثلث تجاوز کند تنصیف می‌شود و اگر چند عضو آن خانم صدمه دیده و مجموع دیهٔ آنها چندین دیهٔ کامل آن خانم بشود همهٔ آن دیه‌ها را می‌برد، مگر اینکه خدای ناکرده منجر به موت شود که در این صورت بر می‌گردد به یک دیه کامل زن.

۸: خانمی به دستور دکتر و به علت بیماری مجبور به سقط جنین شده است، آیا این کار دیه دارد و اگر دارد بر عهدهٔ کیست؟

جواب: چنانچه زندگی مادر در خطر باشد و به همین جهت بچه را سقط نموده، دیه وکفاره ندارد، و در غیر این صورت اگر روح در او دمیده نشده باشد فقط دیه دارد، و اگر روح در او دمیده شده باشد، هم دیه و هم کفاره بر مباشر آن واجب است، یعنی اگر با خوردن دارو سقط نموده بر مادر و اگر با کورتاژ یا آمپول سقط کرده دیه و کفاره بر متصدی کورتاژ یا آمپول‌زن است.

۹: شخصی در اثر تصادف استخوان پای چپش از زانو به بالا شکسته و پلاتین انداخته و دست راست او از مچ و نیز دو دندان جلوی بالایی شکسته است، لطفاً دیهٔ هر کدام را معین نمایید. (ناگفته نماند که این تصادف در ماه ذی الحجه الحرام واقع شده است.)

جواب: دیهٔ شکستن هر استخوانی از عضوی که دیهٔ مقدّری داشته باشد خمس دیهٔ آن عضو است. پس دیهٔ شکستن استخوان پا ۱۰۰ دینار طلا و نیز شکستن استخوان دست هم همین مقدار بوده، و دیهٔ هر دندان در فرض سؤال ۵۰۰ درهم است، مخفی نباشد ماه حرام یا غیر آن در مقدار دیهٔ این موضوع فرقی نمی‌کند.

۱۰: آیا دیهٔ زن با دیهٔ مرد یکسان است، حکم این مورد چیست و علت آن را بیان کنید؟

جواب: آنچه از قرآن مجید و از روایات شریفه استفاده شده و اجماع فقهای مسلمین بر آن محقق است، نصف بودن دیهٔ زن است. و این ریشهٔ عقلی و فطری هم دارد، زیرا دیه یک نوع جبران خسارت اقتصادی است، نه این که در برابر ارزش انسان باشد، خدای تبارک و تعالی خود برای انسان ارزش والایی قرار داده که هرگز با پول برابری نمی‌کند، تفصیل این مطلب در کتب مفصّله موجود است.

۱۱: رأی حضرتعالی درباره دیهٔ سقط جنین نامشروع چیست؟ و مبلغ آن چقدر است و به چه کسی باید داده شود؟

جواب: سقط جنین چه حمل مشروع باشد و چه غیر مشروع، به هیچ صورت جایز نیست و علاوه بر دیه اگر روح در او دمیده و دارای جان باشد کفّاره نیز دارد و دیهٔ آن در رساله توضیح المسائل به تفصیل بیان شده است، و در این فرض دیه به حاکم شرع می‌رسد، اگر آن بچه ورثه دیگری غیر از والدین مانند برادر یا خواهر یا جد یا غیر اینها از طبقات ارث نداشته باشد، و اگر داشته باشد به آنان می‌رسد.

۱۲: پنج نفر، سه به دو دعوی کرده‌اند و از دو نفر یک نفر به قتل رسیده است. مسبب اصلی قتل نیز یکی از این دو نفر می‌باشد و شهودی هم وجود ندارد که کدام یک از سه نفر قاتل است. گواهی پزشک قانونی هم مشکوک گزارش شده است، هیچکدام هم حاضر به سوگند نیستند، حال ولی دم چه کسانی می‌باشند و آیا مسبب دعوا نیز شریک جرم است؟

جواب: ولی دم ورثهٔ مقتول هستند ـ غیر زوج و زوجه ـ و مسبب دعوی

شریک جرم است اما در قصاص و دیه شریک نیست، البته این قضیه احتیاج به ترافع دارد و در صورت عدم احراز قاتل، قصاص تبدیل به دیه می‌شود که آن سه نفر مظنون باید بپردازند.

مسائل متفرقه

۱: با توجه به مشکلات فعلی جهان اسلام نقش حماسهٔ عاشورا و اهمیّت دادن به آن چه دلیلی دارد؟

جواب: مشکلات فعلی جهان اسلام ناشی از بی‌توجهی به احکام اسلام و قرآن می‌باشد، و حماسهٔ عاشورا مسلمانان را دعوت به برگشت به اسلام و قرآن و تطبیق احکام نورانی آن می‌نماید.

۲: درس‌هایی را که در ماه محرم از امام حسین علیه السلام و اصحاب با وفایش در واقعهٔ عاشورا می‌گیریم چیست؟ عزاداری و گریه در این ماه به چه معنا می‌باشد و توسل و هدف از آن را نیز بیان فرمایید؟

جواب: درس‌هایی که باید بیاموزیم: وفاداری، اخلاص در کارها، مقدم داشتن دین بر دنیا، عزاداری و سوگواری و اظهار مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و رساندن آن به دنیا است. توسل یک دستور قرآنی است ـ ﴿**وابتغوا الیه الوسیلة**﴾، المائدة:۳۵ ـ و هدف آن اضافه بر تقرب به خدا، بیان مقامات عالیهٔ پیامبر اکرم و فاطمه زهرا وائمّهٔ اطهار علیهم السلام می‌باشد.

۳: آیا نماز جماعت اول وقت مهم‌تر است، یا ادامهٔ عزاداری سید الشهداعليه‌السلام؟

جواب: هر دو مهم هستند، لذا خوب است عزاداران وقت نماز را غنیمت شمرده و با همان لباس عزاداری به نماز جماعت بایستند.

۴: برای دعای توسل و ندبه و عاشورا آیا مدرکی وجود دارد؟ به طور روشن بیان فرمایید.

جواب: این دعاها و زیارت‌های یاد شده علاوه بر مضامین عالیهٔ آن، که حاکی صدور از معصومعليه‌السلام است مدارک خوبی برای آنها ذکر شده است، مراجعه شود به «مزار» بحار الانوار و همچنین ادعیهٔ بحار الانوار و همچنین کتاب شریف «کامل الزیارات».

۵: شهید کیست و منظور از زنده بودن شهدا چیست؟ چگونه می‌شود در این زمان انسان به مقام شهادت نائل آید؟

جواب: در روایت معتبر و صحیح آمده است: «**من مات علی حب آل محمد مات شهیداً**» (جامع‌الأخبار، ص۱۶۶) و این دلالت دارد بر این که راه نائل شدن به ثواب شهادت و مقام شهیدان: دوستی و پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت عليهم‌السلام است، بنابراین محبت اهل بیتعليهم‌السلام نعمت بزرگی است که باید قدر آن را بدانیم و شکر خدا را به جا آورده و برای والدین خود که ما را به محبت اهل بیتعليهم‌السلام آشنا نمودند دعا کنیم و این امانت بزرگ را دست به دست و نسل به نسل برسانیم، إن شاء الله تعالی.

۶: چرا در تولد و شهادت ائمه اختلاف نظر وجود دارد؟

جواب: منشأ اختلاف نظر، تسلّط ظالمان و نبود اطلاع رسانی قوی در آن زمان بوده است و این اختلاف گاهی خالی از حکمت هم نیست، مثلاً اختلاف در مراسم فاطمیه سبب شده است که سالی چند بار مراسم سوگواری و نفرین بر ظالمان آن حضرت تکرار شود.

۷: شهادت امام حسین علیه‌السلام در راه خدا بوده که خود افتخار بزرگی است، پس علت گریه و زاری شیعیان چیست؟

جواب: گریه، بُرّنده ترین سلاحی است که قلب‌ها را به نفع مظلوم می‌شکافد و در آن نفوذ پیدا می‌کند و جامعه را علیه ظالم می‌شوراند و بالأخره مظلوم و اهداف او را رواج داده و ظالم و ظلم او را محکوم، منفور و شر او را از سر جامعه کوتاه می‌کند.

۸: آیا مراسم عقد و عروسی در ماه محرم و صفر حرام است؟

جواب: خلاف حرمت این دو ماه است، چرا که این دو ماه، ماههای حزن و عزا بوده و فاقد میمنت است.

۹: آیا در ماه محرم اعمالی مثل بند انداختن و رنگ‌زدن موها و آرایش زنان اشکال دارد؟

جواب: اگر برای شوهر باشد، و از دیگران پوشیده بماند اشکال ندارد.

۱۰: سینه و زنجیر زدن به عنوان عزاداری چه حکمی دارد؟

جواب: جایز است، بلکه برای امام حسین علیه‌السلام مستحب هم می‌باشد.

۱۱: آیا قمه زدن جایز است؟

جواب: بلی، جایز است.

۱۲: استفاده از آلات لهو و موسیقی در عزاداری چه حکمی دارد؟

جواب: اگر آلات مشترکه مانند طبل، سنج و شیپور باشد جایز است و الا چنانچه مختص به لهو باشد جایز نیست.

۱۳: آیا روضه خوانی با تعزیه خوانی فرق دارد، در صورتی که هر کدام برای گریاندن می‌باشد؟

جواب: فرق این دو فقط در کیفیت آن است، و الا هر دو خوب است و ثواب دارد.

۱۴: حکم علمات، پرچم و غیره که در مراسم عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام استفاده می‌شود چیست؟

جواب: اشکالی ندارد و هر چه (عرفاً) مصداق تعظیم و تجلیل باشد مستحب و موجب قرب الهی عزوجل می‌باشد.

۱۵: اگر بانی خیر مرا وکیل نماید که یک شب برای او اطعام دهم و تمام مصارف آن مثلاً هشتاد هزار تومان بشود، آیا جایز است مبلغی حتی یک تومان از مبلغ یاد شده اضافه بگیرم به این نیت که برای امام حسین علیه‌السلام یا امر دیگری خرج نمایم؟

جواب: با اطلاع بانی انجام شود.

۱۶: من برای خیرات مبالغی دریافت و در دورهٔ سال توزیع می‌کنم و آنها را در سه نوبت به مستمندان می‌رسانم، اگر مبلغی باقی بماند و آن را در ماه

مبارک رمضان بعد خرج نمایم جایز است یا خیر؟

جواب: جایز است، ولی احوط این است که در همان سال به مستحقین آن رسانده شود.

۱۷: بعضی وقت‌ها مهره‌ای یا پیچی در خیابان پیدا می‌کنیم که اگر آن را برنداریم از بین می‌رود، شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۱۸: اگر در ایّام سوگواری یا مراسم جشن اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر از حد خرج، پول یا گوشت از مردم دریافت کنیم که آن را برای ایام و مناسبات دیگر صرف کنیم، آیا مجاز است؟

جواب: چنانچه با رضایت پول دهندگان باشد اشکالی ندارد.

۱۹: اگر مبلغی پول جهت زکات فطره دادند، آیا لازم است که فقط نان به فقرا بدهیم یا این که نیاز نیازمندان را با آن برآوریم؟

جواب: زکات فطره را می‌توان برای رفع نیاز نیازمندان مصرف نمود.

۲۰: جنسی برای هئیت به مبلغ دویست هزار تومان خریدیم، آیا می‌توانیم به نام این جنس بیش از مبلغ یاد شده جمع نماییم؟

جواب: خیر، مگر اینکه متبرعین به زیاده راضی باشند.

۲۱: آیا خانم بد حجابی که منتظر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌باشد با خانم بد حجابی که منتظر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیست فرقی دارد؟

جواب: پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «بهترین اعمال امت من انتظار فرج

است» (کمال‌الدین، ج۲، ص۶۴۴) و همین حدیث شریف برای فرق بین این دو بس است، البته منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن با بدحجابی سازگار نیست، زیرا منتظر واقعی کسی است که همهٔ کارهای خود را اصلاح کرده و هیچ عیب و نقصی را از لحاظ شرعی به خود راه نداده باشد، خود را ساخته و آمادهٔ ظهور و یاری حضرت کرده است و این معنا با بد حجابی که قلب مبارک حضرت را به درد می‌آورد سازگاری ندارد، مگر اینکه این خانم واقعاً متوجه بدحجابی خود یا گناه بدحجابی نباشد که باید فوراً از آن پشیمان شده و توبه نماید و حجاب خود را اصلاح کرده و پیروی از حضرت زهرا علیها السلام بنماید.

۲۲: آیا حساب شیعهٔ اثنا عشری که مرتکب بعضی گناهان می‌شود، با اهل ادیان مثل یهود و نصارا و یا فِرق دیگر مثل اهل تسنن یکسان است؟

جواب: شیعهٔ اثنا عشری از لحاظ عقیده و اصول دین ـ طبق عقل و منطق ـ سالم است، زیرا اصول پنج گانهٔ دین ـ توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد ـ پایهٔ سعادت و بهشت است، لذا هر که به آن معتقد باشد اهل بهشت خواهد بود، بلی، اگر در عمل، یعنی در فروع نه در اصل، کوتاهی داشته باشد، در همین دنیا با مصیبت‌ها و بلاها و بیماری‌ها و غیره پاک شده و در آخرت بهشت نصیب او می‌شود، بر خلاف شخصی که اصول دین او صحیح نباشد، که اگر در عمل هم کوتاهی نکند نمی‌تواند اهل بهشت باشد، زیرا از لحاظ عقیده که اساس سعادت و بهشت است، سالم نیست.

۲۳: اگر محبت اهل بیت علیهم السلام در دل بعضی از یهود و نصارا باشد، حساب آنان با بقیهٔ یهود و نصارا تفاوت دارد؟

جواب: در حدیث شریف آمده است که محبت اهل بیت علیهم السلام أکسیر اعظم است که به هر فلزی زده شود آن را به طلا بدل می‌کند، بنابراین اگر محبت اهل

بیت علیهم‌السلام را شخصی به دل داشته باشد، آن محبت سبب هدایت او به دین اسلام، تشیّع و پیروی اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود، گر چه در لحظهٔ آخر عمر او باشد، مانند «وهب کلبی» که مسیحی بود ولی محبت امام حسین علیه‌السلام را واقعاً به دل گرفت و همان سبب شد که او در رکاب امام حسین علیه‌السلام و در راه خدا شهید شود و جزو شهیدان سرفراز کربلا به شمار آید.

۲۴: برای دفع جن و سِحر کدام دعاها مؤثر است؟

جواب: آیاتی برای دفع جن و جادو هست، از جمله آیات ۵۴ تا ۵۶ اعراف و مداومت بر چهار قل: کافرون، توحید، فلق و ناس.

۲۵: نوشتن آیات قرآن کریم و قراردادن آن در آب و خوردن آن چه صورت دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۲۶: مصرف کردن قرص‌های تحرک زا (اکستازی) که قاچاق بوده و در مجالس غیر شرعی مورد استفاده قرار می‌گیرد چه حکمی دارد؟

جواب: آنچه موجب فساد جامعه است حرام است.

۲۷: شخصی که بر اثر فقر و فشار طلبکاران درمانده و رانده از همه جا شده به حدی که توان خرید نان خالی را هم ندارد، آیا می‌تواند اعضای بدن خود را بفروشد؟

جواب: جایز نیست انسان عضو لازم وضروری خود را بفروشد، مگر عضو غیر لازم را بنابر اظهر و بر حاکم اسلامی واجب است این چنین افراد را تأمین کند.

۲۸: مصرف پوشاک خارجی برای آقایان و خانم‌ها چه صورتی دارد؟

جواب: جایز است، اگر چه استفاده از پوشاک داخلی بهتر است.

۲۹: شخصی دارای دوستان غیر مسلمان می‌باشد. جهت کمک از ایشان بعضی مواقع باید دست به انجام کارهایی بزند که مغایرت با شرع مقدس اسلام دارد، نظیر حضور در جلسات و جشن‌های آنان که شرب مشروبات الکلی یا آلات موسیقی یا عدم رعایت حجاب و غیره در آن وجود دارد، آیا گرفتن کمک جایز است یا خیر؟

جواب: شرکت در چنین مجالس، گناه و جائز نیست.

۳۰: آیا می‌توانیم پول صدقه را در مجالس امام حسین علیه‌السلام خرج کنیم؟

جواب: بلی، می‌شود در مجلس امام حسین علیه‌السلام مصرف کرد.

۳۱: گذاردن سبیل‌های بلند و کُلفت چه حکمی دارد؟

جواب: این کار مذمت شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «ما قومی هستیم که محاسن را بلند و سبیل را کوتاه می‌کنیم» (فقیه، ج۱، ص۱۳۰).

۳۲: ریش تراشی چه حکمی دارد؟ و کسانی‌که در سلمانی و غیر سلمانی ریش دیگران را می‌تراشند حکم دست مزد آنها چیست؟

جواب: اظهر حُرمت ریش تراشی است و دست مزد آن نیز حرام است.

۳۳: اگر در مورد استادی نظر خواهی شود، مثلاً گفته شود کیفیت

تدریس ایشان چگونه است، جوابی که دربارهٔ استاد داده می‌شود با فرض منفی بودن جواب، غیبت محسوب می‌شود؟

جواب: اگر در این حد باشد ـ که آن را نصح مستشیر می‌گویند ـ حرام نیست.

۳۴: آیا می‌توان از دفترچهٔ بیمهٔ اجتماعی دیگران برای مراجعهٔ به پزشک و تهیه دارو استفاده کرد؟

جواب: طبق قرار داد عمل شود.

۳۵: اخیراً تعداد بی‌شماری عکس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه معصومین علیهم السلام، حضرت عباس علیه السلام، علی اصغر علیه السلام و غیره با چهره‌های متفاوت وارد بازار فروش شده است، نظر حضرت عالی در مورد تمثال‌های فوق در بازار و فروش آن چیست؟ آیا هتک حرمت محسوب نمی‌شود؟

جواب: انتساب این عکس‌ها صحیح نیست، و آنهایی که هتک حرمت محسوب شود اشکال دارد و آنهایی که هتک نباشد مانعی ندارد، گرچه سزاوار است فرمایشات آنان را قاب گرفت و آن را زینت بخش منزل و مغازه نمود و از نورانیت آن بهرمند شد.

۳۶: آیا می‌توانیم اشیاء گم شده را به فقرا بدهیم، البته مثل پول یا مثل لباس‌ها و امتعه‌های کهنه؟

جواب: باید برای پیدا کردن و رساندن به صاحبان آن فحص کرد و در مثل لباس‌ها و امتعه‌های کهنه که مورد اعراض صاحبانش می‌باشد اشکالی ندارد.

۳۷: چنانچه وجهی بابت ایتامی که فعلاً در منطقهٔ خود حضور ندارند پرداخت شود، آیا می‌توان سهم آنان را بین دیگر مردم تقسیم نمود؟

جواب: باید پول ایتام را به خود آنان برسانند.

۳۸: انجمن خیریه‌ای پولی را بنام بعضی‌ها پرداخت می‌کند، ولی افراد واسطه این پول را به تمام آن بعض نمی‌رسانند و خود از آن بهره مند می‌شوند. آیا مصرف این پول برای آن افراد جایز است؟

جواب: این کار خلاف امانت است و نباید انجام شود.

۳۹: استفاده از لباس‌ها و کفش‌هایی که به صورت مد روز در آمده چه حکمی دارد؟

جواب: اگر تشبه به کفار یا لباس شهرت نباشد جایز است.

۴۰: آیا زنا، تجاوز به حق الله است که زانی فقط می‌بایست به پیشگاه خدا توبه نماید، یا حق الناس است که باید از شوهر یا اولیاء زنا دهنده نیز رضایت بگیرد و طلب بخشش نماید؟

جواب: زنا، تجاوز به حق الله است و کافی است که زانی به پیشگاه خدای متعال توبه نماید.

۴۱: کدام یک از انواع شعر، شرعاً منهی و احتمالاً حرام است و کدام یک مد نظر و مورد توجه ائمه علیهم‌السلام بوده است؟

جواب: اشعاری که با مضامین باطل و یا کذب باشد منهی عنه است شرعاً، و اگر در مطالب مفید و نافع مثل مدح اهل بیت علیهم‌السلام باشد جایز بلکه مستحب

است.

۴۲: نظر شریفتان درباره تعریف کردن خواب چیست؟

جواب: در روایت آمده است که خواب خود را برای هر کسی تعریف نکنید و چنانچه از آن خوشحال شدید شکر خدا نموده و اگر از آن ناراحت شدید صدقه بدهید تا رفع نحوست و ناراحتی شود.

۴۳: دوختن عروسک‌های پارچه‌ای (حیوانات و یا انسان) چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه کامل باشد ـ بنابر احتیاط واجب ـ ترک شود.

۴۴: در مورد آشنایی با عالم ذر، قبل از خلقت انسان، اگر امکان دارد بفرمایید چه کتاب‌هایی را مطالعه کنم؟

جواب: در بحار الانوار جلد ۷، صفحات ۷۷ و ۷۹ و ۸۲ و جلد ۹، صفحات ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۶ و ۴۹۱ آیات و روایات (عالم ذر) مخصوصاً تفسیر آیه ۱۷۲ سوره اعراف را ملاحظه فرمایید.

۴۵: لطفاً داستان‌هایی مذهبی راجع به حُسن عاقبت با آدرس کامل منبع معرفی فرمایید؟

جواب: داستانهای قرآن تمامش نشانگر حُسن عاقبت خوبان، و عاقبت به شر شدن بدان است و می‌توانید به تفاسیر مراجعه فرمائید.

۴۶: پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه تشبه به کفار یا زنان نباشد، فی نفسه اشکالی ندارد، و بهتر است آستین دار و فراخ باشد.

۴۷: جراحی زیبایی بینی زنان اگر توسط پزشک مرد انجام شود چه حکمی دارد؟

جواب: اگر ضرورت عرفی نباشد جایز نیست و اگر ضرورت باشد، مانعی ندارد.

۴۸: سرقت از اهل کتاب و عموماً غیر مسلمان در صورتی‌که به اسلام و مسلمین خدشه‌ای وارد نشود جایز است یا خیر؟

جواب: کفار، غیر از محاربین، خون و عرض و پول آنان محترم و سرقت از آنان حرام است.

۴۹: استفاده از علم هیپنوتیزم در درمان بیماری چه حکمی دارد؟

جواب: اگر هیچ ضرری به بیمار نمی‌رساند، فی نفسه مانعی ندارد.

۵۰: آیا در قرآن در مورد این‌که کسانی که فوت یا شهید شده‌اند می‌توانند صدای ما را بشنوند، آیه‌ای داریم؟

جواب: بلی، در سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۵۱: اگر انسان گناهی مرتکب شود به بهانهٔ اینکه بعد توبه خواهم کرد، تکلیف چیست؟

جواب: جایز نیست که به امید توبه، گناه مرتکب شود، بله اگر انسان و العیاذ بالله گناهی کرد، واجب است فوراً توبه کند و استغفار نماید و از کار بد

خود پشیمان و تصمیم بر ترک آن بگیرد، تا مورد عنایت خدا قرار گرفته، و در دام شیطان زندانی و اسیر نشود.

۵۲: کارت تبریک‌هایی که در جشن نیمهٔ شعبان و غیره مزیّن به القاب مبارک ائمّهٔ اطهار علیهم السلام در میان مردم است، اشکال دارد یا خیر؟

جواب: مانعی ندارد.

۵۳: آیا ائمه اطهار و معصومین علیهم السلام در عالم قبر سؤال و جواب خواهند شد یا خیر؟

جواب: خیر.

۵۴: آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج کرده‌اند یا خیر؟

جواب: بله، و از بعضی ادعیه ظاهر است که آن حضرت فعلاً اولاد هم دارند.

۵۵: چرا در دعای عهد، دعای فرج و برخی دعاهای منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای سلامتی آن بزرگوار که ولی‌عصر هستند و از جانب خداوند از تمامی بلایا در امان هستند، دعا می‌کنیم؟

جواب: وجود مقدّس خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم مریض می‌شدند و در تبلیغ رسالت و در جنگ‌ها نیز به ایشان صدمه می‌رسید و این مقتضای بشر بودنشان می‌باشد، پس از جهتی که آن حضرت مانند ما بشر هستند ممکن است که متعرّض حوادث بشوند و ما با دعا برای آن حضرت از خدا می‌خواهیم ایشان را سلامت بدارد که دعای ما نوعی عرض ارادت به ساحت مقدس ایشان نیز می‌باشد.

۵۶: شرکت در مسابقات مختلف تلویزیونی که در حال حاضر به وفور در کشورمان دیده می‌شود، چگونه است؟

جواب: چنانچه بدون محذور شرعی باشد، اشکالی ندارد.

۵۷: لطفاً نظر خود را در مورد عمل به استخاره و تبعات عمل نکردن به آن بفرمایید؟

جواب: انسان باید در کارها و بعد از مشورت و تحقیق توکل بر خدا کند و صدقه داده و کار را انجام بدهد، و اگر متحیر بود استخاره نماید، و چنانچه استخاره بد آمد آن کار را رها کند، بلی، می‌تواند صدقه‌ای مثل قربانی کردن گوسفندی و گوشت آنرا به فقرا بدهد و آن کار را انجام دهد، تا به برکت صدقه نحوست برطرف گردد ان شاء الله.

۵۸: برای نجات از شر جنیان و شیاطین و رفع مشکلات چه راههایی را پیشنهاد می‌فرمایید؟

جواب: برای دفع جنّ و شیاطین، مداومت بر خواندن چهار قل: کافرون، توحید، فلق و ناس، و همچنین مداوت بر تلاوت آیه ۵۴ تا ۵۶ سورهٔ اعراف، و آیة الکرسی هر روز مفید است، إن شاء الله تعالی، البته توسل به اهل بیت علیهم السلام و خصوصاً توسل به حضرت علی بن موسی بن الرضا علیه السلام و فرزندشان امام جواد علیه السلام برای رهایی از مشکلات بسیار مؤثر می‌باشد، بإذن الله تعالی.

۵۹: شبهات فراوانی در رابطه با حقانیّت شیعه مطرح است و ما نمی‌دانیم به چه کسی مراجعه و یا با چه کسانی آنها را در میان بگذاریم تا بتوانیم با دست پُر به جنگ شبهه افکنان برویم؟

جواب: لازم است با مطالعه و مباحثه کتابهایی مانند الغدیر، المراجعات، الفرقةالناجیة، صد مقالۀ سلطانیه و شب‌های پیشاور نیروی پاسخ گویی را در خود تقویت نموده تا إن شاء الله تعالی از این جهت خودکفا گردید و یا به افراد با اطلاع و متخصص در این زمینه مراجعه فرمائید.

۶۰: اگر خانمی با آقایی از طریق چت عشق بازی کنند، اشکالی دارد یا نه؟ (در ضمن اینها همدیگر را نمی‌بینند و نمی‌شناسند.)

جواب: بلی، اشکال دارد، بلکه از چت کردن با نامحرم مطلقا پرهیز شود، زیرا در حدیث شریف است که: یکی از تله‌های شیطان هم صحبت شدن با نامحرم است، و در حدیث دیگری فرمود: پیامبر خدا هنگام بیعت گرفتن از زن‌ها شرط می‌فرمودند که با مردان هم صحبت نشوند، مگر آن که محرم باشند.

۶۱: نظر شما دربارۀ پیوند اعضاء چیست؟

جواب: جایز است.

۶۲: در سال چندم هجری حکومت دادگستر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای جهانیان برقرار می‌شود؟

جواب: در احادیث شریفه تعیین نشده، بلکه تصریح به إخفاء آن نیز شده است.

۶۳: اخیراً در میان برخی از جوانان مدل‌هایی از مو و لباس مد شده است که از بلاد بیگانه ارائه می‌گردد. آیا پوشیدن این لباس‌ها و این‌گونه آرایش کردن‌ها که عرفاً از مصادیق تشبّه به کفار است، جایز

است؟

جواب: اگر تشبه به کفار یا زنان صدق کند باید اجتناب شود.

۶۴: ساختن مجسّمهٔ کامل انسان یا حیوان با امعاء و احشاء داخلی جهت آموزش در مراکز پزشکی و غیره چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال اشکال ندارد.

۶۵: ساختن مجسمه‌های پلاستیک مانند مجسمهٔ انسان یا حیوان مثل گوسفند و اسب چه صورتی دارد؟ خرید و فروش آن چطور؟

جواب: چنانچه کامل باشد بنابر احتیاط واجب از ساختن آن اجتناب گردد و اگر کامل نباشد، مانعی ندارد، ولی خرید و فروش آن مطلقا جایز است.

۶۶: شعبده بازی چیست و حکم آن چه می‌باشد؟

جواب: شعبده بازی یعنی چشم بندی (تردستی) و شعبده باز کارهایی خلاف واقع انجام می‌دهد که تماشاگر خیال می‌کند کارهای او واقعی است.

۶۷: دادن پول به شعبده بازان که بعضاً در مجالس عروسی نمایش می‌دهند چه صورتی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، به شرط اینکه در کار آنان حرامی نباشد.

۶۸: شرکت در مجالس سیرک و بندبازی و نیز موتور سواری جهت دیدن و دادن وجه در مقابل آنها چگونه است؟

جواب: اگر مستلزم حرامی نباشد اشکالی ندارد.

۶۹: پیروی از عرف و رسم‌ها و اعتقاداتی که در جامعه یا خانواده‌ها مرسوم است و یا هر مورد دیگر که بر خلاف دستورات آیات قرآن و سیرهٔ نبوی و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و فتاوای مراجع تقلید باشد، جایز است؟

جواب: در فرض سؤال، آنچه که بر خلاف واجبات و محرمات شرعیه باشد جایز نیست.

۷۰: آیا عرف و رسم‌های جامعه باید منطبق با قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام باشد یا بالعکس؟

جواب: بلی، باید در احکام واجبات و محرمات منطبق باشد.

۷۱: اگر در یک زمان مادر بزرگ و مادرم مرا به کاری طلبیدند، جواب کدام‌یک را باید در اولویت قرار داده و انجام دهم؟ اگر پدر با پدربزرگم مرا به کاری خواندند، ابتدا کدامیک را مقدم بدارم؟

جواب: در صورتی که نشود جواب هر دو را داد، مخیر است، و در مورد سؤال دوم پدر بزرگ مقدم است.

۷۲: اگر طلبه‌ای در امر تحصیل کوتاهی نماید، شرعاً جایز است که از خدمات حوزهٔ علمیه از قبیل شهریه و از امکانات مدرسهٔ علمیه مانند خوابگاه و آب برای وضو یا غسل استفاده کند؟

جواب: اگر واقعاً و عامداً و بدون هیچ عذری کوتاهی کند در برابر استفاده از امکاناتی که از سهم مبارک امام علیه‌السلام می‌کند مسئول است، لذا باید سعی کند تا حد ممکن جهد خود را بکند و در امر تحصیل و وظایف شرعی خود کوتاهی ننماید.

۷۳: برای طلبه‌ای که در هر روز بجز یک درس بیشتر نمی‌تواند بخواند و متأهل می‌باشد، گرفتن شهریه چه حکمی دارد؟

جواب: سعی کند در انجام وظیفهٔ شرعی کوتاهی نکند.

۷۴: دختری هستم و می‌خواهم به دکتر مراجعه کنم، آیا لازم است اولاً تحقیق کنم تا یک دکتر زن پیدا کنم و اگر دکتر زن خوب پیدا نکردم بعد به دکتر مرد مراجعه کنم؟

جواب: بلی، باید تحقیق کرد و چنانچه دکتر زن نبود و یا دکتر مرد در کارش بهتر باشد، می‌توان رجوع به دکتر مرد کرد به اندازهٔ ضرورت.

۷۵: حکم طواف و چرخیدن دور ضریح امامان علیهم‌السلام و امام زادگان چیست؟

جواب: مانعی ندارد.

۷۶: آیا فحش دادن به مقامات حکومتی به خاطر سخت بودن امکانات زندگی و باعث سخت بودن معیشت اشکال دارد؟

جواب: امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمودند: «دوست ندارم دوستانم فحّاش باشند».

۷۷: صحبت کردن مردان با صدای تقلیدی زنان و بالعکس ـ مثلاً در یک نمایش نامه ـ چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه متضمن حرامی نباشد اشکالی ندارد.

۷۸: بنده به تحصیل دروس حوزوی مشغولم و پدرم رضایت دارد، ولی مادرم راضی نیست. حالا وظیفهٔ شرعی بنده چیست؟

جواب: ادامهٔ تحصیل داده و سعی در کسب رضایت مادر نمائید.

۷۹: در خواندن زیارت عاشورا که قسمتی از آن لعن به خلفای جور است

و مخالفین از این مطلب آگاه هستند چگونه عمل نماییم؟

جواب: زیارت عاشورا مستحب مؤکد است، روایت آن از جبرئیل، از لوح، از خدای تبارک و تعالی می‌باشد و آنچه از خدای تبارک و تعالی است صحیح است.

۸۰: شخصی در کودکی پولی را از دیگری بدون اجازه او برداشته، فعلاً بعد از بیست سال چه کند در حالی که نمی‌تواند در این باره با او صحبت کند؟

جواب: اگر مبلغ معلوم است به نحوی به او مسترد نماید، ولو اینکه در پاکتی بگذارد و در محل مطمئن در خانه او قرار دهد تا بدست او برسد.

۸۱: منظور از کامل بودن مجسّمه و عروسک چیست؟

جواب: منظور از کامل بودن، داشتن دو دست، دو پا، سر و غیره.

۸۲: خرید و فروش مواد مخدر در انواع مختلف و اشکال گوناگون و نیز استفاده و استعمال آن چه صورت دارد؟

جواب: آنچه سبب فساد و افساد باشد خرید و فروش، استفاده و استعمال آن حرام است.

۸۳: اگر مرجعی یا مجتهدی «أشهد أنّ علیّاً ولی الله» را طبق مثلا روایتی از بحار جزء اذان و اقامه بداند، آیا بدعت قائل شده است؟

جواب: خیر، زیرا بدعت یعنی نسبت دادن مطلبی را به شرع که آن مطلب را شرع نفرموده باشد و شهادت ثالثه را شرع فرموده است.

۸۴: آیا در مسائل سیاسی غیبت جایز است؟ ملاک چیست؟

جواب: در مستثنیات غیبت، غیبت جایز است و فرقی بین مسائل نیست.

۸۵: آیا احضار روح در مسائلی مانند یافتن قاتل جایز است؟

جواب: اعتماد بر آن جایز نیست.

۸۶: آیا زرتشتیان از اهل کتاب می‌باشند؟

جواب: محکوم به احکام اهل کتاب هستند.

۸۷: آیا اهل کتاب محکوم به طهارت‌اند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب خیر، ولی اگر اجتناب از آنان موجب عسر و حرج باشد، اجتناب واجب نیست.

۸۸: آیا در اسلام قرائت‌های مختلف و متنوع از دین وجود دارد؟ به چه دلیل؟

جواب: پیامبر اکرمﷺ و اهل بیت آن حضرت علیهم‌السلام که اسلام بر آنان نازل شده با سنّت مطهر خود که همان قرآن و اسلام است صراط مستقیم را بیان فرمودند و معلوم است که صراط مستقیم یکی بیش نیست.

۸۹: ورق‌های قرآن و دعاهای پاره شده را می‌شود دفن کرد؟

جواب: در جایی‌که اهانت نباشد، بلی.

۹۰: قرآنی‌که قابل استفاده نیست، آیا می‌توان دفن کرد یا خیر؟

جواب: در صورتی‌که توهین به آن نباشد، بلی.

۹۱: با پولی‌که مؤسسه خیریه می‌دهد می‌توان کفن خرید؟

جواب: اشکالی ندارد.

۹۲: آیا اطاعت از پدر و مادر شرعاً واجب است؟

جواب: اگر ترک اطاعت از پدر و مادر سبب اذیت آنان گردد، اطاعت آنان واجب می‌شود.

۹۳: چرا به سادات، بنی هاشم نیز گفته می‌شود؟

جواب: سادات را بنی هاشم می‌گویند زیرا سیادت ازهاشم جد گرامی پیامبرﷺ آغاز شده است.

۹۴: بین سادات و غیر سادات چه تفاوتی در تکلیف وجود دارد؟

جواب: فرقی نیست مگر در زن‌ها که زن سیده تا شصت سالگی اگر خون ببیند حیض بوده و بعد از شصت سال یائسه است، ولی غیر سیده تا پنجاه سالگی حیض بوده و بعد از پنجاه سالگی یائسه است.

۹۵: آیا سادات از غیر سادات فاضل‌ترند یا خیر؟ دلیل آن چیست؟

جواب: نزد خدای متعال معیار فضیلت تقوا است و هرکه تقوای او بیشتر است، سید باشد یا غیر سید افضل خواهد بود، بلی، در روایت است که امام حسن مجتبیعليه‌السلام به یکی از سادات فرمودند: «نیکی ازهر شخص خوب است و از تو خوبتر و بدی از هر شخصی بد است و از تو بدتر، زیرا تو به پیامبر خدا منسوب هستی». بلی سادات شرف انتساب به رسول اللهﷺ و اهل بیتشعليهم‌السلام را دارند.

۹۶: عترت کیانند؟ آیا سادات امروزی عترت شمرده می‌شوند؟

جواب: عترت را پیامبر اکرمﷺ معرفی فرمودند که اهل بیت ایشانند، یعنی: امیر مؤمنان علی بن ابی طالبعليه‌السلام و حضرت زهراعليها‌السلام و یازده امام از فرزندان ایشان.

۹۷: آیا می‌توان با زن کافر در جمع مسلمین مصافحه کرد؟

جواب: دست دادن مرد با زن اجنبیه (نامحرم)چه مسلمان باشد و چه غیر مسلمان جایز نیست.

۹۸: اگر کسی بداند شخصی در محل کارش هر از گاهی دزدی می‌کند تکلیفش چیست؟

جواب: او را نهی از منکر کند، البته با شرایط آن و با بیانی در خور تأثیر.

۹۹: با اسماء الهی که در سربرگ‌ها وجود دارد چه باید کرد؟ خط زدن آن چه حکمی دارد؟

جواب: باید آن را در آب طاهر انداخت یا در زمین پاک دفن کرد و خط زدن، اگر آن را به کلی محو نماید اشکال ندارد.

۱۰۰: کسی‌که می‌بیند به ضریح امام علیه السلام خون رسیده و در آن حال تکلیف خود را ندانسته و یا تمییز نکرده است و حتی از کثرت جمعیت محل نجس شده را گم کرده، تکلیف او چیست؟

جواب: محل فوق باید تطهیر شود چه بوسیله متولی و یا غیر متولی.

۱۰۱: آیا شنیدن بدی‌های شخصی که نمی‌شناسیم غیبت است؟

جواب: در فرض سؤال، غیبت نبوده ولی خوب است مؤمنان طبق روایت شریف از عیوب و بدی دیگران صرف نظر کنند و به عیوب خود مشغول گردند. شنیدن آن اشکالی ندارد.

۱۰۲: اگر خون شهید بر لباس دیگری بیفتد، تطهیرش لازم

است؟

جواب: بلی، لازم است.

۱۰۳: آیا غیر مسلمان می‌تواند از داخل مسجد عبور کند؟

جواب: خیر، جایز نیست.

۱۰۴: برخی می‌گویند متوسل به اهل بیت علیهم‌السلام می‌شویم، ولی مشکلاتمان نه تنها حل نمی‌شود بلکه بیشتر نیز می‌شود، علت آن چیست؟

جواب: توسل آنگاه مؤثر واقع می‌شود که توأم با عمل به فرمایشات سعادت بخش آنان باشد، خدای متعال می‌فرماید: ﴿**اوفوا بعهدي اوف بعهدكم**﴾ (البقرة/۴۰) یعنی به آنچه که با من عهد نمودید عمل کنید تا آنچه که با شما عهد نمودم وفا نمایم.

۱۰۵: آیا با وجود سختی و دشواری رفتن به عتبات جایز است؟

جواب: ائمّۀ اطهار علیهم‌السلام در زمان خود با وجود فشار شدید بر زوار امام حسین علیه‌السلام باز هم تشویق به زیارت سید الشّهدا علیه‌السلام می‌فرمودند، و منع نمی‌کردند بلکه برای آنها دعا هم می‌کردند.

۱۰۶: ریشه و راز عقب ماندگی جوامع اسلامی در چیست؟

جواب: در اثر عمل نکردن به احکام قرآن و تعلیمات پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، خدای متعال می‌فرماید: هر که از یاد من (احکام شرع) دوری کند، زندگی او شدیداً سخت می‌شود.

۱۰۷: در چیزی یا ورقی که نام خدا نوشته شده و حالا قابل استفاده نیست و می‌خواهند هتک حرمت نشود، وظیفه چیست؟

جواب: آن را در آب قرار دهند و یا در زمین دفن کنند.

۱۰۸: خوردن میوه‌هایی که از درختان باغ در جوی آب جاری می‌افتد، و میوه‌هایی که شاخه‌اش از باغ بیرون است چه حکمی دارد؟ اگر میوه بر روی زمین بیرون از باغ افتاده باشد چطور؟

جواب: اگر اتفاقاً عبور شخص به آنجا افتاد، نه آن که به قصد آنجا برود، می‌تواند در موارد یاد شده بخورد، ولی نمی‌تواند با خود ببرد.

۱۰۹: جراحی بینی اگر صرفاً برای زیبایی باشد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۱۱۰: آیا علوم غریبه از نظر شرعی اعتبار دارد؟

جواب: شروطی دارد که غالباً همهٔ آنها متوفر نیست و فاقد اعتبار است.

۱۱۱: آنهایی که مستخف نماز هستند ولی روزه می‌گیرند و ترک معصیت دارند، آیا نزد پیامبر و امامان مقرّب و محبوب هستند؟

جواب: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام محبّان خود را دوست دارند، منتهی این محبت درجاتی دارد که هر چه محب آنان بیشتر به نماز خود اهمیت دهد و بیش از دیگران بر روزه، خمس، زکات، حج، امر به معروف و نهی از منکر و دیگر احکام، مواظبت کند، بیشتر به او محبت نموده و مورد لطف و عنایت خود قرارش می‌دهند.

۱۱۲: مسلمانی که نسبت به نماز سستی می‌ورزد ولی روزه می‌گیرد و ترک معصیت می‌کند، آیا برادر دینی دیگر مؤمنین است؟

جواب: همه مسلمانان باهم برادر و برابر هستند، ولی گرامی ترین آنان نزد خدا و رسول و اهل بیت آنحضرت علیهم السلام مسلمانی است که تقوای او از همه بیشتر باشد، و تقوا یعنی انجام واجبات و علی الخصوص نماز و ترک محرمات بالخصوص بی‌نمازی یا سستی در نماز است.

۱۱۳: گفته می‌شود خواندن زیارت عاشورا در شب سنگین است، آیا این مطلب صحت دارد؟

جواب: خواندن زیارت عاشورا در تمامی اوقات خوب است.

۱۱۴: حکم دست زدن به کلمهٔ: «قرآن» و به اسماء سور قرآنی چیست؟

جواب: این کلمات جزء کلمات قرآن نیست و دست زدن بدون طهارت به آنها اشکالی ندارد.

۱۱۵: حکم تماس پیداکردن ناخن با آیات قرآن چیست؟

جواب: با ناخن بی وضو جایز نیست.

۱۱۶: نظر شما دربارهٔ تناسخ (تبادل روح در ابدان) چیست؟

جواب: اسلام تناسخ را باطل می‌داند.

۱۱۷: فرق میان حلم و صبر چیست؟

جواب: حلم: از (نفایس الفنون) طمأنینه است هنگام شدت غضب و گویند

تأخیر در کیفر دادن ستمکار است، و این که روان آدمی پیوسته آرام باشد در موقع خشم به آسانی تحریک نشود و هنگام مشاهده و رسیدن ناملایمتی مضطرب نگردد.

و صبر: شکیبایی کردن، و نقیض جزع است. و صبر، ترک شکایت است از جزع بسوی خدا. و گفته‌اند صبر آن است که بنده را اگر بلا برسد ننالد. (لغت نامه دهخدا)

۱۱۸: حجامت توسط پزشکی که دوران تحصیلات خود را در دانشکدهٔ علوم حجامت گذرانده و با وسایل یک بار مصرف و استریل انجام می‌دهد، چه حکمی دارد؟ آیا قمه زنی هم نوعی حجامت است؟

جواب: در روایات شریفه تأکید فراوان و سفارش زیاد بر حجامت شده است، پیامبر اکرم و همچنین اهل بیت آن حضرت عملاً حجامت می‌نمودند و مردم را به حجامت تشویق می‌کردند ونیز روایت دارد که پیامبرﷺ بر سر مبارک و بین دوشانه و در پشت خود حجامت نموده و یکی را نافعه و دیگری را مغیثه و سومی را منقذه نام گذاردند. مغیثه یعنی فریادرس و منقذه یعنی نجات دهنده از مرگ و از امام صادقعليه‌السلام روایت است که حجامت بر سر با یک وجب فاصله از سر بینی و به فاصله ما بین دو انگشت سبابه و ابهام از بین دو ابرو است و پیامبر اکرمﷺ آن را منقذه یعنی: نجات دهنده از مرگ می‌نامیدند. بنابراین قمه زنی هم یک نوع حجامت به حساب می‌آید، و اضافه بر آن از شعائر حسینی است و اجر و ثواب زیادی دارد.

۱۱۹: در مغازه آینه‌هایی به عنوان فروش گذاشته شده است، آیا نگاه کردن به این آینه‌ها به عنوان برانداز کردن وضع خود و نه به عنوان خرید

جایز است؟ و اگر این کار را انجام داده، چه باید بکند؟

جواب: این کار، عرفاً تصرف در آینه نیست.

۱۲۰: اگر مسلمانی به کشورهای غربی مهاجرت کرده و یا پناهنده شود تا بتواند از تابعیت آن کشور استفاده کند، و چند سال طول می‌کشد تا به او تابعیت آن کشور را بدهند، آیا واجب است به کشورهای اسلامی خویش بازگردد؟

جواب: اگر نتواند دین خود را در آنجا حفظ کند واجب است به کشورهای اسلامی برگردد، ولی اگر بتواند دین خود را حفظ نموده و نیز بتواند دیگران را به اسلام هدایت کند، واجب است آنجا باشد و سعی در هدایت غیر مسلمانان بنماید.

۱۲۱: استفاده از ماهی‌هایی که اصلاً جنبه تغذیه ندارند برای امور تزئینی چه حکمی دارد؟

جواب: برای تزیین مطلقاً جایز است.

مسائل قرآنی، دعاها، روایات و زیارات

۱: در تفسیر دستور خدای متعال به حضرت موسی علیه السلام برای «در آوردن کفشهایش» در آیهٔ ۱۲ سورهٔ طه چند نظر وجود دارد که یکی از آنها به امام صادق علیه السلام منتسب شده است. این موضوع در کتاب علل الشرایع شیخ صدوق و مجمع البیان علامهٔ طبرسی مشاهده می‌شود، مبنی بر اینکه چون جنس کفش‌های آن حضرت از پوست مردار بوده است. این حدیث از لحاظ اعتبار در چه حدی است؟

دوم اینکه برخی می‌گویند که حضرت علی علیه السلام در زمان غصب خلافت پشت سر خلفای غاصب نماز می‌خواندند، آیا این موضوع درست است؟ اگر مرجع و منبعی هم معرفی فرمایید سپاسگذار خواهم بود.

جواب: در تفسیر آیهٔ مبارکه: ﴿**فاخلع نعليك**﴾ در «تقریب القرآن الی الاذهان» تألیف مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد شیرازی قدس سره آمده است: «**أي: انزعهما فان الانسان اذا اراد أن يمشي في محل مقدس كان من الاحترام ان يمشي حافياً**»، و مؤید آن فرمودهٔ امام صادق علیه السلام می‌باشد که: «**اذا**

دخلت المسجد الحرام فادخله حافيا على السكينة و الوقار و الخشوع»، (وسائل، ج۱۳، ص۲۰۴)، و مؤید دیگر تتمهٔ آیهٔ مبارکه است: ﴿**انك بالواد المقدس طوى**﴾ پس آنچه دربارهٔ پوست مردار آمده است از باب تقیه و مطابق گفتهٔ عامه می‌باشد.

واما دررابطه با موضوع بعدی مراجعه نمائید به کتاب «بیت الأحزان»، شیخ عباس قمی، ص۱۳۶، و بحار ج۲۹، ص۱۳۳، ولی در خود این روایت آمده است که: «**وصلى لنفسه خلف ابي بكر**» یعنی حضرت تقیه نموده و در صف آنان به نماز فرادی ایستاده و هرگز اقتدا نکردند. و در بحار ج۸۵، ص۴۷ علامهٔ مجلسی می‌فرماید: تبیین: بعد از نقل روایت امام صادق‌علیه‌السلام از پدرش امام باقرعلیه‌السلام قال: «**كان الحسن و الحسين**علیهما‌السلام **يقرءان خلف الامام**» که مراد از امام در این روایت ائمه جور است که در زمان آنان بودند، می‌فرماید: «**كانا يصليان خلفهم تقية ولا ينويان الاقتداء بهم وكانا يقرءان ويصليان لانفسهما.**»

۲: در کتاب «کشکول» شیخ بهایی صفحه ۵۷ از دفتر اول آمده است: «امام فخر رازی در تفسیر کبیر نقل کرده است که متکلمان اتفاق نظر دارند، کسی که از ترس جزا یا به طمع ثواب، عبادت یا دعا کند، عبادتش صحیح نخواهد بود، و دعایش مقبول نمی‌شود. این معنی را هنگام تفسیر آیهٔ: ﴿ادعوا ربكم تضرعا وخفية﴾، (الاعراف/۵۵) آورده است و نیز در اوایل تفسیر سوره فاتحه به قطع گفته است: اگر نمازگزار بگوید به جهت ثواب یا گریز از جزا نماز می‌گذارم نمازش باطل است.» آیا این حقیقت دارد؟

جواب: عبادت به هر قصدی که منتهی به خدای متعال شود صحیح است، به دلیل آیات کریمه: ﴿**خوفاً وطمعاً**﴾، (الاعراف/۵۶)، ﴿**رغباً ورهباً**﴾،

(الانبیاء/۹۰) و ﴿**وأنّ الی ربك المنتهی**﴾، (النجم/۴۲) بلی، اینها مراتب عبادت است که بعضی بالاتر از بعضی دیگر است و در حدیث شریف است که عبادت سه قسم است: عبادت تجّار، عبادت عبید و عبادت احرار. برای اطلاع بیشتر به کتاب طهارت شیخ انصاری، ج۲، ص۴۷ مراجعه شود.

۳: معنی دعایی که در کافی جلد۳، صفحه۳۰۸ آمده است و می‌فرماید: «اللهم اجعل قلبي باراً وعيشي قاراً ورزقي داراً» چیست؟

جواب: یعنی پروردگارا! دل مرا نیک پندار و زندگی مرا آرام و روزی مرا فراوان و سرشار قرار بده.

۴: دعاهایی است که از سوی شارع مقدس وارد نشده است و بعضاً از لحاظ لغت عرب نیز دارای اشکال هستند، خواندن چنین دعاهایی چگونه است؟

جواب: خواندن دعاهایی که منافات با شرع ندارد اشکالی ندارد، لکن باید از لحاظ ادبی و زبان عربی تصحیح گردد تا غلط خوانده نشود.

۵: در دعای بعد از نماز داریم که: «الهي هذه صلاتي صلّيتها لا لحاجة منك اليها ولا رغبة منك فيها الا تعظيماً وطاعة واجابة لك الى ما امرتني به»، (مصباح کفعمی، ص۲۰) در حالی که ما مدام در حال طلب حاجت از خدا هستیم، مثلاً در نماز می‌گوییم: ﴿اهدنا الصراط المستقيم﴾ یا ﴿ربّنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة﴾، آیا این حاجات با آن دعای پس از نماز تناقضی ندارند؟

جواب: خیر، تناقضی ندارد زیرا آنچه دعا در نماز می‌خوانیم حاکی از حاجات شخص نمازگذار است، و آنچه در دعای پس از نماز می‌خوانیم آن

خطاب نمازگذار است به پروردگار عالم که پروردگارا این نمازی که به جا آوردم برای این نیست که تو محتاج آن یا رغبت به آن داشته‌ای، بلکه برای تعظیم تو و اطاعت فرمان تو است و بین این دو تناقضی نیست.

۶: در دعای مکارم الاخلاق ابتدا آمده است: «واجعل لي يداً على من ظلمني ولساناً على من خاصمني وظفراً بمن عاندني وهب لي مكراً على من كايدني وقدرة على من اضطهدني وتكذيباً لمن قصبني وسلامة ممن توعدني» و کمی بعد آمده که «وسددني لان اعارض من غشني بالنصح واجزي من هجرني بالبر واثيب من حرمني بالبذل واكافي من قطعني بالصلة وأخالف من اغتابني الى حسن الذكر»، (صحیفهٔ سجادیه، ص۹۴) آیا بین این دو قسمت از این دعا تضادی نیست؟ یعنی بالاخره کدام یک مطلوب است، مکر در برابر دشمنان یا نیکی در برابر آنها؟

جواب: خیر، بین این دو قسمت ازدعای مکارم الاخلاق تضادی نیست، زیرا قسمت اول از دعا درخواست داعی از خدای متعال آن است که او را در هر مورد و همه جا مورد تأیید و کمک خود قرار دهد. و در قسمت دوم ازدعا، داعی طلب یاری از خدا می‌کند که او را توفیق دهد تا بتواند عملاً اینگونه رفتار شایسته را با دیگران که حق را نسبت به او رعایت نمی‌کنند انجام دهد. بنابراین یکجا تنها یاری خدا را طالب است و یک جا توفیق عمل و برخورد خوب را؛ و بین این دو تضادی نیست.

۷: در روایات آمده است که امامان ما، از جمله امام حسن و امام حسین علیهما السلام؛ با پای پیاده به حج می‌رفتند، در حالی که مرکب ایشان نیز همراه ایشان بوده، از آن جایی که این اولیاء الگوی ما هستند، آیا برای ما و

زمان ما نیز چنین عملی نیک است؟ با توجه به این که پیاده رفتن خیلی بیشتر از سواره یا با هواپیما طول می‌کشد، آیا بهتر نیست که سریعتر رفت و در عوض آن وقت اضافی را در عبادت و اعمال دیگر مثل کسب علم صرف کرد؟ اگر اولی بهتر است، چرا اکثر بزرگان و علمای روز ما این کار را انجام نمی‌دهند و اگر دومی بهتر است، چرا امامان که وقتشان پر ارزش ترین و عبادتشان کامل‌ترین بوده چنین نمی‌کردند؟ دیگراینکه از میان پیامبران مزار کدام یک به جز پیامبر خاتمﷺ شناخته شده است؟ آیا مزار حضرت ابراهیم و موسی علیهما السلام معلوم است؟

جواب: پیاده رفتن به حج ـ که عبادتی والا و در راستای شاخص ترین شعائر دین است ـ دارای اجر و ثواب فراوانی است و انجام ندادن بعضی از بزرگان دلیل بر بهتر نبودن آن نیست، بلکه گاهی مزاحم اهمی در زمانی وجود دارد. و اما در رابطه با سؤال دیگر شما، این دو مزار در فلسطین است و مزار بعضی دیگر از انبیاء نیز معلوم است.

۸: کلمهٔ «رزق» و روزی که در روایات آمده به چه معنا است؟ آیا منحصر به خورد و خوراک است یا کلیهٔ نیازهای مادی اعم از خوراک و پوشاک و مسکن را شامل می‌شود؟ یا این که شامل اموری مثل شغل و موفقیت در دروس و توفیقات دیگر هم می‌شود؟

جواب: کلمهٔ رزق و روزی شامل اموری مثل انتخاب همسر، موفقیت در درس و توفیقات دیگر نیز می‌شود، که سعی و تلاش و همچنین دعا و نیایش، دوری از گناه و معصیت در کم و زیاد شدن آن تأثیر فراوانی دارد.

۹: در وصیت نامهٔ امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام به امام حسن و امام حسین‌علیهما‌السلام چنین آمده است: «الله الله في القرآن لا يسبقنّكم بالعمل به غيركم»، (نهج البلاغه،۴۲۲) خواهشمند است برای من مشخص کنید منظور از «غیر» کیست و حضرت ما را از چه چیزی برحذر داشته‌اند؟

جواب: اگرچه در این وصیّت خطاب به امام حسن و امام حسین‌علیهما‌السلام است، ولی مقصود مسلمین هستند از باب (ایاک اعنی و اسمعی یا جاره) و امام‌علیه‌السلام در مقام بر حذر داشتن مسلمانان از ترک عمل به قرآن مجید هستند و عمل کردن دیگران به آن.

۱۰: تا چه حد از روایات بحار را مستند و صحیح می‌دانید؟

جواب: بحار الانوار به منزله دریا می‌باشد و دریا دارای اشیاء گوناگون از جمله گوهر است و اهل خبره اینها را تمییز می‌دهند. اجمالاً بحارالانوار دارای روایت‌های صحیح السند و معتبر می‌باشد و همچنین دارای روایت‌هایی که احتیاج به اجتهاد و استنباط دارد.

۱۱: در خطبه ۲۱۹ نهج البلاغه مرحوم فیض الاسلام‌رحمه‌الله امیر المؤمنین علی‌علیه‌السلام جملاتی به ظاهر در تعریف عمربن الخطاب دارد که در بعضی از نهج البلاغه‌های دیگر علماء ندیدیم. ضمن این که حضرت در خطبهٔ سوّم نهج‌البلاغه فیض الاسلام او را به شدت مذمّت نموده، که ظاهر این دو خطبه با هم تناقض بسیار دارد و برایمان شبهاتی ایجاد نموده است، لطفاً در مورد این موضوع توضیحی قانع کننده بدهید.

جواب: مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد شیرازی ـ اعلی الله درجاته ـ در شرح خود بر نهج البلاغه این خطبه را در جلد سوم، صفحه ۳۹۴ بعینه آورده

و فرموده‌اند: ومن كلام له عليه السلام في مالك الاشتر بعد موته. سپس فرمایشات حضرت را شرح داده و جمله‌های آخر را: «**رحل و تركهم في طرق متشعبة لايهتدي فيها الضال و لايستقين المهتدي**» این چنین بیان نمودند که ترجمهٔ آن چنین است: «مالک اشتر سردمدار اهل کوفه بود و کوفیان بر او اعتماد کرده و از او پیروی می‌نمودند. هنگامی که ایشان از دنیا رفت مردم پراکنده و متفرق گشته و هر دسته‌ای به یک سوی رفتند، گمراهان راه را نیافته و راه یافتگان صحت آن راه را باور نداشتند. آنگاه ایشان اضافه فرمودند و این عادت مردم است زیرا مردم غالباً بر سردمداران خود ـ و مالک سردمدار عدهٔ زیادی بود ـ و نه به مافوق او (یعنی امیر المؤمنان علی عليه السلام) چشم می‌دوزند، لذا وقتی او از میان آنان رفت همه هواداران او متفرق شدند. سپس اضافه می‌کنند: بعضی از اهل تسنن گفته‌اند که مراد حضرت از فلان، عمر است، واین صحیح نیست، زیرا با مذمت شدید خطبهٔ شقشقیه تنافی دارد و حاشا آن که حضرت دو فرمایش متنافی را دربارهٔ یک شخص فرموده باشند. و در پایان می‌گویند: این یک دلیل به اضافه بقیهٔ ادله‌ای که در تاریخ ثبت شده و همه‌گی دلالت برمطلب ما دارد.

۱۲: در روایتی در کافی ج۲ آمده است که مؤمن برادر تنی مؤمن است، این برادر تنی یعنی چه؟ مگر برادر نسبی فقط برادر تنی نیست؟

جواب: روایاتی هست که می‌فرماید: مؤمنان نسبت به یکدیگر مانند یک بدن واحدند که اگر یک قسمتی از آن به درد آید، کل بدن بی قرار می‌گردد، و این یک مثل است که پیوند مؤمنین را نسبت به هم نشان می‌دهد و از آنان می‌خواهد نسبت به هم مهربان باشند، و این مضمون را در شعر آورده‌اند:

بنی آدم اعضای یکدیگرند — که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار

۱۳: در روایتی به این مضمون آمده: برادر دینی از پدر و مادر به انسان نزدیکتر است. آیا همین گونه است و اگر چنین است علت آن چیست؟

جواب: در شرع و عرف احدی از پدر و مادر نسبت به انسان نزدیک تر نمی-باشد، روایت مرسله‌ای هست که چنین است: «**الأخ المكتسب في الله اقرب الأقرباء و أحم [ارحم] من الامهات و الآباء**»، (غررالحکم، ص۴۲۳) و معنی آن نزدیکتر در ایمان است نه در رحمیت، و شاید مراد والدینی باشند که به وظایف شرعی خود نسبت به اولاد عمل نکنند.

۱۴: فرزندان مسلمانان که به سن بلوغ شرعی نرسیده‌اند، آیا در حکم مسلمان هستند یا خیر؟

جواب: فرزند مسلمان تابع پدر ومادر است در حکم به اسلام آنان، همچنانکه بچهٔ کافر تابع پدر و مادر است در حکم به کفر آنان.

۱۵: آیا این ترتیبی که قرآن کریم دارد، ترتیب سوره‌ها را حضرت علی علیه‌السلام داده است یا عثمان؟

جواب: ترتیب قرآن مجید به دستور پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و به دست امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در زمان خود پیامبر انجام گرفته است.

۱۶: آیا حدیث خرقه که مدعی است حضرت علی علیه‌السلام از دست پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حسن بصری از دست حضرت علی و معروف کرخی از دست

امام رضا علیه‌السلام خرقه پوشیده‌اند، صحیح است یا خیر؟

جواب: در سخنان گهربار اهل بیت علیهم‌السلام هیچ گاه نامی از خرقه و مانند اینگونه اصطلاحات برده نشده است، و سزاوار است پیروان اهل بیت در اصطلاحات خود از اهل بیت علیهم‌السلام متابعت نمایند و اصولاً اینگونه سخنها اعتباری ندارد.

۱۷: نقل شده هر که ۴۰ شب به مسجد سهله و کوفه برود به دیدار امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نائل می‌شود، آیا در ایران هم مکانی مانند مسجد سهله و کوفه غیر از مسجد جمکران می‌باشد یا خیر؟

جواب: خیر.

۱۸: چگونه می‌توانم از درستی یک حدیث مطلع شوم؟ با توجه به اینکه هیچ‌گونه علمی در مورد حدیث شناسی یا علم رجال ندارم؟

جواب: باید آن را به اطلاع علمای حدیث و علم رجال رساند و صحت وسقم آن را از آنان جویا شد.

۱۹: در برخی روایات آمده است حضرت آدم علیه‌السلام قامت خیلی بلندی داشت و تمام انسان‌های گذشته همین طور بوده‌اند، آیا در بهشت این انسان‌ها هم قامت ما می‌شوند و یا ما به اندازهٔ آنها می‌شویم؟

جواب: انسان‌ها در بهشت ـ طبق روایات ـ با اندام‌های متناسب و متکامل و در خور یک انسان سعادتمند خواهند بود.

۲۰: آیا تاریخ و آیات هم به این نکته اشاره می‌کند که انسان‌های گذشته

قامت بلندی داشته‌اند؟

جواب: در تاریخ آمده است و قرآن هم اشاره دارد که پیشینیان شما قوی تر و نیرومند تر بودند ولی چون کفر ورزیدند عذاب الهی همهٔ آنان را نیست و نابود کرد.

۲۱: در روایتی آمده: بنی اسرائیل هفتاد و دو ملت بودند و نیز خواندم که بنی اسرائیل اکثریت جامعه بشر آن زمان را تشکیل می‌داد، آیا ایران هم جزء آن اکثریت جامعه و آن ۷۲ ملت بود و آیا بیشتر مورخین ایران را جزء آن اکثریت می‌دانند یا خیر؟

جواب: خیر، ایران جزء آن نبود و مورخان، ایران را جزء آن نمی‌دانند.

۲۲: در بعضی روایات آمده است هر که به داد فقیران و همسایگان نرسد و به حساب اعمال روز خود رسیدگی نکند مسلمان نیست. آیا چنین اشخاصی اصلاً بهشت نمی‌روند و مسلمان نیستند؟

جواب: منظور این است که مسلمان واقعی و کامل نیستند.

۲۳: اگر غیر مسلمانی بچه‌دار شد نجس بودن بدنش به ژن او هم می‌رسد و اولاد او از ژن بد او متولد می‌شود؟

جواب: ژن تأثیر گذار هست اما به نحو مقتضی، نه به نحو علت تامه که تخلف پذیر نباشد.

۲۴: آیهٔ ۴۷ سوره حجر می‌فرماید (مؤمنین) برادرند و بر تخت‌ها رو به روی یکدیگر نشسته‌اند. می‌خواستم بدانم مسلمین در بهشت با یکدیگر طبق این آیه برادر و خواهر دینی هستند؟

جواب: این آیه تنها دربارهٔ صفا و پاکی اهل بهشت است که بین آنان هیچ رشک و حسادتی نمی‌باشد.

۲۵: شهرت که می‌فرمائید برای اثبات سیادت کافی است منظورتان اثبات این است که سادات فرزندان نسبی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستند، یا فقط برای نام‌گذاری آنها شهرت کافی است؟

جواب: هر دو مطلب به شهرت ثابت می‌شود.

۲۶: آیا ما عالَم دیگری داشتیم که انسان‌ها و پیامبران دیگری داشته باشد؟ و آیا در بهشت آن انسانها و پیامبران به مؤمنین حاضر ملحق می‌شوند؟

جواب: عوالم دیگری ـ طبق روایات ـ وجود داشته و دارد و آنان قیامت جدا دارند ولی بهشت و جهنم جدایی ندارند.

۲۷: در سورهٔ آل عمران آیهٔ۶۸ می‌فرماید: «نزدیک‌ترین افراد به ابراهیم علیه‌السلام کسانی هستند که از او پیروی کنند.» آیا طبق این آیه تمام مسلمین از زمان آدم تا خاتم چه گناه‌کار و چه پرهیزگار به حضرت ابراهیم علیه‌السلام و دیگر انبیاء و اوصیاء در این دنیا و در بهشت نزدیکتر هستند مثل فرزندان نسبی یا حتی نزدیکتر از فرزندان نسبی آنها؟

جواب: آیه می‌فرماید: نزدیک‌ترین افراد به حضرت ابراهیم علیه‌السلام کسانی هستند که از ایشان پیروی می‌کنند یعنی اطاعت کنندگان نه گناه کاران و در تفسیر است که مراد شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند.

۲۸: آیا مسلمین که پیوند دینی با یکدیگر دارند از پیوند نسبی

بالاتر است، یا پیوند نسبی در مقابل آن پیوند به قول علماء مفهومی ندارد؟

جواب: هر کدام از این دو پیوند جای خود را دارد و اسلام برای هر یک از این دو احکام خاصی را در نظر گرفته است.

۲۹: اگر نسب برای دنیا و بهشت بی ارزش است پس چرا حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام در چند جای قرآن فکر ذریهٔ خود است؟

جواب: نسب در اسلام ارزش خود را دارد ولی تمام ارزش نیست، بلکه عمل و نیت انسان هم دخیل در آن است.

۳۰: آیا انبیاء و ائمه طاهرین که پدران معنوی ما هستند می‌شود که حق بیشتری نسبت به پدر نسبی ما داشته باشند با اینکه پدر نسبی ما پدر حقیقی ما هستند و آنها سبب ایجاد ما شده‌اند؟

جواب: طبق روایات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت زهرا علیهاالسلام و ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام هدف خلقت بوده‌اند و تمام بشر به طفیل وجود آنان آفریده شده است، بنابر این اگر چهارده معصوم علیهم‌السلام نبودند بشری نبود تا نوبت به پدر و مادر حقیقی برسد، گرچه خدای متعال برای هرکدام از پدران معنوی و پدران نسبی حق خاصی مقرر فرموده است.

۳۱: لطفاً سند زیارت عاشورا را با مدرک آن ذکر نمایید.

جواب: صفوان از امام صادق علیه‌السلام از پدر خود امام باقر علیه‌السلام از پدر خود امام زین‌العابدین علیه‌السلام از پدر خود امام حسین علیه‌السلام از برادر خود امام حسن علیه‌السلام از پدر خود امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ایشان از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و او از جبرئیل علیه‌السلام و او از پروردگار عالمیان جل و علا (شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، و:الدعا و

الزیارة، ص۷۳۶، ۷۳۷) لذا محدّث نوری استاد فنّ حدیث می‌گوید: زیارت عاشوراء را همین بس که از سنخ احادیث قدسیه است.

۳۲: سند روایت رد الشمس برای امیر المؤمنین علیه السلام چیست؟

جواب: حدیث رد الشمس از احادیثی است که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند، مراجعه شود به کتاب «عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری» ج۷، ص۱۴۶. عیینی مؤلف آن می‌گوید: «حدیث رد الشمس حدیث متصل السند بوده که راویان آن همگی ثقات و مورد اعتماد می‌باشند» و نیز مؤلف کتاب ینابیع المودة، شیخ سلیمان قندوزی حنفی می‌گوید: «حدیث رد الشمس را طحاوی و قاضی عیاض در کتاب شفا، ج۲، ص۴۰۹، صحیح دانسته‌اند.»

۳۳: مطالب خلاف و ستم‌های حکام جور که بعضی گفته‌اند و دیگران آن را رد کرده‌اند، با ذکر سندهای آن بیان فرمائید؟

جواب: مراجعه شود به کتابهای: عوالم العلوم در رابطه با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تحقیق مؤسسهٔ ابطحی. الامامة و السیاسة، تاریخ الخلفا لابن قتیبه، ج۱، ص۱۲ و ۱۸. فتوح البلدان، ج۱، ص۵۸۶. العقد الفرید للقرطبی، ج۵، ص۱۲. مروج الذهب للمسعودی، ج۲، ص۳۰۱، وگفتهٔ عمر را در هنگام مرگش نوشته که: «ای کاش خانهٔ فاطمه علیها السلام را نمی‌گشودم.» اثبات الوصیة للمسعودی، ص۱۲۴. شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید المعتزلی، ج۲، ص۵۶. روضة المنظر لمحب الدین حمد بن الشحنة. و نیز ابن شحنه در پاورقی کتاب تاریخ (الکامل فی التاریخ) ج۱۱، ص۱۱۲. الملل و النحل، ج۱، ص۵۷.

۳۴: آیا خطبة البیان که منسوب به امیر المؤمنین علیه السلام است سندیت

دارد؟

جواب: فرازهای زیادی از این خطبه در روایات مستفیضه وارد شده است.

۳۵: در سلامی که در آخر زیارت عاشورا آمده است: «... وعلی علي بن الحسين» آیا مراد حضرت سجاد علیه السلام است یا علی اکبر؟

جواب: ظاهراً مراد حضرت علی اکبر علیه السلام است، گرچه احتمال دارد شامل اولاد حضرت امام حسین علیه السلام که به نام علی بودند، مانند علی اصغر و علی اکبر و علی اوسط نیز بشود.

۳۶: در مفاتیح الجنان عبارت: «وبالبرائة ممن قاتلك و نصب لك الحرب» در حاشیه عبارت: «اني اتقرب الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك وبالبرائة ممن أسس اساس ذلك...» نوشته شده است. از آنجا که به نظر می‌رسد عبارت: «وبالبرائة ممن أسس اساس ذلك» بدون آنچه در حاشیه آمده، صحیح نمی‌باشد و در کامل الزیارات ابن قولویه رحمه الله و مصباح المتهجد شیخ طوسی عبارت «وبالبرائة ممن قاتلك ونصب لك الحرب» در متن زیارت آمده است، آیا این عبارت جزء زیارت بوده و قرائت آن لازم است یا خیر؟

جواب: این عبارت جزء زیارت بوده و قرائت آن لازم است.

۳۷: در کامل الزیارات و مصباح المتهجّد یکی از فقرات زیارت عاشورا به این شکل ذکر شده است: «... وابدء به اولاً ثم الثاني والثالث و الرابع...» با توجه به اینکه ثانی و ثالث در این عبارت به همراه «ال» آمده و در مصباح

کفعمی نیز «الاول» به عنوان نسخه بدل ذکر گردیده، این احتمال وجود دارد که عبارت صحیح: «... وابدء به الاول ثم الثاني...» باشد. در ضمن در مقامات حریری آمده است: اول، قبل و بعد که ظرف هستند به ضمه خوانده می‌شوند؛ مگر در حالتی که به چیزی اضافه شده باشند. بنابر این باید عبارت فوق را چنین خواند: «وابدء به اولُ ثم الثاني والثالث» نظر مبارک در این زمینه چیست؟

جواب: هر دو عبارت صحیح‌اند یعنی: «**وابدأ به اولاً**» صحیح است «**وابدأ به الاولُ**» نیز صحیح می‌باشد، گرچه عبارت اول بلیغ‌تر و عبارت دوم نسخهٔ بدل باشد بهتر است و آنچه در مقامات حریری آمده در این مورد جاری نیست، زیرا این مطلب در مانند سیوطی و مغنی هم آمده است که: «اول، قبل و بعد» چنانچه معنی مضاف باشد و قطع اضافه شود، مبنی برضم می‌شوند، نه اگر وصف مفعول مطلق باشد که درما نحن فیه چنین است و لذا اگر «اول» هم بخوانیم باید به نصب بخوانیم نه به ضم زیرا که معرب است (الفیهٔ ابن مالک و شروح آن ملاحظه شود) در قرآن کریم هم آمده است: ﴿**أفعيينا بالخلق الاول**﴾، (ق/ ۱۵) به جرّ کلمه «**الاول**».

۳۸: برخی بر این عقیده‌اند که اگر زیارت عاشورا درغیر از روز عاشورا خوانده شود، باید به جای «ان هذا یوم تبرکت...» چنین خواند: «ان یوم عاشورا یوم تبرکت...» آیا این عقیده درست است؟

جواب: «هذا» اشاره است به روز عاشورای حقیقی و لذا امام باقر علیه‌السلام که زیارت عاشورا را از جانب خدای متعال نقل فرمودند «و هذا یوم» خواندند با آنکه دهها سال از واقعه کربلا گذشته بود.

۳۹: در مجالس قرائت زیارت عاشورا مرسوم است که برخی از فقرات

را چند مرتبه تکرار می‌کنند، آیا این کار مشکلی ندارد؟

جواب: تکرار بعضی فقرات مانعی ندارد.

۴۰: آیا خواندن زیارت عاشورا، بدون صد لعن و صد سلام ثواب و اثری دارد؟ یا حتماً باید زیارت با صد لعن و صد سلام خوانده شود؟

جواب: مسلّماً ثواب و اثر بسیار دارد ـ علی نحو تعدّد المطلوب ـ البته بهتر است که باصد لعن و صد سلام کامل باشد.

۴۱: در مواقعی که فرصت خواندن صد لعن و صد سلام را نداریم، آیا می‌توانیم به جای آن به گفتن عبارت: «مأة مرة» یا «تسعاً وتسعین مرة» پس از قرائت لعن و سلام قناعت کنیم؟

جواب: از امام هادی علیه السلام مروی است که: «**من قرء مرة اللعن في زيارة عاشورا، ثم قال: «اللهم العنهم جميعاً تسعاً و تسعين مرة» كفى عن المائة و كذا السّلام**» (الذریعة، ج ۱۰، ص ۲۹.)

۴۲: آیا لازم است صد لعن و صد سلام زیارت عاشورا در یک مجلس خوانده شود؟

جواب: بهتر است که در یک مجلس خوانده شود، ولی لازم نیست از باب «تعدد مطلوب».

۴۳: در روایت صفوان آمده است: برای بر آمدن حاجات و رفع مشکلات، زیارت عاشورا و دعای پس از آن (دعای علقمه) را بخوانید. آیا همواره خواندن دعای علقمه پس از زیارت عاشورا لازم است؟

جواب: البته بهتر است دعای علقمه را نیز بخوانند، ولی لازم نیست از باب «تعدد مطلوب.»

۴۴: بعضی‌ها می‌گویند زیارت اماکن مقدّسه، بدعت است، زیرا باید فقط از خدا درخواست کرد، آیا چنین سخنانی درست است؟

جواب: وجود مقدّس رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله قبر عموی خود حضرت حمزه‌علیه‌السلام را در اُحد، قبر ابن‌مظعون و قبر فرزند خود ابراهیم و دیگران را در بقیع زیارت نموده و برای آنان فاتحه می‌خواندند و همچنین حضرت فاطمه‌علیهاالسلام و بقیهٔ ائمهٔ معصومین‌علیهم‌السلام؛ ضمن اینکه انبیاء و ائمه‌علیهم‌السلام پدران معنوی این امت و مقربان درگاه خدا هستند و خدا به آنان اذن داده که فریادرس مؤمنین باشند، لذا از این جهت از آنان استمداد و طلب یاری می‌شود.

۴۵: در زیارت مطلقه امام حسین‌علیه‌السلام (کامل‌الزیارات، ص۱۹۹) آمده است: «و گریست برایش همهٔ خلایق و آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آنها و میان آنهاست و هر که می‌باشد در بهشت و آتش از آفریده‌های پروردگار و دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها.» با توجه به این قسمت از زیارت به نظر می‌رسد که اهل جهنم نیز بر امام حسین‌علیه‌السلام گریه می‌کنند و این با روایت شریفه که می‌گوید: جنهم بر گریه کنندگان امام حسین‌علیه‌السلام حرام است چگونه جمع شده و مراد چیست؟

جواب: مراد از «**ومن يتقلب في الجنة والنار**» خزنهٔ بهشت و خزنهٔ جهنم‌اند، یعنی: ملائکهٔ موکل به بهشت و موکل به جهنم می‌باشند نه

بهشتیان، زیرا در بهشت طبق آیهٔ قرآن مجید اندوه و گریه نیست، و نه دوزخیان زیرا یک قطره اشک بر امام حسین علیه‌السلام دریایی از آتش جهنم را خاموش می‌کند، احتمال هم می‌رود آن قطره اشک که دریای آتش را خاموش می‌کند اشکی است که در دنیا بر امام حسین علیه‌السلام و مظلومیتش ریخته می‌شود، نه در آخرت و احتمال دیگر آن است که گریه با شرائطش باشد و الا در تاریخ است که «عمر بن سعد» هم روز عاشورا گریه کرد.

مسائل اجتماعی

۱: پیامبر اکرمﷺ با رسالتش که منادی کرامت و اخلاق برای انسانها بود، رسوم جاهلی را باطل و اسلام را بر مبنای کرامت انسان جانشین آن نمود، لیکن رسم (برده‌داری) را نسخ نکرد بلکه آن را مقید به احکامی نمود که حجم قابل ملاحظه‌ای از کتب فقهی را به خود اختصاص داده است. چرا اسلام این حکم را ابقا نمود در حالی که این حکم تعارضی غیر قابل جمع با مبنای کرامت انسان در اسلام دارد؟

جواب: اسلام از حکمت خود «برده‌داری» را از روی ضرورت، برای صلاح و اصلاح جوامع بشری ابقاء نمود، و یکی از مصادیق ضرورت، عبارت از این است که حاکمان جنایتکاری که مسلط بر یک ملّتی شده و از هرگونه ستم در حق بندگان خدا کوتاهی نمی‌کنند و به هیچ وجه قابل هدایت نیستند، اسلام برای آزادی ملّت‌های مظلوم از دست آنان سپاهی تجهیز کرده و علیه آنان وارد جنگ می‌شود، یا این که خود آنان علیه اسلام لشکرکشی می‌کنند ـ همانند زمان پیامبرﷺ ـ آن گاه که اسلام پیروز می‌گردد آن جنایتکاران و لشکریانشان را اسیر نموده و برده مسلمین قرار می‌داد، و برده شدن آنان برای سرکوب نفس

طغیانگر آنها، جلوگیری از طغیان دیگران و بیرون کردن فکر تجاوز و ستم از مغز ستمگران بسیار مؤثر است، زیرا بسیاری حاضرند کشته شوند ولی خواری برده شدن را تحمّل نکنند، و این روش در صدر اسلام برای سرکوب نمودن متجاوزان بسیار مؤثر واقع شد.

بنابراین اسلام «برده‌داری» را ابقاء، ولی منحصر به همین مورد فرموده است، یعنی از هیچ راهی احدی حق ندارد شخص آزادی را برده نماید، مگر نسبت به حاکمان مستبدّی که به هیچ وجه هدایت نمی‌شوند و علیه اسلام و انسانیت لشکر کشی کرده و وارد جنگ می‌شوند، لذا هنگامی که به اسارت مسلمین در می‌آیند احکام برده بر آنها جاری می‌شود. البته اسلام در عین حالی که برای ضرورت، برده‌داری را ابقاء نمود، راههای گسترش آن را بسته و راههای پاک سازی برده‌داری را باز نموده تا آنکه امروزه دیگر از برده‌داری خبری نیست، و این از برکات اسلام است. برای اطلاع بیشتر به کتاب: «الفقه: العتق» مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد شیرازی ـ اعلی‌الله درجاته ـ مراجعه فرمائید.

۲: در جامعه غرب زندگی می‌کنیم که تمام آنچه که ما باید با آنها روزگار خود را سپری کنیم، تحت کنترل شدید رسانه‌های گروهی است و هیچ امیدی نداریم مگر اینکه شخصیت‌های بزرگ و بخصوص مراجع امت با ارشاد و راهنمایی‌های ارزنده و هدف‌دار خویش، ما را از این منجلاب نجات داده و در مسیر صحیح قرار دهند؟

جواب: شما شیعیان عزیز و جوانان گرامی در جائی سکونت دارید، و در مقطع زمانی حساسی بسر می‌برید که مسؤولیتتان بیشتر است. اما نسبت به محل سکونت شما، جائی است که تشنه معارف دینی و آماده برای فهم و پذیرش

حقایق اسلام است و اما نسبت به زمان، زمانی که همه در اقصی نقاط جهان با وسایلی از قبیل ماهواره و اینترنت می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و از اخبار و اوضاع جهان آگاهی پیدا کنند.

بنابراین برما و شما است که معارف حقّهٔ الهی، که تماماً با عقل و فکر و فطرت انسانی سازگار است، آن را در معرض دید حیرت‌زده و وامانده از خرافات قرار داده و تا روح و روان تشنهٔ شیفتگان حق و حقیقت از آن سیراب گردد. یعنی همان کاری را انجام دهیم که حضرت رضاعلیه‌السلام فرمودند: و آن این است که معارف و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام رافرا گیریم و به جهانیان عرضه کنیم، چرا که حضرت فرمودند: اگر جهانیان حدیث (معارف و فرهنگ) ما را بشنوند، از ما پیروی خواهند کرد. و در این زمینه کتاب‌هایی از قبیل: ماذا فی کتب النصاری، والعقائد الإسلامیه مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد شیرازی ـ اعلی‌الله درجاته ـ برای مردم آن مناطق بسیار مؤثر است، انشاءالله تعالی.

۳: نظر شما در مورد دین و سیاست چیست؟ به عنوان مثال بعضی معتقدند که حکومت داری اسلامی مخصوص معصومین علیهم‌السلام است؟

جواب: راجع به معصومین علیهم‌السلام آمده است که: «وساسة العباد»، (فقیه، ج۲، ص۶۱۰) و معظم له کتابی در این زمینه به نام: «**السیاسة من واقع الاسلام**» (این کتاب با عنوان «اسلام و سیاست» به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است.) تألیف نموده و در آن بیان می‌کنند که آنچه از سیاست مورد نظر اسلام است همان سیاستی است که معصومین علیهم‌السلام اعمال می‌کردند، یعنی: ادارهٔ عباد و بلاد (مردم و کشور) بر اساس عدل و قسط، محو ظلم و فساد از جامعه، گسترش

فرهنگ صحیح، دانش مفید، خیر و صلاح، رفاه و امنیت، تأمین معاش و تضمین معاد برای همه مردم.

۴: از نظر اسلامی، چه دلیلی برای عمل به قوانین بشری وجود دارد؟ مثل بعضی قوانین راهنمایی و رانندگی، و حتی اموری که «قانون» نیستند، و بیشتر جنبهٔ آداب و رسومی دارند، به نظر بسیاری مهم نیستند و شخص گاهی فکر می‌کند که چرا باید به آنها عمل کند؟

جواب: حفظ نظم لازم است تا نظام معاش مختل نشود.

۵: در همسایگی ما مؤسسه خیریه‌ای آشپزخانه‌ای بزرگ دائر کرده است، علاوه بر بوی نامطبوع آن که از نظر بهداشتی مضر است، از سر و صدای هواکش آن در اذیت هستیم و هیچ آسایش نداریم. سؤال این است: استفاده از این آشپزخانه در این محل مسکونی با شرائط ذکر شده شرعاً جایز است یا خیر؟

جواب: در اسلام نسبت به رعایت حال همسایگان توصیه اکید شده است، بلکه تأکید شده که همسایگان یکدیگر را تحمل کنند، لکن در عین حال فرموده: اذیت و آزار همسایه جایز نیست.

مسائل اخلاقی(آداب وسنن)

۱: فلسفه و دلیل این همه سفارشات در اسلام بر نیکی و خوش‌رفتاری با دیگران چیست؟

جواب: دلیلش این است که محبّت و امنیت در بین مردم ایجاد شود، زیرا اسلام این دو مطلب را زیر بنای سعادت معرفی فرموده است.

۲: چرا از میان برداشتن اختلاف طبقاتی در اسلام مطلوب است؟

جواب: اسلام اختلافات طبقاتی را یک نوع تبعیض بین افراد جامعه می‌بیند، لذا آن را منافی با حقوق انسانی می‌داند. اسلام افراد بشر را یکسان و با حقوق برابر معرفی فرموده است، همه آنان به یک پدر و یک مادر یعنی حضرت آدم و حوا علیهما السلام می‌رسند، و فقط تقوی و پرهیزگاری است که سبب برتری می‌باشد.

۳: لطفا جهت اینکه دچار مشکل انحراف نشویم و طبق وظیفه عمل کرده باشیم، جهت تزکیه و تهذیب دستوری مرقوم بفرمائید؟

جواب: در حدیث شریف است: فرزندان خود را با تعلیم احادیث دریابید قبل از آنکه مرجئه (منحرفین) آنان را منحرف سازند، بنابراین لااقل کتاب شریف

«اصول کافی» را با دقت مطالعه بلکه مباحثه نمائید، که برای یک مسلمان و دوست‌دار اهل بیت علیهم‌السلام ضرورت دارد. مخفی نباشد که سیرهٔ رفتاری و اخلاقی اهل بیت علیهم‌السلام در رأس همه سیر و سلوک‌ها می‌باشد، و لذا انسان باید سعی کند در رفتار و اخلاق خود پیرو اهل بیت علیهم‌السلام باشد، و برای کمک گرفتن در این راه زندگی چهارده معصوم علیهم‌السلام را با دقت مطالعه کرده و در زندگی خود تطبیق نماید، والله ولی التوفیق.

۴: حدیث معروفی است از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که: «أفضل الاعمال أحمزها»، (مفتاح الفلاح، ص۴۵) بهترین اعمال سخت‌ترین آنهاست، امیر مؤمنان علیه‌السلام نیز در نهج‌البلاغه (ص۵۱۱، ص۲۴۹) می‌فرماید: «بهترین اعمال آن است که نفس خود را به آن وادار کنی» بفرمائید منظور از سختی چیست؟ آیا سختی بدن است یا غیر آن را نیز شامل می‌شود؟ حدّ تعادل و مطلوب سختی و ریاضت چه مقدار است؟

جواب: سختی‌ها معمولاً انسان را آبدیده و آزموده می‌کنند و در زندگی موفق‌تر و سعادتمندتر می‌گردانند. و منظور از سختی تمام ناملایمات زندگی اعم از سرما و گرما، تشنگی و گرسنگی می‌باشد. و حد مطلوب آن: منطبق بودنش با موازین شرع است، از التزام به واجبات و مستحبات، و ترک محرمات و مکروهات.

۵: من یک دختر محصل ۲۳ ساله هستم ولی انگیزه و همتی برای تحصیل از خود نشان نمی‌دهم، یعنی چند سال است پشتکار ندارم و خیلی برایم مهم نیست که چه می‌شود، با اینکه دوست دارم درس بخوانم اما به خودم زحمت خواندن نمی‌دهم، لطفاً مرا راهنمایی فرمائید؟

جواب: حالت بی‌توجهی به کسب دانش خصوصاً دانش دین یکی از راهکارهای شیطان برای گمراه ساختن انسان است، در حالی که اسلام سعادت دنیا و آخرت را در کام دو گروه معرفی فرموده:

۱ـ عالمان و دانشمندان ربّانی ۲ـ متعلم و دانش‌پژوهی که در صدد نجات خود از تاریکی جهل و نادانی می‌باشد.

۶: برای کنترل کردار و گفتار چه توصیه‌ای می‌فرمایید؟

جواب: در حدیث شریف آمده است: «از ما نیست هر که هر روز به حساب خود رسیدگی ننماید.»، (کافی، ج۲، ص۴۵۳) این لحن نشانگر اهمیت محاسبه روزانه می‌باشد، یعنی: انسان وقت مناسبی رابرای محاسبهٔ اعمال و کردارخود اختیار کند، اگر کارهای خوب انجام داده توفیق بیشتر طلب کند، و اگر العیاذ بالله بدی کرده توبه و طلب مغفرت نماید و عزم جدی بر عدم تکرار کند.

۷: لطفاً توصیه‌ای برای جوانان و سعادتمندی آنها بفرمائید؟

جواب: جوانان عزیز بدانند که خدای عزّوجل برای همهٔ واجبات، حدود و اندازهٔ مشخصی قرار داده است، مثلاً هفده رکعت نماز در روز، روزهٔ یک ماه در سال، یک مرتبه حج درطول عمر، ولی برای دو مطلب حد ومرزی بیان نفرموده است: یکی یاد خدا: ﴿**واذکرو الله کثیرا**﴾، (الانفال/۴۵) و دیگری تقوی است: ﴿**فاتقوا الله ما استطعتم**﴾، (التغابن/۱۶) لذا بر همه است که از یاد خدا و تقوی غافل نشوند.

۸: دوستی با چه کسانی را توصیه می‌فرمائید؟

جواب: انسان باید برای دوستی، شخصی را انتخاب کند که بر معرفت و

ادب او بیفزاید، او را به خدا و آخرت نزدیک و از دنیا و شیطان دور نماید.

۹: چگونه رابطهٔ خود را با خدا و اهل بیت علیهم‌السلام تقویت بخشیم؟

جواب: ارتباط با خدا و اهل بیت علیهم‌السلام با دو کار محکم و قوی می‌شود:

۱- انجام واجبات الهی و دوری از محرمات.

۲- اخلاق نیکو و خدمت خالصانه به همهٔ مردم، خصوصاً والدین و خویشان خود.

و این مطلب را نیز جوانان عزیز بدانند که در درگاه خدا ناامیدی هرگز وجود ندارد، البته باید دست از درگاه خدا و دامن اهل بیت علیهم‌السلام برندارند و این ارتباط را همیشه و درهمه حال حفظ نمایند.

۱۰: برای نجات از مکر و کید شیطان چه کنیم؟

جواب: بهترین راه رهائی از شرّ شیطان، خواندن نماز با توجه است، مخصوصاًدر سجده‌های آن وعموماً سجدهٔ برای خدا، چرا که شیطان از انجام سجده امتناع ورزید و مطرود درگاه خدا واقع شد، و بهترین خودسازی: فراگیری علم اصول دین، فروع دین، اخلاق و آداب اسلامی و عمل کردن به آنها است.

۱۱: لطفاً کتابی راجع به نماز که معرفت انسان را به نماز زیاد می‌کند، معرفی فرمائید؟

جواب: کتاب «معراج السعادة» و «آداب الصلاة» نوشته مرحوم فاضل نراقی رحمه‌الله خوب است.

۱۲: آیا بوسیدن دست دیگران جایز است؟ پای شان چطور؟

جواب: بوسیدن دست برای احترام جایز است، خصوصاً اگر مزیت دینی داشته

باشد مثل بوسیدن دست سادات، علمای دین و والدین، و از بوسیدن پا خودداری شود.

۱۳: چه کنیم که به خدا نزدیک شویم و خدا از ما راضی باشد؟

جواب: انجام دادن واجبات و ترک محرمات، خوش اخلاقی و پیرو واقعی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بودن.

۱۴: جوانی هستم بسیار علاقمند به کمال و قرب إلی الله، أما متأسفانه در دام گناه افتاده‌ام. تاکنون نیز بسیار نذر و نیاز کرده‌ام و بارها در قم به مسجد جمکران و مشهد مقدس رفته‌ام ولی نتیجه نگرفته‌ام، در ضمن به مباحث علمی بسیار علاقه دارم و هرگاه به آنها می‌پردازم از گناه غافل می‌شوم، اما زود دلزده شده و بیشتر به سمت انحراف می‌روم، استدعا دارم بفرمائید برای رهایی ازگناه چه کنم؟

جواب: برای رهایی از گناه انجام چند کار ضروری است:

۱ـ همان طورکه گناه در روایت به نجاست تشبیه شده است، باید دانست که رفتن به سمت گناه نزدیک شدن به نجاست است و آیا انسان عاقل به خود اجازه می‌دهد تا به نجاست نزدیک شود؟ لذا همیشه قُبح گناه در نظرتان باشد.

۲ـ تصمیم و اراده بر گناه نکردن داشته باشید.

۳ـ از خدا و رسول و اهل بیت علیهم‌السلام کمک بگیرید.

۴ـ به قرآن مجید و تفاسیر آن، نهج البلاغه و شرح آن، صحیفهٔ سجادیه با ترجمه آن، و اصول کافی و روایات شریفه آن، اوقات خود را پرکنید، انشاءالله موفق خواهید شد.

۱۵: چند سال قبل مرتکب گناهی شدم به بهانه اینکه بعداً توبه خواهم کرد، حال فهمیدم که از جهالت بوده و من همیشه در عذاب وجدان به سر می‌برم، لطفاً بفرمائید تکلیف من چیست؟

جواب: قرآن می‌فرماید: «آنان که از روی جهالت مرتکب گناه شوند، و بلافاصله متوجه زشتی کار خود شده و استغفار و توبه نمایند، خدا توبه آنان را قبول فرموده و از گناهشان درمی‌گذرد.»، (نساء/۱۷) و در حدیث شریف است: «**التائب من الذنب کمن لاذنب له**»، (کافی، ج۲، ص۴۳۵) توبه کنندهٔ ازگناه مانند شخصی است که مرتکب گناه نشده، لذا بر شما است بعد از توبه چنانچه حق الناس به گردن دارید به صاحب حق رسانده و برای او طلب آمرزش کنید.

۱۶: چرا گاهی اوقات انسان گناه خود را کوچک می‌شمارد؟ و راه درمان آن چیست؟

جواب: انسان متصف به نسیان است، لذا وقتی حالت غفلت و نسیان به او دست می‌دهد گناه را کوچک می‌پندارد و در گناه دیگری می‌افتد. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿**یعملون السوء بجهالة**﴾، (النساء/۱۷). و درمان آن این است که انسان همیشه به یاد خدا باشد و او را حاضر و ناظر، مراقب و محاسب خود بداند.

۱۷: من گناهکارم، هرجور که بلد بودم از خدا عذرخواهی کردم ولی فکر می‌کنم خدا مرا نمی‌بخشد، حال چطور باید توبه کرد؟

جواب: خدای متعال در قرآن مجید وعده داده است که توبه کننده را چنانچه توبهٔ واقعی کند ببخشد، البته معنای توبه این است که:

۱ـ از آنچه از او سر زده است پشیمان باشد؛

۲ـ تصمیم بر ترک آن گناه و عدم تکرار آن داشته باشد؛

۳ـ اگر آن گناه مرتبط به حقوق مالی مردم باشد یا قضا و کفاره داشته باشد، آن را اداء نماید.

بنابراین اگر توبه کننده این سه مطلب را رعایت کند، مطمئن باشد که خدای متعال توبهٔ او را قبول می‌فرماید، و خدای متعال به انسان اجازه نداده است که مأیوس از رحمت او شود، و یأس را بدترین گناه معرّفی فرموده است، و در حدیث شریف است که: «شخص توبه کننده مانند شخصی است که گناه نکرده است.»، (کافی، ج۲، ص۴۳۵).

۱۸: شخصی در حال ورشکستگی بوده و برای نجات خود دست به هر کاری زده است، حتی خانه و ماشین پدر خود را نیز فروخته و اکنون برای مدت شش ماه است که در زندان به سر می‌برد و هنوز هم سر عقل نیامده است. حال پدر این شخص وظیفهٔ شرعی برای کمک به چنین شخصی را دارد یاخیر؟

جواب: کمک کردن پدر به فرزند اشکالی ندارد و در بعضی موارد مستحب است، اگر محذور دیگری نباشد و بر پدر است که در هدایت فرزند خود سعی کند تا دست از کارهای زشت بر دارد.

۱۹: مسؤول سرکارم وقتی شخصی زنگ می‌زند و نمی‌خواهد با او صحبت کند به من می‌گوید به آن شخص بگویم ایشان نیستند، و می‌گوید به آن شخص ضرر نمی‌زنی پس دروغ نیست. جواب ایشان چیست؟

جواب: بر فرضی که به آن شخص ضرر نمی‌زنید، ولی برآوردن حاجت مؤمن ثواب بسیار زیادی دارد، و در روایت است که خدای متعال افرادی را به جهت رد کردن شخصی که حاجتی با آنها داشته، دچار عذاب سختی نموده و صاعقه

آسمانی بر آنان فرود آورده است، و به هر حال دروغ جایز نیست.

۲۰: آیا برای کسی که در خانه تنها است اشکال دارد که بدون هیچ لباسی باشد، در صورتی که خود را در هنگام خواب یا نماز بپوشاند؟

جواب: اشکال شرعی ندارد، ولی از لحاظ اخلاقی خوب نیست و در روایت است که: «شیطان در آن هنگام بیشتر طمع به اغوای شخص دارد».

۲۱: مدتی با هم‌عروس خود سر مسأله‌ای رابطه نداشتم وحتی تلفن هم نمی‌زدم تااینکه در عید گذشته برای تبریک و صلهٔ رحم زنگ زدم و کدورت‌هایی که داشتم نادیده گرفتم. بعد این مسأله را برای دیگران تعریف کردم، آیا این گفتن باعث محرومیت من از اجر می‌شود؟ (نیت من این بود افرادی که کدورت دارند بدانند می‌شود با آنهایی که قهر کرده‌اند آشتی کنند).

جواب: انشاءالله بر نیّت و کارتان مأجور هستید، و بدانید که در حدیث شریف آمده است: «خدای متعال برای افرادی که برای صلح و آشتی پیشقدم می‌شوند، اجر مضاعفی مقرر فرموده است».

۲۲: من دارای دو خصیصهٔ روحانی و شیطانی هستم و هر دو در مواقعی فعال می‌شوند. بفرمائید چه کنم تا عاقبت به خیر شوم؟

جواب: در خوراک خود بیشتر دقت کنید و از پر خوری و خواب زیاد بپرهیزید. روزانه حدّاقل صد مرتبه استغفار نمائید و چهار قل بخوانید، بر دعای توسل، دعای کمیل خصوصاً در شب‌های جمعه و دعای سمات در عصر جمعه مداومت نمائید و همیشه خوش اخلاق باشید و به دیگران نیکی نمائید.

۲۳: دنبال استاد جهت تزکیهٔ نفس هستم، راهنمائیم بفرمائید؟

جواب: بهترین استاد برای تزکیه نفس و کامل ترین الگوی این راه که قرآن مجید هم مؤمنان را به آن توصیه فرموده: پیامبر اسلام و اهل بیت آن حضرت ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ می‌باشند، به این معنی که در دین، اخلاق و رفتار خود از آنان پیروی نمائیم، واجبات را کاملاً انجام داده و از تمام محرّمات اجتناب نموده و اخلاق و آداب مترقی اسلام را به دقّت در زندگی خود رعایت کنیم تا ضمن سعادت یافتن فردی، برای دیگران نیز خصوصاً والدین و ارحام خود فردی مفید باشیم، ان شاء الله تعالی.

۲۴: راه درمان وسواس چیست؟

جواب: درمان وسواس در بی‌اعتنایی است نسبت به آنچه درآن وسواس پیدا کرده است. لذا شارع مقدس نسبت به کثیرالشک دستور فرموده که در نماز به شک خود اعتنا نکند، و نماز خود را بر مبنای صحیح به پایان برساند. و در روایت است که شیطان برای آزاردادن یک مسلمان وسواس را به او القا می‌کند، پس اگر آن مسلمان دست رد به سینه او زد و اعتنا نکرد، شیطان خسته شده و از او دور می‌شود، واگر اعتنا کرد شیطان بر او چیره می‌شود و او را به عذاب می‌اندازد.

۲۵: در اخلاق از مهمترین اموری که به افراد توصیه می‌شود، ترک هوا و جهاد با نفس است. همچنین بسیار به نیکی و مروّت و مدارای با دیگران توصیه شده است، اما گاهی اوقات خواسته‌ای که دیگری از انسان دارد، امری نفسانی و از روی هواست (نه لزوماً حرام) در این شرایط چه باید کرد؟ آیا با نفس و هوای دیگران نیز باید مخالفت کرد؟

جواب: حوائج شرعی دیگران را برآورده کردن مستحب است.

۲۶: مادری عصبی و معتاد دارم که از او مهر مادری ندیده‌ام، چگونه با او برخورد کنم؟

جواب: از خدمت به مادر کوتاهی نکنید، چرا که خدمت به والدین سبب خوشنودی خدا، خوشبختی انسان و حل مشکلات می‌شود.

۲۷: مشکل روحی دارم و هرچه دعا می‌کنم و متوسل می‌شوم فایده‌ای ندارد. خیلی سعی می‌کنم به دیگران کمک کنم و این تنها هنری است که دارم. لطفاً بفرمائید راه رهایی از مشکل روحی‌ام چیست؟

جواب: قرآن زیاد بخوانید و در هر صبح و عصر صد مرتبه استغفار نموده و مداومت بر خواندن دعای «**یامن تحل به عقد المکاره**» که در کتاب مفاتیح الجنان است داشته باشید، که بسیار سودمند و در برآورده شدن حاجت مفید است، انشاءالله تعالی.

۲۸: یکی از توسلاتی را که مجرب می‌دانید معرفی فرمائید؟

جواب: نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب‌های چهارشنبه مفید است، ان شاء الله تعالی.

۲۹: طلب مرگ کردن اشکالی دارد؟ بارها از خدا خواسته‌ام مرا ببخشد و به زندگیم پایان دهد، آیا چنین درخواستی اشکال دارد؟

جواب: کراهت دارد، و باید از خدا طلب عافیت و حسن عاقبت نمود.

۳۰: کار فرزند، بدون اجازهٔ والدین مسلتزم عاق شدن است؟

جواب: اگر موجب اذیت والدین نباشد، مستلزم عقوق نیست.

۳۱: آیا بیرون راندن نواده‌های یتیم و صغیر از تحت ولایت و سرپرستی و نفقه ندادن به آنها مصداق قطع رحم نیست؟

جواب: بلی، مصداق قطع رحم می‌باشد.

۳۲: اگر پدری به بهانه فرار از نفقهٔ صغیران باقی ماندهٔ فرزندش بگوید: فرزند خود را عاق کردم، آیا چنین عاقی مورد قبول است؟

جواب: خیر، نه تنها قبول نیست، بلکه گناه است و خود او عاق فرزند و نوه‌های یتیم خود شده است.

مسائل مربوط به طلاب و حوزه

۱: تا چه حد برنامه‌ریزی را برای طلاب علوم دینی وحوزوی ضروری و لازم می‌دانید؟

جواب: برنامه‌ریزی در زندگی مخصوصا برای طلاب علوم دینی و حوزوی، یکی از مهم ترین عوامل پیشرفت و ترقی است، لذا امیر مؤمنان علی‌علیه‌السلام در وصیت معروف خود به امام حسن و امام حسین‌علیهما‌السلام در لحظات آخر عمر شریفشان می‌فرمایند: «**أوصیکما ... وفي نظم امرکم**»، (نهج‌البلاغه، ص۴۲۱).

۲: طلاب علوم دینی و حوزوی باید چه اصولی را در برنامه‌ی خود حاکم سازند؟

جواب: اصول تعلّم و تعلیم، تحقیق و تقوی، زهد و سعهٔ صدر، تواضع و خدمت به مردم.

۳: تا چه حد یک برنامه می‌تواند برای طلاب علوم دینی وحوزوی جامع وکامل باشد؟

جواب: جامعیت برنامه وکامل بودن آن به این است که همه جنبه‌های

روحی و معنوی و مادی وجسمی را در بر داشته باشد.

۴: فلسفه‌ی پیدایش حوزه و رسالت روحانیت چیست؟

جواب: فلسفهٔ پیدایش حوزه، احیاء دین، بقا و تداوم علوم و فرهنگ دینی، علی الخصوص پرورش اجتهاد و مجتهدین است، کما این که رسالت روحانیت عبارت است از: حفظ حوزه و دستاوردهای آن.

۵: اگر فردی خواستار ورود به حوزه باشد و استعداد آن را هم داشته باشد، آیا جایز است که خانوادهٔ او با وی مخالفت کنند؟

جواب: خانوادهٔ انسان خیرخواه هستند، و از این جهت او را به ـ نظر خود ـ راهنمای به خیر می‌کنند لذا این خود انسان است که باید با منطق و زبان نرم آنان را به خیر بودن راه خود قانع نماید.

۶: اگر فردی از طلاب اشتغال به سطح داشته باشد وهنوز بنیهٔ علمی او قوی نشده باشد، آیا جایز است که وارد کارهای اجرایی بشود؟

جواب: کار اجرایی چنانچه مانع از ادامهٔ تحصیل بشود، سزاوار ترک است البته (مهما امکن) جمع شود بین علم و عمل.

۷: اهداف اصلی حوزهٔ علمیّه چیست؟ و آیا جایز است فردی از طلاب در اموری وارد بشود که هدف اصلی حوزه محسوب نمی‌شود؟

جواب: هدف اصلی حوزه حفاظت از قرآن مجید و روایات اهل بیت علیهم‌السلام وحفظ حلال و حرام شرع مبین اسلام، ارشاد جهّال و هدایت گمراهان می‌باشد و یک طالب علم نباید از این هدف غافل و یا وارد کاری که او را از این هدف

منصرف کند بشود.

۸: با توجه به شرایط کنونی و تهاجم فرهنگی دشمنان، آیا طلاب به تحصیل دروس طولانی و دراز مدت حوزوی بپردازند، یا به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی روی آورند؟

جواب: یکی از ویژه گی‌های حوزه این است که یک طلبهٔ مسئولیت شناس، در عین حالی که درس می‌خواند و خودسازی می‌کند، تدریس و ارشاد نیز در کنار آن دارد، یعنی در کنار درس و بحث کارهای فرهنگی و اجتماعی نیز داشته باشد.

۹: آیا یک طالب علم پس از به اتمام رساندن کل دروس حوزه وارد اجتماع بشود، یا اینکه پس از چند سال تحصیل حوزوی، که مانند یک نهالی است که تازه به ثمر نشسته است آنرا چید و وارد فعالیت‌های اجتماعی کرد و به همین مقدار از درس اکتفا کند؟

جواب: در حدیث شریف است: «**اطلبوا العلم من المهد الی اللحد**» و آن بدین جهت است که هر گاه انسان در طلب علم توقف نمود، از همان نقطه شمارش معکوس او شروع می‌شود و تدریجاً هر چه آموخته فراموش می‌کند، لذا نباید کار اجتماعی مانع از ادامه تحصیل و تدریس شود.

۱۰: اگر یک طالب علم بخواهد از یاوران خاص و سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شود چه باید بکند؟

جواب: طلاب علوم دینی چنانچه به هدف فراگیری و نشر علوم اهل بیت علیهم السلام تعلم و تعلیم نمایند، خود را جزو سربازان مکتب امام صادق علیه السلام و جان نثاران امام زمان ـ ارواحنا فداه ـ ثبت نموده‌اند.

۱۱: یک طالب علم تا چه مقدار به امور خانوادگی اهمیت بدهد؟

جواب: قرآن مجید می‌فرماید: ﴿**قوا أنفسكم وأهليكم ناراً**﴾، (التحریم:۶) یعنی: خانواده را در حد اهمیت نفس، اهمیت داده است.

۱۲: یک طالب علم تا چه حد باید با اجتماع ارتباط داشته باشد؟

جواب: شایسته است یک طالب علم ارتباط خود را با اجتماع در حدی که به درس و بحث او لطمه نزند حفظ نماید.

۱۳: تحصیل حوزوی روزانه باید چند ساعت باشد؟

جواب: یک طالب علم باید از تمام وقت و همهٔ ساعات روز و شب خود در پیشبرد تحصیل، بهترین استفاده را ببرد البته تا جایی که لطمه به سلامتی او نزده و یا اشتغال اهمی نباشد.

۱۴: یک طالب علم چند ساعت را صرف مطالعات جنبی کند؟

جواب: پس از پایان یافتن درس، تدریس، بحث و مطالعهٔ درس‌های اصلی، بقیّهٔ وقت خود را در مطالعات علوم اهل بیت عصمت وطهارت علیهم السلام علی الخصوص: تفسیر، نهج البلاغه و صحیفهٔ سجادیه و بحار، صرف نماید.

۱۵: خواندن فلسفه چه حکمی دارد؟

جواب: خواندن فلسفه باید مسبوق به دیدن یک دوره اصول عقائد اسلامی از زبان روایات باشد، مانند: توحید صدوق و معانی الاخبار صدوق، و باید هدف از خواندن فلسفه پیدا کردن اشتباهات آن باشد، نه به عنوان یک علم صحیح.

۱۶: چرا برخی بزرگان به فلسفه ایراد می‌گیرند؟

جواب: فلسفه مبتنی بر عقل صِرف است و عقل صِرف منهای وحی بسیاری از امور را درک نمی‌کند و برآن احاطه ندارد- علی الخصوص دربارۀ خالق عالم- لذا فلسفه که متعلق به قسم طبیعیات است، دانش جدید، خلاف آن را ثابت کرده و آنچه تعلق به قسم الهیات دارد به خطا افتاده است، مثلاً: «الواحد لا یصدر منه الا الواحد» که علم جدید خلاف آن را ثابت کرده و گفته: در ما سوی الله واحدی وجود ندارد، هر چه هست حتی مولکول هم دارای اجزاء و تعدد است، و این قاعده در آن راه ندارد.

و اما ذات باری تعالی پس قرآن مجید فرموده: ﴿**ذلکم الله ربکم لا إله الا هو خالق کل شيء**﴾ (الانعام: ۱۰۲)، یعنی: او خالق و آفرینندۀ همه کون و مکان، زمین و زمان و إنس و جنّ است. بنابراین: الواحد لایصدر منه الا الواحد با هیچ ملاکی قابل تصحیح نیست. و هکذا و هلم جراً، بلی، بعضی مسائل فلسفۀ مصطلح، که با فرمایشات اهل بیت علیهم السلام که دانشمندترین افراد بشرند مخالفت ندارد صحیح است، لکن نه بالإستقلال، بلکه با تبعیت از اهل بیت.

۱۷: تا چه حد طلاب باید با احادیث اهل بیت علیهم السلام ارتباط داشته باشند؟

جواب: اهل بیت علیهم السلام عدل و هم سنگ قرآن هستند، و روایات اهل بیت مفسر قرآن و مبین احکام آن می‌باشد، لذا باید در کنار قرآن، معتمد هر طالب علمی در کل زندگی روایات اهل بیت علیهم السلام باشد. چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای مثل زدن به قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام جمع بین دو سبابۀ دو دست مبارک خود فرمودند.

۱۸: راه مطابقت احادیث با زندگی و عمل به آنها چیست؟

جواب: راه آن این است که انسان ابتدا با آن احادیث آشنایی کامل داشته باشد، سپس معانی آن را همراه با نکات و اهداف آن را بداند، و در زندگی روزمرّهٔ خود دقیقاً پیاده نماید.

۱۹: فعالیت‌های تبلیغی را تا چه حد برای طلاب لازم می‌دانید؟

جواب: تبلیغ از مسئولیت‌های مهم و والای طالب علم است.

۲۰: آیا نویسندگی هم برای طلاب لازم است؟

جواب: تحقیق و تألیف از مسئولیت‌های طالب علم است.

۲۱: آیا لازم است طلاب، امامت جماعت را بر عهده بگیرند؟

جواب: امامت جماعت همراه با عدالت لازمه ضروری طلاب است.

۲۲: تا چه حد تدریس را برای طلاب لازم می‌دانید؟

جواب: تدریس اهمیت زیادی برای طلاب علوم دینی و حوزوی دارد و با تدریس مطالب علمی روشن‌تر و راسخ‌تر می‌شود.

۲۳: آیا مبلّغ می‌تواند به روایات و داستان‌هایی که سندشان محکم نیست استناد کند؟

جواب: در احکام الزامی و اقتضائی باید سند روایات معتبر باشد، ولی در احکام غیر الزامی و لا اقتضائی مانند مستحبات، تاریخ، اخلاق و مانند آن باید خلاف عقل و اخلاق و خلاف شرع نباشد.

۲۴: اگر مبلّغی احساس کند که یک شهری نیاز به مبلّغ دارد، آیا می‌تواند

دروس خود را ترک کند و جهت تبلیغ به آنجا برود؟ و یا باید فقط به تبلیغ در ایّام محرم و ماه مبارک رمضان اکتفا کند؟

جواب: لازم است بین تبلیغ و ادامهٔ تحصیل جمع کند.

۲۵: آیا صرف وجوهات شرعیه برای طلابی که اهل تدریس و تبلیغ نباشند و فقط درس می‌خوانند جایز است؟

جواب: در حد احتیاج جایز است، وبسیار شایسته است که به اندازهٔ توان خود اضافه بر درس خواندن به تبلیغ نیز بروند و در خدمت به دین و مردم کوشا باشند.

۲۶: یک مبلغ چه مسائلی را در دوران تبلیغ مد نظر داشته باشد؟

جواب: یک مبلّغ توانا باید علاوه بر سعهٔ علم، سعهٔ صدر و خدمت به مردم، هدایت آنان را هدف اصلی خود بداند.

۲۷: آیا گرفتن پول جهت امامت، تبلیغ، تألیف و منبر جایز است؟

جواب: جایز است.

۲۸: برای یک مبلّغ چه منابع و مصادری را معتبر می‌دانید؟

جواب: منابع و مصادر شیعه در همهٔ زمینه‌های منبر و تبلیغ بسیار است، مانند کتب اربعه، وسائل الشیعه، بحارالانوار، و غیره.

۲۹: آیا یک مبلغ به خاطر عمل نکردن به برخی مسائل می‌تواند از گفتن آنها در جلسهٔ تبلیغی خود خودداری کند؟

جواب: باید واجبات شرعی و واجبات اخلاقی را به مردم رساند، گرچه خود عامل نباشد، زیرا عمل واجب است و امر به معروف ونهی از منکر واجب دیگری است.

۳۰: اگر انجام دادن کارهای مکروه و مباح در عرف مردم برازندهٔ عالم و سخنران نباشد، آیا انجام دادن آنها برای او جایز است؟

جواب: یک مبلّغ وارسته باید امور اخلاقی را در حد توان رعایت کند، تا در نظر مردم موقعیّت خود را حفظ نموده و سخنان او مورد قبول و مؤثر واقع شود.

۳۱: پوشیدن لباس آستین کوتاه برای طلاب چه حکمی دارد؟

جواب: سزاوار است طلاب محترم حرمت لباس مقدس روحانیت را حفظ نموده و از پوشیدن لباس‌هایی که در شأن یک طالب علم نیست خوداری نمایند.

۳۲: از طلاب هستم. مشکلات و گرفتاری‌های زیادی دامنگیرم شده، بطوری که احساس می‌کنم دیگر به آخر رسیده‌ام و از زندگی ناامیدم، برای خلاصی از مشکلات چه توصیه‌ای می‌فرمایید؟

جواب: باید بدانید تنها شما نیستید که مورد ابتلا و گرفتاری در این دنیا قرارگرفته‌اید، بلکه کسانی هستند که به مراتب مشکلاتشان بسیار بیشتر ازشما است و راه به جائی ندارند، و این طبیعت دنیاست که هر کسی به نوعی مبتلا باشد و حکمت خدا هم بر آزمایش بشر در دنیا همین است. در روایت است: «مؤمن مانند دو کفهٔ ترازو می‌باشد، هر چه بر ایمانش اضافه شود، به همان اندازه گرفتاریش بیشتر می‌شود» (کافی، ج۲، ص۲۵۴). و باید دانست: خوشی دنیا سختی و تلخی در آخرت است و سختی و تلخی دنیا خوشی و آسایش آخرت را در پی دارد، هم چنان که در روایت آمده است. پس انسان گرفتار باید صبرپیشه کند و در هر حال خرسند باشد و اظهار ناراحتی نکند، چرا که پاداش مصائب و گرفتاری‌های خود را در آخرت خواهد دید و آنگاه طبق روایت می‌گوید: «ای کاش در دنیا مرا با مقراض قطعه قطعه می‌کردند و در مقابلش اینجا پاداش می‌دادند»، پس انسان باید صبوری پیشه کند.

۳۳: برای تسریع در امر ازدواج چه توصیه‌ای می‌فرمایید؟

جواب: خوب است این دعا را هر روز مکرراً بخوانید: «**اللهم اغنني بحلالك عن حرامك وبفضلك عمّن سواك**»، (مستدرک الوسائل، ج۲، ص۲۸۷) و روزانه صد مرتبه صبح و صد مرتبه عصر استغفار نمائید به این نیت که همسر شایسته نصیبتان شود. آیۀ ﴿**ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنةً**﴾، (البقرة/ ۲۰۱) را در قنوت نماز به همین نیت بخوانید که مفید است، انشاء الله تعالی.

۳۴: راه رسیدن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

جواب: رسیدن به محضر مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سعادتی بس بزرگ وتوفیقی عظیم است، ولی آنچه مهم است تحصیل رضایت آن سرور و جامه عمل پوشیدن به انتظارات آن حضرت از ما است، که در این موارد خلاصه می‌شود:

۱ـ عمل به واجبات.

۲ـ ترک محرمات.

۳ـ محاسبۀ نفس، که اهمیت زیادی دارد، زیرا با محاسبۀ نفس انسان خالص می‌شود و صفای باطن پیدا می‌کند.

۴ـ اخلاق نیکو، مؤدب بودن به آداب اسلامی، خدمت به مردم، نفع رساندن به دیگران به خصوص ارحام و خویشان، تبلیغ و نشر فرهنگ قرآن و تعالیم مکتب اهل بیت علیهم السلام در کل جهان.

مدایح و مراثی

۱: لطفاً نظر خود را در باره درخت چنار روستای زرآباد قزوین که در روزهای عاشورای حسینی خونبار می‌گردد؛ بیان فرمایید؟

جواب: خونبار گشتن این درخت در روز عاشورای حسینی به اثبات رسیده و بسیاری از مؤمنین در آن روز خود را به آن درخت رسانده و از نزدیک شاهد آن بوده‌اند، و این گونه کرامات از برای امام حسین علیه‌السلام بعید نیست زیرا جریان حضرت سید الشهداء علیه‌السلام جریانی است که خدای متعال آن را در بسیاری امور استثناء از تکوین و تشریع قرار داده است.

۲: نظر جنابعالی را در مورد مراسم عزاداری راه رفتن بر روی آتش خواستاریم؟

جواب: این شعار حسینی یک نوع همدردی و مواسات با اهل بیت امام حسین علیه‌السلام است که در روز عاشورا بعد از آن همه مصیبت جانکاه و غم از دست دادن امام علیه‌السلام و یاران با وفایش با آن گرما و تشنگی که متحمل شدند، سپاه کفر برای غارت به خیمه‌های عیالات آن حضرت حمله‌ور شدند و پس از غارت، خیام را به آتش کشیدند و این شعار در بعضی کشورها مرسوم شده و در اثر آنکه آتش به برکت نام امام حسین علیه‌السلام به عزادارن آسیبی نرسانده و آنان را نمی‌سوزاند،

بسیاری از غیر مسلمانان و غیر شیعه، شیعه شده و به مکتب امام حسین علیه السلام گرویده و هدایت یافتند.

۳: خونی که روز عاشورا از درختی که در قزوین می‌جوشد پاک است؟

جواب: فرض مورد سؤال پاک است و بسیاری برای تبرک و استشفاء از آن بهره‌مند می‌شوند.

۴: لطفاً میزان وجوب، استحباب و کراهت یا حرمت پوشیدن لباس مشکی در عزاداری‌ها را بیان فرمائید؟

جواب: پوشیدن لباس مشکی در عزاداری‌های معصومین علیهم السلام مستحب و موجب أجر و ثواب است.

۵: آیا می‌توان جوانی را به دلیل نداشتن لباس سیاه از مجلس عزا اخراج کرد؟

جواب: خیر، و باید هم چنان که قرآن کریم فرموده نصیحت با حکمت و موعظهٔ حسنه باشد.

۶: در بسیاری از اماکن ایران مرسوم است که در سالگرد شهادت امام حسین علیه السلام و بعضی از امامان دیگر به همراه دسته جات عزا علاوه از عَلم و توغ، نخل نیز برمی‌دارند و نخل را به عنوان جنازهٔ تشبیهی و حجلهٔ عزای امام حمل نموده و به دنبال آن بر سر و سینه زنان به عزاداری می‌پردازند. اکنون از بعضی افراد شینده می‌شود که اینها حرامست و باید دست از آنها برداشت، آیا چنین است؟ و اگر نیست بفرمایید تا مانند گذشته این مراسم را

حفظ و اقامه نماییم تا دچار ضعف و سستی قرار نگیرد؟

جواب: هرچه مصداق عزاداری حضرت سید الشهداء ابی عبدالله الحسین علیه السلام باشد جایز، بلکه از مستحبات اکیده است.

۷: از قرن‌ها قبل تاکنون بین شیعیان آل محمد علیهم السلام مرسوم است که در ایام شهادت امام حسین و سایر ائمه معصومین علیهم السلام و بزرگان دین حسینیه‌ها و تکایا و مساجد و بعضی از منازل را برای اقامهٔ مجالس روضه خوانی سیاه‌پوش نموده و پرچم‌های عزا را بر فراز آن مجالس و معابر مجاور آنها نصب می‌نمایند، آیا این عمل شرعاً جایز است و دارای اجر و ثواب هست یا خیر؟

جواب: این اعمال مذکوره از قربات الی الله تعالی و مصداق (شعائر) اسلامی است و موجب اجر و ثواب الهی و عنایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مخصوصاً صاحب تمامی این عزاداری‌ها حضرت بقیهٔ الله امام زمان ـ صلوات الله و سلامه علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ خواهد بود.

۸: قرنهاست که به مناسبت بزرگداشت شهادت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا و امامان دیگر در ایام شهادتشان دسته جات عزا با پرچم، علم، توغ و غیره به صورت سینه زنی، زنجیر زنی و نوحه خوانی از مراکز و محلاتشان خارج گردیده، به حسینیه‌ها و مجالس و محلات یا به زیارت امام زادگان و ائمه معصومین علیهم السلام یا سایر بقاع متبرکه می‌روند. اکنون افرادی پیدا شده‌اند که می‌گویند بجای رفتن به حسینیه‌ها، تکایا، مجالس و محلات مختلف همه یکدسته شده و به راهپیمایی خیابانی بپردازید و بجای مرثیه،

نوحه خوانی، سینه زنی و زنجیر زنی شعار بدهید. آیا این گفته‌ها صحیح است؟ و اگر نیست بفرمایید تا همانند سابق این دسته جات عزا را ادامه دهیم؟

جواب: دسته جاتی که به منظور عزاداری برای رسول الله ﷺ و اهل بیت اطهار علیهم السلام مخصوصاً حضرت سید الشهدا علیه السلام و همدردی و تعزیت بقیة الله الاعظم ولی عصر ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ اقامه می‌شود باید روز به روز بیشتر و بهتر و پربارتر باشد، تا آن که مورد برکات الهیّه و ادعیهٔ آل الله بیش از پیش باشد.

۹: از بعضی افراد شنیده می‌شود که می‌گویند نوحه خواندن و گریه کردن، سینه و زنجیر زدن و سایر مراسم عزاداری برای حضرت سید الشهدا علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام که قرنهاست بین شیعیان رایج می‌باشد خرافات کلیساست که صفویین از مسیحیین غرب گرفته و بین ما رواج داده‌اند و اینک که مردم روشنفکر گردیده‌اند باید آنها را ترک نمایند. چنانچه بعضی از مخالفین هم می‌گویند که این اعمال بدعت است و نباید اقامه گردد، اگر این تهمت‌ها ناروا است بیان فرمائید تا جوانان ما تحت تأثیر این گونه تبلیغات و سخنان قرار نگیرند؟

جواب: در تمامی این عزاداری‌های مذکور و غیره که مؤمنین در اعصار متمادیه در مشاهد مشرفه و سایر بلدان بمرأی و مسمع اعاظم مراجع دین، خلفاً بعد سلف انجام می‌شده و می‌شود و مورد تحسین و تأیید و مشارکت مادی و معنوی آنان بوده و هست جای این شبهات نیست، عصم الله الجمیع من المزلات.

۱۰: از مرحوم مغفور آیت الله العظمی میرزا حسین نائینی استاد

الفقهاء ـ اعلی الله مقامه الشریف ـ فتوائی بر جواز شعائر حسینی و مذهبی ما از قبیل سینه زدن، زنجیر زدن، قمه زدن، تعزیه یا شبیه خوانی و غیره در جواب استفتای اهالی بصره صادر گردیده و در چند کتاب به چاپ رسیده است و بسیاری از فقهای معاصر ایشان و زمان ما هم آنرا تأیید فرموده‌اند. استدعا دارم چنانچه مورد تأیید حضرت عالی می‌باشد تأیید خود را مرقوم فرمایید.

جواب: اجوبهٔ استاد الفقهاء مرحوم نائینی رحمه‌الله صحیح و عاملین به آن مأجور و مثاب‌اند، انشاء الله تعالی.

۱۱: از مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم ـ اعلی الله مقامه الشریف ـ فتوایی دربارهٔ جواز قمه زنی در عاشورای حسینی صادر شده که در صفحهٔ ۱۷۳ رسالهٔ ایشان بنام «منتخب المسائل» در مطبعهٔ علمی تهران، سنهٔ ۱۳۴۳ قمری به چاپ رسیده است. اینک ضمن تقدیم عین فتوای نامبرده استدعا دارم چنانچه مورد تأیید باشد، مرقوم فرمایید مزید تشکر است. سؤال و جواب از مرحوم آیت الله حائری قدس‌سره:

سؤال: تیغ زدن شخص به سرش روز عاشورا جایز است؟

جواب: در صورتی که مضر به نفس نباشد جایز است.

جواب: جواب مرحوم حاج شیخ قدس‌سره صحیح و عاملین به آن مأجور و مثاب‌اند، انشاء الله تعالی.

۱۲: در استفتایی از آیت الله العظمی بروجردی قدس‌سره چنین آمده است:

سؤال: «در ایّام عاشورا ضریح مانندی بنام نخل ملبس به البسه و اقمشهٔ فاخره می‌کنند به رسم عزاداری، پوشیدن نخل و برداشتن آن چه صورتی دارد؟

جواب: عزاداری در ایّام عاشورا بر حسب متعارف بلاد مختلف است و آنچه در هر بلدی مصداق عزاداریست مانعی ندارد. (حسین الطباطبائی).

لطفاً نظر شریف خود را مرقوم فرمائید؟

جواب: جواب حضرت آیت الله العظمی بروجردی قدس سره صحیح و عاملین به آن مأجور و مثاب‌اند، انشاء الله تعالی.

۱۳: نظر شما درباره حدود عزاداری امام حسین علیه السلام چیست؟

جواب: با ملاحظهٔ موازین شرعیّه، آنچه راجع به عزاداری حضرت سید الشهداء ـ صلوات الله علیه ـ باشد مصداق شعائرالله است، ﴿**ومن یعظّم شعائر الله فانّها من تقوي القلوب**﴾. (الحج/۳۲).

۱۴: محترماً به استحضار می‌رسانم شبیه خوانی یا تعزیه که نشان دادن و بیان نمودن مصائب وارده بر اهل بیت رسالت خاصه حضرت سید الشهدا علیه السلام و ظلم و جنایات بنی‌امیه و عمال و پیروان آنان است و بسیاری از فقهای گذشتهٔ ما آن را تجویز و تأیید فرموده‌اند، اکنون شنیده می‌شود که بعضی افراد آگاه یا نا آگاه آن را خرافات و حرام معرفی می‌کنند، تقاضا داریم نظر خود را در این باره مرقوم فرمایید؟

جواب: شبیه خوانی مذکور فی نفسه یکی از قربات إلی الله است و مصداق احیاء امر اهل بیت عصمت ـ علیهم الصلاة والسلام ـ و مورد ادعیهٔ ایشان است و عاملین مأجور و مثاب‌اند، انشاء الله تعالی البته لازم است قرین ملاهی نشود، والله

العالم.

۱۵: در حال حاضر وظیفۀ ما نسبت به امام حسین علیه السلام چیست؟

جواب: در حال حاضر که شبهات و افکار ضد دین، جوانان مسلمان را از هر طرف احاطه کرده و نسبت به مقدسات و به خصوص شعائر بی‌تفاوت نموده، بر همه خصوصاً کسانی که امکان و قدرت دارند مردم و مهمتر نسل جوان را با معارف اسلام و فلسفۀ حرکت حیات بخش و قیام خونین سید الشهدا علیه السلام و یاران باوفایش و نتایج پر ثمر آن آشنا نمایند و اینکه بقاء اسلام مرهون همان قیام و فداکاری مقدس آن سرور آزادگان و یارانش می‌باشد.

۱۶: مقصود از شعائر امام حسین علیه السلام چیست؟

جواب: مقصود از شعائر و تعظیم آن چنانکه در قرآن آمده است: ﴿**ومن یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب**﴾، (الحج/۳۲) زنده نگاه داشتن و تجلیل از حرکت مقدس و هدف‌مند ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌باشد، عزاداری‌ها، اقامۀ مجالس، ذکر فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام و مصائب آنان از مصادیق تعظیم شعائر است که بر آن تأکید شده و موجب اجر و ثواب بوده و مشمول دعای حضرت صادق علیه السلام است که فرمود: «**فأحیوا امرنا، رحم الله من احیا امرنا**» (وسائل، ج۱۲، ص۲۰) و نیز فرمایش امام رضا علیه السلام که فرمود: «**ومن جلس مجلسا یحیا فیه امرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب**»، (وسائل، ج۱۴،ص۵۰۲).

۱۷: شعائر امام حسین علیه السلام اعم از سینه زنی، زنجیر زنی، قمه زنی و ... چه حکمی دارد؟

جواب: بنابر مشهور بین فقهای متقدمین و متأخرین شعائر ابا عبد الله

الحسین علیه‌السلام را چنانکه سیره متشرعه در تعظیم آن تاکنون به انواع مختلفه اعم از سینه زنی، زنجیر زنی، قمه زنی و شبیه خوانی بوده جایز دانسته و فتوا به استحباب داده‌اند، و تاکنون افراد زیادی از برکات همین تعظیم شعائر هدایت و به اسلام و تشیع گرویده‌اند.

۱۸: آیا با تمسخر و استهزاء افراد نادان نسبت به شعائر حضرت امام حسین علیه‌السلام حکم آن تغییر می‌کند؟

جواب: با تمسخر و استهزاء هیچ حکمی از احکام الهی تغییر نمی‌کند، بلکه انسان مؤمن در این مواقع باید بیشتر پایداری و استقامت نماید و سعی کند افراد ناآگاه را بنحو احسن نسبت به فلسفهٔ قیام سید الشهدا علیه‌السلام و فوائد تعظیم شعائر آگاه نماید، که بوسیلهٔ آن انسانها هدایت می‌شوند و اسلام زنده نگه داشته می‌شود.

۱۹: چرا دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام در طول تاریخ همواره از شعائر حضرت امام حسین علیهم‌السلام واهمه و ترس داشته و به انحاء مختلف سعی در ممانعت از برگزاری آن می‌نمودند؟

جواب: کسی‌که فلسفهٔ حرکت هدفمند و روشنگرانهٔ سرور آزادگان جهان را بداند خواهد دانست که چرا دشمنان اسلام همواره با شعائر امام حسین علیه‌السلام و تعظیم آن مخالفت نموده و از آن در هراسند، زیرا همانگونه که خود حضرت فرمودند، قیام مقدسش برای امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه و سعادتمند شدن آن بود و این حرکت با ماهیت و فلسفهٔ وجودی دشمنان اسلام سازگاری ندارد و برای آنان قابل تحمل نیست، لذا با آن مخالفت می‌کنند، ولی امام حسین علیه‌السلام نوری است که هرگز خاموش نمی‌شود، چرا که نور خداست و ﴿**یریدون لیطفؤا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون**﴾،

(الصف/۸).

۲۰: عریان نمودن بدن برای سینه‌زنی عزاداری امام حسین علیه‌السلام و امامان علیهم‌السلام در اماکن عمومی جایز است یا خیر؟

جواب: اشکالی ندارد ولی زنان نباید به بدن مردان نگاه کنند.

۲۱: آیا زنجیر زدن به بدن جایز است یا خیر؟

جواب: برای عزاداری امام حسین علیه‌السلام اشکال ندارد.

۲۲: آیا سینه خیز رفتن در أعتاب مقدسه جایز است یا خیر؟

جواب: آنچه که تعظیم شعائر بر آن صدق کند جایز است.

۲۳: کف زدن در مجالس امامان علیهم‌السلام جایز است یا خیر؟

جواب: در موالید ائمه علیهم‌السلام کف زدن اشکالی ندارد، به شرطی که همراه با حرامی نباشد.

۲۴: کف زدن، غنا و رقص در عروسی‌ها و ایام سرور در حسینه‌ها و مساجد و مهدیّه‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: کف زدن در مساجد و حسینیه‌ها اگر موجب هتک آنها نگردد جایز است، و غنا فقط در عروسی به شرط عدم اجتماع زن و مرد و عدم موسیقی و آلات لهو جایز است، و رقص مطلقاً حرام است، مگر زوجین برای یکدیگر.

۲۵: زدن زنجیر تیغ‌دار برای شهادت مصعومین علیهم‌السلام جایز است؟

جواب: بلی، جایز است.

۲۶: مدتی است که حتی در هیئات بزرگ مذهبی توجه چندانی به سخنرانی و قرائت دعا نمی‌شود و این مسئله باب شده که به مدت ۱ الی ۲ ساعت فقط سینه زنی می‌شود آن هم فقط شور و برخی از مداحان به طور علنی از سبک‌های بسیار تند آهنگ‌های غربی استفاده می‌کنند، آیا شرکت در اینگونه مجالس مشکل شرعی ندارد؟

جواب: سینه زنی مصداقی از مصادیق تعظیم شعائر دین بوده و مستحب است ولی چنانچه از سبکی در مداحی استفاده شود که عنوان غنا بر آن صدق نماید جایز نیست. البته بر جوانان مؤمن است که از مجالس امام حسین علیه‌السلام علاوه بر سینه زنی، از سخنرانی روضه و دعا نیز بهره کامل برده و خود را از برکات علمی و فرهنگی آن محروم نسازند.

۲۷: آیا موقع سینه زدن، بالا و پایین پریدن صحیح است؟

جواب: بالا و پایین پریدن و بر سر و سینه زدن به عنوان عزاداری چنانچه متعارف باشد اشکالی ندارد.

۲۸: لطفاً بفرمایید چرا ماه مبارک رمضان را به عزاداری به پایان می‌رسانیم و چرا شب‌های قدر به جز شب شهادت امام علی علیه‌السلام که شب‌های مبارکی است به جای شادی نوحه سرایی و گریه می‌کنیم؟

جواب: امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که مظهر انسانیت وعدالت، نمونهٔ محبت و شفقت و کانون رحمت و عطوفت است به دست سنبل شقاوت و قساوت که ابن ملجم باشد به شهادت رسید، و این مستدعی آن است که هر انسانی به احترام

انسانیت حضرت و پاس مهربانی‌ها و مراحم ایشان به بشریت و اعلام بیزاری از وحشیت، بربریت، خشونت ابن ملجم، چند روز آخر این ماه مبارک را عزاداری نماید، تا خود و دنیا را متوجه حضرت و پیروی از ایشان نموده و از ابن ملجم و جنایت عظیم او بیزاری جوید.

۲۹: در مورد ایّام فاطمیّه می‌خواستم زمان دقیق آن را مشخص نمائید؟

جواب: در روایت است که شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۷۵ روز بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده و به روایتی دیگر ۹۵ روز یعنی احتمالاً یکی از این سه روز: ۱۳، ۱۴ و یا ۱۵ جمادی الاولی یا یکی از سه روز ۳، ۴ و ۵ جمادی الثانی باشد.

۳۰: آیا گفتن: کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا، اشکال دارد؟

جواب: روایات شریفه دلالت دارد بر اینکه هیچ روزی در مصیبت و عزا مانند روز عاشورا نیست، و هیچ زمینی در شرافت و حرمت مانند زمین کربلا نمی‌باشد.

۳۱: آیا استفاده از سنج و دهل و شیپور در مراسم عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام جایز است؟

جواب: در حدی که متعارف باشد، جایز است.

۳۲: وظیفهٔ ما نسبت به عزای امام حسین علیه السلام چیست؟

جواب: ما نیز باید تأسی به انبیاء و اولیاء نموده و با حضرت سید الشهدا علیه السلام به آنچه که در توانمان هست مواسات نماییم.

۳۳: با توجه به اینکه رسم است در سالروز ولادت ائمّهٔ اطهار علیهم السلام مجلس جشن و شادی برگزار شود، آیا خود ائمّهٔ اطهار علیهم السلام برای پدران و اجداد طاهرینشان علیهم السلام این گونه مجالس را بر پا می‌کردند؟

جواب: حدیث شریف «یفرحون لفرحنا» در شادی ما شادمانند بر این مطلب دلالت دارد و می‌رساند که برپا نمودن مجالس شادی برای ائمّهٔ اطهار علیهم السلام مستحب است و در روایات عدیده وارد شده است: «**رحم الله من احیا امرنا**»، (وسائل، ج۱۲، باب ۱۰) و لازم است مراعات شؤون اسلامی بشود.

۳۴: آیا برپایی جشن با رعایت ضوابط شرعی در موالید ائمّه علیهم السلام و مبعث و عید غدیر جایز است؟

جواب: جایز و بلکه مستحب است.

۳۵: آیا روز نهم ربیع الاول عید است؟ دلیل آن را بفرمایید.

جواب: در روایت مفصلی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که نهم ربیع الاول روز عید اهل البیت علیهم السلام می‌باشد، مراجعه شود به سفینـ□ البحار، جلد ۱، صفحه ۱۲۳، طبع قدیم و نیز بحار، ج ۹۵ ط بیروت ص ۳۵۱ از امام عسکری علیه السلام به نقل سید بن طاووس: «**ان یوم التاسع من ربیع الاول یوم عید**» و نیز جواهر ج ۵ ص ۴۳.

۳۶: دست زدن در میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمّهٔ معصومین علیهم السلام و اعیاد دیگر در مسجد و حسینیه و پاشیدن نقل و شیرینی چه حکمی دارد؟

جواب: کف زدن معمولی و پاشیدن نقل و شیرینی چنانچه خلاف حرمت و قداست مکان نباشد اشکال ندارد.

۳۷: آیا نوحه خوانی زنان جایز است یا خیر؟ (مگر نه این است که در بعضی روایات از نوحه خوانی نهی شده است؟)

جواب: نوحه خوانی به باطل یا مقابل مردان نامحرم نهی دارد، اما نوحه خوانی زنان بین خود برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه اطهار علیهم السلام جایز بلکه مستحب است.

۳۸: اگر هنگام دست زدن یا حتی سینه زدن در عزاداری، بدن و شانه‌ها مطابق ریتم شعر تکان بخورد اشکالی دارد؟

جواب: تکان دادن بدن در فرض سؤال، چنانچه حالت رقص نداشته باشد اشکالی ندارد.

۳۹: در مجالسی که به عنوان تبری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام برگزار می‌شود، استفاده از آلات موسیقی چه حکمی دارد؟

جواب: مجالس اهل بیت علیهم السلام باید خالی از محرمات باشد، ولی نسبت به لعن دشمنان خدا در سوره احزاب آیه ۵۷ خدای متعال کسانی را که مسبّب اذیت و آزار خدا، رسول و اهل بیت علیهم السلام شدند لعن کرده است.

۴۰: آیا پوشیدن لباس سیاه در تمامی طول سال به قصد عزاداری (مطابق آنچه از حضرت ولی عصر ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ خطاب به جد شهیدشان آمده که هر صبح و شب برای شما اشک می‌ریزم و اگر اشکم تمام شود خون می‌گریم) جایز است؟

جواب: پوشیدن لباس سیاه در محرم و صفر و نیز ایام شهادت معصومین علیهم‌السلام نه تنها مانعی ندارد، بلکه مستحب است.

۴۱: حکم به عزا نشستن فرزند برای پدر چیست؟

جواب: به عزا نشستن فرزند یک امر عرفی اجتماعی است و منابع شیعه دلالت بر این مطلب دارد و ثواب زیادی را برای افرادی که بازماندگان میت و خصوصاً فرزندان او را تسلیت گفته و تعزیت نمایند قائل شده است، البته به عزا نشستن باید خالی از جزع و فزع و مانند آن باشد، زیرا جزع و فزع فقط درباره معصومین علیهم‌السلام جایز است و امام معصومی که از دنیا می‌رفت فرزند معصوم او به عزای پدر معصوم خود می‌نشست و عزاداری می‌نمود، مثلاً امام زین العابدین علیه‌السلام بعد از واقعهٔ کربلا برای پدر معصوم و مظلوم خود چهل سال گریه کرد و با گریه‌های خود مظلومیت پدر بزرگوارش امام حسین علیه‌السلام را به جهانیان رساندند.

۴۲: آیا برگزاری مراسم عید الزهرا علیهاالسلام در شرع مقدس اسلام جایز است؟

جواب: در روایات شریفه از اهل بیت علیهم‌السلام آمده است که: خدا شیعیان را از باقی ماندهٔ طینت ما آفریده، آنان برای شادی‌های ماشاد شده و برای مصیبت‌های ما محزون می‌شوند.

۴۳: آیا کف زدن و یا رقص در این مراسم جایز است؟

جواب: کف زدن معمولی جایز است ولی رقصیدن جایز نیست.

۴۴: حکم آلاتی مانند نی و فلوت در عزاداری‌ها و استفادهٔ از آن

چیست؟

جواب: از آلات لهو در عزاداری‌ها استفاده نشود و آلات مشترکه ـ طبل، سنج و شیپور ـ مانعی ندارد.

مسائل تاریخی

۱: آیا مطالب کتاب تاریخ طبری قابل استناد می‌باشد؟ از نظر اعتبار و صحت مطالب آن چگونه ارزیابی می‌کنید و به چه دلیل؟

جواب: تاریخ باید از طرف علمای تاریخ و محققان آن تحقیق و تدقیق گردد، زیرا عوامل فشار بر اهل بیت علیهم‌السلام و اتباع آنان در صدر اسلام بسیار زیاد بوده و اگر کسی درباره آنان مطلب حقی را ثبت می‌کرد در معرض تهدید واقع می‌شد و نمی‌توانست اظهار نماید، و خاصه افرادی که غیر شیعه بودند.

۲: در بعضی کتب تاریخی آمده است که هنگام غزوهٔ بدر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به همراه لشکر مسلمین خواستند در عدوة الدنیای بدر فرود بیایند و آنجا را اردوگاه جنگی خویش نمایند، حباب بن منذر عرض کرد: آیا در این باره وحی یا دستور مستقیمی از جانب خدا رسیده یا نظر خود شماست؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: دستوری نیامده، حباب عرض کرد: پس بهتر است به خود چاههای بدر برویم که آنجا دارای آب است و موقعیت سوق الجیشی بهتری نسبت به کفار دارد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رأی وی را پسندیدند و در آنجا (قسمت شرقی بدر) اردو زدند و جنگ هم همان جا واقع شد. آیا این قضیه صحت دارد؟ بر فرض صحت آیا با آیهٔ ﴿وما ینطق عن الهوی، إن هو الا وحی

یوحی﴾، (النجم/۳ـ۴) و سایر آیات، روایات و اعتقادات شیعی مبنی بر علم معصومین تضاد و تنافی ندارد؟

جواب: روایت حباب معتبر نیست، و بر فرض صحت آن با آیۀ مبارکۀ مذکور و سایر آیات، روایات و اعتقادات شیعه تضاد و تنافی ندارد، زیرا پیامبر اکرمﷺ در این قصه عمل به آیۀ مبارکه: ﴿**وشاورهم في الامر**﴾، (آل‌عمران/۱۵۹) نمودند، یعنی عمل به وحی نیز کردند و در تفسیر ﴿**وشاورهم في الامر**﴾، (آل عمران /۱۵۹) از امام حسن مجتبیعليه‌السلام آمده است که: پیامبر از مشورت با دیگران مستغنی بودند ولی به جهت اینکه مردم مشورت را یاد بگیرند و سرلوحه کار خود قرار بدهند پیامبر خدا مأمور به مشورت با مردم می‌شوند، و این را در علم بلاغت سؤال عارف می‌گویند برای جهات مختلفه، مثل آیۀ شریفه که خدای متعال از حضرت موسیعليه‌السلام سؤال کرده می‌فرماید: ﴿**وما تلك بيمينك يا موسى**﴾، (طه/۱۷).

۳: برخی می‌پرسند آیا واقعاً امام حسینعليه‌السلام دختری حدود سه چهار ساله بنام حضرت رقیه (یا نامی دیگر مثل عاتکه یا فاطمۀ صغیره) داشته‌اند که در کربلاء همراه ایشان باشد و بعد بدان تفصیل که معمولا در روضه‌ها خوانده می‌شود در شام فوت می‌نماید یا خیر؟ شرکت در مجالس مصیبت که به نام بی بی حضرت رقیه است و روضۀ ایشان خوانده می‌شود چگونه است؟

جواب: حضرت رقیهعليها‌السلام دختر آقا امام حسینعليه‌السلام بوده واقعاً و قصۀ آن علاوه بر سندهای تاریخی و کتب مقاتل، سند واقعی و خارجی نیز در دمشق شام دارد، آن بارگاه با عظمت در پایتخت سابق امویان مانند آفتاب فروزان می‌درخشد، در حالی که قبر معاویه زباله دانی بیش نیست و از قبر یزید هم اثری نیست. شاید پنجاه سال از این واقعه نگذشته باشد که دختر کلید دار حرم

حضرت رقیه علیها السلام حضرت را در خواب می‌بیند و او را از آمدن آب نزد قبر خود مطلع می‌سازد، خواب سه شب پشت سرهم تکرار می‌شود، کلیددار کارگر می‌آورد و قبر را خراب می‌کنند، و وقتی به قبر می‌رسند آثار آب پدیدار می‌شود آنگاه می‌بیند این دختر سه ساله تر و تازه گویی خوابیده است، کلید دار که سید هم بوده جسد مبارک حضرت رقیه را بر روی دست می‌گیرد تا سه شبانه روز، و فقط برای کارهای ضروری و نماز او را به دیگری می‌سپارد، تا قبر آماده می‌شود، و حضرت را به جای خود بر می‌گرداند، و معجزات بسیار دیگرکه در تاریخ به ثبت رسیده است.

۴: کوه جودی که قرآن از آن به عنوان محل فرود کشتی نوح نام می‌برد کجاست؟

جواب: در تفاسیر آمده است که آن کوهی است که در موصل، شمال عراق واقع شده است. (تفسیر تقریب القرآن: آیت الله العظمی حاج سید محمد شیرازی ـ اعلی الله درجاته ـ ج۱۲ ص۴۴.)

۵: دربارهٔ حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام بسیاری معتقدند که ایشان دختر سید الشهدا علیه السلام را به عقد خویش درآورد، ولی زفافی صورت نگرفت، مراثی و روضه‌هایی که برخی از سروران اهل منبر در خصوص عروسی حضرت قاسم علیه السلام می‌خوانند تلفیقی است از برخی کتاب‌های نادرست، لطفاً نظر مبارکتان را در این خصوص بفرمایید؟

جواب: این مطلب در برخی از کتب مقاتل آمده و منافاتی با سیرهٔ اهل بیت علیهم السلام به ویژه در مسئله ازدواج ندارد، در روایت آمده است که بیشتر اهل دوزخ انسان‌های بی همسرند، شاید حضرت سید الشهداء علیه السلام قصد داشتند حضرت

قاسم بدون همسر به شهادت نرسند.

۶: بهشتی‌ها در بهشت با چه زبانی صحبت می‌کنند؟

جواب: با زبان عربی ـ طبق بعضی آیات و روایات ـ .

۷: چگونه می‌شود حضرت ابراهیم علیه‌السلام پدر نسبی گروه زیادی از مردم باشد؟ مگر انسان‌های دیگر در آن دوره‌ها زاد و ولد نداشتند؟

جواب: حضرت ابراهیم علیه‌السلام پدر نسبی گروه زیادی از مردم شدند، همچنانکه پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله پدر نسبی گروه زیادی از مردم یعنی سادات هستند که الان شاید حدود صد میلیون سید در دنیا وجود داشته باشد.

نوروز

۱: با توجه به اینکه زمان نوروز در ماههای محرم الحرام و صفر قرار گرفته است، شادی و دید و بازدید در آن چگونه است؟

جواب: اصل دید و بازدید بدون اظهار شادی خوب و ثواب هم دارد، بلی، شادی کردن و مانند آن خلاف حرمت این دو ماه است.

۲: آیا سفرهٔ روز نوروز بدعت است یا این که یک سری مراسم عرفی می‌باشد؟ و آیا انداختن این سفره ـ با اینکه در کتاب مفاتیح الجنان در اعمال روز نوروز آمده است که روز مبارکی می‌باشد ـ اشکال شرعی دارد یا خیر، خصوصاً در ماه محرم و صفر؟ این که می‌گویند روز نوروز مصادف با عید غدیر خم بوده و یا اینکه مصادف با خلقت زمین و آسمان بوده درست است یا خیر؟

جواب: اشکال شرعی ندارد ولی درعین حال باید احترام ماه عزای سید الشهداء علیه‌السلام را نگه داشت و مطلب مذکور در بعضی کتاب‌ها آمده است.

صوتی و تصویری

۱: نقاشی کردن چهرهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر ائمه معصومین علیهم السلام آن هم به صورت طراحی در صورتی که مخاطب آن بچه‌های ابتدایی و نوجوان باشند به قصد آسان نمودن پیام رسانی مفاهیم اخلاق اسلامی به این قشر جایز است یا خیر؟

جواب: اگر به گونه‌ای نباشد که عرفاً هتک صدق کند اشکالی ندارد.

۲: بنده یک کاربر معمولی اینترنت و یک پزشک هستم. هر روز از طریق پست الکترونیکی نامه‌هایی به من می‌رسد که بعضی از آنها تصاویر مستهجن نیز دارد، از نظر شرعی تکلیف چیست؟

جواب: به آن تصاویر نگاه نکنید و اگر نگاهتان افتاد فوراً از نظر خودتان دور کنید.

۳: بازی کردن زن و مرد در فیلم‌های سینمایی و غیره کنار یکدیگر نشستن و برخاستن چگونه است؟

جواب: اگر حرامی مثل نظر ریبه مطلقاً، یا نظر به غیر وجه وکفین وغیر

ذلک در بین نباشد جایز است.

۴: آرایش کردن خانم‌های هنر پیشه در صحنه‌های فیلم با توجه به حضور فیلمبردار، کارگردان و همچنین دیدن مردم توسط تلویزیون آن هم رنگی چگونه است؟

جواب: جایز نیست.

۵: دیدن عکس یا فیلم زن نامحرم بی حجاب (فیلم مستقیم یا غیر مستقیم) چگونه است؟ آیا میان مسلمان و غیر او فرقی هست؟

جواب: دیدن آن حرام است و فرقی بین زن مسلمان و غیر مسلمان در این امر نیست.

۶: دیدن عکس‌های تبلیغاتی اینترنتی درون سایت‌ها چگونه است؟ دوستی دارم که می‌گوید: وقتی این‌ها را می‌بینم دیگر هیچ شهوتی در برابر دختران به من دست نمی‌دهد، این چگونه است؟

جواب: دیدن آنها جایز نیست، قرآن می‌فرماید: ﴿**قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم**﴾، یعنی: یا رسول الله بگو به مؤمنین چشم از دیدن زنان نامحرم (همچنین عکس وفیلم و غیره) بپوشانند، و راه سلامتی روح و روان، جسم و بدن انسان فقط در اطاعت خدا و چشم بستن از محرّمات است و الا هرچه انسان چشم خود را حفظ نکند بیشتر به هوس نگاه کردن و عواقب وخیم نگاه کردن مبتلا می‌شود.

۷: اگر مردی متأهل برای برطرف کرن غریزۀ جنسی‌اش به سایت‌های

اینترنتی پناه ببرد اشکال دارد؟ وظیفهٔ ما در قبال او چیست؟

جواب: بلی، اشکال دارد و وظیفه این است که او را نهی از منکر کنید.

۸: اگر از مردی بر اثر دیدن فیلم‌های مهیج و سکس آبی خارج شود حکمش چیست؟ آیا پس از خارج شدن آب از بدنش نیاز به غسل دارد؟ و آیا آن آب نجس است؟

جواب: دیدن فیلم‌های مهیج و سکس جایز نیست، لذا باید توبه و استغفار کرد و تصمیم بر ترک آن داشت، و اما آبی که خارج شده پس اگر همراه با لذت و جهش و بعد از سستی بدن باشد آن منی و نجس است و باید غسل جنابت انجام دهد و اگر با جهش و سستی بدن همراه نباشد، خیر، چنانچه استبراء از بول کرده باشد.

۹: برای تهیهٔ برنامه‌های اجتماعی به صورت فیلم و نمایش در تلویزیون جهت ارشاد جامعه و یافتن راه حل برای معضلات اجتماعی مثل طلاق یا مواد مخدر، گزارشگر از عموم مردم نظر خواهی می‌کند و گاهی خانم‌های بی‌حجاب یا بد حجاب هستند، آیا بین خانم‌های مسلمان و غیر مسلمان تفاوتی در حکم وجود دارد؟

جواب: تفاوتی نیست، زیرا اگر در وضعی باشند که پخش آن موجب فتنه و فساد باشد جایز نیست و در غیر این صورت جایز است، البته بینندگان مرد نباید تعمّد نگاه به آن داشته باشند.

۱۰: پخش و دیدن سخنرانی یا تدریس خانم مسلمان با حجاب کامل که گردی صورت و کفین او ظاهر است از طریق تلویزیون جایز است یا خیر؟

جواب: چنانچه زینتی در صورت و کفین نداشته باشد و موجب فساد نباشد اشکالی ندارد.

۱۱: آیا می‌توان فیلم‌های مستند، سینمایی، تئاترها و گزارش‌های خبری که در آن زن‌های مسلمان و غیر مسلمان با حجاب و بدون حجاب در رسانه‌های گروهی مانند سینما و تلویزیون به نمایش گذاشت؟

جواب: جایز نیست.

۱۲: آیا فیلم یا کاست‌هایی که ادارهٔ ارشاد اسلامی کشور به صرف اینکه قانوناً مجاز است پخش می‌کند می‌توان مشاهده یا گوش کرد؟ آیا قانوناً اداره‌جات می‌توانند توجیه گر شرع باشند؟

جواب: آنچه که در آن موسیقی یا غنا بوده و یا خانم‌های بی حجاب یا بدحجاب است جایز نیست و تنها شرع مقدس ملاک تمامی کارها است نه غیر آن.

۱۳: کسی که کارهای هنری مانند عکاسی، فیلم برداری، و رایانه‌ای، تبدیل و تکثیر و رایت CDهای مبتذل می‌نماید، آیا گرفتن اجرت برای او جایز است؟

جواب: آنچه موجب فساد و افساد جامعه است جایز نیست، و اجرت آن در فرض سؤال حرام است.

۱۴: چنانچه کسی بگوید این فیلم رقص را برایم تبدیل یا تکثیر و یا

رایت نمایید و اجرت هم نمی‌گیرد، آیا این کار جایز است؟

جواب: خیر، جایز نیست.

۱۵: فیلم بردار مراسم عروسی و جشن زنانه زن است و شرکت کنندها در مراسم چادر و پوشش کامل ندارند، آیا انجام تبدیل فیلم، تکثیر و رایت توسط مرد مسلمان ولی نامحرم جایز است یا خیر؟

جواب: موارد مندرج در فرض سؤال، اگر موجب نگاه کردن مرد نامحرم به عکس زن‌ها باشد جایز نیست.

رایانه

۱: شکستن قفل CD و تکثیر و رایت CD نرم افزار موجود در بازار که قفلش قبلاً شکسته شده و یا بعضی اوقات احتیاجی به شکستن قفل نیست و نرم افزار موجود در CD همراه با قفلش قابل تکثیر و رایت است، حکمش چیست؟

جواب: شکستن قفل بنابر احتیاط واجب ترک شود، بلی در صورتی که قفل آن شکسته باشد، تکثیر آن اشکالی ندارد.

۲: فردی که قصد بدست آوردن یک نرم افزار را دارد آیا مجاز است که در ابتدای امر جستجو کند که قفل شکسته است یا خیر؟

جواب: جستجو در ابتدای امر برای کشف جواز تکثیر و عدم آن احتیاطاً لازم است.

۳: به کاربر تاکید می‌کنند که حقوق (Auto play) یا حتی داخل خود نرم افزار بوسیلهٔ CD درج می‌کنند که حقوق فوق محفوظ و تکثیر آن بدون اجازهٔ آن شرکت حرام است، این قبیل موقعیت‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب رعایت آن است.

۴: برخی شرکت‌ها با هدف تسهیل در امر دسترسی شیعیان به نرم افزارهای شیعی مورد نیازشان اقدام به ساخت نرم افزارهای مورد نیاز می‌کنند، طبیعتاً رایت قفل شکسته به ضربه زدن و متضرر کردن این شرکت‌ها کمک می‌کند، نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: احتیاط واجب اجتناب از آن است، مگر اینکه با آن شرکت‌ها تراضی شود.

۵: بر روی نوارهای کاست و سی‌دی‌ها نوشته شده هر گونه کپی و تکثیر شرعاً حرام است، حال دو شخص قابل تصور می‌باشد:

۱ـ شخصی که به صورت غیر شرعی کپی وتکثیر می‌کند.

۲ـ مشتری سی‌دی‌هایی که غیر شرعی تکثیر و کپی شده است.

آیا علاوه بر کسی که سی‌دی‌ها را به صورت غیر شرعی تکثیر می‌کند مشتری هم ضامن چیزی می‌باشد؟ (گناهکار به حساب می‌آید).

جواب: در فرض سؤال، همان شخص اول مرتکب حرام شده ـ بنابر احتیاط ـ نه شخص دوم.

۶: قریب به تمام سی‌دی‌های خارجی که در ایران به فروش می‌رسند (اعم از برنامه‌هایی چون ویندوز و آفیس و نیز بازی‌ها وغیره)، بدون مجوز کپی شده‌اند، به طوری که همان سی‌دی‌ها در خارج از کشور بسیار گران‌تر هستند، و این کپی کردن، در ایران خلاف قانون نیست، اما خلاف قوانین بین‌المللی است. آیا خرید و فروش این سی‌دی‌ها اشکال دارد؟ استفاده از آن‌ها برای

افراد مقیم خارج که به علت نازل‌تر بودن قیمت از ایران سی‌دی می‌خرند چطور؟

جواب: در فرض سؤال، استفاده کردن و خرید و فروش آن اشکالی ندارد.

۷: شرکتی با مدیریت دو فرد مسلمان اقدام به فروش محصولات زیر کرده است:

۱ـ سی‌دی، نوار و کتاب‌های آموزشی نرم افزارهای کامپیوتری به زبان‌های مختلف.

۲ـ فضای ۵۰ مگابایتی در قالب وب سایت جهت ارائه محصولات و خدمات.

۳ـ ارائه کارت‌های تخفیف جهت خرید از فروشگاههای طرف قرارداد در کشورهای مختلف.

ضمناً محصولات و خدمات فوق از لحاظ ارزش اقتصادی در مجموع بالاتر از مبلغ دریافتی می‌باشد. همچنین در صورت معرفی افراد دیگر جهت استفاده از خدمات و محصولات آموزشی فوق، مبلغی به عنوان حق بازاریابی به فرد تعلق می‌گیرد که این سود با توجه به تعداد افراد دیگر معرفی شده مشخص می‌گردد. حال با توجه به این که شرایط مذکور این طرح را با طرح‌هایی از قبیل گلد کوئیست و پنتاگونا (بدلیل عدم وجود محدودیت زمانی و تعداد اعضا که در نهایت باعث اشباع بازار و متضرر گشتن افراد بسیاری می‌شود) متفاوت و متمایز ساخته است، نظر خود را در این باب اعلام فرمایید.

جواب: فی نفسه اشکالی ندارد، مگر اینکه مستلزم حرامی باشد، مانند

آموزش کارهای گناه و محرمات دیگر.

۸: رایت سی‌دی حکمش چیست؟

جواب: رایت سی‌دی در صورتی که صاحب آن راضی باشد و محتوای حرامی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

۹: اگر یک سی‌دی قفل شکسته تهیه شود (رایتی) آیا می‌توانیم از آن با رایتر خودمان برای خودمان و یا برای کسی دیگر رایت کنیم؟

جواب: در فرض سؤال جائز است.

۱۰: از آنجایی که امروزه همه از سیستم عامل ویندوز استفاه می‌کنند و می‌دانید که این سیستم آمریکایی بوده و به صورت کپی وغیر مجاز به دست ما می‌رسد، آیا استفاده آن جایز است؟

جواب: استفاده کردن از کپی آن ـ در فرض سؤال ـ جائز است.

۱۱: فردی که شغلش رایت کردن سی‌دی است و سی‌دی‌های خلاف هم رایت می‌کند آیا درآمدش حلال است یا خیر؟

جواب: از رایت کردن سی‌دی‌های خلاف خودداری نمایید، زیرا هم رایت آن و هم اجرت آن حرام است.

۱۲: اکثر نرم افزارهای کامپیوتری به صورت غیر مجاز و با قیمت ارزان در بازار قابل تهیه است در حالی که شرکت تهیه کننده این نرم افزار رضایت ندارد، آیا خرید این نرم افزارها اشکال دارد؟

جواب: خریدن آنها مانعی ندارد.

بانک‌ها (قرض و وام)

۱: چند سالی است که برخی صندوق‌های قرض الحسنه با شیوهٔ جدید اقدام به پرداخت وام می‌نمایند، به این صورت که مثلاً مبلغ شش میلیون تومان از افراد دریافت و پس از گذشت هفت ماه اصل پول را بازگردانده و دو برابر آن را نیز به عنوان وام اقساط ۹۰ ماهه به فرد داده و تقریبا مبلغ ۱۰٪ وام دریافتی را نیز به هنگام عودت به عنوان کارمزد دریافت می‌کنند، آیا از لحاظ شرعی اشکالی ندارد؟

جواب: ودیعه مقدم، برای پرداخت وام در آینده بنابر اظهر اشکالی ندارد، ولی اگر کارمزد بیش از متعارف و زیادتر از واقع باشد ربا و جایز نیست و اگر در حد مصارف صندوق باشد جایز است.

۲: یک صندوق قرض الحسنه طرحی را برای افرادی که حساب قرض الحسنه باز می‌نمایند اجرا کرده است به این صورت که ماهانه به قید قرعه به ۱۴ نفر وام جهت خرید ماشین می‌دهند. با توجه به اینکه موجودی حساب مسدود نمی‌گردد و صاحب حساب می‌تواند هر موقع پول را پس بگیرد و وام‌ها نیز به قید قرعه داده می‌شود، نظر حضرتعالی در مورد این کار چیست؟

جواب: در فرض سؤال، اشکالی ندارد.

۳: صندوق‌های قرض الحسنه‌ای که برای دادن وام شرط می‌گذارند که باید مدتی در آن صندوق سپرده گذاری باشد و با سپرده‌ها فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهند و به سپرده گذاران هیچ سودی نداده و کارمزد هم می‌گیرند، چنین صندوق‌هایی چه حکمی دارند؟

جواب: چنانچه کارمزد به اندازهٔ متعارف باشد و سپرده گذار راضی به این مدت باشد اشکال ندارد.

۴: آیا گرفتن وام با بهره از مؤسسات قرض الحسنه، حرام است؟

جواب: بلی، حرام است مگر اینکه شخص مضطر به گرفتن وام باشد یا اینکه بهره در حد کارمزد باشد حقیقتاً.

۵: در رسالهٔ حضرتعالی آمده است هرگونه شرطی در ضمن قرض حرام و ربا می‌باشد، و یک درهم ربا ـ طبق فرمایش پیامبر ﷺ ـ بدتر از هفتاد زنای با محارم در درون کعبه است. حال اگر قرض الحسنه‌ای شرط کند که وام نمی‌دهد مگر به شرط این که وام گیرنده پول خود را به عنوان سپرده در طول چند ماه در آن قرض الحسنه بگذارد تا امتیاز لازم را کسب نماید و دو برابر آن سپرده وام بگیرد، آیا این شرط ربا محسوب می‌شود؟

جواب: شرط در مفروض سؤال، از مصادیق ربا نمی‌باشد، بنابر اظهر.

۶: مقدار درصدی که بانک‌های قرض الحسنه برای وام پرداختی تعیین می‌کنند، مثلاً برای یکصد هزار تومان سه درصد و برای دویست هزار تومان شش درصد و همینطور مبالغ بالاتر و حال آن که هزینه یک میلیون تومان وام و یکصد هزار تومان یکسان است، یعنی قلم و دفتری که صرف می‌شود

برای یکصد هزار تومان وام و بیشتر از آن یکسان می‌باشد، آیا تعیین درصد به اصطلاح آقایان کارمزد، ربا محسوب می‌شود؟

جواب: چنانچه کارمزد واقعاً به اندازهٔ احتیاج و مصارف باشد اشکالی ندارد.

۷: بعضی از قرض‌الحسنه‌ها شرط می‌کنند که اول باید حداقل حسابی به مقدار ده هزار تومان در آن قرض الحسنه افتتاح کنند تا بعداً وام به آنها تعلق گیرد، آیا این شرط ربا است یاخیر؟ و آیا اصولاً قرض‌الحسنه‌ای می‌تواند برای وام‌گیرنده چنین شرطی را قرار دهد؟

جواب: اگر این مبلغ به عنوان حق الاشتراک باشد اشکالی ندارد.

۸: اگر قرض الحسنه‌ای بگوید وام می‌دهیم صرفاً به شرط اینکه چند ماه در نوبت باشید و گرنه وام نمی‌دهیم، آیا این شرط ربا است یا نه؟

جواب: خیر، چنین شرطی ربا نیست.

۹: آیا گذاردن پول در بانک‌های بلاد اسلامی به سپرده بلند مدت جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی باید فوراً خمس سود آن را بدهد.

۱۰: عملکرد بانک‌های بعضی کشورهای اسلامی در خصوص وام‌های پرداختی به شرح ذیل می‌باشد:

الف ـ در صورتی که مبلغ ۲۶ میلیون تومان وام اخذ شود و پرداخت آن با سه میلیون تومان سود جمعاً در ۴ قسط سه ماه تعیین شود، بانک پس از اخذ قسط اول (به مبلغ حدود ۷ میلیون تومان) و عدم امکان پرداخت مابقی در رسید مقرر، بدون کسر مبلغ پرداختی اولیه روی کل ۲۹ میلیون تومان

خسارت و سود به صورت روز شمار دریافت می‌نماید در حالی‌که می‌بایست جهت باقیماندهٔ وام سود در نظر بگیرد، صرف نظر از خسارت تأخیر تأدیه، آیا این عمل با شرع مطابقت می‌کند؟

ب ـ هر چه که پرداخت می‌شود می‌گویند حسب دستور هیئت دولت ابتدا باید بابت سود و جریمه کسر شود، لذا بدین منوال بدهی ما تا قیام قیامت ادامه دارد.

ج ـ ضمناً چنانچه پولی از طرف اینجانب با رسید بابت بدهی تحویل بانک شده باشد و بانک آن را بابت بدهی برداشت ننماید، آیا بانک مجاز است بابت سود و خسارت تأخیر تأدیه مجدداً جریمه دریافت نماید؟

جواب: مضافاً بر اینکه خود سود وجه شرعی ندارد و مصداق ربای محرّم است، جریمه دیر کرد (تأخیر تأدیه) نیز با هیچ یک از موازین شرعی سازگار نیست، بلکه در قرآن مجید می‌فرماید ﴿**فنظرة الی میسرة**﴾، (البقره/۲۸۰) یعنی اگر توان پرداخت به موقع را نداشت او را مهلت دهید تا زمانی‌که توان پرداخت داشته باشد.

۱۱: بانک مسکن مبلغ ۵ میلیون تومان برای تهیه مسکن در صورت سپرده گذاری در آن بانک به سپرده گذار وام می‌دهد. بانک فقط در صورت سپرده گذاری وام می‌دهد، حال اینجانب مبلغ دو و نیم میلیون تومان در آن بانک سپردهٔ گذاشته ام تا به اینجانب وام دهد و با آن خانه‌ای بخرم. حال با گذشت سال به پول سپرده خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟ (مبلغ دو و نیم میلیون تومان برای تهیه مسکن لازم است.)

جواب: بلی، خمس به آن تعلق می‌گیرد و خمس باعث برکت است، انشاء الله تعالی.

۱۲: بانک مبلغ ۵ میلیون تومان وام می‌دهد و در اقساط ۲۰ ساله پس می‌گیرد، ولی همان طور که مستحضر هستید بیشتر می‌گیرد با بهرهٔ شانزده درصد، به عبارت دیگر بنده پنج میلیون وام می‌گیرم ولی باید حدود ده میلیون در مدت بیست سال به بانک پس بدهم، آیا حضرتعالی این اجازه را می‌دهید که بنده این وام را بگیرم؟

جواب: اگر ضرورت باشد برای شما اشکالی ندارد و اضافه را به عنوان هدیه بدهید.

۱۳: با فرض اینکه گرفتن این وام ربا و حرام باشد اما بنده نیت دادن زیادی را ندارم و آنها به زور می‌گیرند، آیا گرفتن آن اشکال دارد؟

جواب: از جواب قبل معلوم می‌شود.

۱۴: اگر بنده بخواهم حق وامم را به دیگری در ازای مبلغی پول واگذار کنم باید تحت چه عنوانی باشد؟ آیا می‌توانم تحت عنوان صلح حق وامم را به دیگری در ازای دریافت مبلغی پول واگذار کنم؟

جواب: به عنوان صلح صحیح است.

۱۵: خواهشمند است نظر خود را دربارهٔ گرفتن سود از بانک و دادن بهرهٔ وام به بانک بفرمائید؟

جواب: سودی که از بانک گرفته می‌شود بعد از دادن خمس آن حلال است، و بهره دادن وام به بانک در صورت ضرورت برای مضطر مانعی ندارد و در غیر ضرورت ربا و حرام است.

۱۶: آیا سودهای بانکی که به انواع مختلف ارائه می‌شود از نظر شرعی

صحیح است؟

جواب: گیرندهٔ سود می‌تواند بعد از پرداختن خمس آن در مابقی تصرف کند.

۱۷: شوهرم مقلد مرجعی است که دریافت وام را از بانک‌ها بلا اشکال می‌داند، در صورتی که حضرت عالی دریافت وام‌های بانکی را دارای اشکال می‌دانید تکلیف اینجانب چیست؟ آیا بر من واجب است که شوهرم را از دریافت وام بانکی جهت تکمیل منزل شخصی نهی کنم؟

جواب: در فرض سؤال، شما وظیفه ندارید که همسر خود را از دریافت وام نهی کنید.

مسائل متفرقه محرمات

۱: نظر حضرتعالی در مورد ریش پرفسوری چیست؟

جواب: جایز نیست علی الاظهر، بلکه باید کامل باشد.

۲: دلیل حرام بودن تراشیدن صورت چیست؟

جواب: أدلّه حرمت زیاد است از جملهٔ آن این است که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «خدا امر فرموده است که محاسن خود را رها کرده (یعنی نتراشیم) و شارب خود را کوتاه نماییم.»

۳: اگر جوان ۱۸ یا ۱۹ ساله‌ای برای منظم در آمدن ریش خود، آن را با تیغ بتراشد، حکم آن چیست؟

جواب: تراشیدن ریش حرام است.

۴: تراشیدن ریش به وسیله تیغ یا با ریش تراش برقی که از ته می‌تراشد چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست، علی الاظهر.

۵: نظر معظم له دربارهٔ تراشیدن ریش چیست؟

جواب: تراشیدن ریش چه با تیغ و چه با ماشین نرم حرام است، علی الاظهر.

۶: مردی که محاسن خود را می‌تراشد، آیا بخاطر اصرار بر این گناه از عادل بودن ساقط می‌شود؟

جواب: بلی، اصرار بر معصیت صغیره موجب می‌شود که انسان از عادل بودن ساقط گردد.

۷: برخی از علما می‌فرمایند: اگر تا حدی ریش بلند باشد که تنها معلوم باشد ریش در می‌آوریم کفایت می‌کند، یا بعضی می‌گویند که حداکثر می‌توانید با شماره ۲ ماشین بتراشید، حدود دقیق آن چیست؟ و آیا برای بازیگری تراشیدن ریش حرام است؟

جواب: حدود دقیق آن این است که اگر شخصی شما را ببیند نگوید ریش خود را تراشیده، یا مانند تراشیده است، و در این حکم تمام مردم یکسانند و تفاوتی بین بازیگر و دیگران نیست.

۸: حد حرمت ریش زدن و کلاً تراشیدن آن تا چه حدی حرام است؟

جواب: تا حدی که دیگر نگویند (عرفاً) ریش گذارده است.

۹: مدتی است شخصی که در بین مردم به انسانی عادل و متدین مشهور می‌باشد، ادعای سیادت کرده و ابراز می‌دارد که این امر برای شخص ایشان اثبات شده است، لذا این ادعا باعث شده افرادی به نفع و افرادی بر علیه ایشان

سخن بگویند، با توجه به مسائل فوق:

۱ـ وظیفهٔ بنده در این زمینه تأیید است یا تکذیب؟

۲ـ شنیدن یا ابراز غیبت ایشان جایز است یا خیر؟

جواب: وظیفه‌ای ندارید نه تأیید و نه تکذیب، مگر اینکه به یکی از دو طرف صدق و کذب او قطع حاصل نمایید، غیبت او و شنیدن آن نیز اشکال دارد.

۱۰: آیا برای جوانی که تنها راه برطرف کردن غریزهٔ جنسی او استمنا است، باز هم این عمل برای او حرام می‌باشد و اگر حرام است لطفاً پیشنهادی در این رابطه بفرمایید؟

جواب: بر فرض بسته بودن تمام راه‌های مشروع حتی ازدواج موقت چنین شخصی باید از پرخوری، خواب زیاد و بی کاری جداً دوری نماید، و نیز از کارهای محرّک شهوت مانند نگاه به زن نامحرم یا عکس یا فیلم یا شنیدن ساز و آواز پرهیز کند، و از خدا استمداد در غلبهٔ بر نفس اماره نماید و از او کمک بگیرد که معصیت نکند و نفس خود را متوجه زیان‌های روحی و جسمی آن مانند ضعف اعصاب و دید بلکه احیاناً کوری و جنون و غیره نماید، تا آن که دیگر هرگز دست به این کار نزند.

۱۱: من مدت ۱۰ سال است که به بیماری استمنا دچار هستم و تمام تلاش‌هایم جهت ترک آن به شکست انجامیده است، از شما خواهش می‌کنم مرا راهنمایی کنید؟

جواب: البته علاج‌های زیادی در رابطه با این بیماری در کتب مختلف و مجلات طبی ذکر شده که بعضی از آنها عبارتند از:

۱ـ تقویت روح و اراده با کم خوری و کم خوابی.

۲ـ تا می‌توانید از تنها بودن بپرهیزید.

۳ـ متذکر زیان و ضررهای فراوان جسمی و روانی آن باشید.

۴ـ خود را مسؤول هدایت خویش و ارشاد دیگران بدانید، و در این زمینه گام برداشته و اقدام به تأسیس هئیت حسینی، کتابخانه و جلسات قرآنی همراه با جوانان هم سن و سال خود بنمائید.

۵ـ همیشه خود را به کارهایی مانند مطالعهٔ تفسیر، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و روایات اصول کافی مشغول نمائید.

۶ـ علاج اصلی این بیماری در ازدواج است و سعی در ساده بودن آن نمائید.

البته مخفی نماند که دیدن عکس‌های مهیج و فیلم‌های فاسد کمک زیادی به حالتی که شما را گرفتار کرده است می‌کند، امید است که در ترک این عادت حرام موفق شوید.

۱۲: در ایمیل اینجانب عکس‌هایی مستهجن می‌رسد که غالب اوقات آن را پاک و رد می‌کنم و گاهی هم از کنجکاوی آن را نگاه کرده‌ام، اکنون دیگر بنا ندارم که ببینم آیا تاکنون گناه بوده است؟

جواب: اگر متعمداً نگاه نمودید گناه است، و باید توبه نمائید.

۱۳: آیا پوشیدن طلای سفید برای مرد جایز است؟

جواب: طلای سفید اگر پلاتین باشد جایز است ولی اگر همان طلای زرد است که توسط ماده شیمیایی سفید گردیده جایز نیست.

۱۴: آیا شما معتقد به سحر و جادو هستید و در کل معتقد به بستن بخت دختر یا پسر از طرف دیگران می‌باشید؟ اگر چنین چیزی را تأیید

می‌فرمایید آیا به باز کردن و باطل کردن آن از طریق دعا و کارهایی از این قبیل معتقد هستید؟

جواب: قرآن مجید می‌فرماید: ﴿**وما هم بضارين به من أحد الا بإذن الله**﴾، (البقرة/۱۰۲) ساحران نمی‌توانند با سحر خود ضرری به احدی بزنند مگر به اذن خدا، بنابراین انسان باید اولاً خوش بین بوده و به احدی بد بین نباشد، و ثانیاً باید از شر سحر و ساحران به خدا پناه برده و مداومت بر خواندن چهار قل و آیات ۵۴ تا ۵۶ سوره اعراف در هر روز بنماید. البته خواندن تعویذات بطلان سحر و دفع کنندهٔ شیاطین، جادوگران و جنیان که در حاشیهٔ مفاتیح الجنان در باب سوم آن آمده نیز بسیار مفید است، ان شاء الله تعالی.

۱۵: سال‌ها است که از ازدواجم می‌گذرد و دارای دو فرزند می‌باشم. از آغاز زندگی مشترک متأسفانه من، همسر و فرزندانم را از طریق سحر و جادو با مشکل روبرو ساخته‌اند که آثار آن را در زندگی و محل کارم مشاهده می‌کنم، به همین خاطر مجبور به خرید یک سگ کوچک شده‌ام زیرا شنیده‌ام وجود سگ در منزل موجب خنثی شدن سحر و جادو می‌گردد، حال نمی‌دانم نگهداری سگ چه حکمی دارد؟

جواب: برای در امان ماندن از شر سحر، جادو و چشم بد باید مداومت بر خواندن سورهٔ حمد و «چهار قل» یعنی سوره‌های کافرون، توحید، فلق و ناس نمود، هم چنین خواندن آیه سخره (آیات ۵۶- ۵۴) سوره اعراف که مداومت بر خواندن آنها موجب حفظ انسان از آثار سوء سحر، جادو و مواردی از این قبیل می‌شود. ضمن این که بر شخص مسلمان واجب است از راه شرعی نا بسامانی‌های خود را معالجه نماید و از نگهداری سگ و مانند آن در خانه جداً خودداری

کند، زیرا در روایت است که ملائکهٔ رحمت در خانه‌ای که سگ باشد وارد نمی‌شوند، علاوه بر آن سگ نجس است و باعث بروز آلودگی و بیماری‌های مختلفی می‌شود.

۱۶: لباس‌های چسبان به بدن برای مردان و زنان در دید مردم مثلاً در شهر و بازار چه صورت دارد؟

جواب: بهتر است از پوشیدن این گونه لباس‌ها اجتناب شود، چنانچه سبب فتنه و فساد نباشد و الا جایز نیست.

۱۷: پوشیدن لباس شبیه لباس مردان برای زنان و عکس آن چگونه است؟ زنانی که موی سر خودشان را مثل مردان و مردانی که موی سر خود را مثل زنان درست می‌کنند حرام است یا حلال؟

جواب: مردها نباید خود را شبیه زنان و همچنین زنان نباید خود را شبیه مردان در آورند.

۱۸: در بین مردم رسم و رواج پیدا کرده که ناخن‌های خود را از حد معمول بلندتر می‌کنند، بلکه خیلی هم بلند دیده می‌شود مخصوصاً زن‌ها، این کار چه صورت دارد؟ و مطلب دیگری که در بین زن‌ها رواج پیدا کرده این که بدون جوراب در شهر و بازار راه می‌روند، حکم آن چیست؟

جواب: بلند کردن ناخن‌ها ـ چنانچه تمییز و مستور از نامحرم بماند ـ اشکالی ندارد، و بر زنان واجب است پشت پاهای خود را از نامحرمان بپوشانند.

۱۹: زنانی که خود را می‌آرایند و در شهر و بازار و غیره می‌روند، وظیفهٔ

دیگران نسبت به آنها چیست؟ و حکم این عمل چه صورت دارد؟

جواب: این عمل حرام است، و دیگران باید آنان را (با حکمت و موعظهٔ حسنه) نهی از منکر نمایند.

۲۰: دیدن زنانی که لباس غیر پوشیده دارند برای زنان حرام است یا خیر؟

جواب: نگاه در فرض سؤال، اگر سبب فتنه و فساد شود حرام است.

۲۱: رقصیدن مادر و پدر برای فرزند چگونه است؟

جواب: جایز نیست.

۲۲: حکم رفتن به سینما که الان تفریحی شده است برای خانواده‌ها چیست؟

جواب: اگر توأم با محرمات و بد آموزی نباشد جایز است.

۲۳: حکم رقص زن برای شوهر چیست؟

جواب: رقصیدن زوجین برای یکدیگر اشکالی ندارد.

۲۴: آقایی از قول مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد شیرازی قدس سره می‌گوید رقص حلال است، و باز نقل می‌کند که می‌توان در مجالس عروسی نوار گذاشت و اشکالی ندارد، آیا این گفته درست است؟

جواب: به نظر مرحوم آیت الله حاج سید محمد شیرازی ـ اعلی اللهدرجاته ـ رقص معمولی (نه حرفه‌ای) زن برای زنان و مرد برای مردان اشکال ندارد به شرطی که با فعل حرامی همراه نباشد و منظور ایشان از نوار در عروسی نوار غنا خالی از موسیقی (نه همراه با موسیقی) است، ولی به نظر آیت الله حاج سید

صادق شیرازی ـ دام ظله ـ رقص حرام است مگر رقص زن برای شوهرش و بالعکس.

۲۵: نگاه کردن به کسانی که می‌رقصند چگونه است؟

جواب: اگر عنوان حرامی منطبق شود مثل اعانت بر اثم، یا ترویج باطل حرام است، والا فلا.

۲۶: دلیل حرمت رقص چیست؟

جواب: روایت معتبره‌ای که در خصوص رقص است: قال رسول الله ﷺ «**أنهاکم عن الزّفن**»، (کافی، ج۶، ص۴۳۲).

۲۷: کف زدن به صورت مطلق در هر مجلس عروسی، مولودی و میهمانی بدون آلات لهو چه صورتی دارد؟

جواب: کف زدن معمولی فی نفسه جائز است.

۲۸: آیا بازی کردن با آلات قمار بدون برد و باخت (مجانی بازی کردن) جایز است یا خیر؟

جواب: خیر، جایز نیست.